

دائرۂ فوجہ



شماره دلو ۱۳۴۷



متن کتیبه و تاریخچه توپ (چاریاری)

معروف به توپ الله اکبر

این توپ در عهد امیر شهنواز خان پسر امیر سلطان احمد خان محمد زائی فرما نروای هرات در سال (۱۲۷۹ هجری قمری) یعنی ۱۰۹ سال قبل توسط هنرمندان و صنعت گران هرات ساخته شده است .

این توپ عظیم جزء شهکار های تاریخ درخشان افغانستان عزیز بخصوص خطه باستانی هرات میباشد که در محاربه پر افتخار میوند نیز یکی از عوامل فتح و ظفر دلاوران افغانی بمقابل انگلیسها (۲۹ سرطان ۱۲۵۹ شمسی مطابق ۱۷ شعبان ۱۲۹۷ ش. ق برابر ۲۱ جولای ۱۸۸۰ عیسوی) بشمار رفته است . اکنون این توپ بیادگار در کنار آبدۀ شهدا در نزدیک رواق شرقی جامع معروف هرات در محوطه پارک شهدا نهاده شده است .
(متن کتیبه که در توپ موصوف حاک شده است)
(الملك لله تعالى شانه - واطمس علی وجوه اعدائنا یا قاهر - حسب الحکم امیر اعظم امیر شهنواز خان خلد الله مالکة و سلطانة ... در دار السلطنة هرات صانها الله عن الافات ... عمل استاد ابراهیم الشهانی)

کتب و آثاریکه درباره سلطان احمد خان و فرزندش شهنواز خان و همچنین را جمع بتاریخ توپ بزرگ (چاریاری) معلومات میدهد :

سراج التواریخ	تالیف فیض محمد خان
افغانستان، در قرن ۱۹	« رشتیا
عروج بار کزایی	« ادوارد الایسس پیرس
خاطرات پاتنجر	« پاتنجر
ناسخ التواریخ	« محمد تقی سپهر (لسان الملک)
تاریخ هرات باستانی	« استاد فکری سماجوقی
هرات سرزمین علم و دانش	« ظریف صدیقی
رهنمای هرات	« محمد ابراهیم رجائی
آثار تاریخی هرات	« مرحوم گو یا اعتمادی
چند روز در هرات	نویسنده عبدالحق واله
افغانستان	تالیف هملتون

صفحه	مضمون
۱	ای پاسدار آزادی و شرافت
۳	مسأله بمباردمان ویتنام شمالی
۷	پروگرامهای دفاعی ایالات متحده امریکا و کانادا
۱۳	چرا بشر میخواهد به ماه برود؟
۲۰	مسئله ویتنام در کنفرانس صلح پاریس
۲۸	استعمال ماهرانه قوتهای زمینی در محاربات مدرن و اتمی
۳۲	سیر انکشاف اردو در مسیر تاریخ
۳۶	توازن قوا در محاربه
۴۰	حفظ و مراقبت تانکها در شرایط اراضی بایکار بردن . . .
۴۴	وحدت ملی یا یک ضرورت مبرم و حیاتی مردم
۴۶	قهرمانی از قلمرو افتخار
۵۱	مقایسه قدرتهای بحری ممالک بزرگ جهان
۵۶	شعر و ادب
۵۸	بطریه دافع هوا در محاربه تصادفی
۶۱	تعرض تا نکها از بحر
۶۲	ژوند او کار
۶۵	صحنه های درد ناک در جبهه عساکر فرانسوی و المانی
۷۲	اکمال و نگهبانی تخنیکی کندک تانک در تعرض
۷۵	ابتکارات جالب و اخبار جدید صنعتی
۷۶	در سنگر
۷۹	التلیک
۸۱	په افغانستان د صفویانو نفوذ
۸۵	خوانی او دخوانانو دژوند با ارزبته دوره
۸۷	اعلام لغات و اصطلاحات معاصر
۹۱	اخبار اردو
۹۶	ما و خوانندگان
۹۹	مشغولیتهای فکری



ای پاسدار آزادی و شرافت !!

باقامت رسا و باچشمائی نافذ و باروحی سرشار از جذبات اسلامیت و با قلبی لبریز از احساسات وطن پرستی و افغانیت، در برابر دیدگان ما جلوه نمائی می کنی، این لباس سربازی و این سلاح مقدس که برچه براق درخشانش، چشمها را خیره میسازد، این حرکات موزون و این رفتار قهرمانانه و این زمزمه سردانه وار که موجی از شکوه عشق بوطن و ملت را در فضای لایتناهی طنین انداز میگرداند، همه و همه برآزنده روح مصفا و قلب بی آرایش تست .

آنگاه که بر فراز صخره های سهمگین و در آغوش قلل جبال شامخ و سر به فلک کشیده این مرز و بوم، چشمان پر فروغت را بسوی حدود و ثغور کشور میگشائی و پاسبان آزادی و شرافت هموطنان و سرزمین باستانی خود می باشی با خبر باش که فرشته های آسمان، بال و پر خود را در زیر پایت می گسترانند و سروش غیبی، ترا وعده دیدار خدا و جنت الفردوس عطا می فرماید .

باخبر باش که در دل شبها آنگاه که در های رحمت ایزدی باز است و آنگاه که هیچ حجابی بین خدا و بنده پریمیز گارش حایل نیست، توبا و وظیفه پاسبانی خویش مقام و منزلتی بس رفیع و بزرگوار را در پیشگاه عدالت و رحمت خداوندی دارا هستی !! آری، هموطنانت به خواب ناز فرو رفته اند و در بستر آسایش و آرامش غنوده اند چه شبهائی است که مردمی با تفریحات گوناگون و بزم های پر لذت و مجالسی شیرین و دلنشین، بیخبر از هر گونه رنج و مرارتی در آغوش پریمهرگان و در برابر ساز و آواز و دف و چنگ بسر می برند و تو ساعت ها در میان طوفان برف و باران و در کنار بیسه ها و برج و باروهائی که هر لحظه خطر مرگ را در پیش نظرت مجسم میسازد، پاسدار بی ریا و بی شائبه کشور نامدار خود هستی، خواب را در دیدگانت راه نیست و سینه خود را بدون هیچگونه قید و شرطی سپر بلا و آماجگاه تیر دشمنان میسازی، این فداکاری و سربازی و این ایثار و جانبازی، کار آسان و ساده نیست، قلبی میخواد پولادین و ایمانی می طلبد با ستواری و پایداری کو هیایه ها و می بینیم که این شرایط در بیکر ناز نین تو جمعست، شاید مردمی باشند که ارزش این (لطفاً ورق بزیند)

اندیشه های بزرگان

دوای همه درد هائیکمی است
بشرط آنکه ندانند شما نیکیدو
گر نه نخواهند گذاشت شما
نیک بمانید. محمد حجازی

لذتیکه از علم حاصل میشود
بی آرایش است افلاطون

فهمیدن همیشه بهتر از
آموختن است. گوستاو لوبون

در معاملات زندگی
کسانی موفق میگردند که
از مشاغل خویش طوردوامدار
احساس سروور ضائیت نمایند.
تارو

ظرفیت، اهلیت و وفاشعاری
اوصاف و متاعی است که
منفعت و اعتماد بار میآورد
ولی وجدان پاک و آرام به
یقین در آینده طولانی کامیابی
تصیب میکند. هانری بیچر

مشق نویسندگی، سرور و
فرزادگی می آورد و قلب
نویسنده بهرور زمان جوش و
جذبه پیدا میکند. (لااوفید)

تمام غرورها و خودپرستیها
مباح است بجز آن خود منشمها و
جاطلبیها بیکه منجر بضرر و
فاجعه حال دیگر اینای بشر
گردد. جوزف کتراد

از آن کسان نباشید که
بر مردم تنگ میگیرند و بر
خویش آسان. دلتنگ میاش
زیرا دلتنگی ترا در دنیا و
آخرت بی بهره میسازد.
(حضرت محمد ص)

نیکمی همه چیز را مغلوب
میکند و خودش هرگز مغلوب
نمیشود. تولستوی

هرگاه ستاره بی سقوط کند و
خاموش گردد باز هم نور آن
ممکن است برای قرنهادر صفحه
گیاهی درخشان بوده و به زمین
چشمک بزند بهمین ترتیب
هرگاه اشخاص بزرگ بمیرند
و خاک شوند، پرتو اندیشه
های آنان راهر و نسلهای
آینده رادرخشان نگاه خواهد
داشت. لانک فیلو

فلسفه دیموکراسی باین
عقیده استوار است که:
از اشخاص عادی نیز میتوان
انتظار و توقع انجام کارهای
بزرگ را داشت.

هاری فوسدیک

وطن من سراسر جهان
و مذهب من نیکو کاریست.
توماس پین

کشور می شمارند چشم امیدیک ملت
بزرگ بسوی تو دوخته است زیرا
شرافت و آزادی ما بهمت والا و
ایشار و قربانی تو ارتباط دارد ای
سرباز مجاهد و ای پاسبان آزادی
و شرافت! ترا از صمیم دل دوست
داریم و دلهای ما بهوای تو میتپد
شاد و مسعود و موفق باشی!!

حق و عدالت و در راه ایثار و قربانی
کمر بسته ای و این راهیست که بسوی
خدا منتهی میشود.

ای پاسدار جوان و قداکار!

دعاها و آرزوهای مردم پاکدامن
و ملت نجیب افغان بدرقه راه
تست، همه دست حاجت به آسمان
دارند و ترا شریفترین فرزند این

فداکاریها و جانبازیها و رنج و آلام ترا
لداندند و شاید هم کسانی پیدا شوند که
موجودیت ترا زاید و بی لزوم بشمارند
و شاید سبکسران و کوتاه نظرانی
یافت شوند که از کنار تو باغرور و
تبختر بگذرند و اعتنائی به حیثیت و
مقام والای تو نکنند، اما ترا چه باك
که زحمت و مرارت و شور و هیجانت
از روح با عظمت و از سر چشمه فیاض
دین مقدس اسلام، مایه میگیرد،
تو در ورای این زندگی عاریت و در
پهلوی این حیات پنجره و زه، توجه
به زندگی ابدی داری، تو میدانی
که روزی بحسابها رسیدگی میشود
و در آن صحنه کشمکش ابدی و در
آن دادگاه عظیم و پر مهابت، داورینها
بدست احکم الحاکمین است و در آن
قرصت حجابها برداشته میشود و دست
و پای و زبان آدمی یا آنچه کرده است
شهادت میدهد، آنجا محل فریبکاری
و حق تلفی نیست، آنجا مقامی است
که همگان در برابر ترا زوی عدل
و انصاف الهی قرار دارند، آنجا است
که پاسبان و سر باز اسلام قدر و منزلت
خود را درمی یابد و می بیند که این
لحظات کوتاه بهره و حفاظت از مرز
و حدود خطه اسلام تا چه اندازه در
پیشگاه پروردگار بزرگ، ارزش
و مقام معنوی دارد!!!

ای سرباز فداکار و ای پاسبان

آزادی و شرافت!

بگذار که دیگران هر چه میخواهند
بگویند تو فرزند فطرت و سرباز رشید
این سرزمین پهناور و مردخیز هستی
با ایمان قوی در برابر شدائد و مشکلات
زندگی پیچیده در افکن و از هیچ آفریده ای
در راه و طیفه و حق پرستی اندیشه مکن
، پاک باش و با قلب پاک پاسدار آزادی
و شرافت ملت و وطن خویش باش!
زخارف دنیوی و جلال مادی هرگز
نیاید ترا در زندگی از راه راست و
لذا ند معنوی منحرف سازد تو در راه

مسأله بمباردمان ویتنام شمالی

مطالب مندرجه این مقال عبارت از تحلیل و نظریات نویسنده به استناد اخبار روزمره بوده مأخذ دیگری ندارد

نویسنده: دگروال ارکان حرب

محمدیحیی نوروز

اعلامیه تاریخی اول نوامبر ۱۹۶۸ حکومت ایالات متحده امریکا به انتظار چهار ساله میامونها افراد بشر پایان بخشید. چونکه در این روز بنا بر تصمیم لیندن جانسن رئیس جمهور و قوماندان کل قوای مسلح امریکا بمباردمان ویتنام شمالی از طرف طیارات امریکائی که تقریباً چهار سال قبل آغاز یافته بود متوقف ساخته شد.

از روزیکه امریکا به بمباردمان ویتنام شمالی تصمیم گرفت، محافل جهان این اقدام را با احساسات مختلط استقبال کردند. عده از نظامیان امریکا و جهان غرب و کذا سیاستمداران و مردم عادی دشمن سرسخت کمونسستها این قدم امریکا را در راه توسعه جنگ طولانی جنوب شرق آسیا قدم مهمی بسمت موفقیت نظامی آن کشور و متحدین آن قبول نموده ازینکه امریکادر راه مغلوب ساختن دشمن معند و سرسخت خود قرار جریئتکارانه داده بود به خود تبریک میگفتند. استدلال این طبقه چنین بود که ویتنام شمالی با بنیه نظامی و اقتصادی ضعیف خود تاب چنین بمباردمان مدهش و تخریب کننده را نخواهد آورد و به زودی جنگ گریلانی در ویتنام جنوبی به اختناق دچار خواهد شد.

عمومی دوم ریخته شده بیشتر و دارای قدرت تخریب بزرگتر بوده است. لذا طرفداران بمباردمان به این عقیده بودند که در صورتیکه المان نازی با اقتصاد پیشرفته نفوس زیاد و قوای حربی ممتاز خود در آن موقع نتوانست از تخریب ماشین حربی اش بالاثربمباران طیارات امریکا و متحدین آن جلوگیری نماید ویتنام ضعیف چگونه میتواند در زیر چنین حملات به مقاومت دوام بدهد.

اما وجود داشتند عده در داخل امریکا و ممالک مختلفه جهان که این قدم توسعهی رایك حرکت منفی و بی نتیجه دانسته معتقد بودند که ویتنام شمالی آنقدر که مقامات عسکری امریکا سنجیده اند به مقابل حملات هوائی حساس نمیشد. اگر چه در آن مملکت دستگاه های صنعتی محدود و خطوط مواصلات که برای ویتنام شمالی دارای اهمیت است و جود دارد اما اتکاء مملکت بالخاصه قوای عسکری آن به حاصله صنعتی و

همچنان سرك ها و خطوط مواصلات منظم به پیمان نه نیست که از بین رفتن آن بتواند قدرت مقاومت آن کشور را طوره موثر صدمه دار بسازد.

علل نظامی بمباردمان و نتایج آن:

مقامات نظامی امریکا اساساً به مقصد جلوگیری از نفوذ روز افزون عساکر، اسلحه و سائط و مواد اکمال ویتنام شمالی به طرف جنوب، بمباران را آغاز کردند. چونکه بعد از سالهای طولانی مجادله و انتظار، قوماندانی قوای امریکا به این قناعت رسید که مقابله با ویتکانگ ها که منحصرأ بالاسلحه و سائط ویتنام شمالی مجهز میگرددند و محاربه با عساکر ویتنام شمالی که به تعداد روز افزون داخل ویتنام جنوبی شده میروند به نتیجه مطلوبه نمیرسد الا در صورتیکه منابع این اکمالات و سوقيات تخریب یا تحت فشار گرفته شود. برای ایتکار وسیله بهترین پوتانسیل عظیم قوای هوائی امریکا بدسترس شان موجود

بود که بنا بر حسابات الیه بدون تلفات قابل توجه از عهده این کار بدر شده میتوانست .

اگر جنرال مکارتر را مریکایی قوماندان نامی حرب عمومی دوم و حرب کوریا زنده میبود آرزوی دیرینه خود را برآورده مییافت هفده سال قبل زمانیکه جمهوریت مردم چین اردو و وسائط خود را از دریای یا لو عبور داده قوای امریکای مثل متحد را در کوریا به وضع خطرناک دچار ساخت جنرال مکارتر تصمیم گرفت که مراکز اکمال شمال دریای یا لو در خاک چین را توسط قوای هوایی امریکا بمبارد کند تا سلسله اکمالات از سرچشمه آن خشک گردد . در آن زمان حکومت امریکا و مقامات نظامی واشنگتن با این تصمیم او مخالفت کردند و جنرال مکارتر را مجبور به استعفا نمودند . اینک در یک حرب مشابه با دشمنان مشابه در عین قاره مقامات نظامی واشنگتن اینبار برعکس حرب کوریا به بمباران منابع اکمال قرار دادند .

قوای هوایی امریکا بمباردمان را بشکل متزاید و با در نظر داشتن ملاحظات علمی پسیکولوژیک اجرا نمودند . ابتدا طیارات بم افکن خود را بالای مراکز تعلیم و تربیه عسکری ، بارکها خطوط اکمال و مواصلات نظامی و وسائط نقلیه عسکری درخشکه و دریاها فرستادند . متعاقباً بمبارد راه های اکمال را عمومیت دادند و تا بمباردمان خطوط اکمال ویتنام شمالی با جمهوریت مردم چین پیش رفتند . بعداً مناطق صنعتی بالخاصه کامپلکس حوزه هانوی ، هایفونگ را هدف نظامی قبول کردند . در بدایت از بمباران مستقیم هانوی به دقت احتراز کردند تا به مردم

پایتخت و بزرگترین مرکز جمعیت ویتنام شمالی تاثیرات مرگ زای بمباردمان هوایی را در نقاط دیگر نشان داده تاثیر « خوف از مرگ بدتر از مرگ » را بالای شان اجرا کنند و آنها را مجبور به حاضر شدن بالای میز مذاکره نمایند . بالاخره با دوام مقاومت ویتنام شمالی چاره

قرائش افکار

* تجربی به معلم سختگیری است - او اول امتحان میکند و بعد درس میدهد .

* در دنیا فقط یک حقیقت وجود دارد و آن شناسایی ذات است .

* اگر خواهی پرده تودریده نشود پرده کس مدر .

* اگر خواهی در شمار دادگران باشی زیردستان را بطاقت خویش نکودار .

* آنروزیکه بشر به رشد فکری برسد احتیاجی بقانون نخواهد داشت .

* راستگویی مایه اطمینان و دروغگویی موجب اضطراب است .

* تاریخ ادبیات یک قوم قبایله ملیت و سند استقلال آن قوم است .

* تنها تأسف من اینست که چرا بیش از یک جان ندارم تا در راه میهن فدا کنم .

(سانس)

جز این نماند که تمام قیود را بردارندهانوی و هایفونگ بزرگترین بندر بحری و راه ارتباط ویتنام شمالی با ممالک صنعتی سوسیالیست به شدت تحت بمباردمان قرار داده شد .

یک سال بعد بیلائنس بمباردمان روشن بود : مردم ویتنام شمالی نه

تنها مقاومت کردند بلکه عملاً ادعا نمودند که تولیدات زراعتی و حتی صنعتی شان بالا رفته است گویا از بمباران منطقه صنعتی هانوی ، هایفونگ که انتظارات زیاد از آن میرفت نتیجه به نفع امریکا حاصل نشد . ادامه زندگی فعال مردم ویتنام شمالی بزیر آتش طیارات غول پیکر نه تنها حرب گریلانی ویتنام جنوبی را به پیمانۀ سابق محافظه کرد بلکه در بعضی موارد به شدت و تاثیر آن افزود .

مدافعه اکتیف و وسائط دافع طیاره ویتنام شمالی که عمدتاً بالای وسائط راکت دافع طیاره شام ساخت اتحاد شوروی استناد میکند نتایج مهم بار آورد : با سانس ادعای هانوی متجاوز از سه هزار دوصد طیاره امریکا بر فراز قلمرو ویتنام شمالی سقوط داده شده که اگر کمی بیشتر از نصف آن مستند باشد بادر نظر داشتن قیمت طیارات عصری ب-۵۲ - اف ۴ و فانتوم که عصری ترین و پر قیمت ترین طیارات عسکری دنیا میباشد میتوان گفت چنین خساره در هیچ حرب هوایی به هیچ کشور در جهان وارد نشده است اگرچه طیارات امریکائی مراکز پرتاب راکت ها و ترتیبات دافع طیاره ویتنام شمالی را به شدت بمبارد و عده زیاد آنها را تخریب نمود . اما اکمال لاینقطع وسائط سذکره از طرف اتحاد شوروی به ویتنام شمالی قابلیت داد روز بروز بمباردمان هوایی را برای امریکائیان به قیمت بیشتر تمام کند .

بناءً در حقیقت بعد از شروع بمباردمان ویتنام شمالی طوریکه مقامات نظامی امریکا پیش بینی میکردند نه تنها از تعداد تلفات شان کاسته نشد چونکه حرب گریلانی ویتکانگ بهمان شدت سابقه دوام

نمود بلکه باریزرگ تلفات و خسارات هوایی نیز بر آن افزود گردید.

آیا این بمباردمان برای ویتنام شمالی به قیمت تمام شده است؟

آنچه واضح است مردم ویتنام شمالی در تحت بمباردمان رنج فوق العاده کشیده و کشور مذکور خسارات هنگفت مالی و تلفات جانی را متحمل شده است. هزاران نفر ملکی با وصف تدابیر منظم تخلیه شهرها و نقاط پر نفوس هلاک گردیدند. اکثر فابریکه های صنعتی، خطوط مواصلات، استیشن های ریل، پلها، میدان های هوایی و هزاران خانه مسکونی به خرابه مبدل گشته، اکمالات ضروریات زندگی و بالنتیجه حیات اجتماعی دچار سکتگی و اختناق گردیده است. اما چنان بنظر می آید که انتظام و کنترل مملکتی هرگز از دست نرفته است.

خسارات خطوط مواصلات به حدی زیاد بوده که در سال اول بمباردمان جمهوریت مردم چین جزو تام ها و عمله انجنیری معتنا بهی به ویتنام شمالی فرستاد تا سرک ها و پلهای تخریب شده را مجدداً اعمار کنند. اما مردم ویتنام شمالی برای اجرای انتقالات به جاده ها منحصر نمانده از پیماده روها، خلال جنگل های انبوه، دریا های کوچک، کانال ها خلاصه بهر صورت ممکنه اکمالات شانرا اجرا کردند.

بالاخره در خلال اصرار و تقاضای دوامدار حکومت ویتنام شمالی در باره قطع بمباردمان طیارات امریکائی شرط گذاشتن این اصل قبل از هر گونه مفاهمه و مذاکره صلح اگرچه اصلاً جنبه سیاسی و پسیکولوژیک دارد نمی شود تاخی، خستگی و رنج مردم آنرا از ادامه بمباردمان نادیده گرفت.

تأثیرات سیاسی بمباردمان:

نتیجه سیاسی بمباردمان برای طرفین نسبت به نتایج نظامی آن مهمتر جلوه میکند. از نگاه جهان خارج در حرب ویتنام اصلاً عوامل پسیکو لوژیک نظر به جریانات عسکری همیشه بارزتر بوده است (البته عقیده کسانی که کشورشان صحنه حرب بوده خودشان در معرض قتل و دارائی شان در خطر تباهی قرار دارد غیر از این است). این موضوع زاده سرعت مواصلات و نزدیک شدن بی سابقه افراد ملل مختلفه جهان به یکدیگر است در تاریخ حرب هیچ حرب محدود مانند حرب ویتنام افکار مردم دنیا را تحت تأثیر قرار نداده و حرب سرد ضمیمه آن به این پیمانانه جهان شمول و موثر نبوده است. بالآخر تأثیر افکار مردم جهان، رول مقامات نظامی محاربه کننده بالخاصه امریکا در سوف و اداره حربی که به اتکاء به خون پرسونل و منافع خود پیش میبرند دچار سکتگی ها و محدودیتهای فراوان می باشد. تصمیمات مهمه و حتی قرارهای عادی که معمولاً وظیفه قوماندانان محلی است در چوکات دولت و از طرف مقامات سیاسی داده میشود. که این مقامات وظیفه در فیصله های شان جریانات سیاسی در جهان را به دقت مدنظر میگیرند.

از روزیکه امریکا به این بمباردمان دست زد افکار عامه مردم دنیا را برانگیخت. اصل ماهیت بمباردمان بر علیه ملت در حال رشد و از طرف یکی از بزرگترین قدرت های عالم برای مخالفت اکثریت مردم جهان باین امر کافی بود. بروز خطاها و حوادث ناگوار اتفاقی و عمدی در ساحه سیاست و ستراتیژی و تکتیک از جانب امریکا، ویتنام جنوبی و

متحدین آنها افکار مردم جهان را طوری تحت تأثیر قرار داد که از هر گوشه کره زمین بشمول خاک امریکا صدای احتجاج بلند گردید. نه تنها اکثر زمامداران جهان بشمول متحدین صمیمی امریکا مانند برطانیه و کانادا در بیانات شان احساسات مخالفانه ملت های شانرا علیه بمباردمان منعکس نمودند بلکه اشخاص موردا ترام بشریت مانند تانت سرمنشی ملل متحد و حتی پاپ پال ششم رهبر رومن کاتولیک های جهان علماً با مخالفین ویتنام شمالی پیوسته در راه قطع آن به اقدامات پرداختند.

علل قطع بمباردمان:

قطع بمباردمان ویتنام شمالی از طرف امریکا دو نوع علت دارد: نظامی و سیاسی.

در ساحه نظامی، علیرغم ادعای مقامات عسکری امریکا که بمباردمان ویتنام شمالی را دارای تأثیرات منفعت بخش برای قوای نظامی امریکا در ویتنام خوانده اند با توجه با آنچه قبلاً تذکر داده شد در صحت این ادعا شک و تردید زیاد موجود است. بلکه این یک جزو لازمه حرب پسیکو لوژیک از طرف امریکا می باشد. یعنی امریکا و هیچ کشور دیگر اصولاً نمیتواند در چنین وضعیتی، ناچیز بودن نتیجه مساعی چندین ساله خود را اعتراف نماید. ورنه یک مقایسه بسیط واضح میگرداند که از نقطه نظر عسکری خسارات متحمل شده از طرف امریکا نسبت به منافع آن بیشتر بوده است. بناء علت حقیقی قطع بمباردمان از نظر نظامی جلوگیری از خسارات و تلفات مزید مادی و صدمه بر پرستیژ عسکری اردوی امریکا می باشد.

علت سیاسی این اقدام مجبوریت تسلیم به افکار عامه جهان خارج و

دانشی که سود ندهد گنجی است که از آن خرچ نکنند .
حضرت محمد (ص)
از بزرگی پرسیدند که چرا احترام آموزگار را از پدر
بیش میداری .
جواب داد : پدر فراهم سازنده زندگانی فنا پذیر من
است و آموزگار سبب حیات جاودانی من .
استاد پرورنده روان و مادر و پدر پرورش دهنده
جان است .
قابوس شمشگیر

از طرف ویتنام جنوبی و امریکا که
چند ساعت بعد از انفاذ نقض گردید
ولی باید به خاطر داشت که چنین
دلسوزی‌ها در گذشته نیز در ویتنام
صورت گرفته اما به قطع حرب کمک
کرده نتوانسته است .

در مذاکرات پاریس دو مدت
چند ماهی که از شروع آن میگذرد
وقت طرفین بیشتر به گفتگوهای
طریقوی و موافقه در باره شکل اجرای
مذاکرات سیری شده که حتی مسائل
اساسی مانند اشتراک جبهه آزادی ملی
ویتنام جنوبی در مذاکرات بشکل
جداگانه یا بحیث جزوه هیئت ویتنام
شمالی شکل می‌مذاکره و ترتیب
اجندای مجالس تا کنون فیصله نشده
باقی مانده است .

از جانب دیگر حکومت ویتنام شمالی
قطع بمباردمان امریکا را پیروزی
بزرگی میدانند که بالاتر همت
و مجاهده ملت ویتنام و تاثیر ترتیبات
مدافعه اکتیف و پاسیف آنها بمقابل
حملات هوایی امریکا نصیب شان
شده است . وینا حاضر نیستند در
مقابل تصمیم قطع بمباردمان
سیاسگزاری نشان دهند و لذا بالای
موقف سابقه شان در مذاکرات پاریس
اصرار می‌ورزند . (بقیه در صفحه ۹)

نومبر خود به آن اشاره نموده است
اما غالباً چنین اظهارات برای حفظ
شئون قوای امریکا یک چیز لازمی
است تا جبهانیان چنین تصور نکنند
که بمباران چهار ساله عظیم ترین
قوای هوایی دنیایی نتیجه بوده است .

به همه حال اگر این بمباران عظیم
و تخریبکار بکلی بی نتیجه نبوده یکی
از اسباب انعقاد کنفرانس صلح پاریس
باشد دور نمای اقدام مذکور در
صحنه‌های سیاسی و عسکری چندان
درخشان به نظر نمی آید . قطع
بمباردمان باعث تخفیف عملیات
گریلائی ویتکانگ ها نشده بلکه
جنگ زمینی با همان شیوه کلاسیک
یعنی حملات جارحانه در خلال
آرامش های موقتی ادامه دارد .
قوای امریکا به حملات و بمباردمان
های شدید در شمال منطقه بیطرف
بین دو ویتنام دست زده اند . و اگرچه
طرفین بغرض تامین فضای مساعد
برای مذاکرات پاریس - یا اغفال
یکدیگر - بعضاً حسن نیت هائی هم
بروز میدهند مانند آزاد ساختن یک
تعداد اسراء ویتکانگ از طرف حکومت
ویتنام جنوبی ، اعلام آمادگی برای
متأرکه در ایام کرسمس گذشته
بدو از طرف ویتنام شمالی و بعداً

نظریات تعداد روز افزون فلاسفه
علماء ، محصلین و عامه مردم جهان
میباشد که در ظرف چند سال اخیر
در داخل امریکا ، اروپا و قاره های
دیگر به تظاهرات و تبلیغات جدی
دست زدند . و چون بعضی از جدی ترین
این مظاهرات در داخل خاک امریکا
و متحدین اروپای غربی آن صورت
گرفت ، حکومت امریکا ملتفت گردید
که نمیتواند بیش از این بدون قبول
خطر اضطرابات دامن دار داخلی و
بروز رخنه در حلقه متحدین خارجی
خود به بمباران ادامه بدهد .

در حالیکه حکومت امریکا غالباً
از مدتی موضع قطع بمباردمان را
تصمیم گرفته بود اعلام آن درست
در موقعی که مبارزه انتخاباتی آن
کشور به مرحله قاطع داخل شده بود
یک ما نور قیمت دار حزبی و سیاسی به
نفع حزب بر سر اقتدار یعنی دیموکرات
ها تلقی گردید . اعلامیه توقف
بمباردمان طوری که انتظار میرفت
عدم محبوبیت حزب دیموکرات و
و کاندید آن هیوبرت همفری را
که عمدتاً به نسبت حرب بی نتیجه
ویتنام به حد اقل تنزل کرده بود
تا اندازه زیاد تلافی کرد و
دفعتاً تعداد آراء به طرفداری
دیموکرات هارا به پیمانۀ بلندبرد
که حزب جمهوری خواه و کاندید
شان ریچارد نکسن به شکل توانستند
بایک اکثریت خیلی ناچیز موفق
برآیند .

کنفرانس پاریس : امریکائیان
حاضر شدن ویتنام شمالی را در
کنفرانس پاریس بغرض مذاکره
موضوع ویتنام یک نتیجه بمباردمان
طیارات امریکائی برویتنام شمالی
نشان میدهند . چنانچه جنرال
ویستور لند لوی در ستیز قوای
زمینی و قوماندان عمومی سابق
قوای امریکا در ویتنام در نطق ماه

ایالات متحدهء امریکا و کانادا

تتبع و نگارش:

هرید جبر ال عبدالقدیر خلیق

چون ایجاد راکت های قاره پیمای و طیارات ماورای صوت احتمال تعرضات ناگهانی و باصقین هارا نسبت به همه وقت بیشتر گردانیده است، بناءً ممالک معظم دنیا برای وقایهء خاك و صیانت ما در وطن و نقاط طرف انترست آنها به هر يك از وسائل ممکنه مشبث گردیده و برای مدافعه آن در مقابل هر گونه باصقین های هوایی

تدابیر ایقاظ و آلازم و ترتیبات تدافعی را اتخاذ نموده اند؛ و هم از انجاییکه تهدیدات و دعشت های اینگونه تعرضات سرحدات جغرافیائی ممالک را نشناخته و به يك پیمانۀ وسیعی اهداف خود را تحت تاثیر قرار میدهد فلهاذا چندین ممالک درین قسمت یک ترتیبات دفاعی مشترکی را اتخاذ نموده اند چنانچه یکی از اینگونه یک ترتیبات و شبکۀ دفاعی عالی و پیچیده که تماماً بادستگاه های عجیب و خارق العاده الکترونیکی و ماشین های حساب بس دقیق مجهز می باشد ترتیبات دفاعی امریکای شمالی است که هر دو مملکت کانادا و اضلاع متحده را مشترکاً علاقه مند ساخته و توسط یک پلان مشترک فیما بین دو مملکت بنیان گذاری شده است و نیز بایست خاطر نشان نمود که پلان مذکور بنام پلان دفاعی مشترک امریکا و کانادا یاد می شود.

گردانیدن و تطبیق آن لازمی بود، هر دو مملکت در پرتو همکاری مشترک پروگرامهای را بوجود آورده و به اساس آن ریسرچ های (Research) مشترکی را آغاز نمودند زیرا هر دو مملکت متیقن بودند که بقای خاك و حکومت آنها مربوط به درجهء موفقیت عملی گردانیدن این پلان خواهد بود. پس برای ایفای مرام فوق اورگانهای مشترک تشکیلاتی هر دو مملکت متعاضداً می کوشند تا چنان اسلحه و وسائلی را بدست آورند که این مأمول و مرامی را که هر دو مملکت ازین تشکیلات جهان شمول آرزو دارند، بر آورده شود.

امریکا با فرسها و فابریکات خود اضلاع متحده رقابت کرده بتواند علاوهً به اساس پروگرام مشترک انکشاف شبکۀ دفاعی امریکا و کانادا برای صنایع کانادائی موقع و فرصت مساویانه داده شده تا همکاری و سهم گیری لازمه را در ریسرچ دفاعی امریکا بداخل امریکا نیز انجام دهد و بدینوسیله ترتیبات مذکور فرصت خوبی را برای مراکز صنایع کانادا تأمین مینماید تا در تولید اجناس و وسائل ضروریۀ دفاعی بذل مساعی نموده و باتاسیس مراکز اکمال قلمت لازمه را اکمال و بدینوسیله در دفاع نیم قارهء امریکای شمالی رول ارزنده را بازی نماید.

چون اقتصادیات اضلاع متحدهء امریکا و کانادا از بسا نقاط نظر باهمدیگر روابط باهمی را دارا می باشد بناءً در قسمت تولید وسائل دفاعی اشتراك مساعی و همکاری هر دو کشور به یک پیمانۀ بزرگ ضروری و لازمی میباشد؛ و باید

پروگرام مشترک تولیدات شبکۀ دفاعی امریکا و کانادا برای فرمها (Firms) و فابریکات کانادائی یک فرصت و موقع خوب و یکسان را تأمین مینماید تا فابریکات و فرمهای مذکور منحصیث قیمت، کوالیتی (Quality) و فرستادن اموال برای دستگاه تشکیلاتی اکمال دفاعی

از ابتدای طرح این پلان و ایجاد وسائل و وسائلی که برای عملی

عید قربان

عید اضحیٰ چیست آن روز سعید

کو بشر را درس قربانی دهد

هر تو انگر گسترده خان کرم

مفلسا ترا بذل و مهمانی دهد

از لحاظ دین کشند افسردگان

خط بخشش بر گناه یکدیگر

شیوه صلح و صفا گیرند پیش

بگذرند از اشتباه یکدیگر

شایق هروی

علاوه نمود که این همکاری باهمی
فیما بین این دو مملکت و دو اردو
از سالهای اول حرب دوم جهانی
آغاز و گذشت ایام ریشه و نهال
این همکاری را تقویه بخشیده
است چنانچه در باره تأسیس
روابط ذات البینی کانادا و امریکا
اینقدر هم میتوان علاوه نمود که
حتی این مناسبات قبل از شمول
امریکا در حرب دوم جهانی توسط
اعلامیه بنام اعلامیه هاید پارک
(Hyde Park) که در ۲۰ اپریل
۱۹۴۱ از طرف رئیس جمهور آنوقت
امریکا فرانکلن دی روز ولت
و میکزیکنگ صدر اعظم وقت کانادا
به امضاء رسیده بود در پرتو
آن سران هر دو مملکت تعهد نموده
بودند تا هر دو مملکت برای تولید
وسائل دفاعی باهمدیگر همکاریهای
لازمه را انجام دهند گویا این فضای
همکاری در ساحه تولیدات صنایع
حربی و خاصتاً سامان و وسائلیکه برای
دفاع نیم قاره امریکای شمالی که
مرکز انترست خاص هر دو کشور
را تشکیل میدهد از سالیان درازی
وجود داشته و امروز که دفاع
امریکای شمالی یک پرابلم حیاتی را
برای امریکا و کانادا تشکیل نموده
است این همکاری باهمی یک امر
حتمی و لازمی را بخود اختیار نموده
است .

علاوه بر معاهدات فوق در ۲۶
اکتوبر ۱۹۵۰ یک اعلامیه مشترک
همکاری مملکتین در قسمت سفربری
صناعتی از طرف وزیر خارجه امریکا
و سفیر کبیر کانادا در واشنگتن به
امضاء رسید که به موجب این
موافقتنامه طرفین مکلف خواهند بود
تا در فعالیت های تدافعی حوزه
امریکای شمالی از هیچگونه همکاری
مضایقه نموده چه در ساحه سفربری
صنایع و تولید اسلحه و وسائل طرف

ضرورت وجه در ساحه جات همکاریهای
فعالیت های عسکری باهمدیگر
معاونت نموده و امنیت این منطقه
را در مقابل هرگونه تعرضات احتمالی
تضمین و صیانت نمایند همچنان
اینجسیهای (Angeucies) مختلف
هر دو کشور به این موافقه رسیدند
تا ترتیبات امنیت مشترک را برای
محافظه مراکز صنعتی اخذ و علاوه
در قسمت ستاندرد ساختن اسلحه
و وسائلی که در دفاع عمومی هر
دو کشور رول ارزنده را دارا
می باشد همکاری نمایند بهر تقدیر
قبل از سال ۱۹۵۸ همکاری عسکری
که فیما بین دو کشور کانادا و
امریکا وجود داشت صرف دارای
جنبه پلاننگ (NPlanning) و
ناحدهی در قسمت ریسرچ های دفاعی
بوده .

چون تغییر اوضاع دفاعی امریکای
شمالی در سال ۱۹۵۸ ایجاب تاسیس
و بوجود آوردن یک پروگرام
مشترک تولیدات دفاعی را نموده
بود بنابر اعلامیه حکومتین امریکا و کانادا
درک نمودند که اکنون تنها داشتن
روابط اقتصادی برای برآورده شدن
این مأمول کفایت نموده و می باید
ساحه همکاری نظر به توسعه و انکشاف
ماهیت دفاع این خطه انکشاف نموده

ساحه جات بیشتری را احتواء نمایند پس
برای ایجاد امکان اینگونه همکاریها
تدابیر خاص و قوی اتخاذ گردیده
و هر دو مملکت متحداً میکوشند
تا روز بروز ساحه این همکاری را
توسعه بخشیده و در اجرای امور
دفاعی سهولت لازمه را بار بیاورند .
در سال ۱۹۵۸ دو عاملی موجب
ایجاد تدابیری گردید که همکاری
اقتصادی را فیما بین هر دو کشور یک
چیز حتمی و انمود گردانید که یکی
ازین دو عامل عبارت از تشکیل
قوماندهانیت دفاع هوایی امریکای
شمالی می باشد و باید تذکر داد که
چون فیما بین قوای حربی هر دو کشور
درینحصه یک وحدت و همکاری
نزدیک را ایجاب می نماید بنابر علیه
برای مؤفق گردیدن به این وحدت
عمل لازم است که منجیت معاونت
های صنعتی و اقتصادی آنها نیز
باهمدیگر همکاری لازمه نموده و
باید گفت که مساعی لازمه درین راه
یک امر حتمی و ضروری می باشد
و هم نا گفته نباید گذاشت که همکاری
های عسکری و حربی بالای تعاون
اقتصادی و صنایع حربی استناد مینماید
مشکل دیگری که در راه استحصال
این مأمول عرض اندام می نماید
اینست که اسلحه مودرن دفاعی از

مسأله بهار دمان ویتنام شمالی

(بقیه صفحه ۶)

امریکا بالاخره قطع گردیده بادر نظر داشتن نتایج ناچیز حاصله از آن به نفع امریکا، از طرف حکومت امریکا تجدید گردد ولو که این حکومت از حزب جمهوریخواه یعنی نسبت به حکومت دیموکرات که بمباردمان را قطع نموده بصورت عنعنوی محافظه کارتر و طرفدار روش جنیتر به مقابل کمونیستها بوده به حفظ پرستیژ و تفوق عسکری ایالات متحده باید اهمیت بیشتر بدهد. فرضاً اگر بعضی از عناصر در حکومت جدید بنابر ملاحظات سیاسی و احساساتی به تجدید بمباران مایل باشند، ملاحظات ستراتیژی عسکری به عدم تجدید آن به شکل و چوکات سابقه حکم میکنند.

حقیقت مسلم اینست که بمباردمان ویتنام شمالی بالای جریانات عمومی حرب طولانی ویتنام تاثیر کمی دارد. بلکه به نتیجه رسیدن این حرب برای یکی از طرفین بسته به عوامل عمیق تر سیاسی، ایدیالوژیک و ستراتیژیک میباشد که هنوز موجودیت شان را با تمام قوت در صحنه حرب سرد جهانی حفظ کرده اند.

از مطالعه فوق اجمالاً چنین نتیجه گرفته میشود که بمباران ویتنام شمالی بحیث عملیات معاونه مؤثری برای عملیات جنگی امریکا در ویتنام از طرف ایالات متحده امریکا چهار سال قبل شروع شد. اما بر خلاف آنچه عامین آن حدس زده بودند نتیجه لازم را بار نیارود. تاثیر افکار عامه مردم جهان بشمول خود امریکا، ملاحظات ستراتیژیک در ویتنام و جریانات سیاسی و انتخاباتی داخل امریکا قطع این بمباردمان را سبب گردید. اگر چه امریکا به موقتی بودن این انقطاع اشاره کرده در صورت عدم بروز عکس العمل مساعد، ویتنام شمالی را به تجدید آن تهدید میکند و به همین نسبت پروازهای اکتشافی خود را بالای قلمرو کشور مذکور ادامه میدهد اما بادر نظر گرفتن شکل جریان حوادث سیاسی و عسکری جنوب شرق آسیا، تجدید این بمباردمان اقدام آسانی نخواهد بود. چه مشکل است قبول کرد بمباردمانی که با تکمیل فشار بزرگ و دوامدار سیاسی و معنوی ملل و زمامداران جهان بالای

نقطه نظر ساختمان و استعمال پیچیدگی عجیبی را دارا بوده و همچنان قسمت ساختمانی آن فوق العاده گران می باشد پس برای یک مملکتی مانند کانادا خیلی ها مشکل و غیر قابل عملی خواهد بود که به تنهایی این اسلحه دفاعی مغایق و قیمت بها را دیزاین نموده و انکشاف دهد همچنان تولید اینهمه سیستم اسلحه دفاعی برای تامین دفاع آنکشور يك امر تقریباً از امکان دور بنظر می رسد پس همین چیز عامل دیگر این ارتباط و همکاری یا همی فی مابین هر دو کشور امریکا و کانادا گردیده است.

پروگرام مشترک دفاعی: حکومت کانادا این تصمیم بس مشکلی را که عبارت از خاتمه دادن به ساختمان و انکشاف طیارات حربی (C-۱۰۵) بوده، اتخاذ نمود. پس کانادا به اساس همین تصمیمی که اتخاذ نمود انکشاف سیستم اسلحه خود را متوقف ساخته و برای انکشاف دادن سیستم اسلحه دفاعی با اضلاع متحده امریکا مشترکاً داخل فعالیت گردید. چنانچه به اساس مشوره های فیما بین هر دو کشور درین ساحه به عمل آمد پروگرام مشترکی را درین حصه بوجود آوردند تا بر روی آن هر دو مماسکت درین ساحه بذل مساعی نموده و در قسمت انکشاف دادن سیستم اسلحه دفاعی سهم مساویانه را دارا باشند. پروگرام مذکور بنام پروگرام مشترک تولیدات یاد میشود.

هدف و مقصد یگانه این پروگرام آنست که فابریکات و مراکز صنعتی کانادا در تولید و وسایط و لوازم دفاعی نیم قاره شمال امریکا با صنایع اسلحه سازی اضلاع متحده امریکا مشترکاً سهم گردیده و برای ایفای يك هدف واحد و مشترک همکاریهای لازمه را

مقصد و غایه مهم این اهداف آنست تا قابلیت و استعداد صنعتی کانادا را به قدرت و توانائی عالی اش محافظه نموده و آنرا بشکلی محافظه نماید تا آنها در مساعی دفاعی این خطه سهم قابل ملاحظه را گرفته و در حالات غیر مترقبه واضطراری توسعه و انکشاف نموده بتواند. علاوه بر سرام فوق، حفظ و مراقبت این وجهه صنعتی کانادا برای تقویه بنیه اقتصادی آنها میباشد و نیز باید تذکر داد که فعالیت های صنعتی

يك بار دیگر انجام دهند تا اینکه بتوانند امریکای شمالی را از هر گونه يك تعرض ناگهانی محافظه نمایند. در داخل همین مفکوره، مقصد دیگر این پروگرام اینست تا فابریکات کانادا را متقدر باین امر گرداند که آنها در پروگرام های ریسرچ و انکشافی نیز سهم گردیده و علاوه بر کارهای نورمال یومی در سیستم اسلحه دفاعی تحولی را بار آورده و سیر انکشاف آن را با ایجابات عصر و زمان هم آهنگ گرداند.

پرا بلم استخدام و تغذیه اهالی کانادا را مرفوع ساخته و هم از استعداد و قابلیت های دفاعی مردمان آن استفاده لازم به عمل می آید. هدف آینده و مترقی پروگرام مشترک دفاعی آنست که هر دو مملکت در ساحه جات مختلفه اقلام طرف احتیاج سیستم دفاعی با همدیگر اشتراك مساعی نموده و منابع سرشار تولیداتی خود را برای استحصال این هدف مشترک دفاعی بکار انداخته و از آنها تاجائیکه امکان پذیر میباشد علمی الدوام استفاده نمود.

به تحت این پروگرام مشترک دفاعی اضلاع متحده امریکا تدابیری را اتخاذ نموده است تا یک چانس و فرصت یکسانی را برای فابریکات کانادائی مساعد گرداند تا اینکه برای سیستم اکمالات و قدمه های دیوی دفاعی امریکا از راه رسانیدن و اکمال سامان و لوازم حربی خدمتی را انجام دهد. مگریگانه اقلامی را که میتوان ازین امر مستثنی گردانید عبارت از کانترا ت های ساختمانی و انشآتی مواد خام اساسی، مواد محترقه و روغنیا ت و دیگر سرویس ها و خدماتیکه خارج این پروگرام قرار داده شده است، میباشد.

پالیسی وزارت دفاع کشور امریکا قرار ذیل میباشد:-

تأمین زمینة مساعد و فرصت مساویانه برای صنایع دفاعی کانادا تا اینکه در قسمت اکمال و تولیدات ریسرچ و انکشاف مواد حربی و دفاعی با این پلان مشترک همکاریهای لازم را انجام داده و در پرتو این مرام از یکطرف قدرت صنایع خود را بدرجه احسن بلند برده و از طرف دیگر پرا بلم بیکاری را از میان بردارد. همچنان بکار انداختن استعداد های فطری افراد آن مملکت مرام سومینی است که ازین پالیسی آرزو کرده میشود.

پروگرام مشترک دفاعی در اضلاع متحده امریکا توسط دیر کتیف تاریخی ۲۸ جولائی ۱۹۶۰ جاری و اکمال میگردد. قانون واکت تحدید خریداریهای اموال خارجی در قسمت اکمال و خریداری های اموال صنعتی حربی کانادا ملغاً قرار داده شده است؛ و از همین نقطه نظر است که لیست منتخبه که طرف انترست و علاقه پروگرام دفاعی هر دو کشور میباشد نسبت بولی های (Bids) کانادا بوده و فابریکات آن مملکت بر دیگر عرضه داران و قرار دادیان ترجیح داده میشود. پس

اولین کشتی اتمی

جاپان

ژاپونیهها سرگرم ساختن اولین کشتی اتمی خود میباشند این کشتی که تجارتنی است در ماه مارس سال ۱۹۷۲ به آب افکنده خواهد شد. کشتی اتمی ژاپون دارای ۱۳۰ متر طول و ۸۳۰۰ تن ظرفیت خواهد بود.

و قتا قرار دادی کانادائی ویا خود قراردادی امریکائی اموال کانادائی را عرضه میدارد یا این اجناس نظر به اکت خریداری امریکا عیناً مانند اموال داخلی امریکا تلقی میشود. علاوه تا حکومت امریکا، محصولات گمرکی را از بالای اکثریه سامانیکه به تحت پروگرام دفاعی، به امریکا داخل وارد می شود، دور ساخته است. در کتیف های وزارت مالیه امریکا که در قسمت خروج طلا از امریکا داده شده است در آن تقلیل مصارت اسعاری را در بودجه

مصارف وزارت دفاع آن طلب گردیده، در حصه اکمال اموال دفاعی کانادا برای اضلاع متحده قابل تطبیق نمی باشد.

ترتیبات لازمه برای پرسونل قراردادیان کانادائی اتخاذ گردیده که به موجب آن برای پرسونل مذکور سکویرتی کلیرنس از طرف وزارت دفاع کانادا داده شده که با کلیرنس مذکور آنها می توانند به پروژه های محرم اضلاع متحده امریکانزدیک شده و فعالیت خود را در آنجا ادامه بدهند. همچنان پروسیجرهای روی کار آورده شده که به اساس آن کانادا را مقتدر به اشتراک نمودن در سیستم درجه بندی و تعیین میتریال حربی گردانیده است. برای اینکه میتریال و مواد طرف ضرورت دفاعی برای پیشبرد پروگرام های دفاعی کانادا و یا خود اضلاع متحده به داخل یک سویه و ستاندرد معینی اکمال شده بتواند اوصاف و کوانتی های جنس اکمال شده تعیین و تثبیت گردیده است. اداره وزیر دفاع ملی امریکا منابع اکمالاتی مواد خام کانادا را برای استفاده مامورین قراردادی اضلاع متحده و قرار دادیان دفاعی امریکا مساعد گردانیده که در پرتو آن عندالایجاب ازین منابع استفاده می نمایند.

روابط تجارتنی:

این پروگرام فوق الذکر یک پروگرام یک جانبه نبوده بلکه باید خاطر نشان نمود که کانادا هم بسا سیستم اسلحه دفاعی را از اضلاع متحده خریداری مینماید. همچنان منجبت اینکه فی مابین فابریکاتورهای هر دو کشور روابط تجارتنی زیادی وجود دارد بسیاری از عناصر و اجزای مواد تولید شده کانادائی در

حقیقت از اضلاع متحده آمریکا بدست می آید ، محصولات گمرکی که می باید از اموال وارداتی اضلاع متحده آمریکا در داخل کانادا اخذ گردد ، از طرف آن کشور اخذ می گردد زیرا اگر این محصولات گمرکی از طرف کانادا اخذ نگردد در آنحال قدرت فروش بزرگ فابریکات آمریکائی کمپنی های کانادائی را زیر تاثیر گرفته و در آثوخت هدفیکه ازین پروگرام مشترک دفاعی متصور است بدست نمی آید . گویا فابریکات دفاعی کانادا به این همکاری خود در پروگرام دفاعی مشترک سهمی را گرفته نمی تواند . برای اینکه درین پروگرام دفاعی مشترک منجبت همکاری در ساحه اقتصاد و صنایع حربی بی موازنگی رونما نگردد و بمخساره اقتصادی هریک از هر دو مملکت تمام نشود کوشش شده تا بیلانس تأدیات و اکمالات منجبت صنایع حربی موازنه خود را محافظه نماید . برای این مقصد بیلانس تأدیات را از استحصالات دور ساخته اند .

وظائف کمیته ها :

یک کمیته توسط مامورین عالی رتبه هر دو کشور تشکیل گردیده که اوشان متعاداً جریان پیشرفت و اجراءات این پروگرام را کنترل نموده و عندالاجاب در زمینه دیریکتیف های لازمه رامیدهند . از طرف اضلاع متحده آمریکا شاملین این کمیته عبارتند از نمایندگان وزیر دفاع ملی ، و سکرتری قوای زمینی ، بحری و هوائی . نمایندگان کانادائی را شخصیت های مانند نماینده تولیداتی وزارت دفاع ، مدافعه ملی و زارت امور خارجه و مالیه تشکیل می نماید . معاون وزیر دفاع در امور دستگاها و خدمات لوجستیکی عبارت از شخصی است

که در داخل چوکات وزارت دفاع ملی مسئول همکاری مشترک پروگرام دفاعی بوده و از ناحیه تولیدات ، انکشافات و تامین اسباب پروگرام مشترک دفاعی با کانادا مسئول می باشد .

دیپارتمنت تولیدات دفاعی کانادائی مسئول تنظیم این پروگرام در کانادا می باشد . نامبرده روابط نزدیکی را با کمپنی های تولیداتی کانادا قائم نموده و وقتاً فوقتاً آنها را در قسمت مواد و اجناس طرف ضرورت کانادا مطلع می سازد و همچنان کمپنی های مذکور را در قسمت عقد قراردادها تشویق و ترغیب می نماید . دیپارتمنت مذکور علاوه بر وظیفه فوق به کمپنی های مذکور معاونت های مالی را بغرض انکشاف صناعتی ، تواریات پیش از پیش و کم کردن قیمت ها ، مهیا می سازد . در اضلاع متحده آمریکا این دیپارتمنت تولیداتی با وزارت دفاع از نزدیک همکاری نموده و همچنان همکاری های خود را با قوای زمینی ، بحری و فضائی قائم می سازد که برای این مقصد یک دائره را در واشنگتن و هفت دیگر را در هفت شهر های بزرگی که در آنجا مراکز دیوها و اکمالات مواد حربی می باشد ، تاسیس نموده است .

در خلال هفت سال اول این پروگرام الی سال ۱۹۴۰ استحصالات آمریکا در کانادایه تحت همین پروگرام بالغ بر ۲۱۷۹ میلیون دالر گردیده بود . همچنان در خلال همین مدت مقدار استحصالات کانادا در اضلاع متحده به تحت همین پروگرام بالغ بر ۶۸۱۴ میلیون دالر شده که همین ارقام بیلانس را برله کانادا ارائه میدارد مگر این ارقام توسط آردر هائیکه کانادا برای پیشبرد تشکیلات مجدد قوای

عسکری خود به اضلاع متحده آمریکا داده است تلافی شده می تواند . این آرزوها و فرمایشات کانادائی ، پروژه های کانادائی که بالای تولیدات آمریکائی استناد می نماید و احتیاجات وسیع آمریکا برای تقویه قوت های عسکری آن مملکت در وقتنام بیشتر مائل به این امر می گردد که نموی این پروگرام راهنوز عم به سویه های بلند تر برساند .

یکی از تولیدات مهم اساسی انکشافی و تولیداتی اضلاع متحده و کانادا که اکثری پرسونل اردوی زمینی ، هوائی و بحری آمریکا به آن آشنائی و بدیت دارند عبارت از طیارات کاریبو (Caribou) می باشد . این طیاره در خلال سالهای ۵۹ - ۱۹۵۷ برای تکافوی ما یحتاج اردوی آمریکا از ناحیه تامین امنیت قطعات تکنیکی انکشاف و بوجود آمده است . اوصاف دیگری که ازین طیارات خواسته می شد همانا این بوده تا در میدانهای خاکی و کوتاه پرواز و فرود آمده بتواند که طیارات کاریبو همین اوصاف را دارا میباشد قرار داد های که از طرف اضلاع متحده برای خریداری این نوع طیارات متمقد گردید در سالهای ۱۹۶۰ ، ۱۹۶۱ و ۱۹۶۲ بوده است چنانچه طیارات مذکور تا سال ۱۹۶۵ به آمریکا تسلیم داده شد . تعداد این طیاراتیکه از طرف کانادا تسلیم داده شده است به ۱۹۶۴ دانه می رسد .

در تحت این پروگرام طیارات نوع بیور (Beaver) و آتر (Otter) نیز از طرف اضلاع متحده خریداری گردید . همچنان داپلر (Doppler) که یکی از وسائط بیویگشن و ساخته مملکت کانادا میباشد از رُمره دیگر مواد حربی و دفاعی میباشد که از طرف اضلاع متحده آمریکا

نگارشی

پسر گروندارد نشان از پدر
مدیر روزنامه‌های فرزندش
را خواست و او را بسبب
فرار از مکتب و عدم توجه
بامر تحصیل مورد سرزنش
قرار داد و گفت:

— هر روز باید به مکتب
بروی - باجدیت درس بخوانی
و محصل واقعا خوبی باشی
وگرنه . . پس از من . .
نمیتوانی شغل مرا دنبال کنی
و امور روز نامه بچرخانی
برای این کسار لازم است
آدم با سواد باشی . اگر
مثلا اشتباهات فراوانی در
روز نامه ات دیده شد چه
خواهی کرد؟

پسر بلادرنگ جواب داد:
— پدر جان خیلی ساده
است - گناه را بگردن
چاپخانه میاندازم .

پدر خوشحال شد و مطمئن
گردید که فرزندش لیاقت
جانشینی او را دارد!

نمایند . اکنون بکندادک پروژه‌های
کانادائی برای اکمالات امریکائی
موافق تصور شده می‌تواند . همچنان
مساعی لازمه متماداً بخرج داده
میشود تا دیگر امکانات متصوره را
برای انکشاف پروژه‌های کانادائی
ظاهر نموده و سرعت انکشاف آنها را
بیشتر گرداند .

تولیدات دفاعی و پروگرامهای
مشترک انکشاف ، باقوت و قدرت
اعظمی ، از طرف هر دو کشور کانادا
واضلاع متحده تقویه و حمايه
میگردد چنانچه پروگرامهای
مذکور درین سالهای اخیر هم
ازنگاه برنسیب و هم ازنگاه عمل
تقویه یافته و هم اهداف این پروگرامها
از طرف لیدران هر دو مملکت پشتیبانی
گردیده است . پروگرامهای
اشترک مساعی هر دو کشور کانادا
واضلاع متحده را قدرت همکاری
بخشیده قادر ساخته اقتصادی که
برای پیشبرد دفاع مشترک حتمی
و ضروری میباشد با یکدیگر همکاری
نمایند و هم‌چطور بیکه این دو کشور
در حرب عمومی نوم جهان وزد
و خورد های بعد از حرب در ساحه
عسکری با هم دیگر دست همکاری را
داده‌اند ، در ساحه اقتصادی و دفاع
مشترک نیز این همکاری را توسعه
بخشیده‌اند .

مقاله کوچک فوق برای قارئین
گرام ثابت میسازد که برای مدافعه
مادر وطن و نقاط طرف انترست
کشور نه تنها همکاری عناصر
اورگانیهای داخل کشور لازمی
بوده بلکه ما باید از همکاریهای
ممالک جوار استفاده نموده و بهر
قیمت ممکنه آنها جستجو نمود
تا در پرتو این اتفاق و وحدت عمل
بتوانیم از قایه وطن عزیز خویش
مطمئن گردیم . (ختم)

خریداری گردیده است . این وسائط
علاوه بر اینکه در امور نیویگشن
کمک می‌نمایند در قسمت ارائه نمودن
محل (Crash) کریش یعنی محل
سقوط طیاره و ریکارد نمودن
ارقام اکسیدینت ها (Axident)
نیز معاونت قابل ملاحظه را انجام
می‌دهد . علاوه‌تاً سواتو بایز
(Sonobuoys) تیلونوهای صحرا
و وسائط صدای شارای فریکونسی
بلند و دیگر وسائط صدا از زمره
اقلام دیگری است که قیروشات
کانادا را ارائه می‌دارد . در آخر
می‌توان علاوه نمود که تولید
طیارات (F-104G) که از زمره
طیارات کانادائی در پاکت اتلانٹیک
شمالی و برای مرفوع ساختن
احتیاجات امریکا در پروگرام
کمکهای عسکری آن کشور بشمار
میرود ساخته قایریکات مملکت کانادا
می‌باشد که در پرتو همین پروگرامها
ایجاد و انکشاف یافته و عندالضرورت
اکمال گردیده است .

قدرت و فعالیت طویل المدت
این پروگرام به انکشاف پروژه‌های
کانادائی از ناحیه که بتواند تاچه
اندازه مواد طرف احتیاج دفاعی
اضلاع متحده را اکمال کرده میتواند
مربوط می‌باشد و از همین نقطه نظر
است که دقت خاص درین اواخر
برای تقویه ریسرچ و انکشاف مواد
و متریال حربی داده شده است تا طبق
پروگرام طرح شده دفاع مشترک
مواد و متریال و وسائط حربی
وقتاً فوقتاً انکشاف نموده
و به احتیاجات روز مطابقت نموده
بتواند . دیپار تمنت تولیدات
وزارت دفاع کانادا و وزارت
دفاع ملی امریکا به ترتیب
پروسیجرهائی موافقه نموده‌اند
تا توسط آن کمکهای مالی را برای
انکشاف پروژه‌های کانادائی تأمین

چرا بشر میخواهد به ماه برود؟

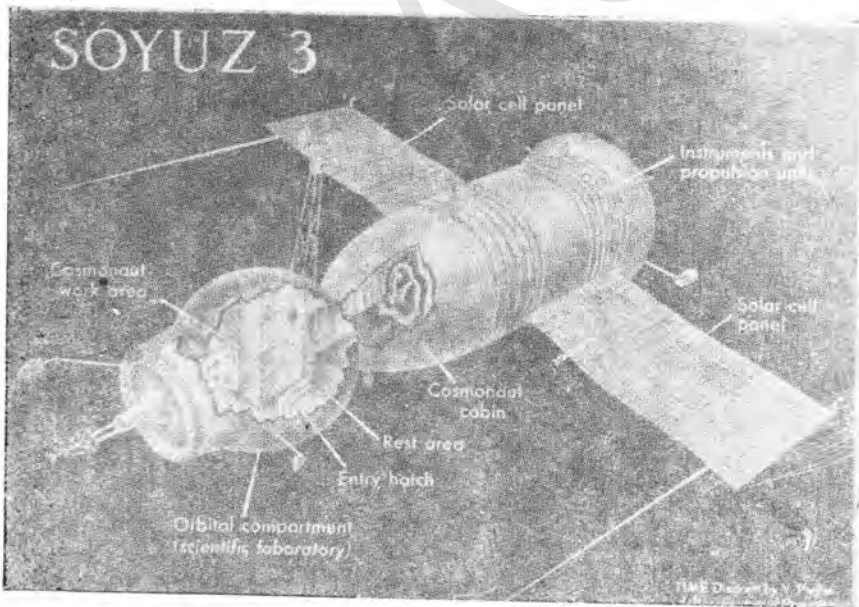
تجربه و تهیه: میرمن بهشتون «زهدی»

بزرگتر خود انسان است. انسانی که در عرض ده سال به اندازۀ چند قرن پیش رفته است نخستین اسپو تنیگ شوروی - نخستین سفینه ای که بفضا رفت - فقط ۸۳۰ گرم وزن داشت، و در عرض این دهسال سنگینی سفینه های که بشر بسوی فضا میفرستد، ۱۴۰۰ برابر شده است در عرض همین ده سال، نیروی سفینه های حامل سفینه ها، ۱۲۰۰ برابر شده است. در عرض دهسال آمریکا و شوروی و انگلیس و ایتالیا و فرانسه ۲۵۰۰ سفینه به فضا فرستاده اند که دست کم سیصد تای آن ها هنوز در فضا می چرخند

یا دست کم از قاره خویش نجات دهد، چندان دور نیست، لیکن امروز سفینه «اپولو - ۸» فقط در عرض ۱۱ دقیقه و ۳۲ ثانیه یکسره خودش را از جاذبه کره زمین نجات میدهد!

آن هنگام که سفر از شهری به شهر دیگر ماها طول میکشید چندان دور نیست، لیکن اکنون در عرض شش روز و سه ساعت و سه دقیقه به حوالی کره ماه میرویم، ده بار دور آن میگردیم و به زمین بر میگردیم، و درین سفر مجموعاً ۸۰،۰۰۰ کیلومتر راه می پیمائیم! معجزه است بلی! ولی معجزه

هموز قرن بیستم بی پایان خویش نرسیده است، و اگر عمر هر نسلی را پنجاه سال بحساب آوریم، شاید بشریت پنجاه نسل بیشتر بخود ندیده است، لیکن در همین زمان کوتاه انسانها بیاری عقل و فراست بلند خویش، به آسمانها راه یافته اند! با سرعت ۳۹،۶۰۰ کیلومتر در ساعت (یعنی یازده کیلومتر در ثانیه) بسوی ماه میروند، و اگر نیک بیاندیشیم درک خواهیم یافت که با سرعتی افزونتر از این بسوی تمدن، بسوی پیروزی دانش و فرهنگ و شجاعت شتافته ایم. گردش بر روی صخره ها و کوهستانهای کره ماه دیگر افسانه و رویا نیست، بلکه حقیقت امروز و فرداست. قرنهای آدمی، کره ماه را از فاصله ۳۸۴،۰۰۰ کیلومتری «بیتگر بسته» ولی حالاً سه انسان بزرگ و بیباک بدین افتخار نائل شده اند که کره ماه را از فاصله ۱۱۰ کیلومتری تماشا کنند! فاصله انسان از ماه ۳۵۰۰ برابر کمتر شده است، و این نکته شایسته اندیشه و تعمق است که شاید آن را می باید در چنین سوالی خلاصه کنیم: «آیا فاصله خود ما هم از انسان دو هزار سال پیش اینهمه است؟» آن هنگام که آدمی نمیتوانست حتی خود را از چار دیواری کشور خویش یا از جزیره کوچک خود



سفینه سوز سوم

و بعضی از آنها چون سفینه «ایرلی - ارد» تا صد قرن دیگر نیز خواهند چرخید در بین ده سال ۲۹ امریکایی و ۱۳ روس، به فضا رفته اند فقط ۴۱۰۰ روز از پرتاب نخستین اسپو تنیک شوروی گذشته و اینک تبوغ بشر توانسته است سفینه «ساترن» را بسازد که ۲۰۰ میلیون اسب بخار انرژی تولید می کند و این انرژی، باری را بسوی کره ماه میبرد که بیشتر از ۲۰۰۰ متر بزرگ وزن دارد! آیا این رویای باور نکردنی آسان بدست آمده است؟ نه! میدانیم که بشریت تا حال دست کم چهارتن از عزیزترین فرزندان خود را در راه تحقق این رویای دوردست که اکنون چه نزدیک بنظر می آید! - از دست داده است. میدانیم که از ۱۹۵۷ تا حال، امریکا و شوروی مجموعاً صد میلیارد دلار «هشتصد و بیست و یک میلیارد دلار» برای تسخیر فضا بول خرج کرده اند!

عظمت آسمانها و کمکشانها عظیم تر از ارقام چند میلیاردی است، و انسان میخواهد یا این عظمت قرین گردد. میدانیم که تنها در امریکا، و فقط برای ساختن همین سفینه ساترن و سفینه اپولو، ۳۵۰ هزار نفر دانشمند و مهندس و تکنیسین و کارگر، شب و روز کار کرده اند! ثمره تبوغ و رنج و فداکاری آنها، ماشین حیرت آوری است که از سه مایون قطعه درست شده و با اینهمه و حتی یکی ازین سه مایون پیچ و مهره شل نمی شود، اشتباه نمیکند. آری، با رفتن سه فضانورد امریکایی بسوی ماه، مرزها - مرزهای جاذبه و حتی مرزهای تصور و رؤیا نیز شکسته شده است!



صحنه از مسابقه کیهان نوردان شوروی و امریکا

در ماه چه خبر است؟

دو قدرت بزرگ جهان، دو ملت ثروتمند دنیا، خود را برای مسابقه همچنان انگیز - حیرت انگیزترین مسابقه جهان - یعنی تسخیر ماه مهمترین مسائل سیاسی روی زمین را تحت الشعاع خود میگیرند. پس برای همه ما بسیار مهم است بدانیم که کره ماه در زندگی آینده ما چه تاثیری خواهد داشت و میلیاردها روبل و میلیاردها دلار چرا برای چند دقیقه گردش در کره ماه صرف میشود؟ بسیاری از مردم خیال میکنند که تسخیر کره ماه، فقط یک مسابقه بزرگ میان امریکا و شوروی است و طرفین برای اینکه از یکدیگر عقب نیفتند، باین ماجرای بزرگ دست زده اند تا مردم جهان راجعت

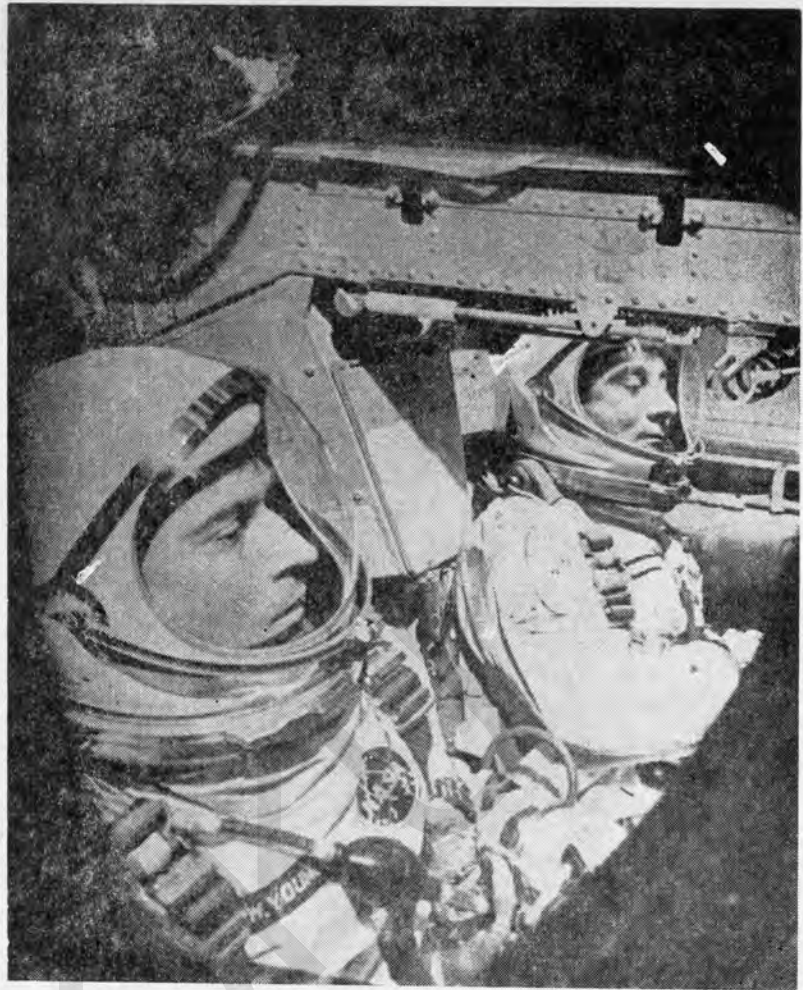
تاثیر پیروزی خویش قرار دهند. البته هیچکس نمیتواند انکار کند که تسخیر کره ماه در عین حال یک مسابقه پرستیژ و حیثیت است میان شوروی و امریکا. اما در حساب نهائی، عامل پیروزی یکی از طرفین، جنبه مهم مسأله نیست. اگر واقعاً مسأله فقط یک مسابقه بود، بنفع امریکا بود که روسها را بحال خود بگذارد تا آنقدر بخاطر کره ماه پول خرج کنند که یکسره ورشکست بشوند، و آنگاه در روی زمین شکست بخورند! هستند اشخاص سطحی و حتی برخی از دانشمندان پیر اما با تفوذ که میگویند: «چرا باید میلیاردها دلار و روبل خرج کنج تا چند نفر را بکره ای بفرستیم که حقیقت صخره های بیجانیش بیش نیست، و هوا ندارد، و

سوال باید سوال دیگری را طرح کنیم « کره ماه چه چیزی میتواند بماند که در کره زمین نمیتوانیم بدست آوریم . »

نخستین پاسخ این سوال کمی حیرت آوراست : کره ماه «خلاء» را بمانی بخشد که بروی کره زمین نداریم ! در میلیونها کیلومتر مکعب فضای کره ماه ، حتی یک حباب هواییست ، و جاست بگوئیم که ما در روی زمین بسیار زحمت میکشیم تا خلاء را بوجود آوریم . بسیاری از صنایع اساسی بشر ، بروی سیستم خلاء بنا شده اند : لاپ های الکترونیک ، رادیو - تلویزیون - ترانزیستور ها ، پمپها و بوجود آوردن خلاء - یعنی از بین بردن هوا بروی کره زمین بسیار گران تمام میشود و در کره ماه دیگر این مخارج را در بسیاری از صنایع نداریم ! تاریخ علم نشان میدهد که اگر بشر به خلاء یعنی بکره ماه دست یابد به رشته های حیرت آوری از علم دست خواهد یافت که در فضای پر از هوای زمین امکان آنها وجود ندارد . صنایعی که امروز ، حتی تصور شان برای ما محال است ، در کره ماه پدید خواهند آمد و صنایعی که وجود هوا و فشار هوا در روی زمین ، مانع رشد آنها شده است در کره ماه شکوفا خواهند شد کم کم مخارج انتقال کارخانه ها بکره ماه کم خواهد شد و کره ماه در صنایع بشری نقش عمده بازی خواهد کرد .

پیاده شدن در ماه :

اکنون شاید پرسید که از پیاده شدن در ماه چه خبر؟ در این کره کوچک و نزدیک بزمین چه خبر هست؟ و در ماه نور آینده که فضانوردان امریکا در این کره فرود می آیند آنجا چه خواهند دید؟ چطور مسافرت می کنند و چه ماجرا هائی بر مر راه آنهاست ؟

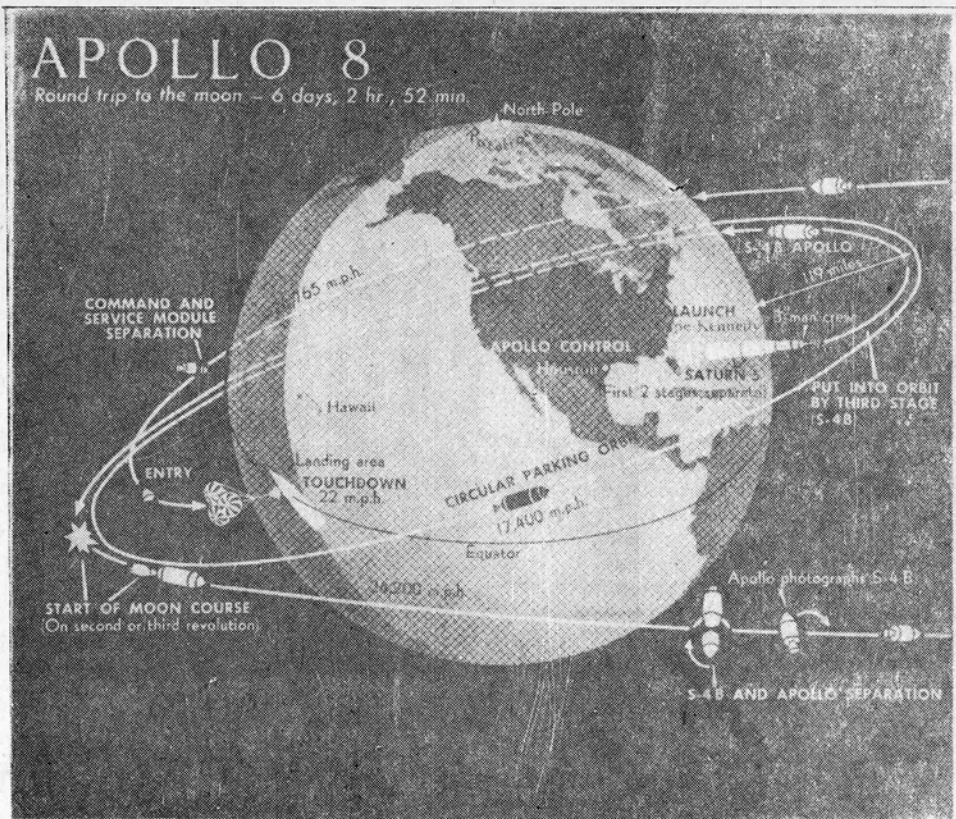


کیهان نوردان قبل از پرواز

صدسال بعد ، ثروت و مواد غذایی که از کره ماه بدست خواهد آمد ، برای بشریت از مزارع گندم « کازاس » و یا چاههای نفت « او کلاهما » و بسیار مهمتر خواهد بود . اگر از حس کنجکاوی بشر ، لزوم پیشرفت دانش بشری نیز صرف نظر کنیم میتوان حتی از نظر تجارتي و اقتصادی تسخیر کره ماه را یک ضرورت حیاتی برای بشریت دانست .

چرا می خواهیم بکره ماه برویم؟ حالا بدین سؤال پاسخ دهیم که چرا بشر اینهمه رنج می کشد و پول خرج میکند تا بتواند کره ماه را تسخیر کند؟ برای پاسخ دادن بدین

روزها آفتاب آنرا بشدت داغ میکند و شبها یخبندان است؟ هوای قطب شمال و جنوب کره زمین در برابر شهبای کره ماه ، هوای بهاری است ! وانگهی اگر فقط قسمتی از پول هائی را که مصرف تسخیر کره ماه میشود ، صرف مطالعه در مورد اعماق اوقیانوس ها کنیم . همه اوقیانوس های پهناور جهان قابل سکونت میشوند و بشر میتواند با مواد غذایی که از اوقیانوس ها بدست می آورد ، یکسره فقرو گرسنگی را از روی زمین براندازد. بلی ، شکمی نیست که کره ماه یکسره کره ای خشک و بی هوا و بی آب و علف است اما بدون شک،



خط السیر او پولوی هشتم

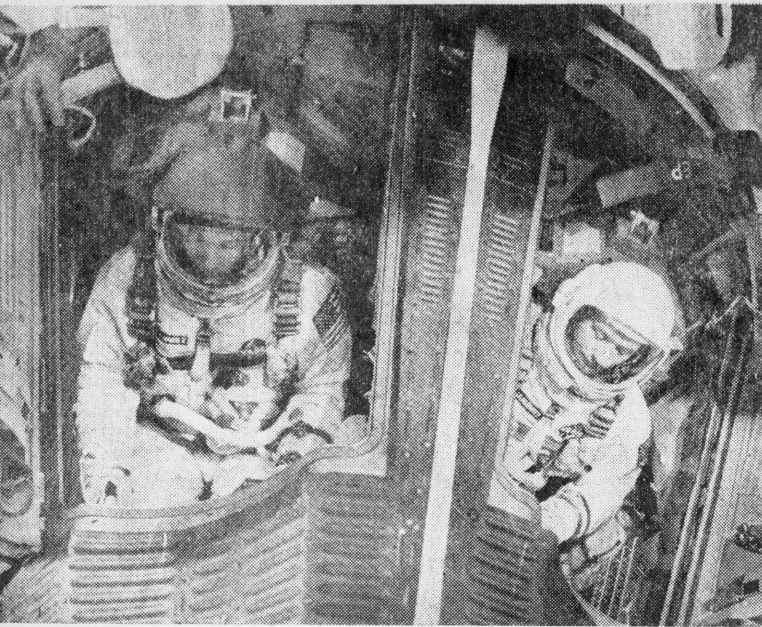
جواب این
الات تاحدودی
وشن است و تا
دو دی هنوز
شن نیست زیرا
طرف امریکا
شوروی سری
که پداشته شده
ست اما اکنون
سایل روشن
فاش شده آن
استفا ده از
خرین مقالات
شریات علمی و
متشر شده در
وپا و امریکا
واب های قنح
نننده خواهیم
اد .

اکنون که
فضا نور د
و لوی هشت

استفاده نمیکنند؟ برای اینکه اولاً
وقت ندارند و ثانیاً نمیخواهند وزن
سفینه را افزایش دهند، زیرا در آن
صورت باز هم باید سفینه های قویتر
از سفینه «ساتورن» بسازند تا بتوانند
بار سنگین سفینه را از نیروی جاذبه
زمین رها کنند. میدانیم که سفینه
«ساتورن» خود یک وزن بزرگ
است که ۱۲۰ متر طول و ۲۷۰۰
تن وزن دارد. با اینهمه چون لازم
است که درون سفینه آپولو، انواع
واقسام وسایل ایمنی تهیه گردد.
وزن سفینه بسیار زیاد است و سفینه
ساتورن به زحمت میتواند این وزنه
سنگین را از نیروی جاذبه عظیم کره
زمین برهاند و آنرا بسوی کره ماه
بفرستد سفینه آپولو در اول کار
۴۲ تن وزن داشت اما درین چند
سال سه تن دیگر بروزن آن افزوده
شده چونکه وسایل ایمنی جدیدی را

اراده و خونسردی و بردباری
حیرت آوری هستند مثلاً از هنگامی
که در سال ۱۹۶۷ سه فضا نورد
امریکایی، در اثر آتش گرفتن یک
سفینه جان سپردند دانشمندان
امریکایی دو میلیون پیچ مهره
سفینه آپولو را تعمیر داده اند.
دانشمندان امریکایی لباس فضا
نوردان خود را نیز طوری تغییر
داده اند که حتی در محیط پسر از
اکسیژن خالص سفینه نیز آتش
نمیگیرد و این لباسها برای امریکا
هشتصد میلیون افغانی خرج برداشته
است. شورو یها برای تنفس فضا
نوردان خود، همیشه مخلوطی از
اکسیژن و آزت را که شبیه هوای
معمولی زمین است تدارک میکنند
و نه اکسیژن خالص را که خیلی
زود آتش میگیرد. چرا امریکاییها
هم از مخلوط اکسیژن و آزت

سلامتی بزمین باز گشته اند
کار عمومی جهانیان از خود
س پرسد:
آیا براستی انسان خواهد توانست
و ن خطر بر روی کره ماه پیاده
ود، و از آنجا سلامت بروی زمین
گردد؟ آیا انسان خواهد توانست
کره ماه زندگی کند؟ آیا این
ه پولی که برای تسخیر کره
ه خرج می شود ارزش این فتح
دارد؟
میدانیم که بشریت « امریکا
شوروی بیشتر از همه» هر روزه
۲۵ میلیون افغانی برای تسخیر
برات آسمانی و سفر های فضایی
ل خرج میکند و با این همه تسخیر
ره ماه هر روز مسایل دشوار
یدی بوجود می آورد. نوابغی که
امریکا و شوروی، مقدمات سفر
ره ماه را آماده می سازند، مظهر



کیهان نوردان حین تهرین شان در سفینه

از کره ماه بسوی مریخ میفرستیم، انرژی برق و مثل هوا پیمایکار بینداز تا مسافتی را بروی سطح ماه - بطول افقی راه برود تا آنکه سرعتش بمیزان برسد که بتواند پرواز افقی را پرواز عمودی تبدیل کند و بسوی کره مریخ راه بیفتد . برای اینکه جسمی، مثلاً، سفینه بتواند از نیروی جاذبه زمین فرار کند، باید در هر ساعت ۶۰۰۰ کیلومتر سرعت داشته باشد ولی کره ماه چون فشار هوا و جاذبه ندارد میتواند با سرعت اولیه ۵۰۰ کیلومتر در ساعت از جاذبه کره ماه فرار کرد. یعنی چه؟ یعنی اینکه اگر یک ماه نیرویم و ازین تسهیلات شگفت آنکیز استفاده نکنیم، اصلاً سفر بکره ماه محال است .

نخستین سفر به ماه :
 ۱۸ ساعت و ۲۵ دقیقه !
 هنوز نمیدانیم که اگر در مسافت تسخیر کره ماه شورویها پیروز شوند، دقیقاً بر نامه سفرشان چگونه خواهد بود، اما در مورد برنامه مسافرت نخستین مسافران امریکائی ماه، چیزهای زیادی میدانیم.

کره ماه بدست آوریم بر روی کره ماه حتی هیدروژن بیک شکنی هست و میدانیم که سوخت سفینه های آتمی آینده همین هیدروژن خواهد بود، پس اگر بتوانیم هیدروژن را از کره ماه استخراج کنیم، سفرهای آینده ما بکرات دیگر ده بار آسانتر و کم خرج تر خواهد شد و سفینه های هم که از زمین بسوی کره ماه پرتاب میشوند مجبور نخواهند بود سوخت بر گشت خود را نیز از زمین به همراه خود ببرند پس مجبور نخواهیم شد سفینه های بسیار عظیم و بسیار پر خرج بسازیم و بجای سفینه های چند طبقه ای خواهیم توانست سفینه های بسیار ساده بسوی کره ماه بفرستیم. یعنی سفرهای فضائی که حالا برامتی و رشکست کننده است، از نظر اقتصادی و تجارتنی قابل تحمل خواهد بود .

از طرف دیگر چون در کره ماه هوانیست و بنابراین از طرف جوفشاری بر سفینه ها وارد نمی آید، اصلاً مجبور نخواهیم بود این همه سوخت گرانبهای برای راکتها صرف کنیم بلکه خواهیم توانست مثلاً سفینه ای را

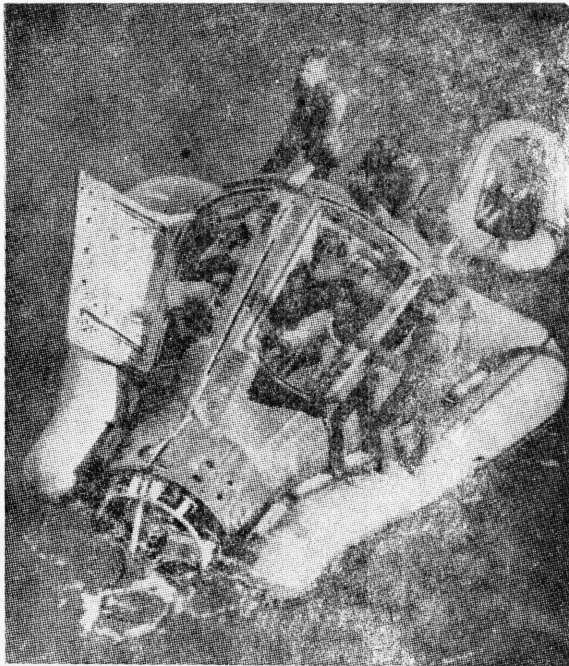
درون آن نصب کرده اند . اگر دانشمندان امریکا میخواهند برای سه فضا نورد خود هوائی از اکسیژن و آزت فراهم سازند مجبور بودند باز هم بوزن سفینه بیافزایند و در این صورت سفینه «ساتورن» نمیتوانست سفینه اپولو را از نیروی جاذبه زمین برهاند همین مثال کوچک نشان میدهد که سفرهای فضایی هنوز هم با شتاب و عجزله بسیاری و دور از احتیاط طرح میشود و مسافرت فضائی خطرات بسیاری دارد چونکه هم امریکا و هم شوروی بسختی میکوشند که در تسخیر ماه از حریف خود جلو بیفتند .

ماه، پایگاه تسخیر کرات دیگر :-

برای اینکه خود را از نیروی جاذبه زمین آزاد کنیم و بسوی کرات دیگر برویم، بیست بار بیشتر از آنچه برای آزاد شدن از کره ماه انرژی لازم است، محتاج انرژی هستیم در حقیقت زمین با نیروی جاذبه خود پای ما را به زنجیر کشیده است پس اگر بخواهیم روزی به کرات دیگر سفر کنیم، خیلی بصرفه است که مثلاً از کره ماه بسوی کره مریخ پرواز کنیم زیرا که برای آزاد شدن از قوه جاذبه کره ماه سفینه های بسیار ضعیف تر و کم خرج تر میتوان بکار برد یعنی تسخیر کره ماه در تسخیر سایر کرات نقش اساسی و حیاتی را بازی میکند برای اینکه یک تن بار را از روی زمینی بسوی کرات دیگر بفرستیم باید صدمتن سوخت مصرف کنیم، و میدانیم که برای مسافرت های مکرر بسوی کرات، میلیونها تن سوخت مورد نیاز خواهد بود و تهیه چنین سوختی بر روی زمین ممکن نیست. اما اگر سفینه های خود را از روی کره ماه بسوی کرات دیگر بفرستیم، اولاً به سوخت کمتری نیاز داریم و ثانیاً میتوانیم این مواد سوخت را از خود

وقتی سفینه اپولو به حوالی کره ماه رسید و در مدار آن قرار گرفت سفینه کوچکتری را همراه با دوسر نشین بسوی کره ماه خواهد فرستاد و خود اپولو در مدار کره ماه خواهد گشت و یا بهتر است بگوئیم پارک خواهد کرد و منتظر بازگشت دو فضانورد خواهد بود. این دونفر که برای نخستین بار قدم بر روی کره ماه گذاشته اند، بیشتر از ۱۸ ساعت و ۲۵ دقیقه در کره ماه نخواهند ماند و همیشه یکی از آنها داخل سفینه ای که روی کره ماه پیاده شده خواهد نشست و دیگری در عرصه ماه بگردش خواهد پرداخت نخستین مسافران ماه بیشتر از ۸۰۰ متر از سطح فرود خود دور نخواهند شد، این امر دلالتی زیادی دارد و از جمله این دلایل یکی اینستکه فضانورد تنهایی که برای اولین بار قدم بر روی کره ماه گذاشته، اگر از دوست خود و سفینه اش زیاد دور بشود ممکن است دچار خطرات غیر قابل پیش بینی بشود از طرف دیگر لباسی مخصوص فضانوردان هنوز طوری نیست که راه رفتن و کار کردن آنها را بر روی کره ماه تسهیل کند. همه ما بر روی تلویزیون دیده ایم که فضا نوردان چقدر سنگین راه میروند. میدانیم که جسمی که از روی زمین بروی کره ماه برده میشود در آنجا فقط یک ششم وزن زمینی خود را دارد، یعنی اگر در روی زمین شش کیلو وزن داشته در کره ماه، فقط یک کیلو وزن خواهد داشت. اما قدرت عضلاتی فضانورد در کره زمین و کره ماه یکسان است، پس از نظر ثنوری، فضانورد باید در کره ماه کارهای بزرگتری را بتواند انجام دهد، مثلاً یک وزنه شصت کیلوئی

را باسانی بلند کند. چونکه این وزنه در کره ماه فقط ده کیلو وزن دارد اما در عمل کارها بدین آسانی نیست و راه رفتن و کار کردن در خلاء برای انسانی که به جوزمین و نیروی جاذبه شدید آن عادت کرده سخت است هر بار که فضا نوردان از سفینه خود خارج شده و در فضا راه رفته اند، سخت دچار خستگی شده اند. در ماه ۱۹۶۶ «سرنان» فضانورد امریکایی که از سفینه خود خارج شده بود و مدتی کوتاه در فضا راه بیامی کرد، در حالی که سفینه خود بازگشت که در هر دقیقه بجای ۱۶ بار، سی بار نفس میکشید و ضربان قلبش از دو برابر هم بیشتر شده بود. ۱۸۰ تپش در هر دقیقه رسیده بود! وقتی «سرنان» بروی زمین آمد، از درون لباس فضا نوردی او، دو لیتر عرق بیرون آوردند! بدینسان در نخستین سفر به ماه، فضا نوردان برنامه بسیار محدود خواهند داشت. مطمئناً آنان



تیم کیهان نوردان بعد از فرود آمدن روی بحر

مقداری عکس و فیلم سینمایی و تلویزیونی از کره ماه خواهند گرفت. در باره درجه حرارت و تشعشعات آفتاب و دیواکتیف و غیره مطالعات مقدماتی خواهند کرد و میدانیم که اینکارها را توسط ماه نورد های خود کار نیز که قبلاً فرستاده ایم، میتوان انجام داد فضا نوردان مقداری از خاک و سنگریزه های کره ماه را نیز همراه خود خواهند آورد تا در مورد جنس خاک این کره مطالعه بشود. مقدار زیادی از وقت آنها نیز به کنترل سفینه خودشان برای بازگشت صرف خواهد شد و می بینید که برای اینکارها ۱۸ ساعت، وقت زیادی نیست، و البته درین نخستین سفر کوتاه، فضا نوردان نخواهند توانست حتی بچند سوال از هزاران سوالی که کره ماه در برابر ما قرار داده است، پاسخ قطعی بدهند، لابد باید صدها بار به کره ماه سفر بکنیم

تا راه های این کرده اسرار آمیز را دریابیم، البته دقیقاً نمیدانیم که در درون کره ماه چه میگذرد، اما مثلاً میدانیم که در صخره های کره ماه بقدر کسافی اکسیژن است و شاید درون صخره ها یا در زیر قشر سطحی کره ماه، آب نیز بصورت قطرات یا یخ وجود داشته باشد در هر حال

مفقود شدن تحت البحری اتمی معروف «اسکریپون» در ماه های قبل طراحان این وسایل را بفکر تهیه ماده بهتری که دارای مقاومت بیشتر باشد انداخت در تعقیب این فکر آز مایشات فراوانی برای مواد گوناگون آغاز گشت و اکنون بخوبی مسلم شده است که شیشه بهتر از فلز در مقابل فشار آب مقاومت میکند. بر طبق طرحی که توسط « ادوین لاسک » سر مهندس کارخانجات شیشه سازی « کر نیک » امریکا عرضه شده است دو تحت البحری به شکل نیمکره از شیشه ساخته شده که هم اکنون دوران آزمایشی خود را میگذرانند. یکی ازین دو که برای عمق شش هزار متری ساخته شده است از کلیه آزمایشات تقریباً موفق بیرون آمده است پیش بینی میشود در صورت عملی شدن این طرح دانشمندان اقیانوس شناس از آن استقبال فراوان بعمل آورند زیرا بعلت شیشه ای بودن جدار تحت البحری میدان دید برای عملیات تحقیقاتی آن بسیار زیاد میشود.



تلسکوپهای بسیار ارزانتر، ستارگان دیگر را بطور کاملاً روشنی دید و تماشا کرد.

بطور خلاصه میتوان گفت که در آینده جهان مال ملتی خواهد بود که صاحب کره ماه بشود، چونکه آینده کره زمین، هرروز بطور عجیبی به کره ماه وابستگی پیدا میکند.

از سوی دیگر در سطح کره ماه، همان شرایطی وجود دارد که میلیونها سال پیش، قبل از آغاز زندگی بر روی کره زمین وجود داشته است، و بنابراین با مطالعه بر روی کره ماه و ساختمان آن، میتوانیم به گذشته کره خاکی خود مان نیز پی ببریم. درست مثل این است که ناگهان به کتابخانه پر از میلیونها کتاب رسیده ایم که بسیاری از اسرار زندگی گذشته کره زمین را در آنها نوشته اند.

بر روی کره ماه خواهیم توانست با تجربیات تازه گیاهان و درختان و مواد غذایی تازه ای بوجود آوریم و یک مساله مهمتر و جالب تر: دکتوران میگویند بر روی کره زمین قلب ما مجبور است در هر لحظه به سختی با نیروی جاذبه شدید زمین مبارزه کند و به همین جهت خیلی زود فرسوده میشود، اما در کره ماه که نیروی جاذبه اش بسیار کمتر از زمین است، قلب ما به آسانی و بدون فشار کار خواهد کرد بنا برین زود فرسوده نخواهد شد و انسان در کره ماه چندین برابر روی زمین عمر خواهد کرد.

خلاصه اینکه! ملتی که صاحب کره ماه بشود حتی صاحب همه کرات منظومه شمسی خواهد بود. کلیه آینده را باید در خاک نا شناخته ماه بجوئیم. کره ماه پرچم آینده بشریت است.

اگر در کره ماه هیدروژن نیز پیدا کنیم آنوقت میتوانیم سفینه ها را با سوخت کمتری نظرف کره ماه بفرستیم، و در آنجا برای باز گشت خود از اکسیژن و هیدروژن خود کره ماه استفاده کنیم بدینسان وزن سفینه ها سبکتر میشود و میتوان به جای سوخت یا اکسیژن اضافی، مسافر های بیشتری را بسوی کره ماه فرستاد.

ماه پرچم آینده است!

در کره ماه برای اینکه سفینه ای را بکار بیندازیم، و مثلاً بسوی کره زمین بر گردانیم اصلاً به سوخت احتیاجی نداریم زیرا که میتوانیم یک مرکز دائمی تولید انرژی درست کنیم و همیشه از آن استفاده کنیم مثلاً با یک بمب هیدروژنی ساده که چند تن بیشتر وزن ندارد میتوان سفینه بوزن صد ملیون تن را از روی کره ماه پیر و از در آورد! در هر حال زمانی حمل و نقل کالا و مواد اولیه بین کره ماه و زمین چندان آسان خواهد بود که مخارج آن بیش از مخارج جت های باربری فعلی نخواهد بود ازینها گذشته ماه میتواند در آینده مرکز مخبرات زمین با کرات دیگر منظومه شمی باشد. در اطراف زمین دهها مانع جو، تشعشعات گوناگون و... مانع رسیدن امواج رادیویی میشوند، اما در اطراف کره ماه از چنین موانعی خبری نیست. پس کره ماه میتواند براستی مرکز مخبرات زمین با کرات دیگر باشد.

بر روی کره زمین، ما برای دیدن ستارگان دیگر، باید تلسکوپ های بسیار گرانبها بسازیم، تازه جو زمین مانع آن میشود که ما بتوانیم با همین تلسکوپهای گرانبها و دقیق نیز ستارگان را چنانکه باید ببینیم. اما در کره ماه میشود با

مسئله ویتنام در کرانس صلح پاریس

ویتنام جنوبی در ك در مذاکرات

لوحته تورن ار کان حرب
علی احمد جلالی

در جهانیکه بسر میبریم حوادث و وقایع ناشی از تصادم و برخورد های دلچسپی ها و تلاش های گروه های مختلف بشر اوضاع بین المللی را گاهی بیگانه و بیادش شرایط معین و مطلوبی که اقلان مورد نظر همگان باشد محافظه نمیدارد. هر روز از طریق نشریات مختلف از هر گوشه و کناره جهان چنان اطلاعات و گذارشات تازه میرسد که یک خواننده و یا شنونده بیطرف را به بسا نیکات تازه ای در حوادث بین المللی متوجه میسازد و اکثر دیده شده که یک حادثه کوچک چنان جریانی را بخود میگیرد که قبلاً به استناد ارقام دست داشته امکان پیش بینی آن نبوده و یا بالای آن قضاوت درستی بعمل نیامده است، با آنکه حوادث مختلف بین المللی از خود دارای یک شکل جریان بخصوص میباشد ولی در جهانیکه هر لحظه با انکشاف و وسایل مودرن ارتباط و توسعه تلاش های ملی کوچکتر شده میرود اکثر جریان یک حادثه بالای جریان وقایع دیگری بی تاثیر باقی نمی ماند.

در قرون گذشته اجداد مادر ماحول محدود خویش به پراپلم های محیطی خود سرو کار داشتند و تلاش هاییکه خارج این ساحه کوچک بعمل می آمد جز حوادث بزرگ تاریخ بشمار میرفت ولی امروز موضوع به این سادگی نیست مسایل

که سابق بین دو گروه علاقمند فیصله میشد امروز مورد قضاوت آزاد تمام کتله های بشری قرار میگیرد و از همانرواگر یک نماینده سیاسی کشوری ادعائی را تقدیم جهانیان میکند باید کوشش کند جانبداری اکثریت دول را بخود جلب نماید زیرا از همین طریق میتواند وسایل تامین خواسته های خود را در قضای بین المللی فراهم آورد بنابین آن ممکن است یک کشور کوچک بتواند از یک دولت قوی در چنین مسابقه دپلوماتیک جلو افتد، در مجامع بین المللی منجمله موسسه ملل متحد اکنون چنین طرز العمل جریان دارد که همه درین مورد چیز هائی میدانیم و شنیده ایم.

پس از حرب عمومی دوم جهان زمانیکه اختلاف نظر ها ناشی از تباین آمده لوژی ها شدت یافت فکر میشد که منافع یک کتله ایکه یک ایده لوژی معینی را تعقیب مینماید مشترک است و روی همین مفکوره پیمان های نظامی بوجود آمد ولی شرایط بین المللی در طول چند سال بشدت تغییر کرد، انکشاف اقتصادی کشورهای کوچک اروپائی و آسیائی و تقویه نیشالیزیم در برخی از کشورهای کوچک آسیائی، آفریقائی و اروپائی و بالاخره سهم گیری کشورهای رو به انکشاف در حل پراپلم

های بین المللی چنان وضعیتی بوجود آورد که در آن بملاحظه رسید که منافع کشورهای شامل یک پیمان و یا اتحاد با آنکه در مفکوره عمومی با هم مشترک میباشند هر کشور تابع مصلحت های ملی خودش نیز میباشد، عکس العمل های که درین مورد در برخی از نقاط جهان تولید شد بعضاً حوادث بزرگی را بوجود آورد که از آنجمله میتوان اختلاف قسمی اتحاد شوروی و جمهوریت مردم چین را در شرق و درز نسبتاً جالب توجه را که بین پیمان ناتو و فرانسه در غرب ظهور کرد نام برد این حوادث نشان میدهد که دول جهان در شرایط امروزه مصلحت های ملی خود را کاملاً در منافع مشترک پیمان ها و یا طرفداران خود منحل نمیدانند بلکه نزد آنها

منافع ملی باز هم یک هدف ملی و انکار ناپذیر بشمار میرود. در سال جاری بحرانی که در روابط کوریای جنوبی و اضلاع متحده آمریکا به تعقیب گرفتاری کشتی یوبیلوی امریکائی از طرف حکومت کوریای شمالی بوجود آمد بار دیگر توجه را به همان نکته ایکه فوقاً بعرض رسید جلب کرد زیرا شکل معامله آمریکا با کوریای شمالی باید با خواسته ها و مقاصد ملی کوریای جنوبی هم آهنگ ساخته میشد و برای تامین این موضوع



نگوین وان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی و نگوین کاو کی معاون او در قصر ریاست جمهوری

مدتی در روابط آمریکا و کوریای جنوبی بحرانی بوجود آمد. اکنون که از آن حادثه مدت زیادی نمیگذرد یک پراپلم مشا به در مورد روابط آمریکا و ویتنام جنوبی در برابر کنفرانس صلح پاریس که امید است یک فیصله صلح آمیز جهت حل مسئله ویتنام منتهی شود، بوجود آمده است. در بهار سال جاری حکومت ایالت متحده آمریکا به تدویر کنفرانس صلح در پاریس موفق شد و در تصمیماتی که بدین مقصد اتخاذ گردید شناختن

جبهه آزادی ملی و ویتنام جنوبی موضوع بحث قرار داشت و صرف جهت فراهم آوردن امکانات عملی یک فیصله نهائی و قابل تطبیق در مورد حل پراپلم ویتنام این ترتیب معقول بنظر خورد. چون بنا بر همین علل موقف جبهه آزادی ملی در کنفرانس پاریس توضیح و تفسیر نگردید ویتنام جنوبی اشتراک جبهه آزادی ملی را در کنفرانس دلیل این گرفت که آمریکا آرزو مند است به این جبهه آزادی که در ویتنام جنوبی بر علیه آن می جنگد جنبه رسمی بدهد، بنا بر آن مقدمات یک تراضیاتی از همان وقت در حلقه های سیگون احساس میشد.

در طول پنج و نیم ماه دیگر لیندن جانسن رئیس جمهور آمریکا در پی این بود تا با موافقه حکومت سیگون شرایط بهتر و عملی تری را برای دوام مذاکرات صلح در پاریس فراهم آورد و بالاخره در ماه عقرب سال جاری به قطع کردن بمباردمان طیارات امریکائی بالای ویتنام شمالی تصمیم گرفت. این تصمیم وی که از طرف اکثریت دول جهان بخوبی استقبال گردید باعث این شد که ویتنام شمالی و جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی بشکل موثر تر و قطعی تری در کنفرانس صلح پاریس حصه بگیرند. یکی از دلایل تصمیم رئیس جمهور آمریکا

گروه های مربوطه از طرف یکدیگر ایشان بر سمیت موضوع بحث و قابل اعتبار قرار نگرفته بود بنا بر آن اگر کنفرانس بشکل چهار جانبه (آمریکا، ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی و جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی) و یاسه جسانبیه (آمریکا، هائوی و جبهه آزادی ملی ویتنام) به مذاکرات خود دوام میداد مسئله بر سمیت شناختن جبهه آزادی ملی از طرف ویتنام جنوبی و آمریکا و بر سمیت شناختن حکومت سیگون از طرف ویتنام شمالی و

را برای قطع کردن بمبارد مان ویتنام شمالی جلب علاقه مردم امریکابه کاندید حزب دموکرات تلقی کردند و آنرا یک وسیله جنب آرا *Vote catching device* شمردند ولی شاید قویترین دلیل آن این بود که لیندن جانسن رئیس جمهور امریکا آرزو داشت قبل از ختم دوره ریاست جمهوری اش در پایان سال ۱۹۶۸ یک انکشاف قابل ملاحظه ای در مورد حل یرابلم ویتنام بوجود آید. بهر صورت با قطع شدن بمبارد مان طیارات امریکائی بالای ویتنام شمالی کشیدگی های محسوسی در روابط امریکا و ویتنام جنوبی بظهور رسید و رئیس جمهور و ویتنام جنوبی (نگوین وان تیو) از اشتراک در کنفرانس صلح پاریس که در آن به جنبه آزادی ملی و ویتنام جنوبی (ویت کانگ) موقف مستقلی داده شده است امتناع ورزید.

نگوین وان تیورئیس جمهور ویتنام جنوبی در عرصه متجاوز از یکسال به اینطرف کوشش کرده است یک اتحاد نظری را بین گروه های مختلف سیاسی و نظامی ویتنام جنوبی بوجود آورد و موقف خود را بحیث زمامدار ویتنام جنوبی مستحکمتر گرداند. بنا برآن در شرایطیکه ویتنام جنوبی پس از قطع بمبارد مان امریکا بالای ویتنام شمالی قرار داشت اتخاذ تصمیم برای وان تیو کار ساده ای نبود. او از یکطرف می بایستی منافع گروه های مختلف را مد نظر گیرد و از جانب دیگر با اتخاذ یک تصمیمی که برای طبقات عامه سیگون مورد قبول نباشد موقف خود را ضعیفتر نسازد بنابراین آن در تصمیم رئیس جمهور ویتنام جنوبی سببی بر عدم اشتراک در کنفرانس صلح پاریس مسایل نشنالستی، غرور ملی و ترس از بخطر

افتیدن موقف خودش باهم آمیخته بود زیرا مردمان شهری داخل کنترل حکومت ویتنام جنوبی شرایط صلح را نسبت به شرایط حرب ناگوارتر می بینداند و برای آنها بسر بردن زیرا اداره یک حکومت ائتلافی در حالیکه ماشین عسکری امریکا هم از کنار آنها دور شود عاقبت مورد نظر آنها را ندارد و دیر یازود ویتکانگ حکایت را از طریق تولید فشار سیاسی بدست خود میگیرد. بنابراین وان تیورئیس جمهور ویتنام

آورد ویتنام شمالی، تیرمه.

تا زمانیکه شخصی بخود پند نداده و خویشتن را اصلاح نکرده است نباید دیگرانرا رهنمایی کرده و نصیحت نماید. (سینیکار)

هماهنگی

دست قدرت در هر دل پاکی این حس شریف را گذاشته است که او به تنهایی خوشبخت نمیتواند شود و او سعادت خود را در سعادت دیگران باید بجوید. (گوته)

جنوبی تصمیم گرفت که از اشتراک خود در کنفرانس صلح پاریس امتناع ورزد. نقطه اتکای حکومت ویتنام جنوبی را درین تصمیم میتوان مربوطیتی دانست که قوای نظامی و سیاسی امریکا بالای ویتنام جنوبی دارد. حکومت سیگون فکر میکند که امریکا به تنهایی خود بدون همکاری ویتنام جنوبی نمیتواند به مقاصد خود برسد حتی اگر قوای خود را هم از ویتنام جنوبی بیرون

بکشد جریان مطابوب این حرکت آن مربوط به همکاری قوای نظامی ویتنام جنوبی می باشد. ازینرو حکومت سیگون پس از اتخاذ تصمیم عدم اشتراک در کنفرانس صلح یتین داشت که امریکارا مجبور خواهد ساخت منافع حکومت سیگون را هم در راه حل یرابلم ویتنام در نظر گرفته اقلانن به قبول یک قسمت از شرایط آن بدهد.

البته جای شک نیست که در حوزة اقتدار حکومت سیگون هم تمام گروه ها طرفدار این تصمیم وان تیو نبودند و یک تعداد دسته ها مثلا بوآئیمان طرفدار این می باشند که بیک فیصله نهائی با جنبه آزادی ملی ویتنام جنوبی برسند، ولی تجدیدات شدیدیکه بر اظهار همچو نظریات بوجود آمده است مانع این بود که مقابله علنی با تصمیم رئیس جمهور ویتنام صورت گیرد. اینرا هم باید مدنظر داشت که وان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی امیدوار بود زمانیکه ریچارد نکسن بکار خود بحیث رئیس جمهور امریکا آغاز نماید بهتر میتواند در موضوع کنفرانس صلح پاریس و شرایطی که برای طرز جریان آن وضع میگردد امتیازاتی بدست آورد ولی در نتیجه لیندن جانسن رئیس جمهور و ریچارد نکسن رئیس جمهور منتخب امریکا برای دوره آینده صورت گرفت معلوم شد که آن دونفر سیاستمدار امریکائی در مورد پرنسیپ های عمومی حل بحرانات بین المللی و موقف امریکا در برابر مسایل بین الملل توافق نظر دارند. امریکا از سابق آرزو داشت در سیگون حکومتی بوجود آید که قادر به متحد ساختن گروه های مختلف سیاسی و نظامی آن کشور

بوده دارای استقرار ملی و استقلال فکری برای وقتی باشد که امریکا در صورت فیصله پرابلم ویتنام قوای خود را از ویتنام جنوبی کشیده و حکومت سیگون بتواند پبای خود ایستاده شود. ولی اکنون که وان تیو تا اندازه قدرت ابراز نظر مستقل حکومت خود را پیدا کرده در دستر تازۀ را برای امریکا بوجود آورده است زیرا سیاسیون امریکا خصوصاً رئیس جمهور آن کشور از همه اولتر آرزو دارند هر چه زودتر در کنفرانس صلح پاریس پیشرفت های بزرگی بعمل آید ولی مقاطعه ویتنام جنوبی ناشی از تظاهر استقلال فکر سیگون باعث شد تا جنجال های جدیدی در راه پیشرفت مذاکرات بوجود آید. البته امریکا مجبور بود سیگون را وارد میز کنفرانس سازد زیرا طوریکه هر دو طرف علاقمند (امریکا، هائوئی و جنبه آزادی ملی) عقیده دارند موجودیت نمایندگان حکومت ویتنام جنوبی در کنفرانس پاریس ضروری می باشد و لو هائوئی و جنبه آزادی ملی حکومت سیگون را برسمیت نمی شناسد و با وجود تباین نظر ها این مسئله از طرف امریکا و ویتنام شمالی و جنبه آزادی ملی درک شده است که هر فیصله نهائی حرب ویتنام مستلزم موجودیت نمایندگان باصلاحیت ویتنام جنوبی در میز کنفرانس می باشد. یک نطق جنبه آزادی ملی در پاریس اظهار داشت که آن دسته که کاملاً حاضر است تمام پرابلم های مربوط به ویتنام را با اشتراک و یا بدون اشتراک نمایندگان حکومت سیگون مذاکره نماید. علاوه بر آن شواهدی موجود است که ویتنام شمالی و جنبه آزادی ملی به اهمیت اشتراک سیگون در کنفرانس پی برده اند

چنانچه یک منبع طرفدارها نوری در پاریس اعلام داشت که با وصف آنکه تحمل این مسئله برای ویتنام شمالی و جنبه آزادی ملی مشکل است ولی حقیقت اینست که آنها به موجودیت نمایندگان سیگون در کنفرانس جهت توصل بیک فیصله واقعی و با معنی ضرورت دارند. و اخیراً به همین اعتقاد رسیده اند. ولی باید اینرا هم خاطر نشان ساخت که جنبه آزادی ملی و هائوئی اظهار داشته اند که قبول نمایندگان ویتنام جنوبی برای تدویر کنفرانس چهار جانبه در پاریس معنی اینرا نمیدهد که آنها حکومت سیگون را برسمیت شناخته اند بلکه طرف معامله آنها در مذاکرات صلح تنها ایالات متحده امریکا می باشد.

* * *

به اینصورت در پاریس راه برای اشتراک نمایندگان سیگون در کنفرانس صلح باز بود و پس از آن این مربوط به حکومت ویتنام جنوبی بود که در کنفرانس اشتراک میوزد یا خیر. تردیدی نیست که بزعم نهائی ویتنام جنوبی مجبور بود در کنفرانس پاریس شرکت جوید زیرا امتناع از آن برای همیشه خصوصاً تحت شرایطیکه اضلاع متحده امریکا بمبارد مان خود را بالای ویتنام شمالی قطع کرده و بیش از هر وقت آرزو مند ادامه مذاکرات صلح می باشد آینده امید بخش را تضمین نمیکرد و از جانب دیگر سوال قضاوت بین المللی هم در میان بود، امتناع دائمی ویتنام جنوبی باعث بوجود آمدن تاثیرات منفی بر پرستیژ آن در فضای بین المللی قرار میگرفت، بنابراین مقاطعه سیگون بر اساس تحکیم موقف حکومت آن جلب حمایت طبقات مخالف صلح پاریس، تظاهر فکر مستقل در موضوع حل

پرابلم ویتنام جهت بدست گرفتن لیدر شپ متحدين در مذاکرات آینده، مهم نشان دادن حملات ویت کانگ در جریان مذاکرات پاریس، انتظار برای آغاز دوره ریاست جمهوری نکسن و بالاخره تحمیل یک قسمت از شرایط خود بر امریکا در مورد طرز جریان مذاکرات صلح، بنایافته بود. یک قسمت از فکتورهای فوق قبلاً توضیح گردید، نکته قابل ذکر درینجاست که ویتنام جنوبی آرزو داشت شرایطی را بوجود آورد که در آن اشتراک نمایندگان آن کشور باعث حصول امتیازات بیشتری به حکومت سیگون شود، بدین مقصد حکومت سیگون آرزو مند بود لیدر شپ متحدين را در مذاکرات بدست بگیرد و طور مستقل با هائوئی موضوع ویتنام را مطرح نماید، در حقیقت این موضوعی است که قبلاً هم حکومت ویتنام جنوبی روی آن حساب میکرد و در طول پنج و نیم ماهیکه امریکا برای وارد کردن مذاکرات صلح پاریس بیک مرحله عملی ترو و تر بخش کوشش مینمود تصمیم گرفته بود تمام مسایل مربوط به این امر را به شمول قطع بمبارد مان بر ویتنام شمالی با موافقه سیگون صورت دهد. فرسولی را که امریکا برای کنفرانس پیشنهاد کرد عبارت از شمولیت و رزیدن گروپ های علاقمند (امریکا، ویتنام شمالی، حکومت ویتنام جنوبی و جنبه آزادی ملی ویتنام جنوبی) صرف بنام دو طرف بود که در آن برسمیت شناختن سیگون از طرف هائوئی و جنبه آزادی ملی و یا برعکس آن مدنظر گرفته شده بود. حکومت سیگون تا قبل از ماه اکتوبر عدم موافقه خود را به این این فرمول اظهار نکرد زیرا یقین داشت که با آغاز مذاکرات لیدر شپ متحدين را بدوش خواهد داشت،

امریکا هم این موضوع را آنقدر جدی نگرفته بود ولی وقتی که زمان اصلی رسید حکومت ویتنام جنوبی در یافت که سه سؤ تفاهمی رخ داده است. بسنا بر آن از اشتراک در کنفرانس پاریس امتناع ورزید و امریکا اظهار داشت که حکومت ویتنام جنوبی تا آخرین مرحله فرمول فوق را طرفداری نموده ولی در خاتمه وقتی زمان تطبیق آن رسید بنام اینکه حاضر نیست با نمایندگان جنبه آزادی ملی بحیث یک طرف مستقل معامله نماید با کنفرانس صلح پاریس مقاطعة کرد.

برای مدت دو هفته پس از تصمیم لیندن جانسن رئیس جمهور آمریکا مبنی بر قطع کردن بمباران طیارات امریکایی بر خاک ویتنام جنوبی روابط امریکا و ویتنام جنوبی بسردی گرائید و مقاطعه سیگون در مورد کنفرانس پاریس باعث یک سلسله مذاکرات متمادی بین واشنگتن و سیگون قرار گرفت. طوریکه قبلا هم اشاره شد رئیس جمهور امریکا میخواست هر چه زود تر کنفرانس چهار جانبه آغاز یابد و رئیس جمهور ویتنام جنوبی نمی توانست بنا بر دلایلی که قبلا ذکر یافت تصمیم فوری بگیرد، روی این موضوع در طول این دو هفته (دو هفته اخیر ماه عقرب) روابط امریکا و سیگون در طول پنج سال به مرحله پائین ترین خود رسید. البته رئیس جمهور امریکا بمشکلات وان تیو برای اتخاذ تصمیم فوری مدرک بود و میدانست که وقتی در کار است تاوان تیو شرایط اتخاذ تصمیم را مساعد سازد و از همان رو با شکل معتدل با سیگون به مذاکره پرداخت ولی یک سلسله اظهاراتی که از طرف بعضی

مشاورین جانسن درین مورد صورت گرفت روابط بین آندو کشور را سرد تر ساخت. وزیر دفاع ملی امریکا کلارک کلیفورد طی یک کنفرانس مطبوعاتی که در پنتاگون صورت گرفت به لجه هیجان آمیزی اظهار داشت که اگر حکومت سیگون به این مقاطعه دوام دهد ممکن است امریکا به تنهایی در راه مذاکرات قدم بردارد او گفت که سیگون قبلا اطلاع داشت که نمایندگان جنبه آزادی ملی در کنفرانس صلح پاریس با نمایندگان ویتنام شمالی همراه خواهند بود ولی در اخیر به بهانه همین موضوع از اشتراک در مذاکرات امتناع ورزید، کلارک کلیفورد علاوه کرد که رئیس جمهور امریکا پس از پنج و نیم ماه کار بالای این موضوع تصمیم جرات آمیز قطع بمباران را اتخاذ کرد تا مذاکرات بشکل مطلوبی ادامه یابد. اظهارات وزیر دفاع ملی امریکا که خستگی مأمورین امریکا را از به تعویق افتادن مذاکرات صلح پاریس انعکاس میدهد،

وان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی را به این واداشت تا تصمیم قبلی خود را در مورد امتناع از اشتراک در کنفرانس قوی تر سازد کنفرانس مطبوعاتی کلارک کلیفورد باعث برانگیختن مزید عدم خشنودی در حلقه های سیگون قرار گرفت. معینا وزارت امور خارجه امریکا وقصر سفید برای ترمیم این اظهارات فوراً اقدام کردند چنانچه وزارت خارجه آنکشور فوراً اعلامیه نشر کرد و دران تصریح نمود که امریکا به تنهایی دوام مذاکرات را مد نظر ندارد و درین اعلامیه کوشش شده بود اظهارات کلارک کلیفورد متوجه هانوی ساخته شود علاوه بر آن به مقصد تقویه اعلامیه وزارت خارجه امریکا منشی ریاست جمهوری امریکا والت رستو صبح یکروز از طریق تلویزیون اعلام کرد که ویتنام جنوبی مجبور ساخته نخواهد شد تا یک فیصله ایرا که مخالف منافع آن باشد حتماً قبول کند. هنوز معلوم نشده است که این

آله شب زمین

کارکنان شعبه تشعبات علمی وزارت تکنالوژی بریتانیا آخراً یکنوع دوربین نوع انفرادی را ایجاد کرده اند که توسط آن میتوان در بین تاریکی تجسس نموده (بدون استعمال کننده آله کشف شده بتواند) فعالیت ها را مشاهده نمود. این آله که در شب های بدون روشن ماهتاب و آسمان ابر آلود بدرستی کار میدهد. فعلاً بدرسترس استفاده دوطبقه اشخاص قرار دارد: یکی برای استفاده پلیسان و افراد نظامی دیگری، برای استفاده دانشمندان علوم حیوانی.

آله شب بین اصلاً بمنظور کشف جنایات و ترصد فعالیتهای دشمن ایجاد گردیده بود.

دانشمندان علوم طبیعی میتوانند آله مزبور را بعباریت گرفته خوی عادات و حرکات پرندگان و سایر حیوانات را در فضای شب دیده بانی کرده و به معلومات خویش درباره بیفزایند.

جریانات محصول یک عملیات پلان شده از طرف رئیس جمهور امریکا غرض تولید فشار دو گانه بالای سیگون و هائوئی بوده است و یاسوه تفاهمی موجب آن شد ولی آنچه مسلم است وزارت دفاع و وزارت امور خارجه امریکاهد و طور مکمل پالیسی روی دست امریکا را انعکاس دادند البته به این فرق که وزیر دفاع آنکشور نظریات شخصی خود را نیز به آن علاوه کرد . بالاخره مامورین وزارت خارجه و قصر سفید امریکاتمایل برای احترام مقاصد و پیش بینی های وان تیو اظهار داشتند چنانچه یکی از مامورین امریکایی گفت که تیو در داخل کشورش پرابلمهای بزرگی دارد معهدا بالاخره برای اشتراك در مذاکرات حاضر خواهد شد ، لیندن جانسن هم احساس میکرد که وان تیو عمدتاً با پیشنهادات امریکا مخالفت نمی ورزد و بجهت يك لیدر منتخب که تحت فشار سیاسی هم می باشد يك وقتی ضرورت دارد تا تصمیم بگیرد .

* * *

یکی از عوامل دیگر یک در اتخاذ تصمیم رئیس جمهور ویتنام جنوبی غرض اشتراك در کنفرانس پاریس تاثیر داشت عبارت از تصادماتی می باشد که در ساحه محاربه پس از قطع بمبارد مان طیارات امریکا پرویتنام شمالی بعمل آمده است و سیگون فکر میکند که اگر وضع به این شکل ادامه یابد در آنصورت اغفال نمده خواهد بود و اگر کنفرانس پاریس مطابق دلخواه آن به فیصله ای نرسد در ساحه عسکری نیز بسا امتیازات خود را از دست داده خواهد بود ویتکانگ موقف قویتری را تا آنوقت احراز خواهد داشت این طرز تفکر سیگون

است ولی کمتر میتوان این فرضیه را قبول کرد. در حقیقت عامل این اندیشه ترس از برهم خوردن وضعیتی می باشد که در آن موقف حکومت وان تیو در سیگون مستحکم است و در صورتیکه قدرت فعلی وان تیو و کنترول وی بر گروپ های مختلف سیاسی و نظامی ویتنام جنوبی از بین برود در آنصورت فرضیه او تایید اندازه موضوع بحث قرار گرفته میتواند. به همه حال اگر چه تماس قوتهای زمینی طرفین در ویتنام جنوبی در طول روز های اخیر ماه عقرب و اوایل ماه قوس خفیف بود ولی راهپور های تجمع قوتهای ویتکانگ در غرب سیگون به مقامات ویتنام جنوبی و امریکائی موصلت کرد در کمبودیا به مسافه پنجاه میلی سیگون دیپوی بزرگ اكمال ویتکانگ دیده شد و کذا طبق گذارش مقامات استخباراتی امریکا يك تزایدی در انتقال قطاران عسکری ویتنام شمالی در قسمت های جنوبی آن کشور به ملاحظه رسیده است. آتشباری های توپچی ده ها مرتبه در نقاط مختلف بالای تاسیسات طرفین توسط قوای نظامی هر دو طرف صورت گرفته است و بالاخره از منطقه غیر نظامی که ویتنام شمالی پس از توقف بمبارد مان امریکا و عده علم اجرای عملیات نظامی را در آن قسمت داده بود آتشباری های صورت گرفت و طبق دستور قوماندان عمومی قوای امریکادرویتنام جنوبی (جنرال ابرامز) آتشباری متقابل به منطقه غیر نظامی بین هر دو ویتنام صورت گرفت برای حکومت سیگون تمامی این عملیات محدود بحیث شواهد عدم اعتنای ویتکانگ به فیصله های قبلی تلقی می شود و از همان جهت يك لستی را از چنین فعالیت ها ترتیب داد قوای امریکا

هم توسط وسایط ایقاظ و کشف خود به ثبت آتشباری های ویتکانگ اقدام ورزیدند . درینجا باید اظهار نمود که بنا بر تجارب متعدد ثابت شده است تازمانیکه دونیروی عسکری باهم در تماس نزدیک باشند هیچ نوع مقررات اوربند بطور مطلق و بدون اندکترین تخلف از طرفی تطبیق شده نمی تواند همین اکنون ما این مسئله را بشکل شدیدترین آن در شرق میانته اعراب و اسرائیل می بینیم بنا بر آن در طول مذاکرات صلح پس از يك او ر بند چنین تصادمات يك شکل جریان نورمال مجادلات در عصر حاضر است حتی ممکن است طرفین کوشش کند در طول مذاکرات صلح بچنان تظاهرات قوی عسکری دست بزنند که بالای جریان مذاکرات صلح موثر باشد تردیدی نیست که در شرایط امروزه قوای سیاسی و عسکری باهم روابط ذات البینی نهایت ممتنی دارند. قوای سیاسی در ادعا و خواسته های خود بالای قوای عسکری بحیث يك نقطه استناد اتکا میکند و هر قدر نقطه استناد آن قویتر باشد به همان پیمانته ما نورهای سیاسی بقوت بیشتر صورت گرفته میتواند ، در عین زمان قوای عسکری از شرایط مناسبی که قوای سیاسی برای آن فراهم آورده است استفاده میدارد ازینرو عجیب نیست که اگر قوای سیاسی و عسکری ممالک علاقمند در ویتنام نیز از این جریان عمل نورمال پیروی نکنند نمیتوان اظهار داشت که هر دو طرف اتیکای کامل بالای کنفرانس صالح پاریس کرده میتوانند و روی این اساس ملاحظات عسکری را فراموش میکنند بلکه باید متیقن بود که طرفین برای داشتن موقف مساعد نظامی در صورتیکه در کنفرانس

صلح پاریس به نتایج مطلوب نرسند در طول جریان مذاکرات اقداماتی بعمل خواهند آورد. همین اکنون امریکا به ویتنام شمالی از عواقب عملیات در منطقه غیر نظامی بین هر دو ویتنام اخطار داده است و قوت‌های ویتکانگک به عملیات مخفیانه تازه میپردازند بنابراین آن در حالیکه مذاکرات صلح در پاریس جریان دارد در ساحت معاربه نیز قوت‌های نظامی طرفین بیکار ننشسته‌اند بلکه سعی میورزند موقفی را حاصل دارند تا از یکطرف طور غیر مستقیم بر مذاکرات صلح به نفع آنها موثر باشد و از جانب دیگر در صورتیکه در کنفرانس پاریس اهداف مورد نظر خود را بدست نیاورند موقت مساعد نظامی را مالک باشند.

حکومت ویتنام جنوبی به این موضوع مدرك است که فعالیت‌های ویتکانگک در طول مذاکرات صلح بطور کامل خاموش نخواهد شد بنابراین مساعی آنها غرض جلوگیری از بوجود آمدن شرایطی است که در آن ویتکانگک و قوای ویتنام شمالی موقت بهتری را نسبت به سابق احراز نمایند و در صورتیکه مجادلات مجبوراً آغاز یابد در وضعیت ضعیفتری قرار نداشته باشند، تمام این موضوعات بسته به نتایج کنفرانس صلح پاریس است. البته این هم محقق است که

امریکا به آسانی نمیخواهد فیصله‌های قطع بمباردمان را بزودی در مقابل فعالیت‌های محدود ویتکانگک یا ویتنام شمالی بشکند بلکه حتی امکان کوشش خواهد کرد در جریان مذاکرات تطبیق این فیصله را دوام بدهد. در شرایط فعلی هر اقدام بزرگی که در ساحت عسکری صورت گیرد مذاکرات پاریس را که بکندی و حتی سکتگی مواجه خواهد ساخت و آنها آرزو ندارند اهداف نهائی را که عبارت از حل پرابلم ویتنام میباشد در مخاطره اندازند. بنابراین اندیشه اصلی ویتنام جنوبی در مورد جریان ساحت معاربه ناشی از نیست که مبادا این وضعیت بالای اداره داخلی حکومت سیگون تاثیر منفی وارد کند و در حالیکه مصروف مذاکرات در پاریس باشد در داخل ویتنام جنوبی امتیازاتی را از دست بدهد.

* * *

طوریکه قبلاً هم اشاره شد حکومت ویتنام جنوبی نمیتوانست تا اخیر از اشتراك در کنفرانس پاریس امتناع ورزد و علل آنها قبل از توضیح گردید. روی این اصل در طول این جریانات وان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی مقدمات اتخاذ تصمیم را برای اشتراك در کنفرانس صلح میگرفت و با آنکه او توسط وزیر اطلاعاتش

اعلام داشت که حکومت ویتنام جنوبی در هیچ مرحله و هیچگاهی با فرمول امریکا برای مذاکرات چهار جانبه صلح پاریس موافقه نکرده و ویتنام جنوبی حرب را بدون امریکا و امریکا بدون ویتنام جنوبی بموقفیت پایان بخشیده نمیتواند و همین مسئله در مورد مذاکرات صلح غرض بوجود آمدن يك فیصله نهائی در مورد پرابلم ویتنام هم صدق میکند، وان تیو در عین زمان مصروف مذاکره با مجلسین ویتنام جنوبی و سیاستمداران در مورد اتخاذ تصمیم بود. اوسفیر خود بوی دین را از واشنگتن غرض مشوره احضار نمود و در نتیجه موافقه‌هایی در خصوص اشتراك نمایندگان ویتنام جنوبی تحت شرایطی بوجود آمد. در طول این مذاکرات معاون رئیس جمهور ویتنام جنوبی نگون کاو کی اصرار داشت ریاست هیئت را بعهده بگیرد. بالاخره در اوایل ماه قوس وان تیو موافقه خود را تحت شرایطی مبنی بر اعزام يك هیئت غرض اشتراك در مذاکرات پاریس اظهار داشت. در جمله شرایط ویتنام جنوبی که به امریکا پیشنهاد شد از همه مهمتر درخواست ویتنام جنوبی از امریکا در باره مخالفت به تشکیل يك حکومت ائتلافی در ویتنام جنوبی می باشد. وان تیو به امریکا پیشنهاد کرد که امریکا علناً مخالفت خود را از تشکیل يك حکومت ائتلافی و یا هر نوع فیصله ای که طرفدار بوجود آمدن يك دولت حایل (ویتنام سوم) باشد اظهار نماید، حکومت ویتنام جنوبی علاوه بر آن طالب آن گردید تا لیدر شپ نمایندگی متحدین به هیئت ویتنام جنوبی واگذار شده و هیئت موصوف مستقیماً در کنفرانس با ویتنام شمالی معامله

کتابدار الکترونیکی

کارکنان کتابخانه نین در شهر مسکو اخیر جهت تسهیل و تشریح امور یکنوع آدم میخانیکی را ساخته‌اند که با وسایط الکترونیکی مجهز بوده و وظیفه کتابداری را به صحت کامل اجرا مینمایند کتابدار الکترونیکی با شانزده قسم پروگرام کار قبل تغزیه و رهنمائی شده است در نظر است که همچو آدم آدم چهره‌های الکترونیکی و ماشینی را در سایر کتابخانه‌های مزدوم نیز بکار اندازند که به فقدان هزاران مراجعین کتب از خدمات آنها مستفید گردند.

کننده باجبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی . این تصمیم حکومت ویتنام جنوبی بیک پراپلم بزرگ امریکا خاتمه داد و وان تیو وعده داد در طول ده روز آینده هیئت خود را به پاریس اعزام دارد . ضمناً در پاریس نیز ترتیبات رسیدن این هیئت سیگون گرفته شد . وان تیو در پهلوی این تصمیم وضعیت داخلی ویتنام جنوبی را هم نادیده نگرفت و عقیده دارد که باید در جریان مذاکرات صلح که برخی گروهها طوریکه قبلاً ذکر یافت طرفداران نبودند یک وضعیت مستقر در داخل حکومت ویتنام جنوبی برقرار باشد بنابراین حتی در سیگون گفته می شود که صدراعظم آن کشور تران وان هونگ استعفی خود را به رئیس جمهور تقدیم کرده و امکان دارد که رئیس جمهور ویتنام جنوبی یک تغییر قابل ملاحظه ای را در کابینه آن کشور بوجود آورد . تران وان هونگ که مورد محبوبیت عامه و صاحب کفایت می باشد بعلت مریمضی تحت شرایط جدید به مقصد ویتنام جنوبی موافق نیست . ممکن است وان تیو رئیس جمهور ویتنام جنوبی بوسیله تغییرات در کابینه یک حکومت قوی عسکری را تشکیل دهد تا موفق او را از نگاه عسکری برای برداشتن قدمهایی در پاریس که از طرف برخی گروه های سیاسی ویتنام جنوبی قابل قبول نمی باشد، قویتر سازد ، زیرا او برای برخی تصمیمات در کنفرانس پاریس بیک قدرت قوی

درویتنام جنوبی ضرورت دارد تا از تصمیمات او پشتیبانی کند و ممکن است بدین مقصد در کابینه جدید یک تعداد طرفداران معاون رئیس جمهور کاوکی شامل ساخته خواهند شد و این موضوع مانع یک درز وجدائی در بین گروه های مختلف نظامی آن کشور خواهد شد .

به اینصورت حکومت ویتنام جنوبی به اشتراک در کنفرانس صلح پاریس موافقه کرد . ازینکه این کنفرانسی چه نتیجه ای خواهد داد هنوز معلوم نیست البته مثلیکه در هر کنفرانسی ازین قبیل به ملاحظه میرسد خواسته های طرف های علاقمند در اول مرحله شکل افراطی را دارد ولی در صورتیکه جریان مذاکرات بصورت درست اداره شود و مواردی بوجود نیاید که باعث تولید مشکلات تازه باشد ممکن است خواسته ها بتدریج شکل معتدل را بخود بگیرد ویتنام شمالی هنوز هم طرف مذاکره خود صرف امریکا را می شناسد و بدون موجودیت جبهه آزادی ملی حاضر به ادامه مذاکره نیست . از جانب دیگر ویتنام جنوبی طرف مذاکره خود صرف ویتنام شمالی را می شناسد و حاضر به معامله به جبهه

آزادی ملی نیست جبهه آزادی ملی ویتنام جنوبی هم امریکا را برای مذاکره قبول دارد بنابراین درین کنفرانس تنها امریکاست که موقف مشخصی دارد و خواهد کوشید طبق فرمول خویش مذاکرات چهار جانبه صلح ویتنام را بشکل مذاکره بین دو طرف بدون توجه به اینکه گروه های علاقمند یکدیگر خود را برسمیت می شناسند یا نه به اصل قضیه وارد شود .

البته در جریان مذاکرات صلح پاریس تصادمات محدود در خاک ویتنام جنوبی به مشکل خاموش خواهد شد و با آنکه امریکا از طرق سیاسی و نظامی کوشش میکند جانب مقابل را به این وادارد که مقررات تثبیت شده را مراعات نماید مع هذا شدت و گرمی که در مجادلات ویتنام موجود است مجال خواهد بود دفعتاً در سراسر جبهات خاموشی مطلق بوجود آید . درین زمینه قبلاً هم توضیحاتی داده شد .

اکنون تمام دول صاحب دوست جهان متوجه کنفرانس صلح پاریس میباشند و امید دارند پس ازین انتظار طولانی این بحران بزرگ بین المللی در فضای مسألت آمیز فیصله شود .

آرامش روحی معجزه میکند و از هر چیز حقیر قصر باشوکت برای ما میسازد. آز و نگرانیهای مزن - باغهای شاداب و قصر های مجلل ما را به سیاه چاه زندان مبدل می گرداند . « جوشولیب من »

استعمال ماهرانه قوت‌های زمینی

در محاربات مدرن و اتمی



داشته و دارای تشکیلات ایستیکی باشند. قرارگاه‌ها برای تامین سرعت اعظمی در فرستادن و گرفتن اوامرو معاونات با یست دارای و مایط مخبراتی و مایط نقل سریع و مدرن مجهز گردیده و در تطبیق اوامر فعالیت‌های جزوتامها و قطعات را کنترل کرده بتوانند.

بصورت عمومی قوت‌های زمینی که عبارت انداز پیاده موثر دارو

در زمان تعلیم و تربیه تمام صنعت‌های حرب مدنظر گرفته شده و به تعلیم و تربیه پرداخته شود و سطح دلاوری فداکاری، از خودگذری منسوبین اردو بیک ستاندارد قابل تقدیر بلند برده شود. چون به قوت‌های زمینی در زمان محاربات اتمی وظایف زیاد و مختلفی تصادف میکند بنابراین بایست قوت‌های مذکور بصورت عالی تعلیم و تربیه شده، اسلحه مدرن بدست

در یک حرب اتمی جهانی و یا ضربات اتمی که توجه یک مملکت بخصوص باشد زیاده تر را کتهای مترا تیزیکی حامل مریمات اتمی مورد استفاده قرار میگیرند زیرا باید در نظر داشته باشیم که موفقیت نهائی تنها توسط ضربات اتمی بدست آمده نمیتواند آنها را بدلیل اینکه حرب اتمی باتمام محدودیت آرزو شده و ساحه وسیعی از اراضی خشکه، بحر، هوا و فضای خارجی را در بر خواهد گرفت بنابراین ظفر نهائی محصول فعالیت و مساعی مشترک تمام صنوف مختلفه اردو و دیگر مؤسسات و افراد خواهد بود نه اینکه ضربات اتمی ظفر نهائی را کم‌های کند.

وقتی حمله اتمی اجرا میگردد متعاقب آن قوت‌های قوی زمینی بکار است تاراهای دشمن را انسداد نموده، اراضی کرسیتیک و مترا تیزیکی او را تصرف شده همچنان حملات قوت‌های فرود آورده شده بحری و هوائی دشمن را با دیگر فعالیت‌های آن خنثی نماید. برای داشتن قوت‌های موثر زمینی لازم است که از آخرین اختراعات در ساحه اسلحه باخبر بوده جزوتامها و قطعات اردو دارای مدرن ترین و موثر ترین اسلحه روز باشد. جزوتامها موتوریزه و میکانیزه شده و در پهلوی آن عنصر موثر ال بلند برده شده و محبت بمدافعه مملکت هر چه بیشتر در متسوبین اردو تزریق شود



در محاربات مدرن باید همیشه بیدار باشیم

نشان میدهد که موثرترین و بهترین
صنعتی برای ادامه و انکشاف نتایج
حملات اتمی تانک میباشد زیرا
سریع السیر و محفوظ بوده [حتی از
مجلات آلوده شده بامواد اتمی
عبور کرده میتوانند، مسافتات زیاد
را بحال رفتار و تعقیب دشمن طی نموده
و قدرت زیاد مانور را دارا میباشد
ازینکه تانک نسبت بدیگر صنوف
در محاربات اتمی مقاومت زیاد
دارد بایست در استقامت ضربت اصلی
ترجیحاً استعمال گردند و وقتی قوماندان
باین قرار میرسد بایست جزو تمامها
و قطعات تانک در تشکیل خود دارای
توپچی، پیاده موثر دار، و دیگر
جزو تمامهای ضروری برای اجرای
وظیفه در استقامت اصلی باشد.

قوت‌های تکتیکی را کت :

عنصر مدرن ترین قوت‌های زمینی را
تشکیل میدهد. راکتها که حا مل
مرمیات اتمی و غیر اتمی میباشد
(راکت اتمی و غیر اتمی)
میتوانند از مسافتات بسیار دورده ها
و صدها کیلومتر بالای اهداف پرتاب
شوند درین صورت باید طوری عیار گردد
که بعد از حمله اتمی که مغلوبیت
دشمن در آن فکر شده توسط تانکها -
پیاده موثر دار - توپچی قوت‌های هوایی
تکمیل گردد. همچنان ساحه ای که
مورد ضربت اتمی قرار گرفته به
آسانی توسط قوت‌های فرود آورده
شده اشغال شده میتواند این خصوص
هم باید فراموش نشود که اهداف
مهم در عقب قوت‌های دشمن توسط
قوت‌های مذکور بدمت آورده شود.

توپچی :

با اینکه امروز راکت‌های تکتیکی
و ستراتیژیکی انکشاف زیاد کرده
با آنها نمیتوان تمام اهداف را توسط
راکت‌های عادی و اتمی بمباردمان
نمود بنابراین توپچی اهمیت خود را
حفظ نموده و میتواند در محاربات
اتمی بحسن صورت ازان استفاده



تانکها در حال حرکت در محاربات مدرن

که مسافتات زیاد را بحال رفتار
طی نموده در ساحه محاربه مانور اجرا
کرده و در تمام شرایط قدرت اجرای
محاربه را دارند. چنانچه در حرب دوم
جهان فرقه‌های موتوریزه شده که
از تعداد پرسونل خورد و ناچیز به
نظر میخورد وظیفه خود را نسبت
داشتن اسلحه موثر و صنوف مختلفه
بصورت قناعت بخش اجرا نموده و
قدرت زیاد آتش فرقه‌های مذکور
رول مهمی را بازی کرد.

تانک: قوه مهم و اساسی ضربت
قوت‌های زمینی بشمار میرود. تجربه

زرهدار، تانک، قوت‌های تکتیکی
راکت، توپچی، قوت‌های مدافعه
هوایی فرود آورده شده، و دیگر
صنوف مانند انجنیری، مخایره، نقلیه
و سرك سازی... و غیره بایست متناسب
به شرایط محاربات اتمی تعمیم
و تریه و تجهیز گردند.

جزو تمامهای پیاده موثر دار :

قسمت اعظم قوت‌های زمینی را
احتوا مینماید. قوت‌های مذکور
دارای اسلحه خورد اتماتیک اسلحه
موثر ضد تانک، تانک، توپچی و غیره
میباشد قوت‌های مذکور قادر هستند

نمود. راکت‌هاییکه توسط توپچی
فیر میشود زیاد تر به اهمیت توپچی
می افزاید بنابراین توپچی راکت هم
رول مهمی را بازی نموده و اسلحه
بسیار موثر برای اهداف گروهی
میباشد.

قوت‌های مدافعه هوایی:

صنف جدید و مدرن اردو بوده
و نتایج حاصله از آن قناعت بخش
میباشد. اسلحه مهم آن عبارت از
راکت‌های زمین به هوا میباشد،
اساساً در جزوتامهای مدافعه هوایی
طوری پیش بینی شده که هر مرمی
بایست یک طیاره دشمن را سقوط
بدهد تمام ترتیبات الیدن هدف،
نشان گرفتن و غیره اتوماتیکی
میباشد.

قوت‌های هوایی:

قوت‌های هوایی که حامل بمب‌ها
و مرمیات اتومی و غیر اتومی
میباشند بایست با قوت‌های زمینی
تشریک مساعی داشته و فعالیت‌های
آنها با قوت‌های مذکور هم آهنگ
باشد. قوت‌های هوایی وسیله مؤثری
برای اهداف دور و کرتیک و اهداف
متحرك بوده و سیله مهم کشف و
ازبین بردن قوت‌های گروهی و
تاسیسات دشمن میباشد.
در محاربات مدرن مساعی صنوف
پیاده - توپچی - زره‌دار و غیره باید

توسط قوت‌های انجنیری - مخایره -
نقلیه و غیره صنوف حمایه و همراهی
گردد، صنوف مذکور باید به
اسلحه عصری و روز مجهز بوده و
دارای وسایط حساس رادیوالکتریک
(Radio Electric) باشد.

محاربات مدرن ایجاب
مینماید که قابلیت حرکت جزوتامها
و قطعات بعد اعظمی بوده و در سوق
و اداره محاربه درایت و فعالیت زیاد
بخرچ داده شود. تعرض تیپ مهم
فعالیت‌های محاربوی قوت‌های زمینی
میباشد باید طوری عیار شود که
تشریک مساعی صنوف مختلفه در آن
مدنظر گرفته شده باشد. تعرض باید
شدید، سریع بوده بدون اینکه خط
اول مدنظر گرفته شود در زمان
تعرض تمام خطوط و جزوتامهای
دیگر عین خصوصیت را درنظر
داشته و تطبیق کنند. قوت‌های
تعرض در زمان حمله اتومی بسیار
امکان دارد در استقامت‌های مختلف
غیر از استقامت بداخل پلان آورده
شده موظف گردند بنابراین تامین چنین
الستکتیت باید قبلاً مطالعه شده باشد.
هچنان بایست جزوتامها و قطعات
قدرت تیت شدن و جمع شدن سریع
را در یک ساحه وسیع داشته و قادر
باشند که به آسانی و زودی از رفتار
به تعرض بگذرند. قوت‌های زمینی

ممکن است با موانع برخورد کنند و
یا مجبور باشند از یک ساحه آلوده
شده با مواد رادیواکتیف عبور کنند
بایست در تمام این حالات قوت‌های
مذکور از اجرای وظیفه بازمانند.
وقتی خود ماضربات اتومی را

بالای دشمن اجرا میکنیم ضرورست
که نتایج حاصله آن توسط قوت‌های
زمینی هرچه زیاده تر انکشاف داده
شده و اهدافیکه ضربت اتومی بالای
شان اجرا گردیده بدست آورده
شوند. در محاربات اتومی نسبت
استعجالیت و وظیفه تعرض باید سریعانه
و بدون معطلی اجرا شود تا دشمن
نتواند سر از نو ترتیب شده منطقه
اراضی خود را که توسط ضربه اتومی
تخلیه و تخریب شده واپس تصرف
کند. اکمالات هوایی برای چنین
جزوتامها و قطعات باید بحد وسیع
اجرا و تامین گردد در چنین حالات
مانور سریع جزوتام و آتش رول
مؤثری را بازی میکند. بسیار امکان
دارد یک تعرض بالای دشمن مدافع
در نتیجه تعقیب دشمن بیک محاربه
تصادفی منتهی شود که درینصورت
موفقیت زیاد تر به انسیاتیف قوماندان
مقاومت و شجاعت تمام پرسونل
منسوب مربوط میباشد.

درحالات زیاد قوت‌های تعرض باید
قادر باشند که خطوط مدافعه دشمن
را مستقیماً از حالت رفتار مورد تعرض
قرار داده و آنرا بشکنانند قادر بودن
به این عمل وقتی تامین شده میتواند
که قبلاً پلانهای احتمالی درین
موارد پیش بینی شده و احضار گردیده
باشد. در محلات تجمع ویا در اثنای
رسیدن به منطقه مدافعه دشمن تعرض
از حال رفتار نتیجه خوبی داده و امکان
کماهی کردن ظفر را در ساحه
محاربه وعده میدهد.

اظهارات فوق بتائید این مفکوره
که هیچوقت مدافعه اختیار نشده و



راکت بسوی هدف پرتاب میشود

دائماً تعرض شود نمیباشد بلکه در بعضی حالات و شرایط مدافعه نسبت به تعرض ترجیح داده میشود. در تاریخ انسانی و محارباتیکه از هر نوع صورت گرفته از شروع تا ختم بیک شکل نبوده بصورت موضعی محلی و عمومی تمام اشکال محاربه را میتوان در آن مشاهده کنیم. مدافعه قاعدتاً در اوقاتی اتخاذ میگردد که تعرض غیر مقتضی، غیر متناسب باشد. مقاومت و ثبات مدافعه ما در نظر گرفتن دیگر اما سات آن زیاده تر به این قاعده متکی است که بایست در طول زمان، مدافعه از قابلیت هر نوع اسلحه اتومی استفاده شده خاصتاً آن اسلحه ایکه امکان مانور آتش آن توام با مانور جزو تام اجرا شده بتواند مدافعه باید طوری احضار و ترکیب شده باشد که هر ان قابلیت تعرض را دارا بوده و همچنان استقامتها و ساحه های مهم و حیاتی با مواظبت و شدت مدافعه شده بتواند و همچنان از موانع استفاده درست و بجای گرفته باشد. در عین زمان مدافعه باید دارای ثبات و اکتیف بوده و در مقابل ضربات اتومی و دیگر اسلحه دسته جمعی توپچی، هوائی و تعرض دسته جمعی تا نکما مقاومت زیاد داشته باشد. مدافع در محاربات مدرن باید تا حد ممکن از اسلحه اتومی و غیر اتومی آشدار استفاده وسیع بنماید در محاربات تدافعی باید عمق زیاد آن تامین شده باشد خالیگاها بین خطوط مدافعه باید توسط آتش پوشانده شود مدافعه اساساً برای تامین شرایط بهتر برای تعرض آینده مغلوب ساختن دشمن اتخاذ میگردد در مدافعه اگر حمایه آتش موجود نباشد موفقیت محال به نظر میخورد.

حمایه که در محاربات کلاسیک مانندیکه از حمایه انجنیری - کشف

کموفلاژ - ستر و اخفا - شرایط هوا شرایط توپوگرافی اراضی لوژستیکی توقع برده میشود امروز به تعداد آنها اضافه شده و بکار بستن امور فوق نمیتواند فعلا لیتهای محاربوی جزو تامها را به موفقیت برساند بلکه حمایه مقابل تاثیرات اسلحه دسته جمعی و مقابله با اسلحه بیالوژیکی نیز باید تامین گردد. و این وظیفه قرار گاه است که مساعی زیادی درین مورد اجرا نماید.

در محاربات مدرن بایست کشف و استخبارات فعال و موثر را دارا بوده و بصورت دوام دار باید بفعالیت مشغول باشند در باره اکمالات مختلفه دشمن دارای معلومات بوده خاصتاً در اطراف اسلحه اتومی حتماً باید معلومات داشته باشیم. انکشاف و اختراع وسایط مدرن و مختلفه خاصتاً وسایط الکترونیکی - مشکل میسازد که موقعیت و گروپمان قوتهای دوست طیارات، اسلحه اتومی، راکتها و غیره وسایط را از نظر مستقیم و یا غیر مستقیم دشمن پنهان کنیم. مخصوصاً در زمان تبدیل موضع و مانور که مجبور بحرکت میباشیم پس قرار گاه باید در مورد ستر و اخفا و کموفلاژ پلانهای موثر داشته

مواد ضروری آنرا تهیه کرده و بدسترسر قطعات بگذارد. همچنان در محاربات مدرن حمایه زیاد انجنیری تامین گردد اکمالات مواد مادی - جنبه خانه مواد سوخت بوقت و سرعت ممکنه اجرا شده و وسایط تخریب شده ترمیم گردیده و برای مریضان و زخمیان کمکهای اولیه میسر بوده و شفاخانهای سیار موجود باشد. در محاربات اتومی را کتی باید شرایط هوا و توپوگرافی زیاده تر و دقیق تر مطالعه شود زیرا در صورتیکه ازین شرایط استفاده ماهرانه صورت گیرد فیصدی بسیار زیاد ضایعات را کم میسازد. چون در محاربات مدرن امروزه با صقین زیاد صورت میگردد باید تمام قوتهای محارب و در داخل آن قوتهای زمینی در درجه بسیار عالی احضارات باشند تا در تمام شرایط بیدار بوده و با صقین دشمن را خنثی ساخته بتوانند و دشمن را به پراگندگی و عقب نشینی مجبور سازند عیار اساسی درجه احضارات قوتها مانا تعلیم و تربیه عالی و تطبیق آن بوده و قابلیت محاربه را در تمام شرایط داشته باشند. همچنان توجه خاص (بقیه در صفحه ۳۵)



پیاده موثر دار در تعرض

سیرانگشاف اردو

در امسیر تاریخ

قسمت دهم

تتبع و نگارش: نوراله تالقانی
مهمتم مجله اردو

کاماتر آن در جنگ دوم جهانی بکار رفت. این قایق ها شامل دو قسمت است: در قسمت پیشروی آن مواد منفجره نیرومند قرار دارد و در عقب آن چوکی کوچک است که قایق ران در بین آن می نشیند. زمانیکه کشتی دشمن در دل آب ها معلوم می شود، قایقران از جان گذشته سوار بر قایق شده با سرعت بجانب کشتی عسکری می تازد. در اثر تصادم قسمت قداسی قایق بکشتی جنگی انفجار عظیمی رخ داده و کشتی غرق می شود.

عملیات غرق کشتی های انگلیسی بتوسط قایق های یو-بوت از بیست دوم سپتامبر آغاز گردید قایق های یو-بوت یک سلاح سری و تازه بود که هرگز

باشد. وزارت دفاع انگلستان در آغاز جنگ اول جهانی کشتی های عسکری عظیمی چون آبو کیر-هالک و کرسی تمپه نمود، هر کدام از این کشتی های عسکری، دارای ۱۲-الی ۱۶ توپ ثقیل بوده و طول و عرض آنها از کشتی های عسکری المان بیشتر است.



جنرال بیٹی قوماندان قوای بحری وهم درین جریان دانشمندان المانی درون لایراتوارها و فابریکات و موسسات صنایع مشغول اختراع وسایط جنگی حیرت انگیزی بودند که تا توسط آن بتوانند کشتی های دشمن را به آسانی از بین ببرند نخستین سلاح بحری آنان قایق مخصوص بنام «یو-بوت» است که بعدها انواع

جنگ های بحری در حرب عمومی اول:

پیشرفت و تکامل تکنیکی قوت های بحری با انگشاف و پیدایش ماشین های بخار و اختراع کشتی های نوین عسکری در حرب عمومی اول جهان صفحه نوینی را در پلان های تکنیکی و استراتژیکی دول متخاصم باز نمود دولت انگلیس بقوت های بحری خود امیدوار بودند؛ زیرا در طول سالهای قبل از جنگ اول جهانی، بسیاری انجینیران و مهندسین بحری انگلیس به پیروی از سنت باستانی خویش، فقط یک هدف استراتژیکی داشتند:

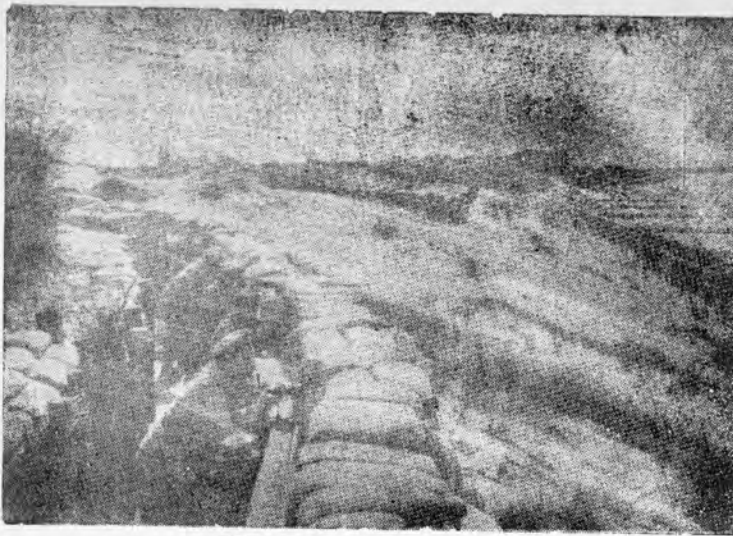
ساختن کشتی های ترنگ عسکری که مجهز با توپ های ثقیل و نیرومند



جنرال بروسیلوف



جنرال کنراد فن هستندرف



عده ای از عساکر در حفظ مدافعه شان

قوت های دریائی انگلیس روی آن حساب نمیگردد و المان با استفاده از مغز های متفکر دانشمندان خویش این سلاح مخرب را وارد مرزها عمل کرد. و این قایقران ها ازین افراد بسیار زبده و شجاع انتخاب شده بودند. آنان بخاطر افتخار و بیرونی اردوی المان، راضی گشته بودند میان قایقهای بنشینند و خود را به همراه قایق بر بدنه کشتی ها بکوشند.

اختراع این وسیله جدید، وحشت قوت های انگلیسی را چنان برانگیخت که آنان بتمام قایق ها مظنون گشتند و جهت تدابیری به بعضی امکانات دست زدند. لیکن از این اختراع وحشت انگیز مدتی نگذشته بود.

در اقیانوس اطلس - دریای مدیترانه و دریای مانش سلاح موخش دیگری بکار افتاد. این نیز یکی دیگر از سلاحهای مخوف و مخرب اردوی المان است که توسط انجینیران عسکری این کشور ساخته شد. اردوی المان مین های بخری ساختند که در سطح دریا قرار گرفت. مناطق وسیعی از دریا های اطراف انگلیس توسط کشتی های المانی مین گذاری شد. که در اثر آن یکتعداد کشتی های زیاد اردوی انگلیس از بین رفت.

و قوت های دریائی انگلیس بسختی روحیه خود را باخت. اما دانشمندان انگلیسی نیز بزودی جهت مقابله بقوت های بخری المان سلاح مخرب دیگری را اختراع کردند که در اثر فیر آن که توسط توپ های ثقیل فیر میگردد کشتی های دشمن آتش میگرفت و مرمی این توپ ها یکتو آتش وحشت انگیزی چون علوانداز از خود تولید می نمود که هر نوع کشتی را از بین میبرد. سومین اختراع سلاح وحشت

انگیز جنگ های بخری بمیدان آمدن تحت البخری ها در حرب عمومی اول میباشد این سلاح نیرومند نیز توسط متخصصین بزرگ عسکری المان اختراع شد. قبل از اختراع تحت البخری ها کشتی های انگلیسی میتوانستند آزادانه کمالات اردوی خود را که در فرانسه و بلجیم بودند تامین کنند. اما اینک با پیدایش سلاح های جدید بخری، این وضع دگرگون شده است و دانشمندان المانی جهت از بین بردن کشتی های انگلیسی که به اروپا سلاح و مواد اعاشه را انتقال میدادند اقدام بساختن تحت البخری ها شدند. این تحت البخری ها خط السیر حمل نقل بخری انگلیسی که موجب تقویت اردوی آن در اروپای غربی است قطع گردید و جهانیان را بوحشت و حیرت انداخت اما مدتی نگذشته بود که فرانسه و امریکا نیز بساختن این وسیله جدید اقدام کردند. گر چه اولین تحت البخری در حدود یک قرن پیش توسط دانشمندان فرانسوی بنیان گذاری شده بود. اما اردوی المان نخستین اردوهای است که در ساحه

نوع خوشبختی

که غوازی چه خوشبخته اوسی دنورو به خوشبختی کی کوبینس و کپی .

(بتون)

دنورو سر - مرسته کول بهترین خوشبختی ده

(البرت هوارد)

یواحنی بهترین خوشبختی پشیمانی نه در لودل دی.

(درومون)

خوشبختی داده چی سری به کوچنی نعمت شکر و کاپری.

(هاوس)

بهترین خوشبختی داده چی سری دی قوی ارادی خپلی

(دکارت)

پوهی به اندازه رفتار و کپی .

و جدان . . .

وجدان نمایندهٔ تقدس و پاکدامنی و عفت و صداقت است .
(الکساندر دوما)

يك وجدان، خوب به هزار شمشیر عالی ارزش دارد .
(شکسپیر)

وجدان شريك روح آدمی است . (اولین برتزل)
وجدان نماینده از طرف خداوند است .

(ضرب المثل عربی)

وجدان پاك افسار اعمال میباشد . (فرانسوی)

وجدان محکمه‌ای است که در آن به وکیل نیازی نیست .
(انگلیسی)

وجدان پاك صورت آدمی را تابناك گرداند . (هالیندی)

وجدان اگر زخمی شود دیگر خوب شدنی نیست .

کسیکه وجدان خویش را برای کسب شهرت فدا کند
تابلوی نقاشی را برای تحصیل هیزم سوزانیده است .

(چینی)

حربی از آن استفاده بعمل آوردند .
پروفسور « کارل گیرشمن » مهندس
عالی‌قدر المانی تحت البحری کوچکی
ساخت که برای اولین بار در دریای
شمال مورد آزمایش قرار داد .
او همراهی چند تن از مهندسين و
متخصصين عسکری المان درون آن
نشست و در آبهای ایجار پایین رفت
اما از تقدیر بد محاسبات بدنه این
تحت البحری بادقت کامل ساخته
نشده بود . همان بود در عمق ۲۰۰۰
متر در اثر فشار شدید آب ، بدنه
تحت البحری درهم میشکند و پروفسور
المانی همراه بایاران خویش در زیر
خر واره‌ها آب مدفون میگردد .
از آن پس ساختمان تحت البحری با
سرعت تکمیل گردید . این
تحت البحری‌ها که قادر نبود بیش از
۸۰۰ الی ۱۰۰۰ متر در عمق بحر پائین
برود و این زیر دریائی‌ها بوسیله
کیسول‌های اکسیژن‌هوایی درون
آن تامین میشد .

بدین‌صورت جنگک تحت البحری
تلفات سنگینی بکشتی‌های متفقین

وارد ساخت (۳۵۱ کشتی آنها غرق شد) ، حتی کشتی‌های دول بیطرف نیز مضمون نمادند . متفقین از این

حیث‌شدیداً در زحمت بودند لذا
برای جلوگیری از این حملات
وحشت‌انگیز تحت البحری‌های
المانی اقدامات بشرح ذیل بعمل
آوردند :

مساعی مشترک و اتحاد قوت‌های
بحری متفقین و بکار انداختن کشتی
های ماهیگیری با توپ‌های موبک ، تهیه
طیارات بحری ، استقرار تورهای
مخصوص دریائی (بین « دور »
وساحل فرانسه ۲۶۰ کیلومتر تور
گذارده شد) و مین گذاری در نزدیکی
بندرگاه‌های بحری که احتمال آمدن
تحت البحری‌های المانی از آن انتظار
برده می‌شد . در ساحه عمل قرار



گوشه‌ای از فعالیت‌های توپچی در جنگک بین‌المللی بزرگ

دادند و همین امر سبب شد که بالاخره در آغاز سال ۱۹۱۸ ساختمان کشتی های مخصوص برتخریب آن فایق آمده و همین امر اعلان خاتمه جنگ تحت البحری بود .

قوت های هوایی در حرب

عمومی اول :

اردوی المان در هوا نیز مانند زمین و بحر شروع به وحشیانه ترین اختراع سلاح های هوایی نموده و از ۳۰ اوت ۱۹۱۴ طیارات بمباردشان به بمباردمان آغاز نمود . اردوی فرانسه در ابتدای جنگ بیش از ۲۷۲ طیاره نداشت ، ولی در ژوین ۱۹۱۶ دارای ۱۵۰۰ و در اکتبر ۱۹۱۸ صاحب ۳۶۰۰ طیاره بود . و این طیارات در اثر مقابله با قوت های هوایی المان و نیاز مندی جنگ های ستراتژیکی روز بروز انکشاف نموده و در یک مدت کم طیارات زیادی بمیدان حرب سوق داده شد ، و اردو های متخاصم جهت برآوردن آرزو های خود انواع مختلف طیارات را در ساحه حرب مورد استعمال قرار دادند و موقعیت های حساس ستراتژیکی ★



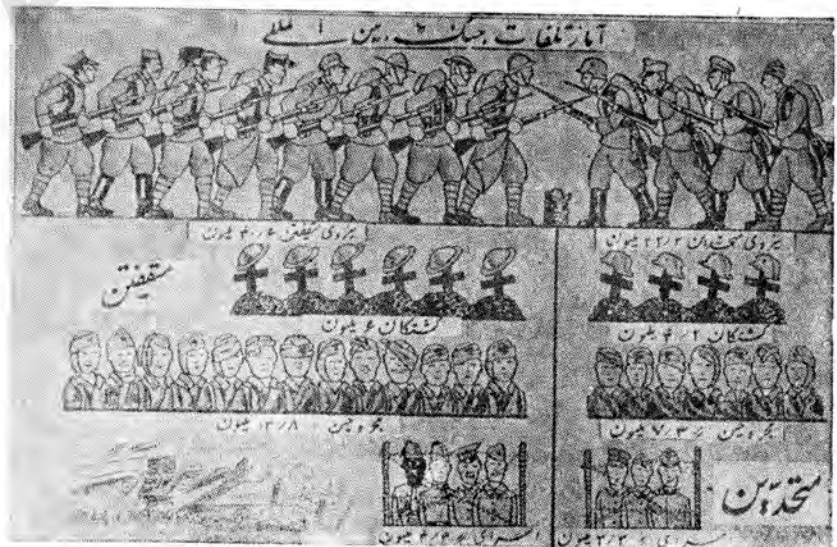
حملات عساکر آلمان در جنگ فلاندر

★ را زیر بمباردمان قرار دادند .

نتایج تکنیک های عسکری

در جریان حرب اول جهان :

محراباتی که از ۱۹۱۴ الی ۱۹۱۸ در بین قوت های متخاصم بوقوع پیوست از نگاه شکل و تکنیک جنگ ها از هم بکلی مغایرت دارد ، زیرا هر قدریکه وسایل نوین جنگی بمیدان کشیده شد به همان اندازه شکل و ماهیت جنگ تغییر نمود ، چنانچه یکی از ستراتژیست های عسکری جریان جنگ بزرگ را چنین تمثیل مینماید : (بقیه درص ۹۲)



توازن قوا در محاربه

از منابع خارجی

ترجمه و نگارش: غلام رضا
چگون انجینیری

محاربه یا مجادله مسلحانه پدیده ایست پیچیده و متناقض و با آنکه یگانه وسیلهٔ حربی نمی باشد اما عملیهٔ قاطع پنداشته میشود.

اوصاف مشخص محاربات مودرن عبارت است از سرعت فوق العاده تحول کلی غیر مترقب و مکرر از نگاه مادی و معنوی و همچنان تحول وضعیت.

مطابق تعریف یکی از متفکرین بزرگ محاربه معادله ایست دارای ارزشهای خیلی نامشخص. تاریخ حرب شاهد بس وقایع است که جنرالان و متفکرین نظامی با حل همین «معادله» به سوق و ادارهٔ سپاه دست داشته موفق شده اند و ازینجا مسلم گردیده که چگونگی جریان و نتیجهٔ حرب مربوط است به چیزهای ذیل: توازن قوا بین طرفهای متخاصم، اهداف سیاسی و نظامی، طرز استخدام قوای بشری و استعمال اسلحهٔ دست داشته.

با این هم نه تفکر نظامی گذشته و نه تفکر نظامی امروزه غربی میتوانند این فرمول را تفسیر کنند و نه آنها میتوانند تشکیل قوتهای متخاصم یا محل و رول عناصر شاملهٔ آنها را طور صحیح بدانند، عناصر یکه طور دسته جمعی توازن قوا را بوجود می آورند. یک وجهه تفکر نظامی نوزدهویها اینست که این تفکر رول فکتورهای منفرد را بیشتر از آنچه لازم است

تخمین میکند. از قبیل رول رهبران (قوماندانان)، وضعیت جغرافیائی و چانس (تصادف)

دیوید لاید جارج (David Lloyd George) شخصیت سیاسی و رهبر نظامی برتانیه میگفت: بروی میز بازی حرب قضات متعددی وجود دارد اما تصادف قاضی القضاات آنها می باشد.

یک اساس فلسفی محکمی که مجادلات مسلحانه و همچنان فکتورها و شرایط تعیین کنندهٔ مسیر و نتیجه آنها تشریح می کند از طرف فلسفه سوسیالیستی گذاشته شده است. بروی این اساس بحیث عموم فتح یا هزیمت وابسته است به توازن تمام قوای اقتصادی، علمی، معنوی و نظامی بین طرفهای متخاصم و همچنان مربوط است به قابلیت هر یک که بتوانند این توازن را به نفع خویش بکار بندند، بامد نظر داشتن قوانینی که رعایت آنها به سیر، نتیجهٔ حرب و عملیات محاربه‌ای از نگاه توازن قوا موثر است این مطلب قابل تاکید دیده میشود که تا سیمس تفوق مضمحل کننده در لحظهٔ معین و در محل معین اساس موفقیت نظامی می باشد. بهمین ترتیب در حرب بین الممالک نیز ظفر مربوط میباشد به توازن قدرت اقتصادی، علمی، معنوی، سیاسی و نظامی و هم چنان با اقتدار رهبری سیاسی و سوق و ادارهٔ

نظامی در قسمت تغیر دادن این تفوق و استعمال آن به نفع خویش هر آن قانون ثابت حربی، محاربه‌سوی و حرکات ذریعهٔ توازن خود قوای شامله تعیین میگردد.

محاربه مرکب است از عمل متقابل عناصر مختلف (دشمن، دوست، زمان، مکان و امثال آن). در خلال این عملیات رول اساسی و فیصله کن از طرف دسته‌های قوای نظامی بازی میشود که مستقیماً با دشمن در میآویزند با در نظر داشتن قابلیت دسته‌های مذکور و قوماندانان آنها تا فعالیت مطابق ایجاب وضعیت صورت بگیرد و وضعیتیکه از فعالیت طرف مقابل و شرایط دیگر ناشی می شود.

این را باید متذکر شد که نیروی نظامی فوج عبارت است از قدرت عددی تعداد یونتها، تعداد اسلحه و تجهیزات دیگر اما کیفیت این قوا را چیزهای ذیل تعیین می نماید: دورنمای اوضاع گیتی، سویهٔ بیداری سیاسی، مورال، درجهٔ تعلیم و تربیه و وسایل افراد و همچنان مؤثریت اسلحه و وسایل تخنیکی چگونگی تشکیلات، گروپمان و آمادگی محاربه‌سوی سپاه، سیستم کنترل قدرت افسران به سویهٔ تعلیم و تربیهٔ اوپراتیفی و محاربه‌سوی آنها، توازن قوا بین قشون محاربه‌سواره عامل قاطع می باشد این اساس آفاقی ایست تعیین کنندهٔ جریان و نتیجهٔ محاربه

نوع فعالیت‌های محاروبی و وسائلیکه توسط آنها طرفهای متخاصم بالای همدیگر موثر واقع میشوند، مانور و سرعت حرکت سپاه، هم آهنگی و انسجام آتش، حرکت و ضربه، استفاده از زمان و مکان و غیره.

یک وجهه حریمهای سابقه این بود که تفوق قوت در هر آن ناحیه جبهه و یا در خلال هر آن حرکات معین با افزایش تعداد سپاه و تعداد و سایسل و و سایسل حاصل میشود. تا حدیکه قدرت محاروبی طرف مقابل پیمایش شده میتواندست ظفر به تعداد قشونی ارتباط میگرفت که بمحارب به بالفعل اشتراک مینمود نام.

طبق همین تیوری دستورالعمل (تعلیمنامه) های یک تعداد اردوها در اواخر حرب عمومی دوم تاکید مینمودند قشونیکه اجرای تعرض را بعهده میگيرد باید لا اقل سه چند تفوق بردشمن داشته باشد.

وجوه توازن قوا:

توازن قوا بحیث اساس آفاقی فعالیت محاروبی قطعات عسکری

واجد يك تعداد وجوه مشخص میباشد.

نخست تا جائیکه به توازن قوا ارتباط میگيرد انتقال از فعالیت محاروبی خورد به بزرگ و بالاخره بحرب عبارت است از انتقال از يك سویه بسوی دیگر. این سویه ها دارای ارتباط با همی معین میباشد—چنانچه توازن قوا بمقیاس تکنیکی جزء توازن عمومی قوا میباشد که این توازن مربوط به عملیات محاروبی بمقیاس اوپراتیفی بوده و آنهم بنوبه خود جزء جنبه معین توازن قدرت از نگاه ستراتژیکی است.

اگرچه عناصر فوق با همدیگر اتصال ناگسستی دارد اما با وجود این اختلافات در سویه توازن قوا آزادی خود را نمی بازند. در مسیر فعالیت محاروبی مکرراً اوضاعی رونما میشود که در صورت عدم توازن عمومی برای حالات منفرد توازن مساعد یا نامساعد قوا پدید میآید. طور مثال در خزان سال ۱۹۴۲ اردوی شوروی فاقد تفوق

عمومی بود— اما در جبهه ستالینگراد قوماندانی شوروی قادر بود که در استقامت ضربه اصلی دو و حتی سه چند تفوق بالای قشون المان نازی برقرار سازد، و همین کیفیت رول مهمی بر جریان و نتیجه محاربه در ستالینگراد بازی کرد. ثانیاً توازن قوا را طرزهای مختلف ائتلاف عناصر شامله تعیین میکنند که این عناصر از لحاظ تاثیر از همدیگر متفاوت میباشد. در اینجا این را باید خاطر نشان کرد که تفوق عددی نمیتواند همواره ظفر را تضمین نماید. موفقیت هائیکه در مجادلات مسلحانه آزادی خواهی امروز در نقاط مختلف گیتی در قبال قوتهای بزرگ استعماری نصیب ملیون شده و میشود و ما با استماع اخبار روز شاهد آن میباشیم همه مویده همین حقیقت است. چه درین مبارزات اگرچه آزادی خواهان فاقد تفوق عمومی میباشد اما چون برای کشور و برای آزادی خود میجنگند و هدف مقدس پیشرو دارند لهذا بر دشمن خویش دارای تفوق



انتقال یکی از راکت های رهبری شده در محارب

معنوی بزرگی میباشند. فی الواقع اگرچه تفوق معنوی مبارزین ملی با طرف مقابل شان قابل مقایسه نمیباشد. اما تحت شرایط مشخص محیطی توان آنها جهت ادامه این مبارزات محدود است. این مطلب که بهتر ادا شود ناگزیریم بگوئیم که اگرچه تفوق معنوی مبارزین ملی با طرف مقابل شان تفاوت کلی دارد اما تحت شرایط محدود محیطی قدرت آنها جهت ادامه همچو مجادلات مسلحانه سرحد معین دارد. همچنان این را نیز باید متذکر شد که همین جنبه معنوی است که با تاثیر عمیقی که بر صحنه جنگ دارد مسیر پیکارهای آزادخواهی را تعیین و تثبیت میکند.

ثالثاً توازن قوا خیلی متحول بوده تحت تاثیر شرایط جغرافیائی، متروپولوژی، دیموگرافی و اجتماعی به صعود و نزول گوناگون و تحولات نامرتب معروض میگردد. بالاخره توازن قوا تابع قدرت اقتصادی، علمی، معنوی و حربی طرفهای متخاصم و همچنان وابسته به موثریت رهبری سیاسی و سوق و اداره نظامی میباشد.

تحت شرایط موجوده دنیا حقیقتیکه قابل تاکید دیده میشود این است که توازن قوا تا حد زیادی وابسته است بوضع متخاصمین در حلقه اتصال روابط بین المللی و همچنان مربوط است به سویه و پیمانته کمکی که دیگر کشورها و مردم بایشان عرضه میدارند. چنانچه موقف دسته های متخاصم در جنگ های ویتنام و امدادیکه بایشان میشود نمودار خوبی برای توضیح این مطلب میباشد. در قسمت تغییر توازن قوا در میدان نبرد فعالیت های محاروبی عامل فیصله کن میباشد. در تلاش رسیدن به هدف مطلوب هر یک از

دسته های متخاصم قدرت آتش، حرکت، موقعیت، وضع جوی، حمله ناگهانی و امثال آنرا بکارمی بندند تا ترتیبات طرف مقابل را برهم بزنند. هزیمت قدرت بشری و از دست رفتن لوازم و تجهیزات و تحول متقابل در ترتیبات سپاه خواهی نخواهی تحولاتی در قسمت ارتباط باهمی بین عناصر مختلف اردو و همچنان بر قدرت ضربه، قابلیت مانور و امثال آن وارد میکند.

رابعاً تغییر و تبدیل توازن قوا بین دسته های متخاصم در اشکال متنوع محاربه بطرزهای مختلفی صورت میگیرد.

وقوع سریعترین و ناگهانیترین تحول در توازن قوا و قتی ممکن است که قوای دارنده قدرت بزرگ آتش، قابلیت مانور، نیروی تعرضی و احتیاط قابل ملاحظه، با هم درآویزند. مثلاً در جنگ های هوایی، تانک تغییر توازن قوا با سرعت و شدت زیاد صورت میگیرد به هر پیمانته ای که فعالیت های محاروبی شدید باشد، توازن قوا نیز پیمانته تناسب بیشتر تحول اختیار میکند. در حرب موضع توازن طور بطی و نسبتاً به آرامی تغییر می یابد.

شرایط تازه و امکانات جدید

لوازم و تجهیزات جدید و بنیاد تکنیکی حرب از قبیل راکت، اسلحه ذروی و سایر اسلحه مودرن این را ممکن ساخته است که فعالیت در تمام عمق موضع دفاعی دشمن بعمل آمده اسباب تخریبات بزرگ در وقت اندک فراهم گردد. چنانکه این پدیده ها تحولات عمیقی بر فلسفه توازن قوا وارد میکند.

ضربه هر آن قوت و سلاح جدید که تازه ایجاد و وارد صحنه عمل میشود میتواند امحای کتلوی قوای بشری و اسلحه و همچنان تخریب

اهداف ساحه عقب مراکز بزرگ نظامی، سیاسی و صنعتی دشمن را بار آورده. تحت چنین شرایط است که رسیدن با اهداف نظامی و سیاسی با سرعت تبدیل میشود و فعالیت های محاروبی طور نهایت شدید، استحاله پذیر و آسانی صورت میگیرد.

این شرایط امکانات جدید را فراهم میسازد که بکمک آن قشون میتواند توازن قوا را با سرعت نسبی ای افزایش بخشد و بدینوسیله شرایط لازمه را برای ظفر مهیا سازد. باین لحاظ قشون نه تنها برای فعالیت واحد های بزرگ دارای امکانات متزائد میباشد بلکه به پیمانته کوچک نیز همچو امکانات عرض وجود مینماید.

این نکته را نیز باید به خاطر آورد که امروز یونتهای محاروبی اسلحه خیلی ذیقدرت، و سایط بهترتر ترانسپورتی و همچنان آلات متکاملتری برای بکار انداختن وسائل تکنیکی و پیشبرد ترصد و تاسیس ارتباط بدست دارند. راکت و سلاح ذروی این را امکان پذیر ساخته است که توازن قوا یکدم تحول نماید (نه طوری قدریجی بوسیله تشدید فعالیت محاروبی از پیمانته تکنیکی بمقیاس ستراتژیکی) یعنی ناگهانی و فوری به سویه او پرا تیفسی یا ستراتژیکی.

در اینجا بهتر است تذکر داده شود محاربه ای که شامل استعمال اسلحه متداوله میباشد. در چنین محاربه فکتور معنوی تبدیل کننده توازن قوا در مسیر عملیات محاروبی ماهیت جدیدی کسب میکنند. چنانکه در همچو محاربات قدرت آتش افزایش می یابد و جنگ بیشتر بعمق سرایت میکند، و قتیکه برای تولید فشار بر دشمن و همچنان زمانیکه برای تولید تاثیر آتش لازم میباشد

استعمال ماهر ازله

باید در رساندن و تعلیم و تربیه اشخاص و پرسونل فنی و آنهاییکه در استعمال بازو بسته کردن، و ترمیم عوارض و غیره امور اسلحه و وسایط مهارت زیادی داشته باشند بکار بسته شود. در بلند بردن مورال و قدرت روحی افراد و همچنان تمییه مواد مادی اردو باید سعی و کوشش زیاد شده از هر رهگذر تضمین گردد. ضرورت محاربه باید به افراد دانانده شده تا اعتماد و عزم راسخ آنها کمای شود زیرا بالاخره مغز انسانهاست که فعالیت نموده جزو تاسها و قطعات راسوق و اداره نموده و اسلحه را استعمال مینماید باید توجه زیادی باین خصوص بدل شود. بالاخره چنین خلاصه کرده میتوانیم که قوتهای زهینی هم آهنگ با تمام اختراعات و انکشافات اسلحه و وسایط مدرن ستاندارد و قابلیت حربی خود را بلند برده و ارتقا دهد.

بزرگ چنان است که افسران را به مطالعه وسیع و وضیعت متوجه ساخته و از ایشان میخواهند برای حرکات پلانی ترتیب نمایند که با قدرت کمی و کیفی دشمن و دوست مطابقت داشته باشد. با در نظر داشتن پیش بینی استقامت اصلی که محاربه به آنسو انکشاف می یابد.

کذا این دستور العملها بر موضوع کیفیت بیشتر پافشاری نموده و در قسمت تخمین کمیت خاطر نشان میکنند که این امر باید محتاطانه صورت بگیرد تا از مبالغه برکنار بماند. زیرا مورال و قدرت محاربه اردو در محاربات مودرن حائز اهمیت بزرگ میباشد.

توازن قوا بازم به تنهایی فتح نیست، تفوق قدرت صرفاً امکانات موفقیت را فراهم میسازد و این امکانات تنها با سوق و اداره ماهرانه و مساعی خسته گی ناپذیر تمام اردو از قوه به فعل در می آید.

(پایان)

تقلیل می یابد، قابلیت مانور نه تنها با امکانات گروپمان مجدد و تنوع عملیات سپاه ظاهر میشود بلکه توسط تغیر دادن محرکهای انداخت و تدابیر دیگر نیز تاسمین میگردد.

در شرایط اسروزی جد و جهد جهت تغیر دادن توازن قوا و بدست آوردن غلبه متقاضی - سوئیة عالی کشف، پیش بینی مقاصد دشمن و پیشگونی چگونگی عملیات محاربه می باشد. در هر آن مجادله مسلحانه یکی از شرایط لازمی موفقیت این است که مورال تعلیم و تربیه سپاه دارای سوئیة عالی باشد که این مطالب بنوبه خود مربوط است به سیستم

اجتماعی، اهداف سیاسی حرب و وضیعت اجتماعی اردو.

نیل به ظفر توسط تغیر دادن توازن قوا میسر میشود و نوعیت تغیر دادن توازن را رسیدگی و مهارت سپاه در استعمال اسلحه و وسایل حربی در جه متکامل بودن تشکیلات و سوئیة قدرت جسمی و معنوی پرسونل تعیین مینماید.

اگرچه توازن قوا خطوط اساسی انکشاف فعالیت های محاربه ای را تثبیت میکنند اما تنوع عملیات پرسونل و واحدهای منفرد را نه در برسیگیری و نه مستقیماً آنرا تعیین میدارد. این عملیات به پیمانۀ بزرگ مربوط است با اینکه سپاه تاچه حد وحدت فکر و عمل و نظم و نسق را حفظ میکند.

تحت شرایط محاربه ای سپاهیکه سوئیة نسبتاً عالی نظم و نسق را حفظ میکند امکاناتی بیشتر برای ظفر داشته میباشد. ازینجاست که کشور های مختلف میکوشند اردوی شان از نظم و دسپلین عالی برخوردار باشند.

دستور العمل بعضی از اردوهای

و چیز

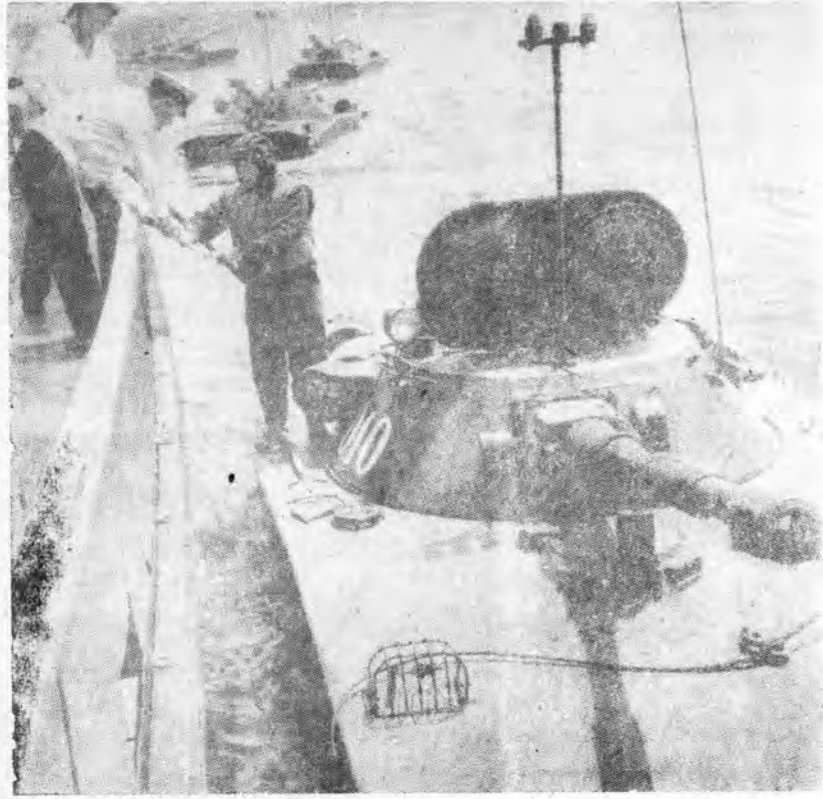
تمام معلومات من مرهون کتب و مطبوعاتی است که من آنها را مطالعه میکنم. (ویل راجرز)
فهم و دانش بشری مانند ریزش و خیزش آنها است: یعنی بعضی آن از بالا سرازیر میشود و قسمت دیگر آن چشمه وار از زیر بیدار می آید یکی از نور و مظاهر طبیعت الهام و اثر میگیرد، دیگری از روح بزرگ بداخل سیر آب میشود. (بیکن)

اسرار تحریک فعالیت و تکاپوی اکثریت اشخاص را این مقوله تشکیل میدهد:

چگونه سعادت را بدست آوریم، چگونه خوشبختی را محافظه کنیم، و چگونه خوشبختی لجام گسیخته را مهار نمائیم و بناء در راه بدست آوردن خوشبختی اکثر مردم مردم بهو نوع مصائب تن در میدهند. (ویلیام جیمز)

حفظ و مراقبت تانکها در شرایط اراضی — سی بایکار بردن دساتیری چند میتوان

لیاقت و استعداد «حاریر» — سی وسایط را تأمین کرد



و دیگر تجهیزات اجرا میشود .
فقره اول اصول حفظ و مراقبت
و معاینات جاری نسبت به سایر اقسام
خدمات در شرایط اراضی بیشتر مورد
استعمال دارد معاینات جاری جهت
واریسی از وضع وسایط و آمادگی
آنها برای حرکت که مدت چهل
دقیقه طول میکشد بمعرض اجرا
گذاشته میشود .

در خلال معاینات جاری باید
مواد سوخت و روغنیات و مواد مبرد
بصورت عمومی و از چگونگی و طرز
فعالیت دستگاه رادیویی ، ترتیبات
برقی و بطری ها و سایر آلات کنترل
تانکها بصورت خصی واریسی
شود . برای اكمال معاینات بی مورد
نخواهد بود اگر موجودیت مهفات
حربی و ترتیبات محافظوی داخل
و خارج وسایط و علاوه سامان فالتو
افزار و تفرعات آنها را نیز بادقت
نظر مزید مطالعه کنیم . کنترل
انجن در سرعت های مختلف ، پایدلها نیکه
وظائف متنوع را اجرا مینماید
و همچنان لیورهای کنترل و سیستم
چارچ اکومولاتورهابه تعقیب سایر
معاینات باید طوری اساسی تحت
مشاهدات فنی قرار داده شود .
تانکی های مواد سوخت و روغنیات
و مواد مبرد نیز مستلزم بررسی است
تا مواد مذکور از کدام مجرای
فرعی نفوذ نکند متعاقباً گیر های
دورانی که در موقع خاص فعالیت
میکند باید توجه لازم به آنها
میدول گردد .

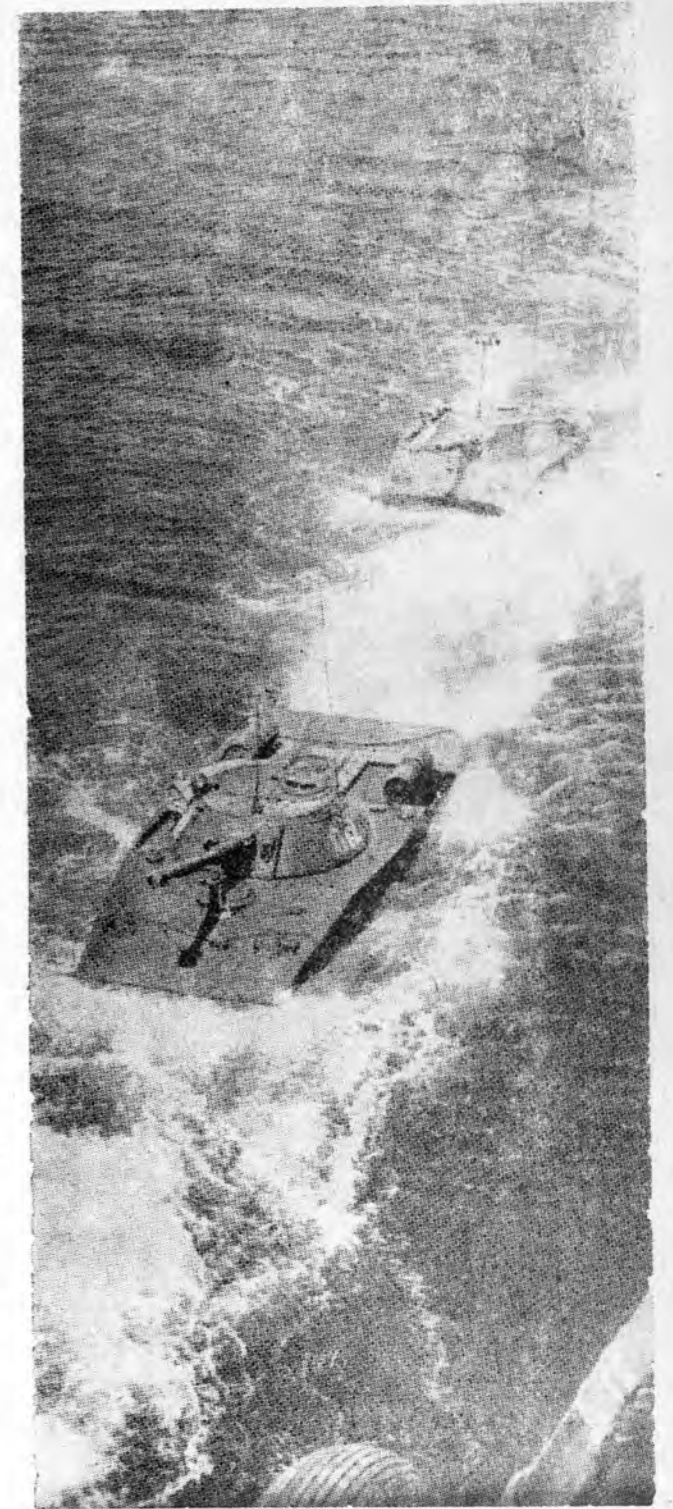
فقره اول اصول حفظ و مراقبت
مرام و هدف از عملی نمودن این
فقره آماده ساختن تانکها برای
عملیات ما بعد میباشد این فقره که
حاوی یکسلسله معاینات فنی است
بعد از پیمودن مسافه صدالی یکصد و
پنجاه بالای تانکها تطبیق میگردد
برای اینکار مدت تقریباً چهار ساعت
وقف شده و طی آن تمام مقررات
حفظ و مراقبت در شرایط اراضی
بکمک آلات معاونه اجرا میشود .
فقره دوم اصول حفظ و مراقبت
درین فقره موضوع وضع تخنیکی
و مساعد بودن تانکها برای عملیات
آینده تحت مطالعه و تدقیق قرار
داده میشود . فقره دوم بعد از طی
مسافه هزار کیلو متر و فقره سوم

یکی از منسوبین تانک رهپور اجراءات خود را به کپتان کشتی تقدیم می نماید
بعد از هر دو هزار کیلو متر قابل
اجراء است . برای معاینات فقره
دوم که در جریان آنها از وسایل
و آلات و رکشاپ ترمیم استفاده
بعمل می آید مدت شش الی هفت ساعت
و برای معاینات فقره سوم هشت
الی دوازده ساعت مد نظر گرفته
شده است .
ورکشاپ های ترمیم موثر که
با وسایل و آلات جدید و میکانیزه
مجهز است دارای قدرت کافی بوده
از طرف کارکنان ماهر و مجرب
استخدام میشود و در صورت
لزوم اجرای معاینات فقرات
دوم و سوم بکمک سرنشینان تانکها
شتافته در قسمت امتحان تجهیزات
الکتریکی ، وسایل بصری و تسلیحات

ترجمه عبدالرزاق «توخی»

معمولاً در شرایط اراضی جوانب فن یکتعداد
زیادی تانکها بصورت همزمان مورد تحقیق قرار
می گیرد برای اجرای عملیات خدماتی بالخاصه
در مواقع عملیات حربی تدارک وقت مکفی یک
امر مهم جلوه میکند در حالات که وسایط غرض
دفع حملات دشمن و اجرای سؤقیات حربی توظیف
می گردد منسوبین و سرنشینان آنها در قسمت عملی
نمودن امور محوله و نقشه های عملیاتی با مشکلات
متنوع برمیخورند برای اینکه از حدوث همچو
موانع جلو گیری بعمل آید و هم پلان های حربی
در اوقات معینه آنها تطبیق شود لازمست
کارکنان و سرنشینان وسایط مخصوصاً تانکها
در شقوق مختلفه حفظ و مراقبت بمنظور کسب
سمارت و مهارت و معلومات لازم تحت تربیه
گرفته شوند و به آنها طرق و دساتیری علمی و فنی
تلقین گردد تا از یکطرف از وقوع حملات احتمالی
و رفع عوارض در تسلیحات حربی بوجه ممکن
و شایسته بدر آیند و از جانب دیگر پلان ها
و نقشه های حربی را بموعده معین آنها طور موفقیت
آمیز بمنصه اجرا بگذارند .

عملیات حفظ و مراقبت مستلزم یکسلسله
اصول و دساتیری بوده که باتعمیل آنها میتوان
از بروز حوادث و عوارض ممکنه جلو گیری کرد .
این اصول که بنام اصول حفظ و مراقبت
یاد میشود در شرایط اراضی و یا اینکه وسایط
بحال پارک باشد در هر دو حالت قابل تطبیق است .
اصول حفظ و مراقبت که بعد مطالعه خواهد
شد تحت فقرات سه گانه تدوین گردیده و بوقفه
های موجز و طویل بوسیله سامان و افزار و پرزه
های فالتو و سایر تفرعات عملی میگردد
در صورت مساعد بودن شرایط و زمان اصول
مذکوره بکمک و رکشاپ ترمیم وسایط نقلیه



این عکس منظره حمله تانکها را از بستر آبهای بحر
بالای قوای دشمن تمثیل میکند .

حربی با ایشان معاونت های لازمه
ابراز میدارند.

برای اینکه عملیات حفظ و مراقبت
تانکها به اسرع وقت عملی گردد
اندوختن معلومات کافی و تجارب
لازمه در مورد قوانین و مقررات
استعمال وسایط سیار، موترهای حامل
مواد سوخت و ورکشاپ های ترمیم
وسایط نقلیه برای سرنشینان تانک
یک امر مهم و ضروری تلقی میگردد
مراحل اخذ مواد سوخت تانکها
طوری تنظیم می گردد که تانکها
بعد از اجرای هر عملیه خدماتی با هم
تقرب ورزیده و از آمادگی محاربه
خویش به مقامات مربوط اطلاع میدهد
اینک چند عملیه آنها را طوری مثال
ذکر میکنیم .

تانکها میتوانند بدو طریق مواد
سوخت و روغنیات را اخذ نمایند اولاً
از وسایل منفرد (بیرل های معلو
از مواد سوخت) و ثانیاً از وسایل
دسته ئی (عراده جات حامل مواد سوخت

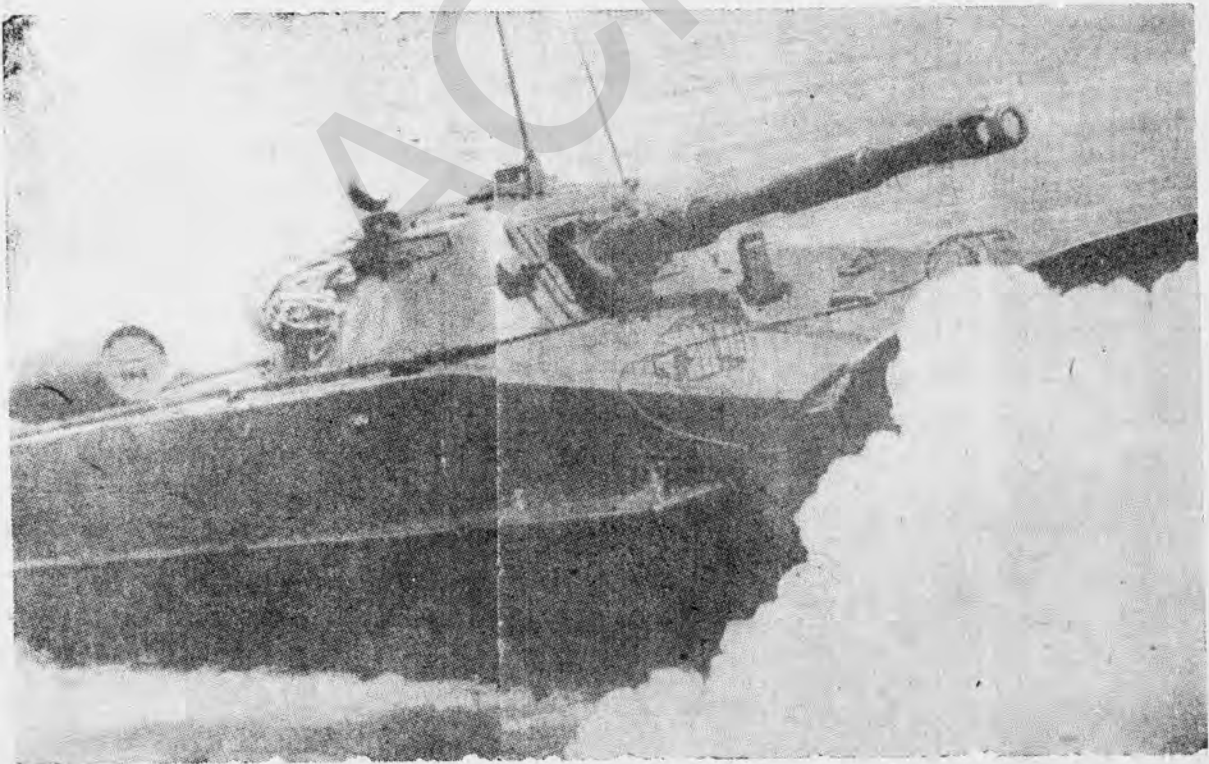
و روغنیات) (طریقه دو می یعنی توزیع
مواد سوخت و روغنیات توسط عراده
جات نسبت به طریقه اولی مفید تر
و اقتصادی تر بشمار میرود برای اینکه
از عراده موصوف استفاده اعظمی
شده بتواند لازمست یکی از طرق
توزیع مواد سوخت را مورد مطالعه
قرار دهیم .

طریقه نهمبر ۱ :

تانکها باید طوری پهلوئی هم دیگر
قرار گیرد که موتر حامل مواد
سوخت آزادانه بین آنها حرکت
کرده بتواند و قتیکه یک جفت تانک
بیک فاصله معینی از هم دیگر توقف
نمود بعد موتر موصوف بحرکت
آمده و در مسافه بین تانکها اخذ موقع
می نماید درین وقت مواد سوخت
متناوباً به هر دو تانک ذریعه پرسونل
ثنی بکمک چار عدد پایپ مخصوص
توزیع میگردد به این ترتیب از موتر
حامل مواد سوخت تا حد نهائی استفاده
میشود .

طریقه نهمبر ۲

این طریقه طور است که موتر حامل
مواد سوخت در یک موضع معین توقف
نموده تانکهای شامل کاروان از
راست بچپ یکی بی دیگری بحرکت
آمدن مواد لازمه را اخذ مینمایند از
این طریقه و قتیکه تانکها در حال
حرکت باشند نیز استفاده شده میتواند
باید خاطر نشان گردد که تانکها
بایست مواد مبر دور و غنیات را از
موترهای حامل مواد مذکور اخذ
بدارد این امر ایجاب میکند که موتر
مذکور از یک تانک به تانک دیگر
و یا از یک جفت به جفت دیگری
حرکت کند. در جریان توزیع مواد
سوخت و مبرد و روغنیات بیک اصل
مهم دیگری بر میخوریم و آن اینکه
وسایل خدمتی موقع اجرا وظائف
محوه مزاحم یکدیگر نشده و در
تطبیق امور از سهل انگاری جلوگیری
بعمل میآید و هم عملیات طور مؤقانه
انجام می یابد .



تانک قوماندان قطعه با موانع آبی بشدت مبارزه میکند .

بمنظور تامین احضارات سالم حربی، اکثر عملیات فنی از قبیل تبدیل روغنیات، شستشوی فلترهای مواد سوخت و موبیل آئیل و گریس کاری گیرهای دورانی متوالیاً توسط افراد دلگی‌ها و تولی‌ها اجرا میشود در عین حال افراد سایر دلگی‌ها (تولی‌ها) عملیات دیگری را از قبیل امتحان بعضی ترتیبات، اجست کاری، گریس کاری و ترتیبات کنترل و میخانیکی و غیره که صدمه به دستکاه‌های کوچک نمی‌رساند و هم احضارات حربی را به تاخیر نمی‌اندازد شدیداً تحت معاینه و بررسی قرار میدهند.

امور شستشوی فلترهای مواد سوخت و موبیل آئیل، گریس کاری گیر دورانی معمولاً توسط اعضای ورکشاپ‌های ترمیم و وسایط عراده‌جات که با وسایل و تجهیزات و افزار عصری مجهز است صورت میگیرد.

وسایط فوق‌الذکر را میتوان بچندین طریق بکار برد:

طریقه اول:

استفاده از ورکشاپ‌های ترمیم موتر در دومرحله اسکان پذیر است در مرحله اول ورکشاپ مذکور در مرکز تولی تانک قرار گرفته بصورت متوالی امور شستشوی تمام فلترهای سیستم انجن اجرا میگردد. شستن فلترها در چوکات دلگی‌ها ترتیب میشود فلترهای باز شده دلگی اول تانک بعد از تسلیمی به ورکشاپ توسط دو تن از سرنشینان (میخانیکی) راننده و کارگر (مجرب) شسته می‌شود. اثنائی که فلترهای باز شده از طرف پرسونل ورکشاپ تنظیم و ترتیب میشود

فلترهای متباقی از طرف اعضای دلگی دومی باز شده و به این ترتیب فلترها را متداوماً غرض معینه و ترمیم به اعضای ورکشاپ می‌سپارند. هرگاه دلگی‌ها از هم دور باشند شستن فلتر و گریس کاری گیرهای دورانی تانکها نیز در دو مرحله قابل اجرا است.

فائده طریقه فوق اینست که در مرحله اول دو تن از سرنشینان (میخانیکی) راننده و کارگر (مجرب) مصروف آموزش شستن فلترها بوده و در مرحله دوم به گریس کاری گیرهای دورانی می‌پردازند. در حالیکه سایر عملیه مانند میخانیکی اجست و میخانیکی سیستم برق با سرنشینان تانکها در امور مذکور همکاری‌های لازمه را ابراز میدارند.

طریقه دوم:

استخدام یک عراده ورکشاپ

ترمیم برای هرگونه عملیات تانک بطور هم زمان در یک مرحله مرعی میگردد.

درین حالت ورکشاپ ترمیم بسوی تانکها متناوباً بحرکت آمده وظائف شستن فلترها و گریس کاری‌های دورانی را بدقت اجرا مینماید. سرنشینان تانک با استفاده ازین طریقه قبلاً پلک‌های فلتر گریس کاری را باز نموده و سپس فلترهای تمام وسایط را می‌کشند.

طرز توزیع مواد سوخت و اجرا عملیات متنوع وسایط خدمتی را نشان میدهد درین شکل تانک در حال توقف بوده و تمام وسایط خدمتی یکی بی دیگری بطرف تانک مذکور بحرکت می‌آیند این طریقه را بنام (وسایط خدمتی بطرف تانک در حال حرکت است) یاد میکنند. پایان

و چیزها

ما کسانی را در زندگانی خوشبخت میخوانیم که باشر تجارب حیاتی میتوانند خشم خویش را فرو ببرند و مشکلات خویش را بدون اینکه منکوب و یا مضمحل گردند متحمل میشوند.

من حس میکنم که در نهادم یک چیزی هست اما نمیدانم که این چه چیز است، فرهنگ‌زبانها از توضیح آن قاصراند. در آن چیز نامرئی، شکل، اتحاد، پلان نظم و آثار حیات جاودان محسوس میگردد آن است مهد و کانون خوشبختی.

مرد صحیح آنست که با آموختن چیزهای نو هر روز پیکر زندگانی خویش را تازه‌گی و جوانی میبخشد. «سولون» یک آدم خوشبخت صورت حساب مسروریتها یش را خودش ترتیب و تقدیم میکند. «نکالاس بایلو»

وحدت ملی

واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا

یا

یک

ضرورت

مبهم

و

حیاتی

مردم

از جگر ن
محمد جان
(فنا) صافی

حضرت محمد (ص) امر و ارشاد میکند و ما در خلال این ارشادات مقدس با کمال صراحت میبایم که مرکز، اصل و اساس همه وحدت‌های فرعی ذات‌یگانه خداوند واحد است. آفرینش تمام موجودات و عناصر خلقت در اطراف و محیط این مرکز واحد و یگانه بر اساس علم، حکمت، قدرت، اراده و مشیت خداوندی بنیان‌گذاری و تنظیم شده و صورت گرفته. وقتی مادر یک جامعه مسلمان از وحدت ملی بحیث یک ضرورت مبهم و حیاتی مردم سخن میزنیم در پرتو اساسات دین مقدس اسلام غایب، هدف و رأس این وحدت را ایمان و اعتقاد همگانی به یگانگی خداوند تشکیل میدهد.

اگر قبول کنیم که ملت عبارت از تشکیل حقوقی مردم است که در تاریخ گذشته واید یا الوژی (اتحاد فکری و عملی) موجوده برای بهبود وضع آینده‌شان شریک بوده دارای دولت و ملیت واحد باشند درین صورت تا اندازه بروحدت ملی نیز روشنی انداخته خواهیم بود.

برای اینکه وحدت ملی واقعی بحیث یک آرمان مشترک و تمنای عمومی مردم تأمین و میسر شده بتواند و وطن یعنی کاخ اجتماعی و خانه ملی آباد شود باید این تعمیر عظیم و بزرگ را بر تہداب عدل، مساوات و طرح قوانین عادلانه بنا کرد و

ما با اقرار زبانی و تصدیق قلبی به وحدانیت خداوند قادر و یگانه ایمان داریم. توحید یعنی عقیده به یگانگی و اینکه خداوندیکه یگانه است و شریک ندارد اساس ایمان، اساس دین مقدس اسلام و شریعت محمدی (ص) و اصل همه عبادات است. شاعر روشن ضمیر و پاک دلی میگوید:

دویی بمذهب ما عاشقان پاک خطاست
خدا یکی و محمد یکی و یار یکی

خداوندیکتا که دین مقدس اسلام را بحیث آخرین و کاملترین دین سماوی برای هدایت بشر بسوی فلاح، سعادت و رستگاری دنیوی و اخروی وضع فرموده و قرآن را بصفت آخرین و جامعترین دستور العمل برای رهنمائی بشر نازل و حضرت محمد (ص) را به صفت آخرین پیغمبر برای تبلیغ آن مبعوث و مقرر کرده چنین میفرماید: **(واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا)** ترجمه: وچنگ افکنید بر سن خدا همه شما و پراکنده مشوید.

تفسیر: «همه باتفاق قرآن کریم را استوار گیرید که رسن استوار خدا است این رسن از هم نمی‌گسلد اما از دست رها میشود اگر همه متجداً و به نیروی کامل به آن چنگ زنید هیچ شیطانی موفق شده نمیتواند که شرانگیزد و ساند حیات انفرادی حیات اجتماعی مسلمانان نیز غیر متزلزل و ناقابل اختلال میگردد از تمسک به قرآن کریم قوای درجم پاشیده جمع میشود و یک قوم مرده حیات نوین مییابد.»

دین مقدس اسلام ما را بداشتن ایمان بخداوند یگانه، پیروی از ارشادات کتاب مقدس و واحد یعنی قرآن کریم، عمل بر اساسات و اصول دین واحد و مقدس اسلام و متابعت از پیغمبر واحد یعنی

* سورة آل عمران آیه (۱۰۳) صفحه (۳۶۱ و ۳۶۲) ترجمه و تفسیر قرآن مجید طبع دوم سال ۱۳۴۵ کابل

لازمست فرد و جامعه بحيث دو عنصر
لايتجزای وحدت ملی در یک جبهه
واحد با حفظ اتحاد و اتفاق، تشریح
مساعی و همفکری در روشنی علم
و دانش و در پرتو از خود گذری
و قربانی فرد برای جامعه و جامعه برای
نسلهای آینده بمقصد تعمیر این خانه
بزرگ و بسر رسانیدن این غایه و
آرزوی همگانی فکرآ و عملاً دست
بکار شوند و جامعه را از نفاق یعنی
سقوط و زوال تدریجی نجات دهند.
برای اینکه بدانیم کدام عوامل
میتواند در تحکیم و تضعیف وحدت
ملی مؤثر باشد بهتر است ساختمان
و ترکیب ملت‌ها را از نظر بگذرانیم.
تا جائیکه راجع به ترکیب و
ساختمان ملت‌های مختلف جهان
میدانیم، اکثر ملت‌ها از مردمی
تشکیل شده اند که از نگاه عقاید
مذهبی، از نظر لسان یا رنگ و
نژاد، از لحاظ سویه اقتصادی
زندگی از رهگذر خصوصیات قومی
عنعنات و رسوم اجتماعی و غیره
بحال گروپ‌ها و دسته‌های مختلف
در چوکات ملت‌های واحد و
جداگانه با هم زندگی میکنند و تا
حد ممکن زندگی فردی و حیات ملی
و اجتماعی شان ذریعه قوانین تنظیم
میگردد.

در طول تاریخ پیوسته بمشاهده رسیده
که اختلافات طبقاتی، مذهبی، لسانی
نژادی، قومی و غیره اکثرآ سبب
ایجاد نازاحتی و دردسر برای
بشریت شده و گذشته از آنکه به
پیکر وحدت ملی ملل و زندگی
باهمی‌خاندان بزرگ بشریت صدمه
زده باعث تولید نفاق و شقاق گردیده
امتیازات و تبعیضات غیر عادلانه را
در بین طبقات مختلف جوامع بوجود
آورده است و در نتیجه انسانها
نتوانسته اند بر اساس حق و عدالت
و مساوات با هم قرین سعادت و
خوشبختی زندگی نمایند.

دین مقدس اسلام که بزرگترین
وسيله سعادت، خیر و خوشبختی
بشر است هرگز رنگ، نژاد، لسان
و غیره عواملی را که سبب ایجاد
رخنه در پیکر وحدت و اتفاق شود
معیار حقوق عدالت و مساوات در
زندگی بشر ندانسته است.

چون دین اسلام مخصوص
مسلمانان نیست و برای فلاح، خیر و
رستگاری تمام انسانها و بشریت
وضع گردیده، وحدت، اتحاد فکر
و عمل و اتفاق بشر را در پرتو
اساسات آسمانی و فروغ ارشادات
خداوندی این دین توصیه مینماید.
برای رسیدن به غایه عالی وحدت
ملی لازم است فرق‌های بزرگ مادی
و معنوی بین افراد جوامع بشری
حتی‌الممكن از بین برده شود. چنانچه
موضوع فرق لسان نباید تا حدی
جدی تلقی گردد که در نتیجه آن
ملت واحدی را بدو یا چندین دسته
تقسیم و حربۀ فرق لسان علیه وحدت
ملی استعمال گردد.

یا اینکه چون اساساً دین اسلام
یک دین واحد است نباید اختلاف
مذاهب و فرق‌های جزئی در
فروع دین بمرحله برسد و قابل
اهمیت پنداشته شود که وحدت ملی
و اسلامی را تحت شعاع قرار دهد
و مسلمانان را از هم‌دیگر دور و جدا
نگهدارد.

همچنان موضوع، اقتصاد، ثروت
و دارائی که در جوامع طبقه غنی
و فقیر را بوجود می‌آورد نباید سبب
ایجاد خودخواهی، غرور و جاه طلبی
ثروتمندان و تولید رشک،
کینه و نفرت فقیران در برابر
هم‌دیگر شان شود. این فرق
مادی برای تسویه سطح زندگی
غنی و فقیر طوری که نظر با اساسات
دین مقدس اسلام با اداء و پرداخت
زکوة، صدقات و خیرات، هالیه
و محصول و غیره نه منجیث یک احسان

و لطف شخصی بلکه بصفت یک فریضه
و وظیفه و ذمت اسلامی، حتی‌الممكن
بوجه پسندیده و شایسته رفع گردد.
همچنان کوشش بعمل آید که
افراد جامعه علی السویه از فیض علم
و معارف، تعلیم و تربیه مستفید شوند
تا وحدت ملی از نظر فرق سویه دانش
دچار عدم توازن نشود.

اختلافات قومی نباید در بین
برادران، فامیل‌ها و قوم‌ها تفرقه
درز و کشیدگی ایجاد کند؛ مانع اتحاد
فکر و عمل شان گردد و آنها را بهم
اندازد. خداوند بزرگ میفرماید:

(انما المؤمنون اخوة
فاصلحوا بین احوکم)

ترجمه: (جز این نیست که
مؤمنان برادران اند پس اصلاح
کنید در میان دو برادر خود. *)

خلاصه این همه فرق‌ها و اختلاف
در موضوعات فوق، روی احساس
قوی وطنپرستی و ملتدوستی، با تحقق
آرزوی مقدس برادری؛ برابری
و مساوات در برابر قانون و باداشتن
تعمای پاک و قلبی خیر، خوشی و سعادت
برای همه، به پیروی از اصل احترام
متقابله باید قربان مفکوره و غایه
بزرگ وحدت ملی و اتحاد اجتماعی
شود و این غایه عظیم بر تهداب صلح
امنیت و عدالت در خدمت نوع بشر
بنیان گذاری و استوار گردد تا از
نگاه عمومیت دین اسلام برای تمام
بشر، هر فرد مسلمان در راه تأمین
تحکیم و تقویه وحدت ملی وظیفه
انسانی، ملی و اسلامی خود را با چنان
فداکاری اجرا کند که این وحدت
ملی و اسلامی بوحدهت بزرگ اسلامی
انسانی و بشری منتج گردد.

* سورة حجرات آیه (۱۰)
صفحه (۵۷۳) ترجمه و تفسیر قرآن
مجید طبع دوم سال ۱۳۴۵ کابل.

قهرمانی از قلمرو افتخار...

از : ظریف صدیقی

نوای دل انگیزنی باصدای شر شر آب درهم می آمیخت و انعکاس آن تا دور دست ها طنین می انداخت . درین حال جوانی باسیمای کشاده بسوی صدایپیش میرفت . وقتی نزدیک تر گردید نوای نی قطع شد ولی شر شر آب همچنان سکوت صبحگاهی را درهم می شکست و جوان نیز صاحب آن نوارا می جست . هنوز بالای صخره بالاننده بود که

آن جوان خنده کرد و گفت :
از آشنا ئیت خوشحالم
احمد . نام من عم دلاور است .
من یسر امیرغور میباشم که
بامادرم به چشت شریف زیارت
آمده ام این مردیکی از دشمنان
من بود که میخواست مرا
بکشد ولی تو بگیرش آمدی
چون از پشت سر کاملاً بمن
شبهت داشتی دشمن ترا بجای
من گرفت و بالایت حمله کرد .
وقتی صدای خش خش قدم ها
را شنیدم سکوت کردم آخر
نی را خودم مینواختم بعد
صدای فریادی شنیدم و آهسته
آهسته باینجا شتافتیم . و ترا



اعلی حضرت احمد شاه بابا
(۱۱۶۰ هجری قمری)

در آن وضع یافتیم . خوشبختانه خنجر
من کار خود را کرد و ترا نجات
داد . حالا بی برویم نزد مادرم
مهمان من باش .

احمد گفت : راستی دلاور برادر
این نعل را چه کار کنیم ؟
دلاور خنده کرد و گفت :
ناراحت نشو برادریکی از نوکرهایم

جوان بیچاره که احساس کرد خطر
رفع شده گفت :
— نام من احمد است پسر زمانخان
فرمانروای هرات میباشم . بامادرم
به چشت شریف آمده ام .

صدای نی مرا بدینجا کشانید ولی
این نا جوانمرد غافل گیرم کرد
نمیدانم چرا میخواست مرا بکشد ؟

ناگهان دستی از پشت او را در میان
گرفت . هر چه کوشید خود را
برهاند نتوانست . ضربات پی در پی
قوایش را به تحلیل رسانید . میخواست
تسلیم شود چون هیچ دلیلی برای
آن حمله ناگهانی نمی یافت . اما
از آنجا که جوان با شهامتی بود
دفعتاً به عقب برگشت و با دودستش
که آزاد شده بود بر شانه های نفر
مقابلش کوفت و فریادی کشید . طرف
هم که غافل گیر شده بود خنجرش را
به سرعت کشید و بسوی او حمله ور
شد . جوان در حالت سختی بسر میبرد .
دشمن ناشناس با چهره خشمگین
خنجر را درست مقابلش نگهداشت .
مگر در همین زمان حادثه بوقوع
پیوست و خنجر دیگری پرش کنان
به پشت دشمن فرو رفت و او را
همانطور که خنجر در دست داشت
به زانو در آورد . جوان چند قدم
دورتر مرد بلند بالای را مثل خود
ایستاده دید . آن جوان جلو آمد و
گفت :

— خوب شد بخیر گذشت . راستی
خوب گیر افتاده بودی برادر قامت چیست ؟

افکار جاویدان

هیچ عقل مافند تدبیر نیست و هیچ تقوی و پرهیز گاری
مانند باز داشتن نهان از بیهودگی نباشد و هیچ فضیلت
بالا تر از حسن خلق نیست . حضرت محمد (ص)
اگر با خونسردی گناهان کوچک را مرتکب گردیم
روزی خواهند رسید که بدترین گناهان کوچک را هم
بدون خجالت و پشیمانی ارتکاب کنیم . گریگوری
هر گاه میخواهی با کسی دوستی کنی پیشتر از همه
بین که فهم او چه اندازه است نیک و بد را در چه میدانند
افتخار و اهانت را چه می شمارد نیک و بدبختی او در چه
چیز است .
به گریه کمتر و شخصیت مردم بیش از سوگند آنها
اعتماد کنید .
سولون
نیکی خصلتی است که عصاره های عقول و فکور
دران جمع و خلاصه میشود .
یورپیدیس

را میفرستم تاغم او را بخورد . .
هر دو جوان در کنار هم سوی دهکده
براه افتادند احمد سکوت را شکست
و گفت .

— مادرم نذر کرده بود وقتی
من پانزده ساله شدم و دستار بسر
بستم مرا بمزار خواجگان چشت
بیاورد و صدقه بدهد با آنکه پدرم
مریض است بعهد خود وفا کرد و
مرا بدینجا آورد .

دلاور گفت : امان و مادرم هر
ساله بچشت می آئیم آخر پدرم مرید
شیخ عبدالله چشتی است و هر ساله
مرا بخدمت شیخ میفرستد . خانقاه
شیخ در کنار مزار حضرت خواجه
ابدال چشتی و شیخ نظام الدین
چشتی است .

در همین حال هر دو به دهکده
رسیدند و در حالیکه از طرف نو کرهای
امیرزاده غور پذیرائی میشدند
بخانه اش رفتند . مادر دلاور احمد
را نوازش کرد و گفت :

— خوش آمدی احمد جان غور
و هرات یکی استند . حتی غور قسمتی
از هرات است اما می بینی که حالا
امیرها میخواهند وطن خود را پارچه
پارچه بسازند .

برقی در چشمان احمد درخشید
کس ندانست چه بخاطر او رسید
اما از بررسی آینده او معلوم میشود
که آن لحظه باین فکر شد که اگر
روزی قدرت بدست آورد این پارچه ها
را دوباره بهم بچسپاند .

آن روز تاچاشت همانجا ماند و
بعد از مادر دلاور خواهش کرد
که نزد مادرش بخانه ارباب دهکده
بروند . مادر دلاور هم پذیرفت و
یکجا بدیدن مادر احمد رفتند .

آن روز عصر هر دو جوان زیارت
شتافتند و بعد بخدمت شیخ عبدالله
چشتی بخانه اش رفتند . شیخ عبدالله
که مرد روشندل و وارسته بود آندو
جوان را بسوی خود خواست و احمد

احمد که شیخ را آدم با معلوماتی
یافت بی تابانه پرسید :
— حضرت شیخ ! این مردان
بزرگ که بودند ؟
شیخ سکوتی کرد و بعد گفت :
این چار نفر از چار ولایت هرات
استند . اولی از ولایت اسفزار از
جنوب بود . او ساتی برزانت نام
داشت و قتیکه سکندر باینجا آمد امیر
هرات بود . بانکه سکندر با ساتی
سراسر ایران را فتح کرد ولی
از دست این امیر خیلی تکلیف دید .
میگویند چند مرتبه جلو سکندر را
گرفت و چند سردار را کشت تا اینکه
خودش کشته شد و سکندر از روی
نعش او راه خود را بسوی جنوب
کشود .

نفر دوم ابراهیم ابو مسلم خراسانی
از ولایت بادغیس از شمالی هرات
بود که بسوی غرب رفت . خلافت
را به آل عباس انتقال داد ولی سرانجام
خلیفه باو خیانت کرد و او را کشت .
نفر سوم طاهر ذوالیمنین از ولایت

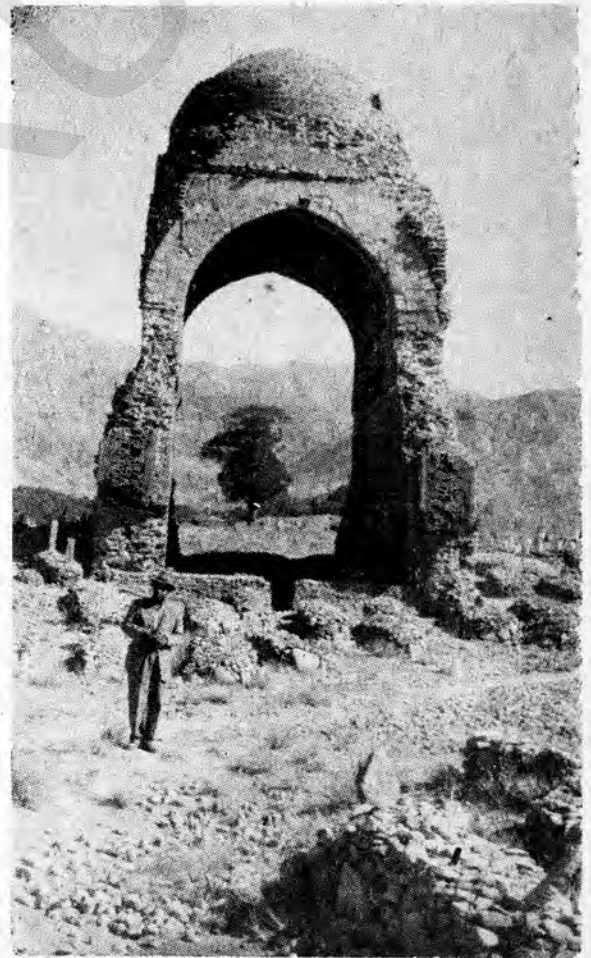
رادر کنار راست و دلاور رادر کنار
چپ نشانید و گفت :
فرزندانم خوش آمدید و بعد
رویش را بدلاور کرد و بعد از
اینکه حال پدرش را جویا شد
پرسید این جوان کیست ؟
دلاور احمد را بعنوان یک دوست
به شیخ معرفی کرد . شیخ مدتی
سکوت کرد و گفت :
احمد تو جوان شجاع و دلاوری
استی و باید همینطور باشی چون تو
در آب و هوای باطراوت هرات
بزرگ شده ای .
احمد گفت : بلی حضرت شیخ
پدرم ، پدر کلانم همه در آب و هوای
هرات بزرگ شده اند .
شیخ بحر فتن ادامه داد :

— هرات نه بلوک و چهار ولایت
دازد . از هر بلوک آن یک نفر قطب
و ولی برخاسته اما از هر ولایت آن
یک قهرمان بزرگ و نامدار قیام
نموده که تاریخ همیشه آنان را بخاطر
نگه میدارد .

فوشنج از غرب بود که مامون عباسی را بخلافت رسانید و خراسان را استقلال بخشید. مگر باز هم خلیفه اورا زهر داد و کشت. نفر چهارم شهاب الدین محمد غوری بود که بفرمان برادرش غیاث الدین محمد سام غوری پادشاه خراسان، از غور از شرق قیام کرد و تمام هندوستان را فتح کرد. ولی او هم بدست غلام خیانت کارش کشته شد.

بین فرزندم. هر چهار نفر کشته شدند مگر نام شان همیشه جاویدان خواهد ماند.

حالا نوبت نفر پنجم است. نفر پنجمی برای هرات بکار است که نه تنها این چهار ولایت را به هرات یکجا کند بلکه همه خراسان را تا



خانقاه شیخ عبدالله چشتی و چشت شریف که در قطار آثار باارزش تاریخ وطن موقعیت مهمی دارد.

دریای سند و جیحون متحد بسازد. دلاور برسید: حضرت شیخ مگر هوتکیها در قندهار این کار را نکردند؟

شیخ تبسمی کرد و گفت: هوتکیها هرگز سند و جیحون را ندیدند. آنها حتی از دست پدر احمد و پسر تو نتوانستند از راه هرات بایران بروند و هرات و غور را هم یکجا نمایند. محمود هوتکی در فراه از فرمانروای ابدالی شکست خورد و مجبور شد از راه سیستان به فتح ایران بپردازد. بعد شیخ دستش را بسوی غرب دراز کرد و گفت:

- به زودی دشمن از غرب باینجا خواهد آمد و گلیم هوتکیها را بر خواهد چید. ولی بعد از مردی بکار است

که دیگر باین بدبختی و فلاکت وطنش خاتمه بدهد. راه خود را بسوی شرق باز کند و دریای سند و جیحون را در شرق و شمال بسرد بسازد.

احمد بایتهایی گفت:- حضرت شیخ ما دو امیرزاده ایم و آرزو داریم روزی بجای کسی باشیم که سند و جیحون را بتواند متفق سازد.

شیخ بجای جواب خوشه گندمی را گرفت و گفت: خراسان مانند این خوشه گندم است. تا وقتی بصورت خوشه دانه های گندم در کنار هم غنوده اند منبع برکت استند ولی وقتی از هم جدا شدند حتی نسیم شمال هم این دانه را پراکنده میسازد. حالا کسی بکار است

که دانه هارا دوباره بخوشه اش بچسپاند.

بعد رو به احمد کرد و گفت: - خانها در کجائی هرات است فرزندم؟

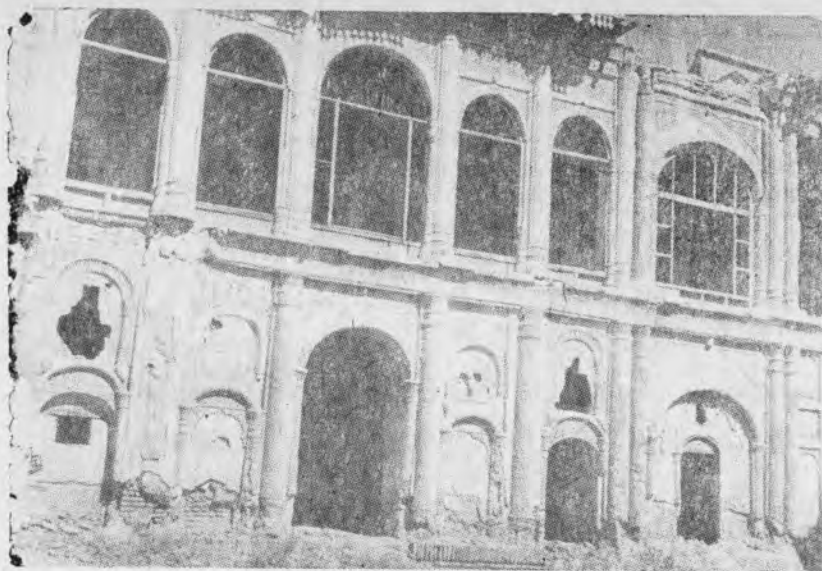
احمد جواب داد: حضرت شیخ، خانها در شهر کهنه هرات در محله خواجه عبدالله مصری واقع است ولی پدرم بخاطر کارهای امارت اغلب در ارگ بسر میبرد.

شیخ آهسته خوشه گندم را بسوی احمد برد و بعد گفت:

- سعی کن فرزندم که تو نفر پنجمی باشی. چون نفر پنجم باید از قلب هرات باشد تو آینده درخشان پیشرو داری ولی این آینده درخشان بسته بعزم و اراده تست. تو باید خدا و وطنت را از یاد تبری و هر کاری که میکنی خدا را حاضر بدانی و وطن را بخاطر داشته باشی.

آنروز آن سه نفر خیلی حرفها باهم زدند که هنوز حقیقت آن حرفها بما نرسیده چون وقتی احمد و دلاور از خانقاه شیخ بر آمدند خیلی تغییر نموده بودند بخصوص احمد که احساس میکرد افکار دیگری اورا در میان گرفته است دیگر همیشه احمد متفکر و اندیدیشناک به نظر میرسید. همان شب احمد و دلاور در حضور ادران خود عهد بستند که در زندگی پشتیبان و مددگار هم باشند

نادر افشار با سپاه عظیمی از نیشاپور آهنگ هرات کرد و او بدنبال اشرف هوتکی تا حوالی سیستان شتافت ولی راهش را کج کرد و از راه مشهد بعزم هرات احضارات گرفت. ذوالفقار خان ابدالی امیر سلحشور هرات به زودی بمقابلش شتافت. جنگ سختی بین هراتیان و نادر در گرفت مگر سرانجام ذوالفقار خان و ادران شد عقب نشینی کند. پس از زد و خورد های خونینی هرات در



خانه احمد شاه با با در هرات که یک اثر تاریخی نفیس بشمار

میرود.

محاصره قرار گرفت بطوریکه ذوالفقارخان مجبور گردید برادر جوانش احمدرا نزد شاه حسین هوتکی برای جلب کمک بقندهار بفرستد. احمد با آنکه میخواست در دفاع از شهر محبوب خود هرات شرکت کند امر برادر بزرگش را اطاعت نمود و قندهار شتافت. شاه حسین هوتکی در چنان موقعیت بزرگ و حساس مثل یک بیگانه با احمد مقابل شد و در اثر اصرار و پافشاری احمد بجای اینکه باو کمک نماید اورا مجبوس ساخت و مانند دشمن به اسارت کشانید. ذوالفقار خان بناچار وقتی از جانب قندهار مأیوس شد به نادر مصالحه کرد. نادر به زودی قصد قندهار نمود و شاه حسین هوتکی با همه سپاه خود نتوانست جلو اورا بگیرد و قندهار را به تصرف دشمن درآورد.

امیر دلاور امیر غور وقتی با سپاهش بمدد هرات رسید که مصالحه شده بود بناچار دست از محاربه کشید و فقط چند جوان را فرستاد تا در موقع مناسب بحساب نادر برسند.

نادر در قندهار همه سرداران مجبوس را رهائی بخشید. بخصوص احمدخان شهزاده هرات و برادر ذوالفقار خان امیر هرات را نوازش نمود و در راس قوای افغانی سرفرازش ساخت.

همان روز که نادر پیروزی خود را جشن میگرفت. جوان جسور و بی باکی پیش روی او ایستاد و تیری از کمان بسویش پرتاب کرد اما در اثر تابش آفتاب بر کمر بند نادر تیر خطا رفت و به گل کمر بند نادر خورد. آن جوان را گرفتند و فهمیدند از فرستادگان امیر غور است. نادر از آن جوان پرسید: با توجه کنیم؟ جوان غوری با شهامت جواب داد: تو باید هر دو چشم مرا کور کنی. چون چشمانم درست ندید و تیر

بجای اینکه قلب ترا سوراخ کند به گل کمر بندد خورد.

نادر از شهامت جوان به تعجب افتاد و او را کور کرد. با اینکه بقصد انتقام تصمیم گرفت بغور لشکر بکشد اما احمد ابدالی نظر بعهد یکه با امیر دلاور داشت نادر را از این عزم باز گردانید.

نادر خراسان را گرفت و تا قلب هند پیشرفت در باز گشت هنگامیکه احمد جزء همراهانش بود بدست سرداران ایرانی خود در مشهد کشته شد. احمدخان مانند یک سردار نجیب خانواده اش را از شرتها جم و اذیت مردم نجات داد و به پاس آن الماس کوه نور را بدست آورد.

احمدخان زمانیکه به قندهار برگشت امیر دلاور را ملاقات نمود. مادر احمد تا آن زمان هنوز در هرات بسر می برد. احمد خان هنوز بعنوان شهزاده هرات نزد همه فوقیت و مقام محسوسی داشت.

امیر دلاور به احمد خان پیشنهاد

کرد تا زمام قدرت را در دست گیرد ولی احمد خان گفت:

بگذار به بینم سران قبائل بین خود چه میکنند؟ زیرا خانواده هوتکی درین جاء پادشاهی بزرگی داشتند از طرف دیگر نسبت بمن هنوز احساس ناآشنایی دارند. چون هرات هرگز در برابر هوتکیها تمکین نکردند و هوتکیها نظر به همین احساس دشمنی مرا مجبوس ساختند.

دلاور تبسمی کرد و گفت: قبایل افغانی متاسفانه هنوز بین خود اتفاق ندارند و گروه محمود هوتکی توانست پادشاهی با قدرت صفوی را نابود سازد و ایران را فتح نماید. اکنون با آنکه سرداری چون سیدالخان - ناصری در میان شان بود نتوانستند خود را متحد بسازند. همین حبس نمودن تو از طرف شاه حسین هوتکی در چنان موقع احساس بزرگترین اشتباه و علامت احساس بی اتفاقی بین ما است.

تو حالا از هر لحاظ سزاوار و مستحق استی. از یکطرف شهزاده ای

از خاندان هوتکی هم کدام شخصیت مهمی باقی نمانده است از طرف دیگر تو بر زندگی و موقعیت بزرگ سرداری و سلحشوری کسب کرده ای. حتماً گفتار آنروز شیخ عبدالله چشتی مرشد مرحوم مسابادت است. تو حتماً نفر پنجمی استی. نفری که از نیشاپور تاسند و از مکران تا جیحون را دوباره با هم متحد بسازی و مملکت واحدی تشکیل بدهی که دیگر قشارا جانب نتواند آنرا تجزیه نماید.

تو باید این ماموریت را انجام دهی ورنه من باقوای که اینجا آورده ام خیلی زود میتوانم قدرت را بدست گیرم، دوست عزیز!

همان روز چندین جلسه سران افغانی در قندهار تشکیل شده ولی خوانین قندهاری نتوانستند به فیصاه برسند. احمدخان و امیر دلاور هر دو سکوت کردند. سر انجام فیصله گردید تا این موضوع را در مزار پیر سرخ در حضور صابرشاه فقیر کابلی حل نمایند. وقتی سران قبایل آنجا رفتند فقیر صابرشاه خوشه گندمی در دست داشت امیر دلاور آهسته به احمدخان گفت:

— نگاه کن فقیر صابر خوشه گندم را در دست دارد. خوب بخاطر بیاباره تو یک بار دیگر این خوشه را از شیخ عبدالله چشتی گرفتی این دفعه دوم است که کرامات آن مرد بزرگ ظاهر میشود.

فقیر صابرشاه همینکه سخنان سران قبایل را شنید با احمدخان توجه کرده گفت:

— جوان فقط تو درین میان ساکت بودی. چون همه اش درین

فکر بودی که چه وقت این اختلاف از میان برداشته میشود و این مردم با هم دوست و متحد خواهند شد. و بعدا با هستگی باو نزدیک شد و خوشه را بر سر او. بالای عمامه اش چسپانید و بارامی در گوشش گفت: — سخنان حضرت شیخ را فراموش نکنی فرزندم.

بدنبال آن امیر دلاور تکبیر گفت و صدای هلپله در فضا پیچید. سران قبایل ناچار با احمدخان تبریک گفتند و شهزاده هر وی در سال ۱۱۶۰ ه. ق مطابق ۱۷۴۳ عیسوی در برابر یک ماموریت تساریخی تاج سلطنت مملکتی را که وارث خرامان بزرگ میشد بنام افغانستان در سر گذاشت. و برای تفقد و دلجوئی

از همشهریان خود فرزند برومندش تیمور را بهرات گماشت که تالخطات مرگ او در هرات بود. احمدخان طی یک ربع قرن آنچه در سر داشت عملی کرد با آنکه تادهلی قلب هند پیش گرفت ولی حسب فرموده حضرت شیخ عبدالله چشتی از ما و رای سند صرف نظر کرد و دریای سند را سرحد قرار داد.

ما امروز ازین مرد بزرگ بعنوان احمدشاه با ما مؤسس افغانستان متحد، مستقل و صاحب مقدرات خود با ملیت واحد تجلیل مینمائیم و امروز کمتر فردیست که نام احمدشاه را با غرور و افتخار بر زبان نراند و او را تحسین ننماید. ختم

اندیشه های بزرگان

دلی که در آن حکمت نباشد مانند خانه ویرانست. دانش بیند وزید و بدیگران بیاموزید و در نادانی نمیرید که خداوند جاهلان را معذور نمیدارد. حضرت محمد (ص)

تأمینات بهتر برای خوشبختی آینده آنست که: امروز تا حد ممکن و در حدود مشروعیت خویش را مسرور و مشغوف نگهداریم. چارس ایلات

همانطوریکه یک زمین خوب زراعتی بدون قلبه و کشت حاصل نمیدهد به همین قسم حاصلات میوه هوش و دماغ انسان نیز بدون آموزش فکری و پرورش بدنی میسر نمیشد سیسرون

داشتن معلومات عمومی بهتر است: یعنی این خیلی بهتر است که راجع بهر چیزی بفهمیم ازینکه صرف راجع بیک موضوع همه اش را بدانیم.

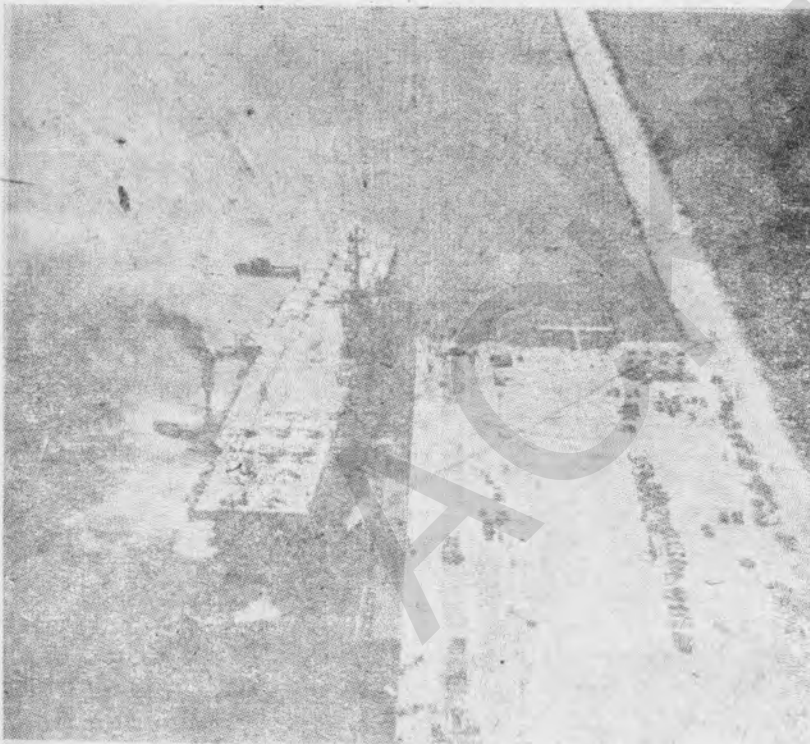
پاسکال

مقایسه قدرتهای بحری ممالک

بزرگ جهان

مترجم: حفیظ الله

در سال ۱۹۵۶ امیرالبحر سرگی گورچکو قوماندان قوای بحری اتحاد شوروی در مصاحبه چنین گفت : « ازین به بعد باید پرچم اتحاد جماهیر شوروی بر فراز تمام دریای های جهان باهتر از درآید و امریکائیها دیر یازود باید بفهمند که دیگر قادر مطلق دریاها نیستند . »



از آن زمان تا حال ۱۲ سال میگذرد - اتحاد شوروی قدرت بحری خود را ناگهان از حالت بهره داری و مدافع ساحلی - بچنان قدرت عظیم و وحشتناکی در تمام دریاها واقیانوس های جهان تبدیل ساخته که فقط قدرت بحری امریکا به آن قابل رو بردن است . پس از دوازده سال امروز قدرت قوای بحری یکی از تسکینه گاه های سیاست شوروی بشمار میرود .

اتحاد شوروی امروز جمعاً ۱۹ کشتی حربی ۱۷۰ کشتی مدافعوی موشک انداز کشتی بدرقد ۵۶۰ کشتی محاربوی و ۳۵۰ تحت البحری دارد که ۵۰ فروندان تحت البحری اتمی هستند امریکائیها در عوض ۱۵۵ تحت البحری دارند که ۷۵ آنها اتمی هستند . شوروی در سال پنج تحت البحری

یک منظره چالب از ملاقات قوای بحری فرانسه باقوای بحری امریکادر الفرول

اتمی که از زیر آب قادر به پرتاب موشک به فاصله ۲۵۰۰ کیلومتری است میسازد تحت البحریهای اتمی امریکا فاصله ۴۰۰۰ کیلومتر موشک دار میباشد .

هنوز قراین نشان نمیدهد که اتحاد جماهیر شوروی قصد داشته باشد کشتی طیاره بردار عظیم بسازد





بحریهٔ نمبر ۶ آمریکا در مدیترانه

بردن با اسلحه اتمی نقش قاطعی در ماجرای پوپیلو و دستگیری کارگزارانش ایفا نمایند .

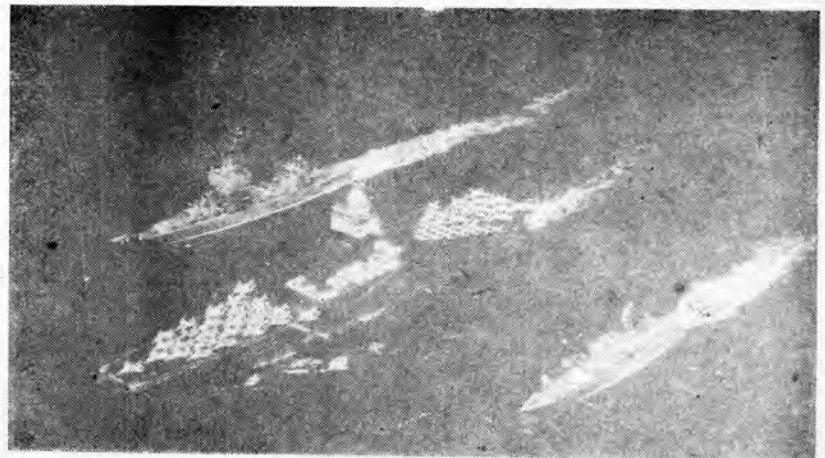
علاوه برین کشورهایی که باعث درد سر آمریکا هستند همیشه از پشتیبانی بحریه شوروی برخوردارند . مثلاً ۱۵۰ کشتی شوروی دائماً بین بندرهای فونگ در ویتنام شمالی و خاک شوروی در رفت و آمدند و مرتباً موشکهای زمینی و هوایی - سلاحهای مدرن و مهمات نفت و کارهای لوژستیک برای ویتنام شمالی میاورند تا این کشور و ویتکنگها بتوانند بچنگ خود با آمریکا ادامه بدهند . آمریکا همیشه از بیماران بندرهای فونگ بملاحظه رفت و آمد این کشتیهای شوروی خود داری میشوند دسته دیگری از بحریه شوروی روزانه یک میلیون دالر - کالا و خواربار

وارد دریای جاپان شدند تا تهدید آمریکا را بدولت کوریای شمالی بر سر قضیه کشتی پوپیلو خنثی کنند و در ماموریت خود موفق شدند قوای بحری آمریکا که تمایل به برخورد با کشتی شوروی را نداشت بیحرکت ماند و کرملین توانست بدون دست

معهداً این دولت اکنون دو کشتی طیاره بردار دارد که طیاره‌های آن عموداً پرواز میکنند یاروی آن می‌نشینند و ظاهراً این کشتی بکار حمل هلیکوپتر می‌خورد تا بر خوردهای محلی شرکت جویند و همانطوریکه امریکایی‌ها در دو مینیکن و لبنان عمل کردند ، اقدام نمایند .

این کشتی‌ها درست شبیه کشتی طیاره بردار امریکایی از نوع (ایوجیما) هستند که اکنون از دو فروند آنها در آبهای ویتنام استفاده میشود . بالاخره روس در سالهای آخر یک قدرت پیاده نظام بحری مشتمل بر ۱۰۰۰۰ عسکر بوجود آورده که به (کلاه سیاهها) معروفند و بعلمت چابکی و ورزیدگی جنگی برای اقدامات سریع و ناگهانی آماده شده‌اند و میتوانند در زمین و بحر و هوا بچنگند و همین عده در ماههای اخیر در تصرف سریع چکوسلواکیا و پیاده شدن برق آسا در مراکز مهم آن کشور نقش مؤثری بازی کردند .

از نظر سیاسی قوت بحری شوروی تاکنون ارزش سیاسی خویش را نیز در موارد مختلف نشان داده است . زمستان گذشته ۱۲ فروند کشتی موشک‌انداز و کشتی محاروبی شوروی بطرز عجیبی و بسرعت



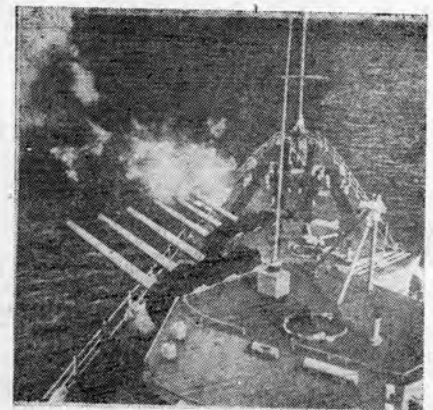
کشتی های طیاره بردار دارای قدرت اتمی مربوط قوای اتمی آمریکا



تحت البحری قوای امریکا در حال گشت و گذار

واسلحه به کوبا می‌رساند . یکی از هدفهای اساسی شوروی‌ها ایجاد برتری در حوزه فعالیت پیمان اتلانتیک شمالی یعنی در دریای مدیترانه برای بحریه خود است و تا اندازه‌ای نیز در این کار توفیق حاصل کرده است شوروی تا چند سال پیش در مدیترانه بیش از ۱۲ کشتی نداشت ولی امروز بیش از ۴۰ فروند کشتی مسلح و مجهز دارد که تقریباً برابر با بحریه امریکاست عده کثیری از این بحریه در ظرف جنگهای ۶ روزه اعراب و اسرائیل از تنگه داردانیل گذشته و وارد مدیترانه شدند -

و ورود آنها تاثیر زیادی در تحمیل اوربند به اسرائیل داشت . در دریای بالتیک بحریه شوروی پنج مرتبه قویتر از پیمان اتلانتیک شمالی است . اکنون میتوان فهمید که اتحاد جماهیر شوروی برای تامین فعالیت بحریه عظیم خود به پایگاه‌ها و بنادر جدید احتیاج دارد . علت مسافرت گورچگو قوماندان عمومی قوای بحری شوروی به بند - در سال جاری همین بود و به همین دلیل نیز - شوروی تصمیم



اجرای آتش از بحر بالای مواضع ویتکانگ

تعرض شایانی یافت . تا آن روز بحریه شوروی فقط هدف موشکهای امریکایی بشمار میرفت ولی عقب نشینی در کوبا باعث شد که اتحاد شوروی ب فکر ایجاد بحریه موشک انداز نیرومندی مانند امریکا بیفتد و اینک می بینیم که مدرنترین بحریه روسی در تمام دریاهای جهان مجهز به انواع موشک در حرکتند . شوروی برخلاف امریکا وانگلیسی ساختمان کشتیهای جدید خود را از صفر شروع کرد و به این جهت کشتیهای آن عموماً جدید است در حالیکه ۶۰ درصد کشتیهای امریکایی اقل ۲۵ سال از عمرشان میگذرد .

امریکاییها میگویند که قوای بحری ما قدری قوی است که در یک برخورد شدید احتمالی حتی قبل از

گرفت در جمهوری یمن جنوبی یک سفارت خانه دایر کند و با بحریه قدیمی بریتانیا و تاسیسات آن درین ناحیه بر قایت پردازد - جمهوری یمن جنوبی و بنادر آن طوری واقع شده اند که هر گونه استقرار دریایی در آنها - تاثیر مهمی در حکومت های محلی اطراف و معادن نفت آنها خواهد داشت . و بالاخره در مدیترانه موضوع بر سر اینست که آیا واقعا روسها موفق خواهند شد که در پایگاه دریایی مرسی الکبیر واقع در ۵۰۷ کیلومتری جبل الطارق مستقر شوند یا خیر - این پایگاه را اخیراً فرانسه تخلیه کرد .

باید دانست که فعالیت بحریه شوروی - بویژه در جهت موشکی پس از واقعه کوبا که در سال ۱۹۶۳ روی داد - ناگهان جهش

آ نکه بحریه شوروی شروع با تش
 موشک‌های خود کنند آنها را بود
 خواهد کرد معینا وحشت امریکایی
 ها ازین بحریه بجدی است که
 ساختمان یک نوع موشک دریا دریا
 را مورد توجه قرار داده اند.
 تعداد نفر های قوای بحری
 شوروی به ۶۵۰۰۰ نفر میرسد که
 تمرینات اصلی آنها بسیار خطر ناک
 و مشتمل بر غواصی- جاسوسی- تعقیب
 زد و خورد تن بدن زیر و بالای دریاست
 و در ظرف ۱۰ ساله اخیر قدرت آن
 ۳۰۰ برابر شده - کشتی های
 جاسوس شوروی بار ادا دار- و وسایل
 رد گیری و تعقیب مخصوص- دایما
 در سواحل بی انتهای شوروی
 مشغول مراقبت از کشتی های
 امریکایی- هستند. در مدیترانه نیز
 تحت البحری ها و کشتیهای روسی
 مرتبا واحد های عظیم امریکایی را
 تعقیب میکنند .
 در اطراف تحت البحری های
 پولاریس امریکا و پایگاه های آنها
 در اطراف پایگاه های دریائی امریکا
 در نئول انگلند، کیپ کنیدی ،
 ستیل و غیره همیشه تعداد کشتی
 مدافعوی و تحت البحری موشک انداز



کشتی مجهز به رادار موسوم به *Vesole* و طیاره کشف *P2v* کشتی روسی موسوم به *Volgoles* را
 بتاريخ ۹ نوامبر زیر نظارت گرفته است

و جیزه ها

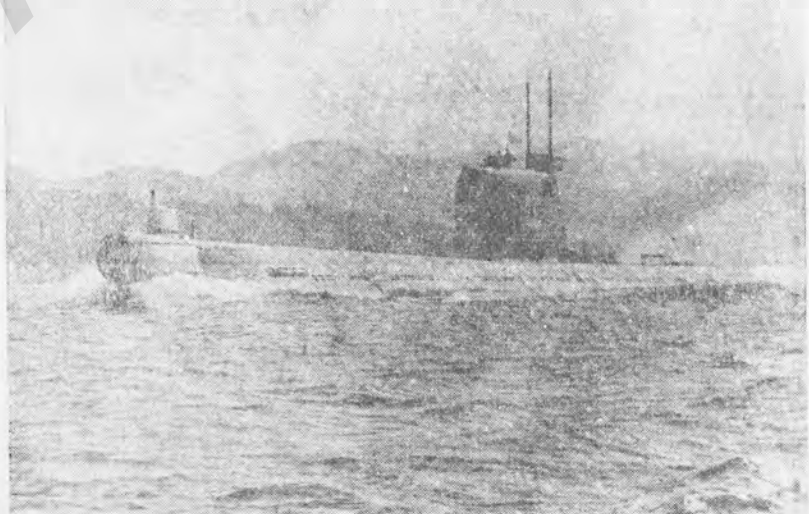
حکمت درختی است که ریشه آن در قلب و میوه آن در زبان است . « بطلیموس »
 معنی زیستن رنج بردن است مرد درستکار پیوسته با نفس خود میجنگد تا بر خود فرمانروا گردد . ناپلیون از شکست نهر اسید زیرا تا شکست نصیب انسان نشود لذت و مفهوم واقعی موفقیت و کامیابی نمودار نمیگردد . « شاختر »
 رسیدن اشخاص بزرگ به قله های معرفت شهرت به يك پرواز ناگهانی صورت نگرفته است . در حالیکه سایرین به خواب بوده اند اشخاص بزرگ متحمل زحمات و رنجها و کوشش گردیده پیوسته مشق پیشرفت و ترقی کرده اند . لانگ فیلو زندگانی يك هنر است ، تمرین و تمثیل این هنر نه تنها مستلزم مهارت و لیاقت بوده بلکه نیازمند یکنوع سلیقه و تدبیر نیز میباشد . الدوس هکسلی

بردار امریکایی لا ینقطع سه چهار شکاری دور پرواز خود را در حال پرواز و گشت میگذارد که هر کدام از این شکاریها قادر هستند با دستگاه های مخصوص خود حضور روسها را حتی در ۳۰۰ کیلومتری به مرکز خود اطلاع دهند. علت این هوشیاری و آمادگی امریکاییها اینست که روسها واقعا هنوز سلاحهای عجیب و غریب و مخفی دریایی خود را در هیچ نبردی بکار نبرده اند - هنوز سیستم هدایت مرموز و سوخت گیری آنها در حال حرکت بر امریکائیها معلوم نیست و بعلاوه هنوز در عین خطرناک بودن قدرت تهاجمی ندارد . شاید بهمین دلایل باشد که اتحاد شوروی در حال افزایش روزانه قدرت دریایی خویش است و در عین حال از برخورد با بحریه امریکا در وی تمام و نقاط دیگر احتراز میدارد و فقط قیافه تهدید آمیز خویش را حفظ میکنند .

اطلاع از مقاصد و فعالیتهای بحریه شوروی طیاره های جاسوس و کشتی اکتشافی حتی بنزد یکی سواحل روسیه میفرستند. بدین طریق در هر کشتی امریکایی نقشه دقیق حرکت و محل هر کشتی و تحت البحری روسی وجود دارد و کشتی طیاره

روسی در گشت و گذار هستند و ظاهرا مشغول ردگیری اقمار مصنوعی کشور خودشان هستند و باطنامر آقب امریکاییها .

شورویها عقیده دارند که در صورت بروز جنگ کشتی های طیاره بردار بزرگترین خطر را برای آنها بوجود میآورند بهمین جهت بحریه شوروی ۷۵۰ فروند طیاره بمب افکن دور پرواز در اختیار دارد که در پایگاه های زمینی مستقر شده اند آنها میتواند بطور ناگهانی یعنی با مخفی ماندن از چشم دور بینها رادارها ، و دستگاه های شناسایی موشک های امریکایی ناگهان خود را به بالای سر کشتی های طیاره بردار امریکا برسانند و آنها را نابود نمایند این طیاره ها از فاصله ۱۵۰ کیلومتری با موشک کشتی های دشمن را میزنند بدین طریق قبل از آنکه شکاریها و موشکهای دشمن با آنها برسند این طیاره ها کار خود را کرده اند .
 مدتهاست که امریکاییها برای



یکی از تحت البحری روسی که در سواحل اطراف روسیه مشغول گشت و گذار میباشد

دور

ستاره



په امریکي کښې
دافغانی محصل
پیلوت سید محمد (سید) اثر

د عشق گل

تاچه و ویل نن گل د عشق کرمه
 ماوي زي په نم دسترگو او بومه
 که ستا جام د صبر نن وی لبریز شوی
 زه غرقاب دبی صبری په بحریمه
 سترگی پتی لمان داخل ستا په حرم کړم
 په رڼو سترگو بندی د هجریمه
 له فراقه به پخوا خاوری ایری وم
 خوژوندی دی د وصال په امیدیمه
 سکونت که د جهان په پرستان کړم
 هکک وپکک ستاد دقن د غیبیمه
 که فرهاد د عشق په لار کښی غرسوری کړم
 زه داغرونه په یو آه لری کومه
 وفا په تول ثانی د «سید» نشته
 بیله تاچه زه موهره ورغ تلمه

تصویرها در آینه ها نعره می کشند:
 ما را ز چار' چوب طلائی رها کنید
 مادر جهان خویشتن آزاد بوده ایم
 دیوارهای گور کمن ناله می کنند :
 ما را چرا به خاک اسارت نشانده اید
 ماخشتهما به خامی خود شاد بوده ایم
 تک تک ستارگان ، همه باچشم های تر
 دامان باد رابه تضرع گرفته اند
 کای باد ! ماز روز ازل این نبوده ایم .
 ما اشک هائی از بی فریاد بوده ایم
 غافل که باد نیز عنان شکیب خویش
 دیربست کز نهیب غم از دست داده است .
 گوید که ما بگوش جهان ، باد بوده ایم !
 من باد نیستم
 اما همیشه تشنه فریاد بوده ام
 دیوار نیستم
 اما اسیر پنجه بیداد بوده ام
 نقشی درون آینه سرد نیستم :
 اینان ، بناله آتش درد نهفته را
 خاموش می کنند و فراموش می کنند
 اما من آن ستاره دورم که آنها
 خونابه های چشم مرا فراموش می کنند
 نادر - نادرپور

غنچه

پژمرده!

مهرستی گنججوی

د رفقا نم از دل دیرآشنای خویشتن
 جزغم و د ردی که دارد دوستیها بادلم
 من کیم دیوانه ای کز جان خریدارغم است
 شمع بزم دوستانم ، زنده ام از سوختن
 آن حبابیم کز حیات خویش دل برکنده ام
 غنچه پژمرده ای هستم که از کف داده ام
 آرزوهای جوانی همچو گل بر باد رفت
 همد می دلسوز نبود (مهرستی) راهمچو شمع
 خو گرفتیم همچو نی باناله های خویشتن
 یا ردلسوزی ندیدم درسرای خویشتن
 راحتری امرگ میداند برای خویشتن
 درورای روشنی بینم فنای خویشتن
 زانکه خود دبر آب می بینم بنای خویشتن
 در بها رز ندگی عطر و صفای خویشتن
 آرزوی مرگ دارم از خدای خویشتن
 خود بیاید اشک ریزد در غزای خویشتن



* پارچه را دوبار اندازه بگیر
ویکبار ببر . « یونانی »
* میان انسان و شرافت رشته
باریکی وجود دارد و آن قول است
« بابلی »
* سفر هزار کیلومتری ، بایکقدم
شروع می شود . « ژاپونی »
* هرگز در چشمه ای که از آن
آب خورده ای سنگ مینداز .
(فارسی)

سخنرانیات قهرمان

مورچه : قهرمان بار بردن
ماهی : قهرمان شنا
ککک : قهرمان پرش
شتر : قهرمان پیاده روی
روبا : قهرمان مکر
خروس : قهرمان جوانمردی
کبوتر : قهرمان وفا
بوز پلنگ : قهرمان دو
پلنگ : قهرمان تکبر
مرغابی : قهرمان هو سازی
طوطی : قهرمان تقلید

علائم موثرهای تیز رفتاری کشورهای جهان

شوروی SU
اسپانیا E
آلمان D
انگلستان G. B
ایتالیا I
استرالیا AUS
فرانسه AF
کویت KWT
کانادا CN.D
هلند N. L.

خط دکترها

دوشیزه زیبایی وارد دوا فروشی
شد و از دستکول خود ورقه ای را
در آورد و به ادویه فروش داد .
ادویه فروش نگاهی به نسخه کرد
و گفت : معذرت میخواهم ، این که
نسخه نیست !
دختر گمت :

— درست میفرمائید ، این نامه
عاشقانه ای است که دکتر برایم
نوشته است چون جنابعالی در خواندن
خط دکترها تخصص دارید باین
دلیل مزاحم شده ام .

رهگذری به مردی رسید و سلام کرد

آن مرد دست خود را بالا برد
و محکم به زیر گوش رهگذر زد .
رهگذر با عصبانیت گفت : مگر
جنون دارید ؟
مرد گفت : اگر این طور نبود
که مرادیوانه نمیگفتند .

* * *

زنی که شوهرش فوت کرده
بود در یکی از شب هادر خواب دید
ضمن گفتگو از شوهرش پرسید .
— بگو به بینم در آن دنیا بتو
خوش میگردد ؟

— اوه ، چقدر خوب ؟
— حتی بیش از وقتی که نامن
بودی ؟
— بله ، خیلی بیشتر .

— چه خوب پس حتما در بهشت
هستی .
نه تصادفا در طبقه هفتم جهنم
هستم .

گفتار بزرگان

درمانهای ما ، که به سر نوشت
و آسمان نسبت میدهیم ، در خودمان
است تقدیر آسمانی دست ما را باز
گذاشته است ، تنها وقتی که خود
کند و تنبل باشیم ، نقشه های ما هم
کند پیش می رود ، یا در جهت
معکوس سیر میکنند . « شکسپیر »
مرد فرزانه و فعال با جرئت اقدام
بکارهای خطیر میکند ، بر آنها پیروز میشود
مرد تنبل و وابله با دیدن رنج و خطر ،
لرزه بر جاننش می افتد و از ممکن
نبودن کار بهراس می افتد « روو »
راه درست اقدام بکارهای
بزرگ نقشه کشیدن با جرئت و عمل
کردن با نیرومندی است ، باید نقشه
امکانات را کشید و با آنها همچون
احتمالات معامله کرد « لووی »

برای انجام کارهای که درین
جهان بارزش انجام دادن آن نیرزد
نباید برجای خود بایستیم و از سرما
و خطر اندیشه کنیم و بلرزیم بلکه
باید بدرون معرکه بجهیم و تا آن
اندازه که میتوانیم باید تقلا و تلاش
کنیم . « سیدنی سمیت »

انوری شاعر معروف روزی در
بازار بلخ میگذاشت شخصی را دید
که بخواندن قصاید انوری مشغول
است و مردم او را تحسین میکنند .
انوری پیشرفت و گفت :

ایمرد این اشعار از کیست ؟
گفت از انوری است
انوری گفت تو انوری را
میشناسی !؟

گفت : چه میگوئی ؟ من خودم
انوریم !!

انوری بخندید و گفت : سرقت
شعر را شنیده بودم ولی تا کنون
نشنیده بودم که شاعر را بد زدند !!

بطریه دافع هوا در محاربه تصادفی

AA Battery in Meeting Engagment

مترجم: لمری بریدمن عطا محمد نظار

فعالیت بطریه دافع هوا بامد نظر گرفتن اینکه بطریه مذکور بدون ارتباط بیکی سیستم مرکزی اداره آتش و اخطار و همچنان بدون حمایه آتشی جزو تام های دیگر دافع هوا پیشدار غنند پیاده موتر دار را حمایه می نماید شرایط بخصوصی را دارا است. و این شرایط قابلیت عالی قوماندان را در تاسیس کشف، امور اداره آتش، همکاری نزدیک با جزو تام های حمایه شونده و دانستن نوع وظیفه طرز فعالیت آنها ایجاب نموده و نیز پرسونل دافع هوا بایست هر آن جهت دفع و طرد محلات هوایی تانکها و زرهپوش های دشمن آماده باشند اینک طرز فعالیت بطریه دافع هوا را در محاربه تصادفی ضمن یک مثال تکتیکی بررسی میداریم.

بطریه دافع هوا وظیفه گرفته تا کندک پیاده موتر دار را که پیشدار غنند را تشکیل می دهد در اثنای رفتار و محاربه تصادفی حمایه نماید. قوماندان بطریه نظر به امر قوماندان غنند دافع هوا به محل قومانده قوماندان کندک پیاده رفته و راجع به حاضر بودن بطریه برای رفتار بوی راپور داد قوماندان کندک پیاده و وظائف بطریه دافع هوا محل وهم چنان زمان پیوستن آن را به قطار رفتار پیشدار به قوماندان بطریه ابلاغ نموده و بدین ترتیب قوماندان بطریه دافع هوا در حصه فعالیت جزو تام پیاده و طرز حمایه آن توسط بطریه دافع هوا وهم چنان راجع به نوع تاسیس ارتباط با قرارگاه ها معلومات

مفصل حاصل داشت. قوماندان بطریه دافع هوا بعد از بازگشت به منطقه بطریه او امر و هدایات خویش را در حصه حاضر شدن بلوکها برای رفتار و حاضر بودن شان برای آتش در مدت کم به قوماندان بلوکها ابلاغ نمود. بطریه به محل که در آنجا باید با قطار رفتار پیشدار یکجا گردد رسید تولى اول پیاده موتر دار با وسایط تقویه آن که به صفت پیشترین پیشدار به پیشرو افراز گردیده به حرکت ادامه میداد و بمجردیکه قرارگاه کندک پیاده و تولى تانک نیز از محلی که بطریه به آن مواصلت نموده بود گذشتند قوماندان بطریه اشاره حاضر بودن برای حرکت را به بطریه خود ابلاغ نموده و بطریه به رفتار آغاز نمود. مسافه بین تولى تانک و تولى دوم پیاده موتر دار نظریه امر قوماندان پیشدار به ۹۰ متر از دیاد یافته و این موضوع به بطریه موقع داد تا موقعیت خود را در قطار رفتار بدون آوردن سکتگی در قطار رفتار اتخاذ نماید مسافه بین وسایط توپها، آله قومانده و دستگاه رادار ۳۰ الی ۴۰

متر تعیین گردیده بود متر صدین در هر واسطه به درصد هوا وزمین پرداخته و نیز متوجه اشارات قوماندان بطریه بودند. شبکه اخطار ورود طیاره دشمن را اعلام نموده و بزودی بروی شیشه رادار موقعیت آن معلوم گردید که از بطریه به ارتفاع زیاد واقع بود قوماندان بطریه یکبار دیگر وضعیت را دقیقانه محاکمه نموده و بخاطر آورد که قوماندان کندک در اثنای دادن وظائف به بطریه دافع هوا اشاره نموده بود که بطریه ممکن بعد از ۵ الی ۶ ساعت بادشمن در خطوط تپه راقم ۲۲۰،۴۰ و تپه راقم ۱۸۰،۴۰ تصادف خواهد نمود.

منا سیمترین خط برای اتساع و انبساط جهت مقابله بادشمن خط تپه Dvoynaya - تپه راقم ۱۷۰،۴۰ می باشد. بدین ترتیب کندک پیاده سعی می ورزد تا بوقت وزمان آن به خط مذکور برسد یک پیشترین قوماندان قوی در جلو بطریه فعالیت می نماید. توپچی و تانک در س قطار قسم کلی پیشدار حرکت می نماید مطابق به پلان قوماندان پیشدار در

هفت دستور گامیابی

- با پیروی از نکات هفت گانه ذیل میتوان کارهای متمرکز و بیشتری را انجام داد:
- ۱- خویشتن را آماده شروع کار کنید.
 - ۲- سوابق و سیستم اجرای کار را در نظر بگیرید.
 - ۳- کار را مطابق به تقسیم اوقات، انجام دهید.
 - ۴- اگر در حین اجرای کار کدام مسأله یا معضله پیشی گرفتید، به غرض جلوگیری از بروز اشتباهات اجرای کار را بساعات ما بعد و یا به فردا موکول سازید.
 - ۵- مسأله و یا قضیه را فلتر نموده و از عناصر غیر تصفیه نمائید.
 - ۶- فعالیتهای خویش را قدم بقدم طور منظم و هماهنگ تعقیب نمائید.
 - ۷- کار را اتمام کرده و نتیجه را ارزیابی نمائید.
- ریدرز دایجست

اثنای احاطه دشمن جزو تام‌های پیشترین پیشدار با دشمن محاربه را دوام داده و جزو تام‌های دشمن را به اتساع و انبساط مجبور میسازد.

تولی نائیک‌همر با تولی اول و دول پیاده که در بالای زرهپوش‌ها را کاب شده اند به طرف چپ سرك اتساع نموده و بجناح‌های دشمن تعرض را از حال رفتار اجرا میدارند. بطریقه توپچی فعالیت تولی پیشترین پیشدار را حمایت نموده و زمینه ما نور و تعرض قسم کلی را فراهم میسازد بطریقه دافع‌ها تولی نائیک را که به پیشروی کنندگ توپچی حرکت می‌نماید تعقیب نموده و اتساع و انبساط آن‌ها را جهت فعالیت حمایت خواهد نمود.

بساعت ۰۹،۲۰ رئیس ارکان کنندک به قوماندان بطریقه معلومات داد که پیشترین پیشدار با جزو تام‌های امنیت رفتار دشمن در منطقه تپه راقم ۲۲۰،۰۰ در حال محاربه می‌باشد و سرك قطار قسم کلی آن که به اندازه یک کنندک پیاده تقویه شده می‌باشد در حال گذشتن از *Ponomarevo* است قوماندان کنندک قرار دارد تا جزو تام‌های امنیت رفتار دشمن را قبل از رسیدن قسم کلی آن از بین ببرد و بقوماندان بطریقه دافع هوا امر داد تا در عقب نظام محاربه‌ی تولی سوم پیاده حرکت نموده و زمانیکه محاربه تصادفی شروع شد موضع آتش را در یک کیلومتری شرق تپه ۱۹۰،۰۲ اشغال نماید قوماندان بطریقه موضع آتش را انتخاب نموده و راه‌های رفتار را در بالای خریده تعیین نمود.

بساعت ۰۹،۳۰ پیشترین پیشدار راپور داد که تولی مذکور از طرف یک طیاره بمباردمان مورد حمله قرار گرفته و طیاره دیگر دشمن در حصه *Petelino* دیده شده است. به مجرد اخذ اشاره خطر بطریقه

اطلاع گرفته و قرار داد تقسیم کلی پیشدار اتساع و انبساط نموده با اجرای تعرض جناحی به استقامت تپه ۱۹۰،۰۲ و *Petelino* دشمن را از بین برده و خط تپه‌های *Qvoynay-Panomarevo* و تپه راقم ۱۷۰،۰۰ را اشغال نموده و اتساع و انبساط قسم کلی غنر استر و اخفا و حاضر شدن آن را به محاربه تامین نماید. پلان قوماندان کنندک پیشدار این بود تا به اجرای آتشیهای شدید توپچی و نائیک در اثنای تقرب و اتساع و انبساط دشمن را تلفات و با اجرای تعرض جبهوی و جناحی توسط قوای اصلی دشمن را شکست داده خط تعیین شده را بدست آورده و به اساس آن به بطریقه دافع هوا وظایف ذیل را داده است:

با تعقیب تولی سوم پیاده به پیشرفت خود ادامه داده و برای اجرای آتش در زمان کم حاضر باشد. قوماندان بطریقه قبلاً میدانست که

دافع هوا از راه خارج و توقف نمود، افراد توپ‌په‌ها هم برای مقابله با طیارات دشمن حاضر شدند. طیاره دشمن به ارتفاع پست پرواز نمود، و نظر به امر قوماندان بطریقه بلوک‌های آتش، آتش را باز نمودند تولی‌های پیاده موتر دار مسافه بین زرهپوش‌ها را زیاد نموده و بحرکت ادامه می‌دادند. ماشین‌ها را و افراد پیاده آتش شدید را آغاز و هم‌زمان به آن طیارات به بمباردمان خود ادامه داده و بعداً دفعماً با گرش سریع در عقب درختان جنگل از نظر ناپدید میگردیدند. افراد بطریقه دافع هوا با سرعت زیاد کنندک پیاده را تعقیب می‌نمودند.

بساعت ۱۰،۰۰ پیشترین پیشدار دشمن را شکست داده و پیشرفت به استقامت تپه راقم ۱۷۴،۰۶ آغاز نمود در عین زمان قوماندان کنندک تقرب دو قطار رفتار نائیک و زرهپوش دشمن را از ۲۲ کیلومتری غرب تپه ۱۳۰،۰۶

تولی سوم پیاده با دشمن در خط *Kruqlaya* و تپه ۱۹۰،۲ به مجادله پرداخته و بعداً تعرض خود را بطرف تپه ۱۵۶،۴ ادامه داده و دشمن را از بین برده و به پیشرفت خود به استقامت *Ponomarvo, Petelino* ادامه خواهد داد.

قوماندان کندک پیاده حین دادن وظیفه به قوماندان بطریقه دافع حوا لازم دید تا بطریقه مذکور به تعقیب تولی سوم پیاده یعنی در وسط نظام محاروبی کندک حرکت نماید که این موضوع خیلی ها دقتیقانه سنجش شده بود چه در اینصورت بطریقه مذکور می تواند تمامی جزو تاسمهای کندک را حمایت نموده و هم چنین در وقت ضرورت به کمترین فرصت به یکی از جناحها تبدیل موضع نموده و وظیفه خویش را به حسن صورت انجام دهد.

به مجردیکه تولی های پیاده به اتساع و انبساط صحت اجرای محاربه پرداختند بطریقه با وسایط خود فوراً حرکت نموده و به موضعیکه از حال رفتار انتخاب نموده بود داخل موضع گردیده و آلات قوماندان و کنترل آتش به فعالیت آغاز نمودند در همین اثنا قسم کلی پیشدار به خط تعیین شده رسیده و با دشمنیکه در حال اتساع و انبساط بود محاربه را آغاز نمود درینوقت هدف نمبر ۳ که به ارتفاع ۲۰۰۰ متر از جانب جنوب غرب تقرب می نمود توسط افراد اداره آتش در بالای آله تثبیت شده و آتش به مقابل آن در مسافت ۵۵۰۰ متری آغاز گردید حرکت طیاره بطرف زمین مایل شد آتش توپچی دافع هوا به استقامت هدف بصورت دوامدار جریان داشت طیاره دوباره برای گرفتن ارتفاع جهت اجرای عباردمان زاویه خود را تغییر داد زمانیکه بطریقه دافع

هوا آتش خود را بالای هدف نمبر ۳ اجرا می نمود رادار جهت کشف اهداف دیگر هوایی فعال گردید در این اثنا هدف جدید در بالای یزده رادار ظاهر شده و فوراً بالای آله تثبیت گردید زمانیکه قوماندان بطریقه راپور گرفت که :

هدف جدید مسافت ۲۵ موقعیت ۴۰،۰۰ و نظر به آن به رادار اسر تعقیب آنرا و به بلوک اول اسر قطع آتش و احضارات برای آتش بمقابل هدف که چندثانیه بعد ظهور خواهد کرد داد. بعد از قطع آتش طیاره منفرد دشمن (هدف نمبر ۳) از موقع استفاده نمود و بایک مانور جتاهی تولی تانک را مورد تعرض قرار داد کمی بعد تر گروه هدف نمبر ۴ نیز با استفاده از موقع مساعد نسبت اینکه عملیات رادار بصورت پراگنده صورت می گرفت از نظر ناپدید گشت.

تواری قوماندان بطریقه تا اندازه درست نبود چه طیارات دشمن با ارتفاع ۱۵۰ متری پرواز نموده و عملیات قطعات حمایه شونده را متوقف و بخطر انداخته بود و باید توسط یک بلوک آتش را بمقابل هدف نمبر ۳ ادامه داده و متباقی بادستگاه های رادار اعادف جدید را کشف و تعقیب می نمودند.

زمانیکه بطریقه دافع هوا تعرضات هوایی دشمن را به عقب زدند تولی های دوم و سوم پیاده موثر دار با اجرای آتش در حالت رفتار از بالای زره پوش ها و همچنان با تشریک مساعی تولی تانک دشمن را شکست داده و به عقب نشینی مجبور ساختند یک نفر مترصد راپور داد که کندک پیاده دشمن را تعقیب می نماید زمانیکه قوماندان بطریقه قرار داد تا بطریقه موضع خود را ترک گوید درین اثنا رادار تقرب هدف جدید (هدف نمبر ۵) را از سمت شمال غرب

اعلام داشته و آتش بطریقه به مسافت اعظمی باز گردید طیارات دشمن بمب های شان را برتاب نموده و با یک گردش بطرف شمال از نظر ناپدید گشتند بعداً اشاره رفع خطر داده شده و افراد بطریقه بعد از معاینه و وسایط بحرکت آغاز نمودند.

در فاصله ۵۰۰ متری تپه ۱۶۶ از طرف قوماندان قدم رادار راپور داده شد که یک گروه طیارات دشمن از سمت غرب در حال تقرب اند با رسیدن راپور رادار بکار آغاز نموده و هدف را تثبیت و مسافت آن را تعیین نمود قوماندان بطریقه اسر داخل موضع شدن را برای اجرای آتش به بطریقه داد نظر به آن بلوک های آتش اتساع نموده و به زمان کم توپ ها داخل موضع و برای فعالیت حاضر شدند اما طیارات عملیات شان را اجرا نموده و توپها باینکه بصورت دقیق حاضر نشده بودند به اجرای آتش پرداختند بعد از ختم این عملیات دوباره بطریقه به پیشروی ادامه داده و کمی بعد تر بیسیم خبر داد که هدف نمبر ۲ در حال تقرب از سمت غرب می باشد که نظر به آن توپها به وقت کم برای اجرای عملیات آماده شده و آتش را باز نمودند.

ب ساعت 11.35 پیشدار بخط مساعد تپه - *Panomarevo* - *Dvaynaya* تپه 170,0 رسیده و تحکیم آن را جهت حمایه اتساع و انبساط قسم کلی غند و داخل شدن آن به محاربه آغاز نمود. قوماندان بطریقه بعد از محاربه مختصر وضعیت اسر داد تا موضع آتش در ۵ کیلومتری جنوب شرق *Petelino* انتخاب شده و تمام وسایط، رادار ها و بلوک های آتش برای ستر نمودن فعالیت کندک احضارات بگیرند. (بقیه در صفحه ۷۸)

تعرض تانکها از بحر

مترجم: لهری بریدمن ضیاء همایون بختیار

فوت های از سمت شمال تعرض خویش را بطور سریع به طرف شمال شرق انکشاف میداد آن قوت ها خواهش داشتند که خود را به خلیجی که مصب دریای بی زیمینیا *Bezmyannaya* را تشکیل می داد برسانند اما پیشرفت شان به پیشرو کم به مشکلات مواجه شد. زیرا نه دشمن مواضع مدافعه خویش را پیش از پیش در مناطق فوق الذکر تاسیس

نموده بود دوقوه که از سمت شمال

آن در سواحل بحر بود « قوت ها مجبور شدند که از بحر تعرض نمایند این حرکت بر اساس امر قوماندان مافوق بود ».

به مقصد اشغال مواضع مدافعه دشمن مؤظف شده بود عبارت از تولی پیاده موتر دار (به تحت امر لهری بریدمن ب تارانکین) و تانک ها (به تحت امر بریدمن ، ف .. بروف) بود .

قوماندان تولی پیاده موتر دار برای افراد قایق های خویش وظیفه داد که با کپتان بورین تماس بگیرند و به وی خاطر نشان سازند که زمینه مساعد را برای محافظه پل و اشغال افیوز *Orpheus* فراهم ساخته و ضمناً از قوای بحریه آن که به ساحل نزدیک شده کمک بگیرد .

همین کار هم صورت گرفت قوت ها با استفاده از کشتی ها به نزدیک ساحل پیاده شدند اما قی الفور دشمن در ساحل تشخیص داده شد برای قوماندان کمی مایوسی پیدا شد اما در این جایک منطقه مساعد برای هجوم تانک ها کشف گردید همان بود که تولی تانک دیگر به تحت امر تورن بورین وظیفه گرفت که بالای دشمن از این منطقه هجوم نماید .

که وظیفه گرفتند تا رفتار را به کنار مواضع دشمن در بی زیمینیا به عمق ۶۰۵ کیلومتر از سرک اجرا نمایند . گرچه قوت ها تا برسیدن به این مقصد به تعرض مقابل قوت های ضعیف دشمن مواجه شدند . اما چندان خطرناک نبود هر دو قوماندان قرار دادند که پیشرفت خویش را پیشرو دوام بدهند .

قوماندان تولی پیاده موتر دار در اشغال مواضع مدافعه دشمن جدید و کوشش زیاد می نمود و ضمناً زمینه مساعد را به هجوم تانک ها بالای دشمن فراهم می ساخت . این تولی پیاده موتر دار به تحت امر تارانکین بود .

وقتی که تانک ها در نزدیکی ساحل از کشتی ها به بحر پیاده شدند امواج به مقابل شان مواضع را تشکیل میداد . امر داده شده بود که در بین هر ماشین فاصله نورمال به دقت تام مراعات شود . تانکسیت و افراد آن مجبور شدند با هم تشریک مساعی نمایند زیرا امواج بزرگ دریا مانع هر گونه عملیات آن ها می شد . افراد مؤظف گردیدند تا امواج دریا به چشم از بالای تانک کنترل و حدود آن را برای تانکسیت تعیین نمایند در غیر این صورت امکان داشت که تانک ها نه فاصله معین را بگیرند و نه خط تعیین شده خود را تعقیب نمایند تانک ها به ساحل رسیدند . که این منطقه به طرف جنوب

ار تباط در بین قوت ها توسط بی سیم ترتیب شده بود قوت ها به پهلو تپه *Dinnaya* نزدیک شدند با هم چندان تشریک مساعی نداشتند دشمن درین جا محلات مقاومت را تشکیل داده بود تارانکین بدین نتیجه رسید تا مواضع مدافعه دشمن را اشغال نماید . از بی زیمینیا یک جزیره کوچک توسط دریای باریک جدا شده بود قوت ها به کنار خلیج توقف نمودند دشمن در تمام ساحل مواضع مدافعه خویش را تاسیس نموده بودند سبب اینکه قوت ها نه خواستند تعرض خویش را از خشکه بالای مواضع مدافعه دشمن اجرا کنند این بود که مواضع مدافعه دشمن در خشکه مستحکم تر نسبت به مواضع مدافعه

بعد از کمی مکث توپ ها به آتش شروع و تانک ها بحر کت آماده گردیدند انجنیر ها به طرف ساحل شروع به حرکت نمودند و ضمناً انجنیر های غواص که عبارت از سر باز بولین سر باز پریمور کوف و سر باز چر کاسوف بود بطور مخفی خویش را به طرف ساحل رسانیدند . به جستجوی ماین های ضد تانک پرداختند سلاح های ثقیله به عمق مدافعه دشمن شروع به آتش نموده تانکها و افراد بسرعت تام بالای مواضع دشمن هجوم را اجرا و تپه دلینا و پل را اشغال نمودند بعد از اشغال مناطق فوق الذکر تارانکین و بورین با هم ملحق شدند .

ژوند او کار

دننې نړۍ کاروان د منزل په لوري ډیر په بیړه ان دی پر او ونه ومي او خپل مطلوب او مقصود ته مخامخ رسوي، دنړۍ انسانان هڅه کوي او زیار باسي او اوس په دې کښې دی چې نن یاسیا آسمان ته مخامخ ورسوي او د ژوندانه هغه لاری چاری و لټوي چې د لحمې پر مخ کې انسان دویری او وارخطایې سره مخامخ کړي دی .

مبارکي وايي، دا ښکاره خبره ده چې ټول برياليتوبونه د کار پورې تړلي دي او چې په کومو وگړو کې دې کارې بده او کرغېړنه ناروغتيا مخای لري ملت نه ژوندوي او نه برياليتوب يوه تياره نړۍ وي او د ناپوهي توري پردې هرځای او هرچيرې خپري وي دړندو بازار وي او بس!

دن ورځي لير کار د سبا ورځي ډير زحمتونه او تکليفونه دمنځه وړي او د ژوندانه کړي وړي لاری سموي خو کوم کار چې د عشق او مينې په فضا کې سرتېرې او مخانې په کې نه وي، داسې ټولني ډير ژراو په بيړه رواني وي او د ژوند بيړې يې دهرچا ترمنځه د نجات ساحل ته رسيري .

د يوي ټولني کيړ دې دهرڅه د منځه په اقتصاد ولاړه وي او د اقتصاد کيړ دې بيا په کار ولاړه وي چېرته چې کاروي هلته اقتصاد وي او چېرته چې اقتصاد وي هلته سياست، ادب، پوهه او برياليتوب وي، ډير پويان کار د روح ناروغيو درمل بولي، (جان کوپر) په خپل کتاب کې ليکلي دي: « کله چې بشر په خپل کار کې ډوب وي يو ډول د خاطر ډاډ، يوه داخلې

ورځي ژوند ته په سکا او پراخه ټنډه بڼه راغلي ووايي او مخان ته دنوي ژوند مبارکي ورکړي، بيا نو مشکل او بد مرغي تېښتي او دنیک مرغي جهان جوړيږي .

په دې خبره ټول ښه پوهيږو چې ژوند او کار سره لازم او ملزم دي چې کار او فعاليت نه وي ژوند او د بدلې نشي او د دوام لاره ئې بنديري کوم ژوند چې د کار سره ملگري نه وي نو داسې ژوند ته داوسني نړۍ بشر ژوند نه وایي او نه يې د ژوند يو انسانانو په ډله کې شميري .

همدا کار دي چې نن يسي دنړۍ په منځه تکميل او لسونه او ملتونه منځ ته راوستي دي چې د ژوند دهرې معنی، هرڅه او هرڅي نه خوندي اولدت اخلي انسان لوی او سپېڅلی خدای (ج) په يو ډول خلق کړي چې هيڅ جسماني تفاوت نه لري، خو يوه ډله ډيره وړاندي روانه ده او نور ډير وروسته دي، هغه انسان چې د کار سره بلد او عادت لري د دندي خولي يې بهولي دي لاسونه او پښې يې تېاکي کړي دي اوس د ژوندانه په لومړي قطار کې ولاړ دي د جهان کائنات ورته په خندا دېری او فتحی

په دې خبره ټول پوهيږو چې شلمې پيړۍ ژوند مشکل کړي دي ډيري سختي او رېږونه يې په خپلي غيرکي سوغات راوړي دي، خوددې رېږونو او مشکلاتو حل هم ورسره دي چې انسان ته يې په گوته کوي. شلمه سده هرچاته غيرکوي چې د کار او بيداري وخت دی پاغيړه حرکت وکړه، ملا و تړه کار وکړه ترڅو چې د ژوند مشکل دي حل شي، کومې ټولني چې دې کارې په خوب ويندي وي هلته ټولې لاری چاري رندي وي او يو غړي يې هم د ژوند په خوندي او مزه نه پوهيږي او نه د ژوند حقيقي معنی او مفهوم درک کولي شي، داسې ټولني کړي په کړي د فنالورت نه نژدې کيږي، لوړ، ناروغتيا، غلا، وژنه، بې اعتمادی په کېنې مخای نيسي، چې په پای کې يوبسې کاره او بد مرغه ټولنه وي شلمه سده که له يوي خوا مشکلات د سوغات په ټوک وړاندي کوي نوله بلې خوا ددې مشکلاتو حل هم اري. ددې مشکلاتو حل هغه چاته ورکوي چې د ژوندانه په رمز او رېښتني خوندي يوه وي، دهرې ورځي په راتگ سره يې په ژوندانه کې نوي باب پرانستل شي او دهرې

بزرگترین نقاشی

نقاشی جهان

هوسائنه او یو خوشحالوونکی حالت دهغه اعصابوته تسکین وربخښی .

کاربه برخه کښی دنړی انسانان دری عقیدې لری البته هرچاتهڅپنه عقیده غوره او معتبره ښکاری یو ډول وکړی وایی: مونږ کار کوو چه ثروت تولید کړو چه ثروت په مرسته دژوانه مراندی ټینگی کړو او هوسا ژوند ورو ، ووهمه ډله وایی چه باید کار وکړو چه جامه ، خواړه را ورسیری او ترپایه بریالی ژوند ته دوام ورکړو خو دریمه ډله وکړی ډیره ښه عقیده لری لکه هغوی وایی مونږ باید ترهغی کار وکړو چه دکارنه د طبیعت په غیرکی کار تولید شی ، کوم کارچه دکارنه زیږی لکه ثروت تمامیدل او پای نه لری او کیدای شی چه ثروت یو وخت له منځه ولاړ او محوه شی مگر کار تل وی .

نو دریمه نظریه نظر نورو ته معقوله او غوره ده لکه چه د کار مولد کاروی پخپله هم ثروت دی هم خوراک او هم پوښاک دی په کاریگرو ټولنو کښی بیکاران نه وی هرچاته دخپل حال او شان سره سم کار رسیری ، هغه اولسونه چه بی کاران نه لری هلته داجتماعی نظام سیستم په ډیره ښه توگه روان وی ، عدالت او قانون په هرچا او هرچای برابر حکم لری ، غلا ، قتل ، لاری شکول وینی تویول منهی وهی او تبتی دژوند ناوی دزمانی دطوفان نه په امان او ساتلی وی هلته د خوښی او خوشحالی یو ښکلی زړه وپوونکی جهان وی .

نننی نړی د بی کاره اولنو انسانانو دپاره کړی په کړی او

او خپلی زړینی وړانگی دمحکمې پر مخ خپروی نو د کار کوونکو انسانانو دپاره هر ورځ بیل بیل دنوی ژوند زیری ورکوی او وایی چه دبی کاری دپردو څخه زما په غیر خپلی پلوشی تیری کړه چه دنن نه دی دسبا ډولی ډیره ښکلی او ښایسته وی ، کار کول او خولی تویول دهرچا او هری ټولنی دلاسه پوره دی او کولی شی چه د هوسا ژوندانه دپاره خپلی مټی په کار واچوی او فعالیت وکړی ، ترڅو چه دنورو داپټیاوو څخه مخان خلاص کړی ، دلخان مخانی او تفرقی دیوال ونړوی او پرخای بی د عامه کټواو کارو بنسټ کښیښود شی ، دا کار هله کیدی شی چه یووالی ، میته ، اخلاص او پاکي هم ورسره وی ، کومی ټولنی چه دیووالی په جامه پټی وی نننی قدرت دومره لوړدی چه د بیرته پاتی ټولنو وکړوته ددوی وړاندی تکک یسوه عجیبه معما ښکاری چه هیڅ درک بی کولی نشی اوددوی عقل او فکری نه قبلوی ، دیربی علمه وکړی شته چه دینی او مذهبی ، سایل دکار کولو په برخه کښی شریکوی ، حال دای چه دنړی په هیڅ مذهب اودین کښی دکارنه کول نشته خصوصاً زمونږ مقدس او سپیڅلی دین اسلام چه کار او کار کوونکی ته په څپنه رنایا کی په ډیره درنه سترگه کوری او ښه یی ستایی ، نننی عصری وسایل ټول دکار محصول دی چه د دین او مذهب پوری اړه نه لری ، نو کار کول په هر دین او مذهب هر کله او هر وخت ښه دی دډیرو محرومیتونو څخه ټولنی او اولسونه ساتی . که سړی بخیر شی

بزرگترین پرده نقاشی

جهان ، پرده ایست در موزه جنگ پاریس که تصویری از یکی از صحنه های جنگ اول جهانی را نشان می دهد . طول این پرده نقاشی ۱۸۰ متر و عرض آن ۱۶۰ متر است و ۱۹۳ نقاش فرانسوی برای ترسیم و تکمیل آن زحمت کشیده اند .

بوجود آوردن این اثر بدیع

هنری چهار سال طول کشید و در آن علاوه بر پرچمهای جنگی یادگارها و سایر علائم تمام قد ۶۰۰ نفر از قهرمانان جنگی فرانسه و روسای دولت ها و سیاستمداران ۱۵ کشور اروپا بوضوح و مهارت تمام ترسیم شده است

ورځ په ورځ تنگیږی د محدودیت او انحصار کړی تری تاوه وی وی هغه خلک لچه کار کوی په میړانه مخان ستړی کوی جهان ورته ډیر پراخ او لوی غرگندبیری د انحصار لځنځیر شکوی او تیریږی ، هر ورځ چه لمر د شپې توری پردی شکوی

نن ډيري بدمرغی لکه ناپوهی، ناروغتیا او اجتماعي لوړی ژوری بشر ویروي چه دا ټول د لوړی محصول دی او لوړه د بی کاري غځه پیدا کیږی په کومو وگړو کښی چه کار کول دی هلته لوړه نشته .

ښه به دا وی چه هر سړی او هر غولک خپلی مټی و نغاړی او د غفلت له خوبه سر اوچت کړو او د هري ورځی د ژوند سپاوون ته ښه راغلی ووايو دیوی روشانه راتلونکی په هیله دماضی د تجربو په جامه کښی ملا وټرو او د ژوند یو انسانانو په غیر حرکت وکړو ترڅو چه برکت په لاس راشی او د ژوندون ترڅی په خوړو او دلاری په اوږدو کښی د بی کاري اغزی په گلستان بدل شی او د غفلت د تورو کار کوانو پرځای بلبلان او د کار شنه طوطیان نعمی او ترانی شروع کړی، د طبیعت د ښکلاوو غځه خوند واخلو او خپل کاروان په بیړه بیړه خپل هدف ته په مخ بوځو، خپل کارونه او راسپارل شوی وظیفی د پاک خدای (ج) په رضا سرته ورسوونو هغه وخت به مونږ خپل ټول مکلفیتونه د ژوندانه، ټولنی، ټولواک او راتلونکی نسل په مقابل کښی سرته رسولوی او د وجدان په مقابل کښی به مو برات حاصل کړی وی، د لویې تباهی نه به مو ځان ژغورلی وی او هغه ثروت چه د طبیعت په غیر کی پروت دی هغه په مود خپلی توري او میرانی په برکت خپل کړی وی .

مونږ مجبوره یو چه ترهقی کار وکړو چه خپلی روحی پریشانی هیری کړو او د نا امیدۍ بندیزونه

مات کړو، نا امیدۍ هغه بده ناروغی ده چه د انسان علایق او مینه ورو ورو د ژوندانه سره پری کوی. په غړو، زړه او روح نا مطلوبه اغیزه کوی ترڅو چه سړی د بی گذره سین په خونړیو غپو کښی لاهو کړی او د محوی او نشت په گرداب کښی ډوب او ورک شی .

مصارف نظامی جهان

از هر وقت دیگر بیشتر است

به استثنای روزهای بحرانی جنگ عمومی دوم اکنون جهان نسبت به هر وقت دیگر بیشتر پول را بالای مسایل نظامی به مصرف میرساند .

موسسه خلع سلاح و کنترول اسلحه امریکا ضمن نشر این مطلب تحت عنوان مصارف نظامی جهان در سال ۱۹۶۶ و ۱۹۶۷ گفته است که در سال ۱۹۶۶ در حدود «۱۵۹۰۰۰» میلیون دالر در جهان بالای مسایل نظامی مصرف شده است .

موسسه مذکور همچنان تخمین نموده است که این مصرف در سال ۱۹۶۷ «۱۸۲۰۰۰» میلیون دالر گردیده است .

د حمکې مخ هرڅه لری سره لری، او سپڼه لری، مس لری، تیل لری د طبیعت ټولې خزانی او معدنونه له څه ډک دی هغه چا چه ورپسې مځه وکړه کټه بی تری واخستله او خپل مسئولیتونه بی سرته ورسول او په ډاډه زړه بی خپله دنیا کښی جوړه کړه .

دهري ورځي په تيريدو سره د ژوندانه پانه اوږی، سبا ته دنوی ژوند وربیرته کیږی. که چا کار وکړ او که چا ونسکړ خو ژوندی انسان هغه چاته ویل کیږی چه د خلکو او ځان دخوشحالتیا او نیک بختی دپاره کار وکړی او زیار وباسی او هغه څوک چه نه ځان خوشحالوی او نه خلک، د ژوندیو انسانانو په توانی کښی نه شمیرل کیږی او د داسی انسان ژوند غځه د کایناتو ژوند نه باید سړی په درنه سترگه وگوری ځکه چه د کایناتو ډیر جزو ندانسان د ژوندانه وسیلی برابر وی، خو هغه څوک چه خپل ژوند ته سمون نشی بخپلی ټولنه به هغه ته څه هیله ولری بلکله د ټولنی د ستونی اغزی دی چه نه تیریری او نه لوړی چه وروسته ورته د جامعی مکروب وایی له هري خوا شپل او رټل کیږی. نو مونږ ته ښایی چه کار ته ملا وټرو دن کار سباته پری نږدو، دماضی او راتلونکی زمانې په منځ کښی چه ان ورځ ده دومره کار وکړو چه د زمانی او عصر د تقاضا سره خپلی هیلی ترسره کړی شو، او کنه بیا به لاسونه سرورو خو وخت به تیروی وخت غنیمت گنیل او کار کول د انسانانو وظیفه ده لکه د سعدی (رح) ددی بیت په رڼا کښی .

سعدیا دی رفت و فردا همچنان -
خواهد گذشت
در میان این و آن فرصت -
شمر امروز را

په پای کښی دومره وایچه کار د ژوند دپاره دی او ژوند د سعادت دپاره ځکه کار نه وی ژوند نه کیږی او چه ژوند نه وی نوسعادت به د کومه شی . (پای)

صحنه‌های در دناك در جبهه عساکر

فرانسوی و آلمانی در حربه دوم

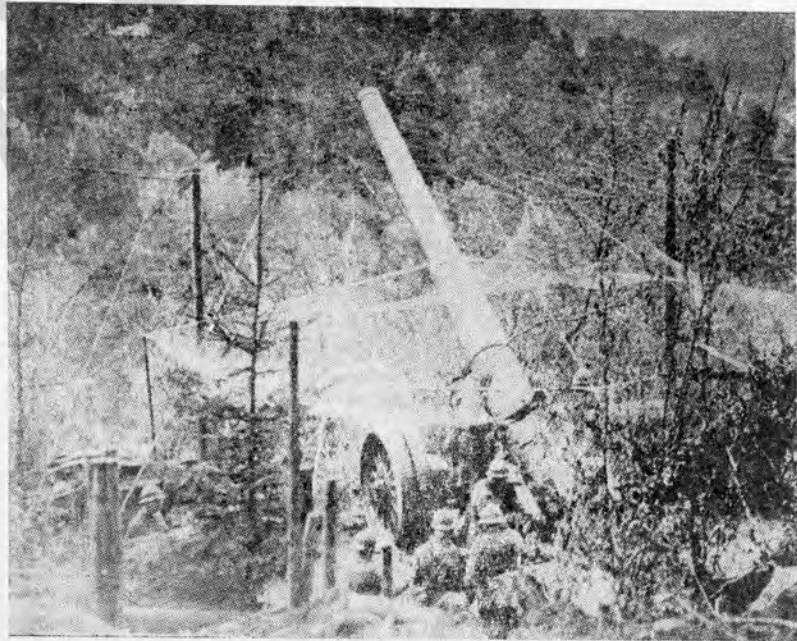
دوهم بریدمن پیاده محمدا کبر

از قندهار

نمود در منطقه «ابن» شروع نمود اما این تعرض مدتی گذشته بود که بتوقف مجبور شد زیرا خط السیر تعرض آنها که در ساحل دریا قرار داشت خیلی ها هموار بود و قوت‌های زیر پوش آنها قادر به حرکت نشدند و قوماندان این قطعه مجبور شد مدتی را جهت هموار ساختن این منطقه تخصیص بدهد و جاده عریضی را در منطقه فوق بسازند همان بود ساعت پنج قبل از ظهر روز نهم ژوئن ۱۹۴۰ اردوی دوازدهم آلمان بالای اردوی چهارم فرانسوی به تعرض آغاز نمودند جنگ خونینی در گرفت و با پیروی از تکنیک مبارزه برچه بالای یکدیگر حمله را شروع نمودند و طرفین با تمام قوا علیه دیگری را می‌کوبیدند و تانک‌های ثقیل و زره پوشها توسط ماین‌ها ایکه عساکر فرانسوی در خط سیر آنها فرش کرده بودند از بین می‌رفت اما بعضی این تانکها بیرحمانه عساکر دلیر فرانسوی را پایمال میکرد هر کس و هر چیزی که سر راه خویش می‌دیدند خورد می‌کردند و می‌گذاشتند اما در همین موقع در سمت راست جبهه «سوم» اردوی چهاردهم پیاده فرانسه

لرف مقابل می‌افتاد، زیرا هنوز خون‌های شهیدان «دونکرك» و «آردن» بلژیک از جوشش نه‌استاده بار دیگر چشم‌های خون سرخ دلیران و جان‌بازان گمنامی که بخاطر مین، مردم و تاریخ خود می‌جنگیدند جوشیدن گرفت و آتش فشان سوزنده سرب سزاب و چار پاره گذاخته بر پیکر فرانسه محض جار می‌گشت ... عساکر پیاده اردوی آلمان بتعرض

آنگاه که اردوهای نیرومند هتلی از چندین طرف با کمک طیارات قوای هوایی اش حمله وحشت‌انگیزی را در موضع‌های مدافعه دشمن شروع نمودند و سر تا سر فرانسه همچنان عجیبی فراگرفت زیرا درین حملات برق آسا مخصوصاً غرش طیارات بمبارد آلمانی که آوازه شهرت شان در تمام جهان پیچیده بود و از شنیدن نام آنها لرزه و وحشت در عساکر



گوشه‌ای از فعالیت قوای توپچی فرانسه در حربه دوم

تحت فرماندهی «جنرال دو لاتردو تاسینی» با شجاعت عجیب و بی‌مانندی موفق گردید حملات قوای متعرض دشمن را به توقف مجبور بسازد. عساکر آلمانی چندین بار کوشیدند به تعرض خود ادامه بدهند ولی هر بار مقاومت شدید عساکر میهن پرست فرانسه آنها را عقب راند و طی این محاربات وحشت ناک که ساعتها طول کشید هشتصد تن از عساکر آلمانی به اسارت فرانسویان درآمدند و تعداد زیادی از سلاح‌های دشمن بدست شان افتید در مرکز و در منطقه «رتل» هم اردوی دوم پیاده فرانسه دلیرانه مقاومت پخرج دادند و با تمام تعرضات دشمن جواب مثبت گفتند.

قوماندان بزرگ آلمان «هاینس تندر» در خلال صبح آن روز تاریخی «۹ ژوین ۱۹۴۰» از بالای تپه‌ای در شمال رود خانه و میدان جنگ،

شاهد حملات برق آسا اما بی ثمری عساکر پیاده آلمان بود و سخت بحیرت افتیده بود. او بقول خودش، «دایم در تگرانی بصری برد که مبادا اشتباهی مرتکب شود و کسار را خراب کند... اما علی‌الرغم تلاش‌های همه جانبه عساکر وی و تاکتیک‌های مختلفی که بکار میبردند، تا بعد از ظهر، راه عبور بروی نازیان بسته ماند... عساکر فرانسوی نیز طور عجیبی از خود دلیری نشان میدادند و تجمع آتش را بالای عساکر آلمانی برقرار ساخته بودند و اینها با فیر توپ‌های ثقیل، ماشیندار و تفنگچه ماشیندار که برای اولین بار آنگونه که شایسته بود بکار انداخته بودند و قایق‌های پلاستیکی و چوبی حامل عساکر آلمانی را روی آب متلاشی می‌گردانیدند و این عساکر متعرض در کام امواج دریا غرق می‌گشتند... زیرا فرانسویان خوب میدانستند که

حریف از رودخانه عبور کند و پای عساکر آلمانی در آنجا برسد. دیگر کار تمام است و هیچ نیروئی توانائی جلوگیری و حشمت انگیز آنها بر زمین آبا و اجدادی شان را نخواهد داشت. شهرها و عمارات همه دستخوش ویرانی و تخریب و کشتار خواهد شد. زمینهای زراعتی زیر و زیر خواهند گشت و مردم را از بین خواهند برد و خودشان، اگر اسیر شوند بحال خیلی وحشیانه بکام مرگ فرو خواهند رفت!

فرانسویها اسرای آلمانی را زیر استتقاق می‌کشیدند و چیزهای عجیبی از زبان آنان می‌شنیدند و برهراس شان دامن میزد... عساکر آلمانی ابدأ نمی‌ترسیدند و از مرگ بیعی نداشتند. و این خود عساکر فرانسوی را بیشتر متعجب میساخت. یک تون عسکری فرانسوی در خاطرانش می‌نویسد:



عده‌ای از عساکر فرانسوی از چنگال عساکر نازی نجات یافته‌اند

«... من و دو تن از افرادم، یک بریدگی جوان آلمان را که در حین جنگ زخم برداشته بود، دستگیر کردیم و او را به مرکز صحنه در عقب جبهه بردیم. دکتور مؤظف جراحت او را بست. آنوقت من تصمیم گرفتم در این یک مورد خصوصی بعضی سوالاتی بکنم بعد از آنکه بنا بر ده یک گیلان سهوه داغ دادم در کنارش نشستم... خوشبختانه بریدگی فوق زبان فرانسوی را خوب میدانست و من او را بگپ زدن گرفتم و این بریدگی فوق العاده خودخواه و مغرور بود و روحیه عجیبی داشت و به فلسفه جنگ جوئی خود علاقه و افری نشان میداد من از آن باملايمت پرسیدم:

آخر جنگ یعنی چه؟ چرا شما ظرف پنجاه سال دوبار دنیا را بخاک و خون کشیده اید؟ ازین جنگ بیبوده چه فایده میبیرید؟ نگاه تحقیر آمیزی بمن انداخت و جواب داد:

بدبختی شما فرانسویها اینجاست که همیشه به حقیقت ذهن کجی می کنید و هیچ چیز را نمی فهمید ما و پیشوای ما می خواهیم دنیا را از آلودگی نجات بدهیم، باید نسل هر چه آدم کثیف، ضعیف و موزی مثل یهودی ها است، از بین برود. در جهان کنونی فقط یک نژاد پاک و خالص وجود دارد، آنهم قوم آریا است، یعنی ما. «سر باز چنان با مباحث بخودش اشاره کرد که ما در نزدش یک انسان ناچیزی بودیم و آریائی های اصیل باید فرمانفرمای کره خالک باشند... ما نخست اروپا را تسخیر می کنیم، بعد از فرانسه نوبت انگلستان است، و آنگاه سر زمین شوروی، آسیا تاب جنگیدن با ما ندارد و خیلی زود تسلیم خواهد شد امریکا هم مجبور است به باداری ما گردن نهد... آنوقت

دیگر آلمان صاحب و آقای سراسر این گیتی خواهد بود... مردمش باوج اقتدار و عظمت و خوشبختی خواهد رسید هر فرد آلمانی برای خودش املاک وسیع و رعیت فراوان موترهای متعدد، طیارات اختصاصی و کشتی تفریحی خواهد داشت... پیشوا آرزو دارد که آفتاب هر گز در کشور هایش غروب نکند. این حرف را قلب پادشاه اسپانیه می زد، اما او نتوانست با آرزوهایش جامه عمل بپوشاند چون عرضه نداشت ولی پیشوا میتواند قدرت نیروی هوائی ما، که لهستانی ها، نروژی ها، هلندی ها، بلژیکیها انگلیسی ها و شما، مژه نیش مرگبارش را صد مرتبه چشیده اید، زره پوش های مدرن که هم اکنون دارند فرانسه را نیز مثل سایر جاها نابود میکنند، و سلاحهای دیگر آن هر سدی را اگر کوه

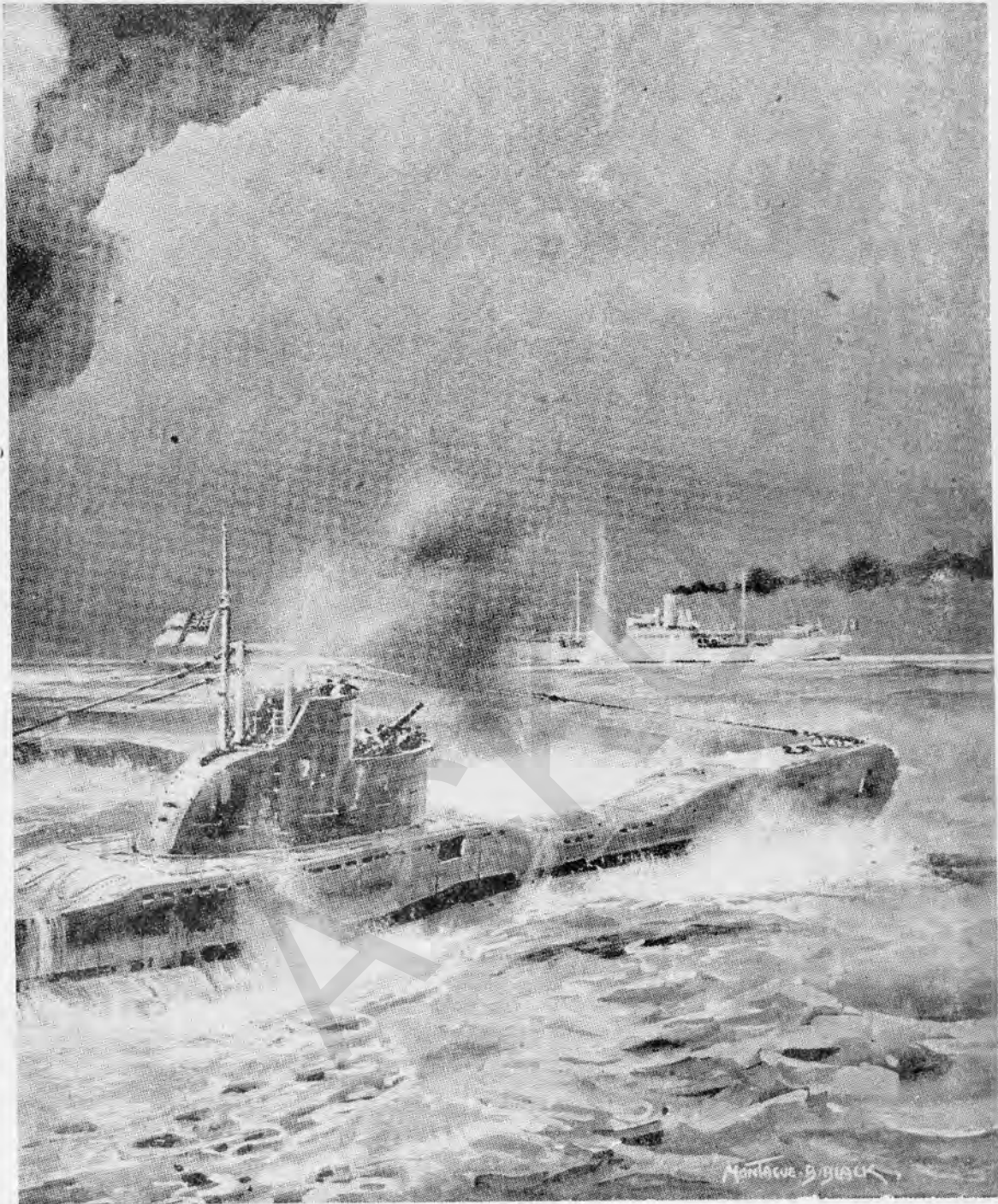
کامره مکرو سکوب جدید

فابریکه *Carl Seiss* در جمهوریت آلمان شرقی یک آله تخته یکی کامپلیت فوق العاده را به بازار جهان جدیداً عرضه کرده است. اسم این آله طبق عنوان *Miophot-II* می باشد این آله متشکل است از یک میز مخصوص و بروی آن مکرو کامره نصب می باشد این آله جهت معلوم نمودن ترکیب و خواص مواد خصوصاً فلزات استعمال میشود. این آله از مواد فوق العاده اصیل ساخته شده و قدرت کلان ساختن ۱۰ الی ۲۰۰۰ مرتبه ذرات متشکله مواد مورد امتحان و کنترل را دارا می باشد منبع روشنایی آله مخصوص بوده و سه موج روشنائی را میتوانیم ذریعه تبدیل نمودن شیشه های انعکاسی در آن تولید نمائیم.

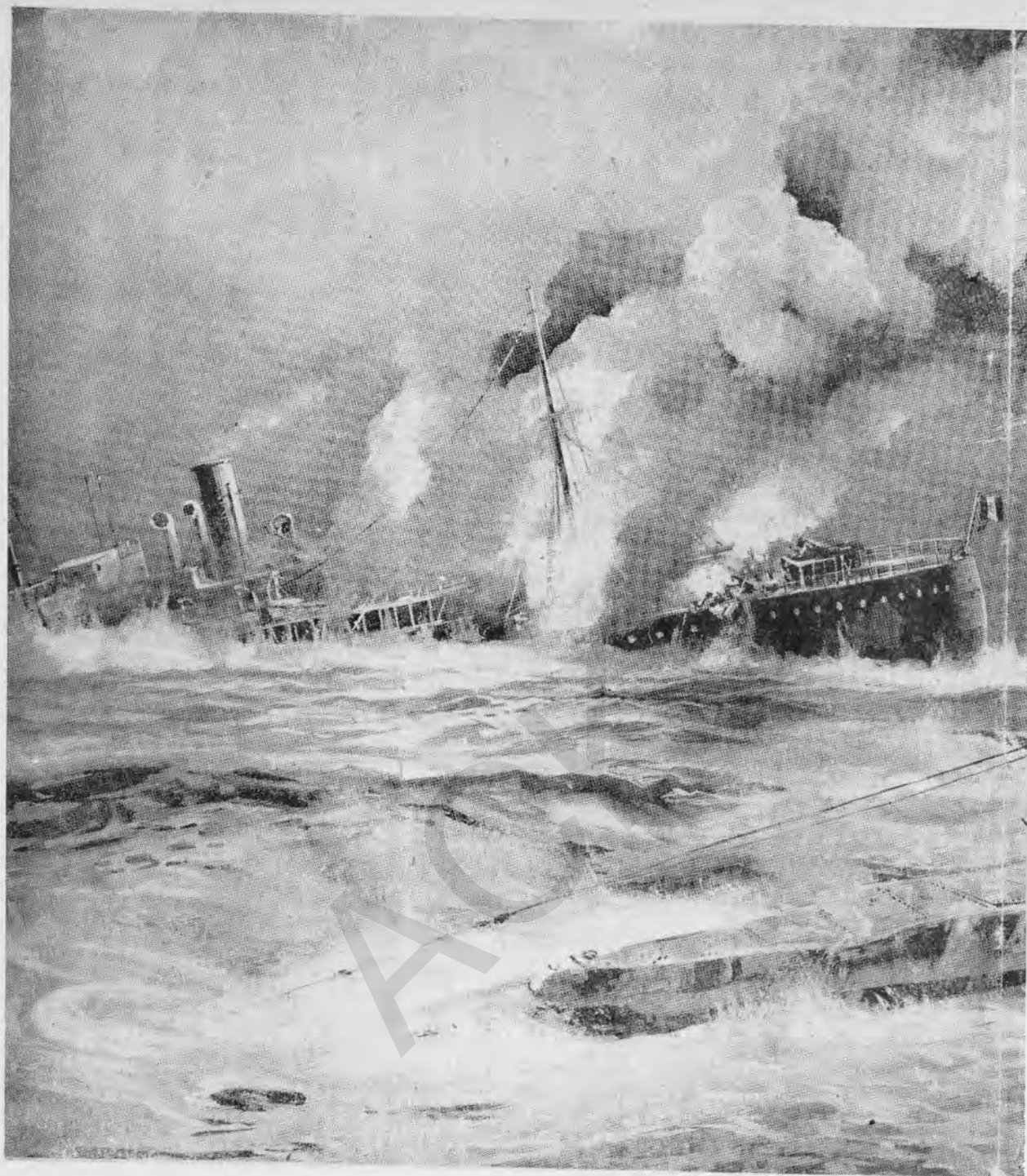
همالیه و قله او درست هم باشد، از پیش پا می بردارند... تقلاي شما برای متوقف ساختن این اردو، مذبحخانه و حماقت آمیز است... بیائید تا وقتی که هنوز فرصت دارید و قلب تان سی طپد تسلیم شوید تا زنده بمانید و تحت لوای حکومت پیشوا شاد و کامیاب زندگی کنید اما هنگامی که سردید... خوب یک بچه دو ساله هم میداند که مرگ پایان آرزوها است... جنگیدن با ما از عهده هیچکس جز دیوانگانی که می خواهند خود کشتی کنند بر نمی آید. شما که «هوگو» «بالزاک» «ژوئوران» «دوما» «زولا» و «اناتول فرانس» دارید و روح تان از پند های پدران آنان سیراب است چرا حالا مجنون شده اید؟ بریدگی فوق نکلی هزیان می گفت: دست گناه تبلیغاتی هتلر و نفوذ معنوی «گولز» جسم و روح نازی های جوان آلمانی را چنان مسموم ساخته بود که هیچ وسیله ای نمی شد این افکار زهر آگین و منحرف را از مغز مسخ گشته آنان بیرون آورد... عساکر آلمانی تحت تأثیر تلفینات سفسطه آمیز نازیسم، بخیال شان که عنقریب دنیای بی در و بیگر سال آنها خواهد شد و همه شان در بهشت موعود بسر خواهند برد... من دیدم جرو بحث با چنین آدم عقل باخته و دیوانه فایده ندارد، بدینجهت هنگامی که هنوز او به نقطه نامعلومی مینگریست و همراه خود گپ می زد اطاق را ترک دادم.



جنرال گودریان بمبیرانه در حالی که صحنه های جنگ را تماشا می کرد و دوربین بچشم داشت رودخانه عظیمی که عساکر آلمانی میخواست از آن عبور کند نگاه مینمود جنرال آهسته دور بینش را روی زوایای مختلف جبهه گرداند



در جریان حرب دوم جهانی محاربات خونینی بوقوع پیوست ، محارباتیکه خاطرات تلخ آن تا مدت
 نموده بود اما در این بین بعضی از شهر های استراتژی اتحاد شوروی و بحیره مانس هسته اصلی میدان های
 مانس نشان میدهد ، که قوای هوایی و بحری متحدین و متفقین جهت از بین بردن یکدیگر مساعی بخرچ
 ولو که در هر شرایطی قرار بگیرد بالاخره از بین میرود و نیروهاییکه بخاطر آزادی و انسانیت پیشکار



ها در اذهان بشریت باقی خواهد ماند . ساحهٔ حرب این جنگ ها بیش از نصف اراضی جهان را احتوا
حرب را تمثیل داده بود . در این فوتو گوشه ای از جنگ های خونین قوت های متخاصم را در بحیرهٔ
میدهند ، اما جریان تاریخ با پیروی از قوانین کلی هرگز به عقب بر نمیگردد و قوای استعماری
میکنند پیروز میگردد .

اما صحنه های را مشاهده کرد که بروحیه این جنرال خودخواه یک تاثیر فوق العاده منفی داشت زیرا مشاهده میکرد که عساکر دلیر فرانسوی فوق العاده مقاومت بخرچ میداد می جنگید می کشت کشته میشد و کلیه تلاشهای افراد و انجنیران برای بدست آوردن پایگاه کوچک و مطمئن در آنسوی رود خانه بنا شکست مواجه می شد. دفاع فرانسویان فوق العاده محکم و زیر کانه بود «گودریان» باور نمیکرد که اینان همان فرانسویهایی باشند که در آردن و دون کرک باهم جنگیدند و او بایک حمله جبهه شان را از هم پاشید... «هاین تس تندر و عصبانی بود و جنرال «زیگموند ویل هم لیست» قوماندان جبهه ناامید او بعنوان آخرین راه چاره، بر آن شد که انگشت روی نقطه حساس «گودریان» یعنی رگ غیرتشان بگذارد و قوماندان غیور را بوسیله نیش زبان و ادار بتحرک بیشتری سازد جنرال لیست از پشت دستگاه رادیو بی مسم، خشم ناک به «گودریان» گفت:

- آخرین چه وضعی است جنرال چرا تانک های ما در شمال رودخانه از حرکت ایستاده اند و فعالیتی نمی کنند؟ من از طرف قوماندانی شما هیچ وجه راضی نیستم مثل اینکه شما آن گودریان سابق گودر یا تیکه در بلژیک و آردن جنگید نیستید! بجنبید، آقا، اکنون موقع کاهلی و غفلت نیست دنیا بشما و فعالیت تان چشم دوخته است...

شدت عمل، تحرک، شجاعت، شهامت!... پیشبروید، هر چه سریعتر، و بکشید، هر چه بی رحمانه تر! جنرال نابغه خشم آلود به بیانات لیشدار و آتشین رئیسش گوش میداد او خوب می فهمید که هرگز سستی نکرده است. وفی الواقع سرسختی

عجیب و غیر منتظره فرا نسویان به سپاهیان او مجال عرض و جود نمی دهد. اما او، خلبی زود به ناراحتی و خشمش فایق آمد گودریان زیر کتر از آنها بود که نداند این جوش و خروش ناگهانی قوماندان جبهه از کجا آب خورد، و خون سردانه پاسخ داد:

- او امر شما اطاعت خواهد شد، همانروز گودریان مصمم شد که فرقه اول زره دار خود را شبانه از رودخانه بگذراند و برای حمله قاطعی در روز بعد آماده کند، و فرقه دوم تانک بلافاصله دنبال آن برود و فرقه زره دار را حمایت نماید همچنین تا ریکی فرا رسید افرای و متخصصین استحکام فرقه اول با سرعت اعجاب انگیز دو سه پهل متحرک را بالای دریا ساختند و وسایط زره دار خود را به تیر کردن آغاز نمودند و در ضمن توپچی، هواوان و آتشهای تانک خود را بالای موضع های مدافعه دشمن متمرکز ساختند اما فرانسویان درک کردند که منظور از تجمع آتش سلاح های ثقیله دشمن چه می باشد همان بود بفعالیته متقابل آغاز نمودند لیکن آتش سلاحهای ثقیله دشمن

فعالیت آنها را تا اندازه ای خنثی ساخت که در نتیجه عساکر فرانسوی خط اول موضع های مدافعه خود را ترک داده و بخط دوم عقب نشینی نمودند که در این جریان عساکر فرانسوی تلفات سنگینی مواجه شدند نیر و های تانک و زره دار دشمن بمحض اینکه در موضعی مدافعه خط اول دشمن مواصلت نمودند به تخریب همه چیز پرداختند عساکر دلیر فرانسوی در فداکاری و جان بازی چنان شهامتی نشان دادند که تا آن لحظه نظیر آن در تاریخ کمتر دیده شده بود این عساکر مبین پرست تا آخرین مرمی با ایمان خود می جنگیدند، سپس وقتی زره پوشهای المانی با درهم کوبیدن موانع سدره خود در بین موضع های مدافعه آنان رسوخ می کردند مقدار مواد منفجر با بوتل های بنزین برمی داشتند و بی محابا خویشتن را زیر چرخهای سنگین می افکندند... این کاریک دلیری میخواست از دست هیچ کس ساخته نبود، اما فرانسویان دیگر از همه چیز دل بریده بودند و با کی بدل راه نمی دادند...

گاه زره پوش بر اثر انفجار باروت آتش می گرفت یا از حرکت باز می

و چیزها

از ترکیب و انسجام درست الفاظ، نیروی جذب و تاثیر تولید میگردد. (جارج چمپمان)

هر گاه شعور و امانده ما روز بروز سوی ترقی و معراج پویان نشوند بالاخره ارزش اثرات تعلیمات گذشته مردان بزرگ از بین خواهد رفت. (جین آدمز)

هیچوقت خود را بدست نومیدی مسپارید، همیشه امیدوار باشید و روح خود را به پر توامید روشن سازید. شب هر قدر سیاه و ظلمانی باشد اگر تحمل داشته باشید روز روشن بدنبال آن فرا میرسد. (کوبو)

ایستاد. اما در هر حال دلیران مدافع سنگرها با شهامت و مردانگی جان می سپردند و گوشت و استخوان پیکرشان زیر طیرهای آهنی پایمال می شد. بدلیل همین شهامت‌های حماسه مانند و بی نظیر فرانسویها بود که باز هم آلمانها نتوانستند زیاد پیش بروند و جنرال ایست در گزارش شب نهم ژوین فرار گناه ار دوی خود نوشت... «فرانسویان باثبات هر چه تمامتر مقاومت می ورزند و حمله متعزز مادر آن ناحیه با موفقیت روبرو نگشته است.

اما جنرال «ولیکان» رئیس ارکان عمومی اردوی فرانسه ظاهر آن تصور نمی کرد که قطعات فرانسوی بتوانند مدت طولانی در مقابل اردوی سیل آسای آلمانی مقاومت کنند. یاس و نومیدی شدیدی در قلوب قوماندانان فرانسه ریشه دوانده بود و قریب بود که امیدها از بین بروند... چنانچه جنرال «ولیکان» در مجلس عسکری که روز نهم ژوین برپا شده بود اظهار نمود: «اردوی ما عنقریب آخرین جنگ تدافعی ممکن شان را انجام میدهند. اگر این پیکار نیز با شکست مواجه شده، آنها محکوم بانهدام صریح هستند...»

او، همان شب یادداشتی آماده کرد و در روز بعد آنرا بمقام وزارت دفاع ملی فرانسه فرستاد «ولیکان» در این گزارش کوتاه نوشته بود: «اضمحلال قطعی خطوط دفاعی ما هر لحظه ممکن است اتفاق افتد در آن صورت البته اردوهای ما تا آخرین نفس خواهند جنگید، لیکن بزودی از پا در خواهند آمد. جنرال «آشرله» قوماندان قوای شماره ۳ آلمان در کتا بچه یادداشت خود که بعد ها بدست متفقین افتاد نوشته است: این روزها

فیلد مارشال گورینگ آنقدر خوشحال است که از شدت شغف دائماً زبان می گوید: و برآستی هم چنین بود گورینگ این مرد پر استعداد و نیرومند که هتلر موفقیت خویش را در رسیدن بقدرت، تاحد زیادی مدیون وی میدانست، اما روی اصیل خواهی و غرور فراوانش نمی خواست علناً بدین حقیقت اعتراف کند، آن ایام در اوج افتخار و شادمانی می زیست. چه، طیارات او توانسته بودند خاک فرانسه را زیر و زبر کنند و چنان وحشت و اغتشاشی در دل فرانسویان افکنند که هرگز برای آنها سابقه نداشت طیارات بمباردمان آلمانی طی یک حمله وحشت انگیز در مدت دوسه روز تمام طیارات عسکری و بمبارد فرانسوی را روی زمین نابود کردند میدانهای هوای تاسیسات قوت های هوایی را منهدم گردانیدند فابریکات اسلحه سازی دیپو های آذوقه و جبه خانه ها، پلها و قشله ها، ایستگاه های راه آهن و موقعیت های حساس استراتژیکی را در هم کوبیدند هزاران نفر انسان بی گناه را کشتند و مواضع خطوط مدافعه عساکر فرانسوی را در سراسر جبهه تحت بمبارد قرار دادند، گورینگ دیگر چه میخواست؟ ازین بالاتر چه لذتی میتواندست ببرد؟ گورینگ انتقام فرار اردوی بریتانیا را از دونکرک گرفته بود او تلافی آن واقعه را بر فرانسویان بدبخت و بی پناه در آورد، آنهم با چنان وحشتی که آثارش تا هزار سال دیگر پاک نخواهد شد. اکنون زنان فرانسوی به شنیدن اسم گورینگ جیغ میکشیدند و بچه ها بگریه می افتادند فیلد مارشال بزرگ جرمن مابین قصر عظیم قوای هوایی آلمان، در برلین که اطاقهای بیشمارش را شخصا باصداها پرده

نقاشی از بهترین و گران قیمت ترین آثار هنر مندان چیره دست ایتالیائی و استادان کهن و نقاشان مدرن آلمانی، و هدایای دول خارجی زینت بخشیده بود، می گشت و با خودش حرف می زد چنانچه در یکی از صحبت های خود بهمکار نزدیک خود میگوید:

«... می شنوی، آلبرت غرش طیارات بمبارد مرا میشنوی؟ و میبینی چگونه اروپا را بنیای در آورده است اینها بچه های من اند بچه های وفادار گورینگ! و هر گاه من اراده کنم کره زمین را زیر و زبر خواهم ساخت همیشه عمر جهان در چنگال من است و سر نوشت ملیونها انسان، از نژاد های مختلف بستگی بیک اشاره من دارد که چا رفتند آن انگلیسهای احمق؟ بکدام سوراخی گریختند که از گزند بیک های اجل من درمان باشد؟ آیا تصور میکنند جان بدر برده اند؟ و چه خیال باطلی! اگر با اعماق ژرف ترین اوقیانوس فروروند یا چون عقاب های تیز پرافلاک را زیر پا بگذارند و بماه و خورشید درخشنده پناهنده شوند، طیارات من همچون شاهین گرسنه بر سرشان فرود خواهند آمد و جسم آنان را سوراخ سوراخ خواهند کرد! بمن میگویند «جلاد و دو بلان» یا «سازنده قوت های هوایی آلمان، قویترین نیروی هوایی جهان، فیلد مارشال یگانه رایش و دست راست پمیشوا «آدولف هتلر» من دشمنانم را زیر پا خورد میکنم انگلستان و ممالک مشترک المنافع اش را از صفحه گیتی برمی اندازم! فرانسه را بگورستان فراموشی خانه تاریخ میفرستم! می کشم و می سوزانم، ویران میکنم. برو نگاه کن آلبرت بروید ببینید طیارات من چه بروز گار دشمن (بقیه در صفحه ۸۶)

اکمال و نگهبانی تخنیکي کندک تانک در تعرض



شکل اساسی فعالیت محاروبی تانک عبارت از محاربه تعرضی بوده برای اینسکه وظیفه مذکور را به حسن صورت و موفقیانه انجام داده بتواند لازم است که اکمال و نگهبانی تخنیکي آن بحسن صورت و در وقت و زمانش اجرا گردیده باشد. اکمال و نگهبانی تخنیکي عبارت از فعالیت تخنیکي صحیح مرتبات تخنیکي تانک و در وقت و زمان سرویس نمودن و بصورت درست تطبیق نمودن هدایات تخنیکي و برطرف نمودن عوارض تانک میباشد این اجراءات از طرف قوماندان قطعه که قرار تعرض بدشمن را میدهد مانند دیگر مشکلات عمومی موضوع اکمال و نگهبانی تخنیکي را نیز بداخل پلان آورده نظریه آن مدتی را که به حاضر گردیدن تانک برای تعرض لازم است تعیین میدارد ساعات و مناطقی را که وسائط مربوطه خدمات تخنیکي به انجا انتقال و خدمات نگهبانی تخنیکي در آنجا صورت میگیرد تعیین نموده و علاوه بر پرسونل مالزمه و غیره اشیای که به منطقه اکمال و نگهبانی تخنیکي و گروپ ترمیم و تخیله لازم است تثبیت میدارد. معاون خدمات تخنیکي قوماندان (تولی، کندک، غند) مستقیماً مسئول اکمال و نگهبانی بوده و اساساً جهت اجرای همین امور در تشکیل گنجانیده شده تا وظایف محوله تخنیکي را اجرا میدارد.

پرسونل و مالزمه تخنیکي برای اجرای وظیفه در محاربه قاعدتاً در منطقه تجمع تانک جایجا میگردد در صورت مساعدت زمان و وظائف پرسونل بصورت عملی بالای شان تمرین میگردد بطور مثال هرگاه يك قوماندان کندک در اراضی کوهسار وظیفه میگیرد قبل از اخذ وظیفه می باید تمرین تانک را در اراضی کوهی و عبور از انهار سریع السیر با ستر سنگدار کوه مسائلات آموختانده و تطبیق نموده باشد البته این تعین و تربیه کندک را به اجرا و انجام وظیفه که اخذ نموده آماده ساخته در اینصورت هیچ يك ضعف و در ماندگی که سبب ناکامی در بیوران و میخانیکها گردد باقی نمی ماند. هرگاه با تمام تفرعات و بصورت مکمل برای اجرای این تعلیم و تربیه اسکانات موجود نباشد در آنصورت قوماندان شخصاً تثبیت میدارد که یا بصورت نمونه تدریس بالای يك جزو نام تطبیق نموده و یا مفردات مربوط به تمرین را بصورت معلومات عمومی توزیع میدارد. شقوق مختلفه که بداخل کندک برای تمرینات جدامیگردد هرگاه بواسطه ضابطان خدمات تخنیکي رهبری و آموختانده شود موافق به مطلب بوده نتیجه خوبی بدست میاید، با استخدام این چنین ضابطان علاوه بر اینکه گروپ های مختلف تمرینی طبق مرام رسانیده

می شوند به مقصد اجرای وظائف اصلی ضابطان مذکور که عبارت از خدمات مختلفه تخنیکي است نیز تاثیر بزرگ داشته و از نقطه نظر ایجاب وظیفه صاحب تجربه گردیده استفاده بهتری را برای شان تعیین میدارد.

متناسب با رسانیدن پرسونل تخنیکي احضار بودن مالزمه تخنیکي در منطقه تجمع نیز مهم بوده اندازه موثر ساعات تمام تانکها به اساس هدایت نامه نگهبانی نمبر ۱ و نمبر ۲ در زمان لازمهاش بصورت نورمال از نظر گذشتانده میشود و بعضاً بدون در نظر گرفتن زمان معینه هدایت نامه هر زمان که لازم دانند اجرا شده میتواند و از اینکه در وقفه های مختصر محاربه معاینه فوق صورت بگیرد بهتر است پیش از پیش معاینه گردیده نتیجه بدست آورده شود.

علاوئاً اکمال بهره جات فالتو طول بکسها و دیگر اشیای لازم در هر تانک معاینه گردیده و قسمت های که قدرت رفتار دوام دار و طولانی را بلند می برد کنترل می شود.

هرگاه يك کندک حرکت در اراضی کوهسار و وظیفه گرفته باشد لازم است اولتر از همه خدمات تخنیکي تانک تحت اجرا قرار داده شود و از همه ضرورت ر اعیار دستکی های کنترل و وضعیت ترکها و



اکمال مواد محروق تانکها در اراضی

اقسام مختلفه گیرهای راندن راچک نماید در صورت ایجاب حرکت در شب تعلیمات خصوصی را جمع به راندن و اگر در حین اجرای رفتار گذشتن از زهر لازم باشد در این حال وظیفه اساسی آن است که موجودیت آلات و ادوات متعلمه عبور بالفعل از نظر گذشته شده شود تا عوارض و نقصانات نداشته باشد.

خدمات تخنیک و وسائط که توسط مرتبات در منطقه تجمع اجرا می شود از طرف پرسونل و مالز مه علاوه گر قدسه ترمیم و نگهبانی کندک و در صورت ایجاب از طرف غندم معاونت کرده می شود قاعدتاً پرسونل و رکشاپ ترمیم تانک و وظائف بسیار مشکل را اجرا میدارد این کار در زمانی کسب اهمیت می نماید که مرتبات تانک در خدمات نگهبانی هنوز تجربه و مسلک کامل حاصل نکرده باشند در این حال که پرسونل و رکشاپ ترمیم تانک معاونتاً استخدام میگردد حاصله کار را بلند برده و از جانب دیگر از زمانیکه برای امور نگهبانی و سرویس لازم است تقلیل شده وقت کم را در بر میگردد.

داشتن تجربه در خدمات تخنیک و بداخل یک قطعه در حین تعریفات تسکتیکی رول بارزی داشته اجراءات چنین قطعه اطمینان بخش بوده فعالیت صحیح شان نظر وقت را جلب میدارد. در حین احضارات تعرض معاون قوماندان در امور خدمات تخنیک پلان دقیق کار و رکشاپ های خصوصی را حاضر میدارد پرسونل و رکشاپ عوارضی را که بمیدان کشیده رفع میدارد.

امور عیار قسمت های که لازم است بصورت دقیق اجرا و آلات و ادوات خصوصی را چک نموده سلاح و وسائط مخابره را کنترل

یک اندازه پرزه جات فالتورا با افزار لازمه ترمیم خانه ذریعه تراکتور مربوطه قطعه (که برای جر تانکها استفاده می شود) قطعه را تعقیب می نمایند. درین گونه احوال و رکشاپ ترمیم تانک کندک و وسائط خدمات تخنیک آن از بالای راعی که برای نقلیات و وسائط عراده دار مساعد باشد باور کشاپهای غنذیکجا حرکت داده می شوند.

حینیکه قدسه تخنیک و ترمیم در عقب قطعه ترتیب و تشکیل میگردد در اینجا باید کسانی استخدام شوند که از عهد و وظیفه بحسن صورت برآمده توانسته و کارهای محوله را بوقت و زمان لازم اش انجام داده بتوانند. در احوالی که پرسونل قدسه ترمیم و تخنیک ضعیف باشند سبب پراگندگی و عقب ماندگی قطار میگردد.

زمانی در حین تعریفات تقریب بخط استخدام چنین حالت رخ داده بود که تراکتور جر تانک برای تخلیه نمودن دو عراده تانک از بین دلدلزار ۸-۹ ساعت مساعی نمودند تا تانکها را اخراج نماید بالاخره پرسونل تخلیه در اجرای وظیفه شان ناکام و در نتیجه تراکتور در ختم روز

میدارند. فلترها را به سرعت پاك نموده همچنان دیگر وظائف مربوطه را تماماً اجرا می نمایند. مراقبت و تأمین نمودن این امور فعالیت محاربوی و وسائط زره دار را در حین تعریفات تضمین و متیقن می سازد.

در خصوص وسائط ترمیم طلب چه اجراءات می شود؟

ترمیم و تخلیه وسائط ترمیم طلب در حین احضارات تعرض از تشکیلات خصوصی که به مقصد تسهیلات قطعه بهیدان آمده اجرا میگردد. در حین تقرب بخط استخدام ترمیم خانه کندک و دیگر شاپهای که به کندک الحاق داده شده باشد با پرسونل فنی آن در عقب خط مذکور پیش آورده می شود. وظیفه آنها تخلیه نمودن تانکهای محتاج ترمیم بوده آنرا به نزدیک ستره آورده با مرتبات آن معاونت نموده پرزه جات فالتوی که برای تانک لازم است مهیا و امورا کمال روغنیات تانکی و ماشین را اجرا نموده و همچنان عارضه که رخ دانه رفع میدارند.

هرگاه تقریب کندک بخط استخدام از بالای راه که حرکت و وسائط عراده دار مشکل باشد اجرا گردد در آن صورت پرسونل ترمیم خانه

عینیکه تعزین ختم گردیده بود به محل تجمع مواصلت نمود .

حین پلان گذاری امور اکمال در رفتار طولانی پیش بینی کردن در حصد اکمال مواد سوخت و سائط (پترول و دیزل) خیلی مهم بوده و در حصد اکمال بودن مواد داخل تانک های و سائط قناعت کامل حاصل کرده باید شد همچنان منطقه تجمع تانک از کنار بیشترین باید باندازه دور باشد که مقدار مواد سوخت موجوده آن کفایت نموده و قبل از تقرب بخط استخدام باید تانکی های مصرف مواد سوخت پر شده و علاوه تا در هر تانک یک الی دو بیرل (۲۰۰) لیترنی دیزل (پترول) علاوه موجود باشد .

کندک تانک که به سرکردگی معاون قوماندان در امور تخنیکي یک گروه ترمیم و تخلیه را دارا میباشد ، وظیفه اصلی گروه ترمیم و تخلیه کندک عبارت از تخلیه نمودن تانک های عارضه دار تحت آتش دشمن به نزدیک ستره و تبدیل نمودن پرزه جات عارضه دار و رفع عوارض میباشد این گروه صرف آن ترمیماتی را تحت اجرا میگیرد که وقت زیاد را دربر نگرفته و تقرب شان را به موضع که برای وظیفه متعاقب کندک تعیین شده به تاخیر نیندازد . طور مثال

هر گاه اکمال وظیفه کندک ۳ - ۲ ساعت را در بر بگیرد گروه مذکور چنان وظائفی را که در این زمان اکمال شده نمیتواند تحت اجرا بیاورد گرفت .

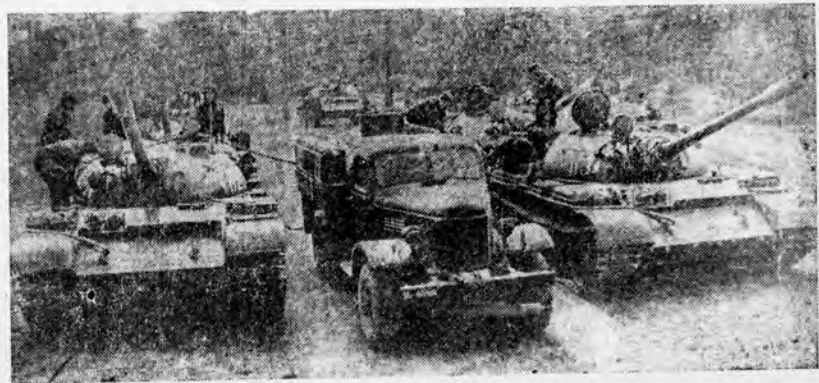
در کندک تانک یک محل ترصد تخنیکي تشکیل میگردد . برای اینکه گروه مذکور وظیفه را بصورت صحیح اجرا کرده تواند این محل به ترتیب که وضعیت محاربه جزو تامها را تعقیب نموده بتواند به مسافه دید چشم تعین می شود و هر معاون وقت در امور تخنیکي از تانک های مربوط مراقبت و ترصد می نمایند .

به نسبت که محل ترصد تخنیکي بصورت حمایه تخنیکي موقتی عرض اندام می نماید بداخل تشکیل کدام واسطه ترانسپورتی ندارد لهذا قوماندان کندک یک عراده کریر زره دار پرسونل را بدین مقصد به اختیار معاون تخنیکي خویش میگذارد . بعضاً در این مفکوره میباشد که محل ترصد تخنیکي برای اجرای مقاصد خود تراکتور تانک و یا ترمیم خانه سیار را که به گروه ترمیم و تخلیه مربوط است استعمال نموده میتواند . اگر چنین قبول نشود محل ترصد تخنیکي وضعیت محاربه جزو تامها را مراقبت کرده نتوانسته و علاوه تا داریم عقب خواهد ماند . و قتیکه

تراکتور بوظیفه اصلی آن که عبارت از تخلیه تانک عارضه دار از تحت تاثیر آتش دشمن است استخدام می شود در این اثنا پرسونل محل ترصد تخنیکي بدون واسطه نقلیه و محاربه باقی می ماند پس بهتر است که بدین مقصد کریر زره دار پرسونل استخدام گردد . زیرا یک کریر زره دار پرسونل قابلیت آنرا دارد که وظیفه خود را از هر محل بصورت مؤثر اجرا کرده بتواند .

تأسیس نمودن ارتباط با تانک عارضه دار و با تانکی که در گل و دلدل زار فرو رفته باشد از طرف محل ترصد تخنیکي خیلی مهم بوده معطلی در معاونت با واسطه عارضه دار معادل بان است که یک واسطه محاروبی زره دار خود بخود از دست داده شود . به همین علت ارتباط رادیویی (بیسیم) بین واسطه زره دار و محل ترصد تخنیکي قابل اهمیت بوده و خیلی ضروریست تا در وقت لازمه مشکلات را اطلاع داده و بر رفع آن اقدامات شده بتواند . با وجود محاربه بیسیم ، محاربه سرئی از طرف روز بواسطه فلاه و از طرف شب ذریعه چراغ های دستی نیز قابل تطبیق بوده استفاده شده میتواند .

در اینصورت اشارات تثبیت شده باید قبل از شروع محاربه به جزو تامها توزیع و ابلاغ گردیده و لازم است به تمام کندک دانا نده شده باشد . هر گاه از طرف مراتب تانک عارضه دار اشاره داده نه شود ضابط محل ترصد تخنیکي کندک معاون امور تخنیکي قوماندان تولی همان تانک متوقف را بایک تراکتور تانک برای جر تانک ارسال میدارد که تانک مذکور را به ستره نزدیک ترین جر نماید . ←



صورت انتقال و اکمال مواد محروق تانکها در اراضی

ابتکارات جالب و اخبار جدید صنعتی

تلیفون سوپر اتومات: کمپنی مشهور جمهوریت اتحادی المان بنام *Simens Halsle* یکتعداد تلیفونهای سوپر اتومات جدیدی به معرض استفاده بیار و ال برلین قرار داده که صفات و خصوصیات عالی تخنیککی آنها قرار ذیل خلاصه میشود.

۱- توسط این نوع تلیفونها حینیکه تلیفون کننده کلام خود را با جانب مقابل ختم نمود بعد از گذاشتن گوشکی بچنگکک تعداد پول فیس را در لوحه مقابل خود میخواند که مجبور است همین مبلغ خواسته شده را در خزانه تلیفون بیندازد.

۲- اگر فرضاً پول خود به اندازه فیس معین شده نداشت به خاطر جمله سکه بزرگتر را در آنجا انداخته و سوپر اتومات پول اضافگی را فوراً در جعبه زیرین ضمن بلند شدن تون زنگ مسترد می نماید.

۳- اگر فرضاً تلیفون کننده سکه ناچل را تادیه کند فوراً در جعبه زیرین مسترد میگردد.

۴- اگر فرضاً تلیفون کننده بعد از تلیفون نمودن تادیه فیس را فراموش و از سوپر اتومات خارج گردد بعد از دودقیقه انتظار اتومات موصوف به مرکز توسط اشاره زنگ مخابره می نماید.

خاطره: چون قاعده است که هر تلیفون کننده و تلیفون گیرنده در شروع ارتباط خود را معرفی می کنند و در همین اثنا اسمای هر دوی شان در مرکز همین نوع سوپرها ثبت میگردد.

در صورت تادیه پول ناچل و یا فراموش نمودن تادیه فیس بعد از کمی انتظار به مرکز اخبار گردیده و پول را از شخص مذکور توسط بسته دریافت می نماید.

سوپر اتومات های موصوف به سه نوع سکه های پولی نظر بدوام کلام تلیفون کننده ها عیار شده می باشند.

ناگفته نماند که توسط همین نوع تلیفونهای سوپر اتومات نه تنها بین یکشهر بلکه بین شهر های مختلف داخل مملکت میتوان ارتباط قائم و حل مطلب نمود.

خط السیر تولی و یا تانکهای متذکره را مراقبت کرده نمی تواند در این احوال محل ترصد تخنیککی کندک پوسته ترصد تخنیککی و یا گروپ کشف تخنیککی جدا گانه افزاز نموده و حتی در بعضی احوالات محل ترصد تخنیککی برای تولی تحت اداره معاون تخنیککی ق ت تشکیل می شود.

در حربهای معاصر تانکهای عارضه دار و اراضی با مواد رادیو اکتیف گاز و با کتر لوژی آلوده می شوند بنابراین چک نمودن مناسب و دقیق وسائط قبل از تخلیه نمودن خیلی مهم بوده لهذا از نقطه نظر مواد فوق الذکر بصورت صحیح تفتیش گردیده بعداً به ترمیم آن اقدام شود.

جهت بر آورده شدن این مطلب افرادی که به گروپ تخلیه، ترمیم و محل ترصد تخنیککی کندک ارتباط دار دلزام است به کشف کیمیای و رادیواکتیفی خوب رسانیده شده باشند. بصورت نورمال افراد عیار کننده وسائط تولی ها و پرسونل شاپ کندک به این مقصد تعلیم و تربیه می شوند.

اگر برای معاون امور تخنیککی قوماندان کندک دو پایه بیسیم داده شده باشد یکی آنها به مقصد ارتباط کندک خود و دیگر را برای ارتباط قدمه خدمت تخنیککی غند بکار می اندازد با اتخاذ ترتیب فوق میتوان که از انکشاف وضعیت تکتیککی و قرار قوماندان کندک هر آن با خبر بوده و در عین زمان ارتباط دایمی را با قدمه مافوق نیز تامین کرده می باشد.

هر گاه سلاح های تانک متوقف عارضه نبرد داشته باشد به مقصد تحت تاثیر گرفتن دشمن در وقت تعرض مقابل برایش وظیفه داده شده میتواند این اجرات تنها به اجازه قوماندان کندک صورت میگیرد.

بعد از آنکه واسطه به عقب ستره آورده شد از طرف معاون تخنیککی قوماندان کندک معاینه گردیده و اندازه زمان را که برای اصلاح آن لازم است معلوم میکند، برای ترمیم آن بصورت نورمال باید یک ورکشاپ تانک دعوت کرده شود. هر گاه کار آن زیاد نبوده و سالز نه خصوصی لازم نباشد امر داده می شود. که سامان مورد ضرورت با یک یا دو نفر ترمیم خانه جهت معاونت مرتبات تانک استخدام و وظیفه را انجام دهد.

بعضاً اگر پائین نمودن ماشین ایجاب نماید در آنوقت ماشین رایه سرک نزدیک ترین آورده به معاونت ورکشاپ سیارتانک انتظار کشیده می شود.

وسائط که از طرف گروپ تخلیه و ترمیم کندک اصلاح شده نتواند به ستره و یا مرکز تخلیه جر گردیده و از آنجا به قدمه های بزرگ ترمیم انتقال داده می شوند. بعضی اوقات یکی از تولی های کندک تانک و یا چند عراد تانک آن بصورت جدا گانه از داخل قطعه اصلی اش با دشمن محاربه می نمایند در آنصورت محل ترصد تخنیککی کندک کسه اساساً چوکات کندک را تعقیب می نماید

در سنگر

نویسنده : لمړی دریدمن شمس الدین

هوا سرد شده بود . زمستان با تمام نیرو میکوشید سرما و یخندان را همه جا گسترش دهد . با وصف آنکه بالاپوش و تجهیزات ما را از شروع سرما تا اندازه نجات میداد باز هم پاهای ما یخزده و گوشهای مادر سوز خنکی کرخت گردیده بود . در چنین حالتی ما بیتابانه انتظار قومانده را در داخل سنگر میکشیدیم . آنطرف و اینطرف در کنار من افراد جزو تام ما در سنگر خویش با سرما درستیز بودند ، گویا ما باید در دو جبهه میجنگیدیم

یکی نبرد با دشمن که چند لحظه بعد با آن روبرو میشدیم و دیگری مبارزه با خنکی کشنده زمستان . قوای ما باید تعرض مقابل وضعیت مدافعه را گرفته بود و قراریکه از جبهه اطلاع میرسید ما در حال گرفتن وضعیت بودیم . بزودی قوای پاراشوتی ما در منطقه دشمن راه را سد نمود متعاقب آن طیارات بمباردمان ما سنگر های دشمن را با آتش کشیدند . توپچی نیرو مند ما نیز با آتش قوی خود مورال افراد مقابل را از بین برد . پیاده های خط اول بجمایه آتش و همچنین



برده کثیف آتش ما دشمن را بو حشت انداخته بود

تانکها و زرهپوشی های دشمن را عقب میراندند . همه اینها خبرهای خوش بود که روحیه ما را دران حالت تقویه مینمود . با آنکه لحظات دشواری پیش رو داشتیم امر باز هم این سرما بود که ما را تهدید میکرد . تغییر حرکات جبهه توسط وسایط سیم دار و بیسم ب همه میرسید و اطمینان ما باینکه فیروز خواهیم شد دقیقه بدقیقه پیشتر میشد . آتش کثیف و سریع توپچی ا بوس ما واقعاً شکاری میکرد و مصداق این گفته که توپچی حاکم میدان محاربه است عیان میگردد . درین میانها و وانهای ما نیز بیکار نبودند

هول مرگ آدم را فرامیگیرد . فقط حس خونسردی و روحیه قوی است که میتواند او را به تفکر وا دارد و نیروی امکان استفاده بهترین را از سلاحش ، در اختیارش گذارد . درست است وقتی آدم سلاح آتش دار باینچگی های کافی مرمسی در اختیار دارد میتواند مطمئن باشد که تا اندازه در امان است ولی اگر بقدر کافی شجاعت و قوت روحی نداشته باشد

و اهداف خود را خوب تحت تاثیر میگرفتند . مین های هاوان در برابر چشمان وحشت زده افراد دشمن رقص کنان خود را بزنگر و مواضع آن میکوفتند و مورال شانرا نابود میساختند . ضعف روحیه و از دست دادن خونسردی بزرگترین دشمن اراده و تصمیم انسان است . همیشه در لحظات دشوار دقیقه وجود دارد که

چنانس استفاده مطلوب از سلاحش را کمتر خواهد داشت .

حس خونسردی بآدم فرصت تفکر و اندیشه را میدهد و انسان میتواند بکمک همین تفکر و اندیشه وضعیت را خوب مطالعه کند، محاربه نماید و قرار صحیح میدهد. قراریکه با وضعیت و شرایط محاربه، دشمن، جو، امکانات استفاده از اراضی مطابق ورزد .

من در آنروز مردمی را دیدم که با وصف آشنایی باسلاح و در دست داشتن مهمات کافی باز هم میترسیدند، حتی درائتای انداخت از یادشان میرفت که گیت را بعقب بیاورند و پوچک را بپرانند. فقط بخاطر پندیدن پوچک در خوابگاه يك تفنگ آماده را غیر فعال و بيك چوب دست تبدیل مینمودند .

بلی! درحالیکه دوستان و همکاران من درسنگرها دقیقه شماری میکردند من باین چیزها میندیشیدم. بان روزها ئیکه هرگز فکر نمیکردم سرنوشت مرا بدامن اردو بیندازد و بعنوان يك صاحب منصب از

اجتماع تحویل دنیای نظامی دهد. دنیائیکه نظم و دیسپلین اساسی آنست. دنیا ئیکه بیدار خوابها و تعلیمات بخصوص را بآدم میآموزاند و بلاخره دنیائیکه بی اعتنا بسرما و گرما آدم را درون سنگرها میکشاند و بمحاربه وامیدارد .

من همیشه تاریخ را مطالعه مینمودم، اما هر وقت داستانهای جنگهای اول و دوم را میخواندم از اینکه میلیونها انسان بی توجه به سردی و گرمی - بی توجه به گرسنگی و خستگی ماهها و سالها را دور از آرامی و امنیت - دور از خانه و خانواده در کوه ها و بیابانها میچنگیدند و بدون نتیجه و غایه مطلوب انسانی صرف بخاطر اطاعت از اوامرو دایر کتیفها جان خود را بخطر مینداختند. سخت به تعجب دچار میشدم. اما حالا که این ایثار و از خود گذری و وظیفه من قرار گرفته هرگز نمیتوانم به عقاید گذشته ام باز گردم. بلخود فکر میکردم که آیا آشنا شدن با این جهان احساس مراتب تغییر نداده است؟ آیا این دنیا



بها از سنگرهای خود دلیرانه به تعرض پرداختیم

میتواند عطش بکسب دانش و میل به پیشرفت مرا بنشانند؟

با این فکرو هزاران اندیشه دگر، تلاشی در خود بوجود آورده بودم بکسانی فکر میکردم که دوازده سال بامن دریک صنف دوش بدوش پیش میرفتند و زمانیکه سرنوشت مرا با اینجا کشانید، مرابانگاه دور از اجتماع مینگر یستند . با نانی می اندیشیدم که اکنون درکنار بخاریهای گرم روی چوکی و توشکشان لمیده بودند و نعمات شور انگیز موسیقی از رادیو آنان را بدنیای لذت آوری فرو میبرد .

طوری درین عالم غرق بودم که گذشت ثانیه هارا دران سرمای کشنده از یادم رفته بود. هرگز به پاها و دستهای کرخت خود فکر نمیکردم . همه حواسم در گذشته تمرکز داشت و آینده مبهم چند لحظه بعد را از یاد برده بودم .

باز هم درین اندیشه بودم که اینجا و آنجا در کنار من - در پیشروی من، و در پشت سر من جوانان زیادی مانند من هستند که نه خارج از دنیای عسکری بسر میبرند و نه درکنار بخاری لمیده اند - اینها و صد ها جوان دیگر چون آنان بامن چه فرقی دارند؟ آیا اینان همان احساسی که من داشتم و دارم نداشته اند و ندارند؟ آیا نمیخواستند از یک جهان آسودگی بی مسوولیت برخوردار باشند؟

این پیشرفت ها در امور تخنیکی و فضا نوردی همه محصول دانشمندان متعلق بدنیای نظامی نیست آیا تاریخ علم و مدنیت مرهون مردان زحمتکش همین دسته نیست؟ این همه سیاستمداران و مردان مقتدر محبوب دنیا که هرروز بعنوان قهرمان و رهبر تجلیل

میگردند از دنیای نظامی بظهور
نرسیده اند؟ آیا آنان از همین سنگرها
بسوی افتخارات و عظمت رهسپار
نشده اند؟

پس اگر من و امثال من نتوانیم
برای خود و مملکت خود افتخار
و شکوه را کمائی نمائیم و یاتن به
فداکاری بدهیم، ازین مملکت
و ازین وطن و ازین افتخارات که
پدران ما باریختن خون عزیز خود
بدست آوردند که پاسبانی کند؟
این همه مردم را و منافع کشور را
که نگهبانی نماید؟

بیاد میاورم روز گاریرا که
دشمن با استفاده از نبودن قوای
منظم عسکری داره های کوچک
قومی را در هم شکست و مدتی هم
گلیم استعمار را هموار نمود. نبرد
میوند، حرب استقلال و جنگ نجات
مانند خاطرات گذشته در ذهنم
جانشین میشود. بیاد میاورم که
آنروزها جوانانی مانند من با تمام
قوت و نیرو جنگیدند تا گلیم سیاه

استعمار را برچیدند و بساط نشاط
دشمنان را برهم زدند. آنان جنگیدند
و خون خود را قربان و طن شان
نمودند. حالا چشم امید مردم مملکت
بمن و امثال من میباشد. من که
درین سرمای جانفرسا دور از خانواده
و دور از بخاری، جدا از لذتها
و آرامیها، در چنین بیابانی در سنگر
انتظار قومانده حرکت را میکشم.
در همین اندیشه بودم که ناگهان
قومانده مرا بخود آورد. بی اختیار من



آنروز آتش های دشمن نتوانست مانع پیشروی ما گردد.

و جزو تمام از سنگرها برآمدیم.
ما میدانستیم اگر افتان و خیزان
و دوان تحت تر بله پیش نرویم امکان
تشکیل یک هدف خوب را برای دشمن
بوجود خواهیم آورد. لهذا همه
تلاش ما این بود که خودمان را در پناه
آتش بجلو بکشیم و نگذاریم دشمن
با خیال راحت ما را هدف قرار دهد.
بزودی بمواضع دشمن رسیدیم و امر
هجوم داده شد. سنگرهای دشمن یکی
بعد دیگری ضبط گردید و سر انجام

باندای الله اکبر هدف را بدست
آوردیم.
دیگر سرمای جانفرسا از ما گریخته
وحس گرمی مطبوعی ما را در میان
گرفته بود. افراد دشمن بزودی تسایم
شدند. ولی ما برخلاف همه قوانین
دنیا اند کسی بعد افراد دشمن را
در آشوش گرفتیم. آخر این یک
تطبیقات آتشدار بود و افراد دشمن
را خود ما تمثیل نموده بودیم.
(پایان)

(بقیه صفحه ۶۰)

بطریه دافع ...

در جریان محاربه تصادفی بطریه
دافع هوا وظیفه داشت تا تعرضات
هوایی دشمن را توسط اسلحه دافع
هوا به عقب بزند با اجرای آتش های
موثر امکانات ازین بردن اهداف
توسط طیارات دشمن تقلیل یافته و
از نفوذ آن به عمق قوت های دوست
جلوگیری بعمل آمد. برای ازدیاد
و تامین موثریت آتش و کشف،
قوماندان بطریه بایست وضعیت را

محاكمه و فرار صحیح را قبل از
رسیدن جزو تمام های حمایه شونده
به خط *Panino* - تپه *Dlinnaya*
اتخاذ نموده و بعداً موضع سابق را ترك
گفته و سریعانه به موضع آتش جدید
در جنوب *Petelino* انتقال نماید
که درین وقت جزو تمام های پیشدار
Panomarevo، تپه های
Dvoynoye و *170,0* را اشغال
خواهند نمود.
(ختم)

اتلتیک



یا مسابقه نیز اجرا میشود اما این مسابقات خیلی کم و بندرت صورت گرفته و از همه زیادتر جمناپتیک مورد توجه قرار میگرفت. با آنهم يك عده محدود به اقسام و نوع سپورتها خوشبینی نشان میدادند و اکثریت مردم به صفت با زبچه اطفال و یا شعبده بازی آنرا نسبت میدادند چنانچه در بعضی نوشته های قدیم بوضاحت دیده میشود و طرز فکر آنوقت مردم نسبت به سپورت بخوبی نشان میدهد. تا نیمه قرن نهم آنقدر ارزشی برای ایننوع سپورتها قایل نبودند، لیکن از قرن نهم به اینطرف مورد توجه قرار گرفتند و اتلتیک خفیفه



دگر جنرال محمد عیسی حینیکه کپ قهرمانی را
یکی از مستحقین آن توزیع میفرمایند

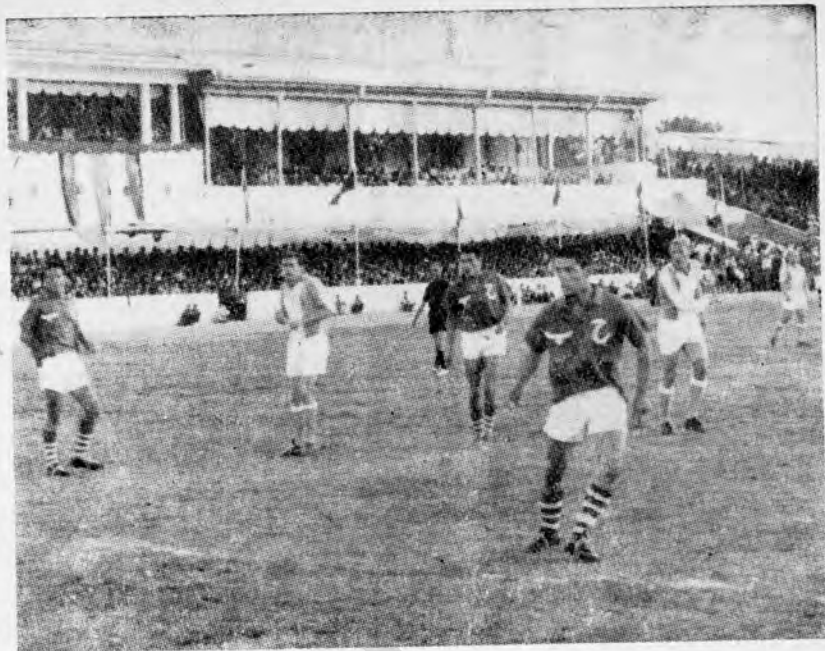
بحیث یکی از رشته های اساسی سپورت در آمده و قبول شد. هر کس کوشش میکرد تا مزیت و برتری در یکی از رشته های آن حاصل کند. در سال ۱۸۴۸ در لندن کلب

بمرور زمان اسکلیت خمیده بشر بجسم قوی، اندام متناسب فعال، و متحرك عوض شد و بتدریج در بین اقوام مختلف ورزش رایج گشت و عمومیت پیدا کرد و بعضاً رقابت های ورزشی

کلمه اتلتیک اصلاً یونانی میباشد (آتمیزسی) در زبان یونانی تمرین و مبارزه را معنی میدهد کسانیکه در مسابقات قوت و شطارت از خود نشان میدادند یونانی - ها به آنها اتلتیت میگفتند. اما در عصر حاضر این کلمه بکسی نسبت داده میشود که از نظر جسمانی عضلات و جسم نیرومند داشته باشد اتلتیک خفیفه در نیمه دوم قرن گذشته اهمیت سپورت را بخود گرفت ایکن انواع دوش، خیز و انداخت از قدیم وجود داشت که در اوائل تکامل بشر هنگام فعالیت روزانه آنها با طبیعت بمقصد بدست آوردن لوازم حیاتی مجبور

شده تا فواصل زیادی را طی کرده و موانع متعدد را از جلو خود دور کنند به اثر حرکات مشابهی که روزمره تکرار میشد شکل و قیافه جسمانی بشر نیز تغییر پیدا کرد. که

در جمله اعضای کمیته بین المللی اولمپیک یک قسمت ممالک اروپائی، اضلاع متحده امریکا و استرالیا شامل بودند و فیصله نمودند که اولین اولمپیا در سال ۱۸۹۶ در آتن برگزار گردد. که در نتیجه ورزشکاران سیزده مملکت در آن اشتراك کردند سپس بعد از هر چهار سال بازیهای اولمپیک در یکی از شهرهای اروپا و یا امریکا اجرا میشود. بصورت عمومی قبل از آغاز جنگ اول و بعد از جنگ عمومی دوم پنجم مرتبه بصورت متناوب و یک مرتبه بدون نوبت این مسابقات اولمپیک صورت گرفته است. که عجتاً بصورت مختصر تعداد ممالک، محل و سال برگزار این نوع مسابقات از ۱۸۹۶ الی ۱۹۵۲ تقدیم میگردد.



یکی از مسابقات دلیچسپ فوتبال حر بی پوهنتون

اولمپیک تاسیس گردید و بعد از ده سال ۱۸۵۸ اتحادیه اولمپیک که پانزده ممالک عضویت آنرا داشتند میان آمدودر نیمه قرن نهم اولمپیک خفیفه بین محصلین رایج گردید.

تعداد ممالک شرکت کننده	سال	محل مسابقه
۱۳ مملکت	۱۸۹۶	۱- یونان (آتن).
» ۲۰	۱۹۰۰	۲- فرانسه (پاریس)
» ۱۰	۱۹۰۴	۳- اتازونی
» ۲۲	۱۹۰۸	۴- انگلستان (لندن)
» ۲۸	۱۹۱۲	۵- سویدن
بر گزار نگردید	۱۹۱۶	۶- جرمنی
۲۹ مملکت	۱۹۲۰	۷- بلجیم
» ۴۴	۱۹۲۴	۸- فرانسه
» ۴۶	۱۹۲۸	۹- هالند
» ۳۸	۱۹۳۲	۱۰- اتازونی
» ۴۹	۱۹۳۶	۱۱- جرمنی
بر گزار نگردید	۱۹۴۰	۱۲- فنلند
» »	۱۹۴۴	۱۳- انگلستان
۴۹ مملکت	۱۹۴۸	۱۴- انگلستان
» ۷	۱۹۵۲	۱۵- فنلند

در سال ۱۸۶۴ اولین مسابقات بین پوهنتونهای اکسفورد و کمبریج انگلستان برگزار گردید که بعد از مدتی پوهنتونهای مذکور شکل سراز سپورتی انگلستان را بخود گرفتند. اولین مسابقات در بحر اعظم امریکا در سال ۱۸۷۵ اجرا شد و از آن تاریخ بعد انکشاف قابل ملاحظه در آن قاره پیدا کرد.

تا آخر قرن نهم اولمپیک خفیفه حیثیت سپورت بین المللی را بخود نگرفت در سال ۱۸۹۴ کمیته بین المللی اولمپیک تاسیس گردید و چنین تجویز کرد که مسابقات بین المللی در رشته های مهم سپورت در دونوبت اولمپیک خفیفه و اولمپیک ثقیله اجرا شود. اولمپیک خفیفه همچنانکه در المپیا یونان قدیم تمرینات

در اردوی مانیز همه ساله مسابقات اولمپیک برگزار میگردد درین اواخر توجه زیاد به آن شده و بایک تخنیک صحیح دنبال میشود چون فعلاً موسم یخبندان میباشد البته با بهبودی هوا از تمرینات و جریان مسابقات اولمپیک سپورتمین های جوان اردو خوانندگان محترم مجله اردو را نیز از جریان و از چگونگی آن اطلاع خواهیم داد.

په افغانستان کې د صفویانو نفوذ

او د هوتکيانو پر هڅو

(دوهمه برخه)

په ځنگلو کې او رولگوه ټولو په ټينگ عزم سره په ناموس قسم وخور او د ميرويس خان په مشرۍ د گرگين پر عسکر دیر غل کولو تياري ونيوه. جرگه پای ته ورسيدله او کله چه بلوڅ خپلو لځايو ته ستانه شول د مالبي د ور کړې څخه يی غاړه وغړوله گرگين چه په فضا کې ئی ورغوليدله نو سمدستي ئی د گرجيانو د عسکرو څخه يوه وسله واله فرقه د بلوڅو د خپل عزم نه داړولو د پاره هغه خواته واستول څرنگه چه په قندهار کې د گرگين عسکر لږ پاتې شول. ميرويس خان ټول پښتانه سره راټول کړل او په گرگين کې يرغلونه وکړل او خپله گرگين ئی د ټولو قوتونو سره دمنځ نه يوه. ځينی مورخين وائى چه گرگين د بلوڅو مخي تـه گرجی عسکر واستول نو ميرويس خان ته ئی وويل چه تاسو هم د بلوڅو په خلاف زمونږ سره په دې شخړه کې برخه واخلي گرگين چه ده خپلو عسکرو سره هغه خواته وخوځيد ميرويس خان د بلوڅو ټبر ته خبر ورکړه چه گرگين هم ستاسی مخي ته راوتلی دی. دا دی مونږ پری د ديخوانه يرغل وروړ او تاسی هم باید په کلکه سره د دوی مخه

چار سر تر ناموسه) خوبيا هم ميرويس خان چه د فراخی حوصلی او لوی فکر څښتن ؤ دوی ئی کرار کړل او وی ويل . چه ورونون موقع نه ده راخی د گرگين د باور حاصلو لو د پاره به خپله منځه دخپلی لور په لځای ورکړو او بيا به دوخت په تقاضا سره د دوی د ظلمونو د پای ته رسولو د پاره لاره هواره کړو ميرويس خان چه د قوم په سلاح سره دغه کار ته اقدام وکړه گرگين څو ورځی ښه خوښ ؤ مگر يـوه مياشت وروسته ئی بيا خپلو پخوانيو نادودو ته لاس ورته کړل د قام سپين ږیری بيا ميرويس خان ته راغلل چه نور د گرگين د ظلمونو چخ په غاړه نه شو وړلی او په هر قيمت چه کيږی دخپلی خاوری او ناموس د ساتنی د پاره دهرراز قربانی څخه غاړه نه غړؤ. دوهمه پلا ميرويس خان د کندهار په (مانجه) نومی لځای کې يوه بله ملی جرگه د هوتکيانو، ناصر و، بايانو، نورزيو، بابرو، بريڅو، مهمندو، کاکړو، بلوڅو، ترينو، الکوزيو او دنورو کورنيو مشرانو په گډون پرانستله دا هغه جرگه وه چه په افغانستان کې ئی د استعمار لمن ورغولنه کړه او د سخت سرو غليمانو د استعمار

نو د ميرويس خان د مغلوبولو د پاره ئی بله پلمه د او نيوله او دخپل زوی د پاره ئی د ميرويس خان څخه لور وغوښتله پدې پلمه کې د گرگين دوه نظرئى وی يوه دا چه که ميرويس خان خپله لور مونږ ته را کړې خودی به خامخا په پښتنو کې سپک بکاره شی مونږ به هم د خطر څخه خلاص شو. او بل دا که ميرويس خان لور رانه کړې د شخړو د پورته کولو د پاره به يوه بهانه پيدا شی او دی به د منځه يوسو، دا خبره چه ميرويس خان ته ورسيدله خورا سخت خفه شه مخکي د دينه چه گرگين ته منفی جواب ورکړی د (کوکران) په کلی کې ئی چه د ميرويس خان د زيږيدنی لځای دی يوه ملی جرگه جوړه کړله او د قومونو مشران ئی راغونډ کړل او دا خبره ئی په منځ کې کښيځودله پښتانه مشران د دې خبری په اړويدلو سره ډير زيات خفه شول. غوښتل ئی چه سم د واره دا خپلی غوښی د گرگين په خولی کې ورکړی. او يا د گرگين په وينو لځانونه ولمبوی. پدې خبره ډير وقاريدل لکه چه په پښتنو کې دا لوی متل دی چه وائی (د ثبات سره

و نيسي، په دې ډول ئې گرگين له منځه ويوړ. (۱)

مگر موضوع د پټې خزانې د مؤلف په قول د منلو وړده ولي چه د همدغه نېټې مورخ دى وائى چه غرننگه چه گرگين د بلو غو مخى نه و خو غيد نومير ويس خان د كندهار د بيارنه دباندى ددرى زره پښتنو غلميانو سره چه ټول د گرگين وينوته ليواله ؤ پر هغوى بريدونه و كړل او ټول ئې مړه كړل حتى يوتن هم پاتى نشو چه په كندهار كى ئې دگر جيانو عسكرو ته خبرور كړى وائى. د پښتنو غلميانو بېرته د استنيدل كندهار ته هم اسان كار نو وولى چه په بيار كى هم ډير مسلح عسكرو بخاى په بخاى شوى ؤ. نو دگرگين د عسكرو و جامسى ئې واغوستلى او په همدغه سياست سره چه گرگين انتخاب كولو دوى هم بيارته را ننوتل. خو كيدا رانوته كېت، مټ هغه دگرگين عسكرو بېكاره شول بيارته راغلل او د ميرويس خان په امر ئې د بيار په عسكرو اخ او ډب جوړ كړه او د كندهار بيار ئې تصرف كړه.

داد پښتنو د ملي نهضت او دهوتسكيا نو د دولت لمړى مرحله ده چه د ذيقعدة الحرم په ۱۹ نېټه په (۱۱۱۹) كال كى ئې په افغانستان كى د خپلواكى بيرغ او چت شه او د پردو تيرى كوونكو لاسونه ئې د توري په گذار سره غوځ او د منځه وويستل او ميرويس خان د لمړي ځل لپاره په افغانستان كى د يولوى

(۱) كه غه هم د گرگين پسه مرگك كى خلك ډيرى مختلفى نظر ئې بېكاره كوى مگر د پټې خزانې مؤلف چه د هغه وخت مورخ دى د گرگين مرگ ئې په پورتنى ډول ليكللى دى.

حکومت بنسټ کېښود او د غښتنې تعالی شکر ئې په بخای کې او دخپلې پياكسې، غیر تمنى ارادى ئې تر سره كړه ميرويس خان ولجى د قوم په ميانخ كى وويشلى او هغه خلك چه د گرگين د نار واگانو څخه ئې كورونه پريښى ؤ بېرته ئې كندهار ته راوستل او دريمه ملي جرگه ئې د قام سپين درو بواو مخورو څخه جوړه كړه او په ساده لمېچه سره ئې قوم ته د يووالى، همدردى او د هيواد د ساتنى په باب وينا گانې او گټورې خبرې وكړې، قوم هم پدې باب كى په يو آواز سره په پوره ايمان دارى و عدى وكړى دخاورى او ناموس د ساتنى دپاره ئې په سرو مال خپل چمتووالى بېكاره كړه.

ميرويس خان د لمړي ځل دپاره د مررو په ډبره كى سكه ووهله او د هيواد ټولې چارى ئې سمې كړې دباند نيو روابطو چارى ئې هم شاته ونه غورز ولى د صفويانو حكومت ته ئې دخپل حكومت په رسمياتو د پيژندلو په باب ليكونه واستول. مگر هغوى ته دا خبرې كوچنى او ټوكى بېكاريدى ځينى نمايندگان ئې د صفويانو د حكومت د لاس لاندې حكومت كولو دپاره دوى ته راواستول مگر د ميرويس له خوا نه دا بى خايه غوښتنى ونه منل شوى او هغه ئې بنديان كړل. صفويانو وسلې ته لاس واچوه پدې وخت كى د هرات ابدليان هم د صفويانو د لاس لاندې ؤ. په (۱۱۲۲)

هجري - ۱۷۱۰ هيسوى كال كى د كندهار خواته د جگړې دپاره را وخوځيدل مگر د ميرويس خان دخوانه ئې ماتى و ميندله خو وارى ئې په همدې ډول د صفويانو عسكرو ته ماتى وركړه. دى پرله پسى ماتو

د صفويانو حكومت له فار و دوست او يو مجهز فوځ ئې د گرگين وراړه (خسرو خان) په مشرى چه خورا لانجه مارسپرى ؤ د (۳۱) زرو عسكرو سره د پښتنو د تابع كولو دپاره په (۱۱۲۳ هـ - ۱۷۱۳ ع) كال كى د كندهار خواته راوستول. ميرويس خان د هلمند د سيند په غاړه ددوى مخى ته وروت خود پښتنو فوځ د صفويانو د عسكرو يو پر لسمه برخه ؤ خسرو خان وړاندې لار او هلمند د سيند څخه پور يوت په پښتنو كى پر ځينو كور نيو كړ كېچو نور ا پيدا كولو پيل وكړه لكه چه (عبدالله خان) د حيات سلطان زوى چه د هرات په ابداليانو كى ئې زيات نفوذ درلود او خسرو خان هم د ابداليانو او غلخيانو د كورنيو كشالو څخه خبر در لوده نو عبدالله خان ئې راوغوښته چه دلته ددوى دراتنگ څخه ناوړه استفاده وكړى مگر غرننگه چه عبدالله خان خورا هوشيار سپرى ؤ. پوه شه چه نن زمونږ سره مناسب نه دى چه دباند ئې يو خلكو په لمسون په هيواد كى دننه يوه شخړه جوړه كړې چه هغه هم په پاى كى دمغر ضينو په گټه تمامه شى دى كار ته تيار نشه او بېرته ولاړ. خسرو خان چه د هلمند د سيند څخه پور يوت د كندهار بيار ئې محاصره كړه ميرويس خان د بيار نه دباندې په خسرو خان يرغلونه كول. او ځينى پښتانه په بيار كې دننه په مدافعه بوخت ؤ. ميرويس خان بهر وخت د بيار پښتنو ته ډاډ گر نه استوله ولي چه دخسرو خان فوځ زښته ډير ؤ يو ځل به ئې حمله وكړه پښتنو ته به ئې زيانونه واړول. ميرويس خان پخپلې ډاډ گر نه ئې پښتنو ته داسى ويل. پښتنو ننگيالو

مخلمیانو نن مووخت دی زیارو باسی ء او په پوره ایمان داری و جنگیری . تن که غلیم پر مونږ بری و مومی یو تن ژوندی نه پریږ دی او د پښتنو نوم به بیا څوک په نړۍ ئی وانه وری شپاړس زره پښتنو په دی اړود وړ کی دهر راز قربانی اوسر پښاندی څخه ډډه ونه کړه . خسرو خان ئی دور سزه ملگرو په گلون دگر گین او دغه دملگرو په لیار واستول . دیو دیرش زرو عسکرو څخه مخینی کسانو لخوا نه میرویس ته و سپارل پنځه یا اوه سوه تنه د تښتی دلاری څخه بیرته ژوندی ولاړل . څه شمی چه خسرو خان دمغلو بیت سبب شه له پری د پښتنو ملی احساسات ورپسی د میرویس خان هغه ماهرانه اقدامات ؤ چه پوه شوی ؤ د خسرو خان فوځ دخانه سره دخوراکی مواد نه دی راوړی . پدی طمع چه په افغانستان کی به د آذوقی د برابرولو وسایل ولټوی . میرویس خان پری په افغانستان دغلی د تیارولو وسایل و تړل ولبری څخه مجبور شول چه په شالارشی . د اد میرویس خان وروستی جگړه وه چه په (۱۱۲۶ هـ) او (۱۷۱۴ ع) کال کی د صفویانو لښکرې ماتې و میدلته او دنا کامی سره مخامخ شول میرویس خان دوهمه پلا د هیواد اداری چاری سعی کړی او د پښتنو د آزادی بیرغ ئی بیا پورته کړه مگر د بده مرغه پدی وخت کسی داچل استاذی راورسیده او پری ئی انبند چه خپل داملی نهضت پراخه کړی په (۱۱۲۷ هـ) کال کسی د ذال حجة الحرام د میاشتی په ۲۸ نیټی ئی ددی فانی نړی څخه کوچ وکړه او په زړه کی ئی د قوم او خاوری ډیری بیرته پاتی هیلې ئی د خانه ویوړی دی وفات شو . او نوم ئی د تاریخ په پاڼو کی په بڼه

یادونه تر اوسه ژوندی پاتسی دی انالله وانا الیه راجعون . وائی چه میرویس خان اته کاله پادشاهی وکړه پدی موده کی ئی د هیواد د پراختیا د پاره ډیری قربانی وړ کړه په خلکو کی ئی دخپلواکی روحیه تر زیاتی اندازی پوری راژوندی کړه . که څه هم ده د هواد د پراختیا د پاره ډیری لاری چاری کتلې خود موقع دنه موندلو له امله څه ناڅه مخینی کارونه چه ئی په زړو کی ؤ تر سره نه شول وروستی وینا چه ئی د ناروغی په وخت کسی کوله پښتنو ته ئی دیو والی ، د پردو داستعمار نه منلو د پارسیانو حکومت ته غاړه نه ایښودلو او د هیواد د پرمختک د پاره دراز راز سر بندلو څخه ډډه نه کول ؤ دا خبری ئی په ډیر ضعیف ږغ سره کولی او په پای کی ئی داسی وویل (اصفهان و نیسی) د میرویس خان څخه دوه زامن میر محمود او میر حسین اویوه لور (زینب) پاتی شول . د میرویس خان مشر زوی میر محمود چه وروسته بیا په شاه محمود سره یاد شه اتلس کلن ؤ نونځکه د قام د مشرانو په سلاء سره د میرویس خان ورور عبدالعزیز خان چه یو استراحت خوښونکی سړی ؤ په پادشاهی و ټاکل شو . د عبدالعزیز خان سره د پښتنو لی اوقام ولی حس لړ ؤ . دی غوښتل چه په افغانستان کی د صفو یا نوسره د دوستی تړون په اثر بیا استعمار خپل کاروان و زغلو ی او پښتانه د استثمار دجن لاندی راولی . گوندی پدی شرایطو کی په کراره ژوند وکړی . په پټه کی ئی د صلحی غوښتلو یو لیک اصفهان ته واستوه که څه هم پښتون قوم ددی فعالیتو څخه منع کولو مگر عبدالعزیز خان د قام او خاوری ساتنه او خپل سیاست نه شو حمایه کولی یو کال وروسته

یعنی په (۱۱۲۹ هـ) کال کی د نارنج د قصر ، یعنی د قندهار د شاهي ارگ څخه ولویده او مړ شه . د میرویس خان مشر زوی میر محمود چه په (۱۱۱۰ هـ) کال کی دنیا ته راغلی ؤ کوم وخت چه میرویس خان د دنیا څخه سترگی پټی کړی دی اتلس کلن ؤ . د عبدالعزیز خان دیو کال پادشاهی وروسته دی نولس کلن شوی ؤ دپا د شاهي اعلان بی وکړه او د هغه وخت په تقاضا سره بی ډول و غږولو خلک ټول راغونډی شول چه لځان پوه کړی . یو گړی وروسته محمود له ارگ څخه د باندی راوت او وی یل تره می د استراحت غوښتلو په اثر ونه شو کولای چه د پښتنو ملیت او حقه حقوق وساتی . دی غوښتل چه د پښتنو په غاړه کی بیا د اسارت مخنیغ پریردی مگر غښتن تعالی پخپل قدرت سره د پښتنو ملیت ساتی . هغه ئی له منځه وویست . دادی زه د افغانستان دپادشاهی اعلان کوم که خدای کول د پښتون قوم ټولی هیلې به تر سره کړم . خلکو ددی د پوره پوهی او ټینګ عزم څخه خبر درلود په یوه ژغ سره ئی ددی پادچاهی ومنله په (۱۱۲۹ هـ) کال کی دپادچاهی نغاړه و دنگیده او شاه محمود پاچاشو . کله چه عبدالله خان د خسرو خان په ټکی وپوهید او بیرته هرات ته ولاړ هله ئی د هرات د ابدالیانو ملگرتیا د صفویانو پر ضد راغونډ شول (عباس قلی خان) د صفویانو والی او ښکار ندوی په هرات کښی ابدالیان د عبدالله خان په مشری ددی ټولنه څخه منع کړل او عبدالله خان ئی بندی کړ خود هرات ابدالیانو عباس قلی خان په ډیر و شخړ و د هرات څخه وشړه او عبدالله خان د بنده خلاص شه بیا صفویانو (جعفر خان) د هرات د خلکو کسار و لو د پاره را وستو و عبدالله خان د جگړی د پاره (دروشاخ) غره ته ولاړ او خلک ئی راټول کړل

اوپه (شین ډنډ) ټی حمله وکړه هغه ټی
 ډیر دو دلایه خلاص کړه بیایي د
 هرات په ټاریرغل وروړ په (۱۱۲۹)
 کال دروژی مبارکی په شپږو پښتانه
 نیمه یی دهرات دټار یو برج چه
 دافیل ، په برج یادیده و نیو
 لیر وروسته یی غوریان، مرغاب ،
 بادغیس هم لاسته راوستل
 (جعفرخان) ناکام شو. بیاصفویانو
 (صفی قلی خان) دپنځه دیرش زره
 عسکر او توپونو سره دی خواته
 واستول صفی قلی خان ددی نه پخوا
 دصفویانو په دربار کی دقاضی القضا
 ډنډه په غاړه درلوده ډیر بادیانته
 سړی و مگر دغینی خلکو په خولی
 یی لاسونه دکارڅخه وپستل شوی و
 کله چه پاچا بل داسی سړی
 پیدا نه کړه بیرته یی دی راضی کړه
 او دابدالیانو دکرار ولو دپاره
 راواستوؤ. د فارس پرسرحدو کی
 ټی دولس زره آزادی غوښتونکی
 (ازبکان) له منځه یوړل په ډیر سیاست
 او غورزنگ کی دهرات خواته راغلل
 دهرات آزادی غوښتونکی
 (داسدالله خان) د عبدالله خان دعوی
 په مشری ددوی مخی ته راووتل
 اوپه (کاریز) نومی کلی کی یوه
 لویه جگړه وشوه زرکسه پښتانه
 شهیدان شول. اسدالله خان دغا نه
 سره فکر وکړه چه زمورقوه ډیره
 لږه ده باید پردوی باندی په یو نخل
 یرغل یو سو گوندی بری زمو نیر
 په برخه شی.

پدی ډول دوی حمله وکړه
 داسی ټی وارخطا کړل چه ددوی
 توپ چیانو دخپل پردی فرق ونشو
 کولای خپله یوه لویه فرقه عسکری
 چه دوی گمان کوو گوندی پښتانه
 دی دجگړی دصف څخه وویستل
 پدی ډول صفی قلی خان او زوی یی
 داته زره کسانو سره مړه شول .
 نور سره تبت ویرک شول وسلی او نور

مالونه ټی پښتنو ولوتل په (۱۷۱۹ع)
 دمشهد څخه پرته ټول ښارونه
 آزاد شول یعنی دخراسان لودیزی
 برخی خیلواکی شوی بیایي فرهم
 ونیو او خپلواک حکومت ټی جوړ
 کړه په (۱۱۳۲هـ) کال کی چه
 شاه محمود دسیستان دنیولو دپاره
 راوخوځید غرنګه چه فراه داسدالله
 خان په قبضه کی و دشاه محمود
 عسکروته ټی دقراه څخه تیریدلو
 لارورنه کړه لویه شخړه جوړه شو
 په نتیجه کی اسدالله خان مړشو
 شاه محمود هم جگړه بس کړه او
 ډیر خفه ستومانه شو او داسدالله خان
 مړینه یی دافغانستان ددواړوخواو
 داردو گانو دپاره ستره ضایعه وبلله
 پدغه پلا په (۱۱۳۳) هجری
 کال کی دکرمانشاه خلیکو
 دشاه محمود څخه وغوښتل چه
 کرمانشاه ته ولاړشی دوی دبلوڅو
 دظلمونو څخه خلاص کړی ددوی
 ددی غوښتنی په اساس شاه محمود
 هغه خواته وخوځیدل کدغه هم
 دسیستان ریگستان دوی ته په لار
 کی خنډونه پیدا کړل مگر دډیرو
 کړا ووتو دگاللو څخه وروسته
 هلته ورسیدل دکرمانشاه خلکو
 دوی ته گمانونه وسپارل دصفویانو
 حکومت چه د شاه محمود ددی
 فعالیتونو څخه خبر شه یو برجسته
 جنرال (لطف علی خان) دفتح علی خان
 صدراعظم وروړ چه پدغه وخت کی
 (عباس دبندر) حاکم و دشاه محمود
 مخی ته دیولوی قوچ سره هلته
 واستاوه پدی نازک وخت کی
 شاه محمود ته خبر راورسید چه په
 قندهار کی داخلی شورښونه وضعیت
 خوراخرپر کړی دی (نمیه) میاشتی
 وروسته دهغوی دکرارولو دپاره
 بیرته قندهار ته راغی کدغه هم داخلی
 بحرانونه میر حسین دشاه محمود کشر
 وروړ دغو مرضینو دمنځه وړلو په
 فعالیت کرار کړی و مگر په لمړی
 مرحله کی دشاه محمود دراستنیدو

سبب شول. لطف علی خان بیرته کرمان
 شاه ونیو دصفویانو په کابینه کی
 دواړه وروړونه ډیر مخور او دقد رور
 وگرزیدل. مگر دغینی خلکو دشیطان
 په اثر پاچا و بیری د صدراعظم ټی په
 دواړو سترگو وړند کړه او لطف علی
 خان ټی هم په زندان کی و اچوه
 شاه محمود دوه کاله د عسکر و منظم
 ټولگیو په جوړولو او وسلو
 په برابرولو کی تیر کړه . بیایي په
 ۱۷۲۲ دجنوری په میاشت کی چه د
 ۱۱۳۵هـ کال سره همصادف وو.
 دپښتنو دډیرو کورنیو څخه د۲۵ زر و
 عسکرو سره دسیستان دشکو څخه تیر
 شول کرمان شاه ټی ونیو . مگر
 دکرمان شاه قلعه چه د لطف علی خان
 په وخت کی ډیره قوی ، محکمه او اوچته
 جوړه شوی وه ونه نیوله د کلا حکمران
 ۲۲۵۰۵ پونډو په منلو سره دصلح
 شرایطو ته غاړه کمیښوده . غرنګه
 چه شاه محمود د کلا دخرابولو عزم
 نه درلود نو د کرمان څخه ټی د (یزد)
 په لوری خپل عسکرو ولگیدول دیزد
 ښار د اصفهان ۲۱۰ ملی کی پروت
 دی دغه لاره ډیره وچوبه او سپیره
 پاگونه لری په خورار پرونو سره
 دیزد ښار ته ورسیدل دیزد دښار په
 شاوخوا کی ژوری کنډی ایستل
 شوی او په خندقونو سره دهغه لښای
 دخلکو له خوا احاطه شوی و دغه
 ښار شاه محمود په ښه تدبیر سره
 محاصره کړه یزدیو کوچنی ښار و
 شاه محمود ډیر نخله هلته لازم ونه گڼه
 همداسی کلابند ټی پریښودا و د
 اصفهان خواته وخوځیده مجد قلی خان
 صدراعظم له خوانه شاه محمود ته
 یولیک راغی چه که تاسو د همدغه
 لښای څخه ستانه شی دصفویانو دولت
 به تاسونه ۳۷ زره پونډه درکړی
 مگر شاه محمود غوښتل چه دوی
 پخپل کور کی کلابند کړی . بللی داسی
 فکر کوو چه صفویانو په قندهار کی
 حکومت کړه دی پښتانه هم باید په اصفهان
 کی حکومت وکړی . (پاتې لری)

ځوانی او د ځوانانو د ژوند بار رښته دوره

۱- ق « بیغرض »

د انسانانو د ژوند هره دوره ځانته خصوصیات، شرایط او ایجابات لری او دا ځانگړی شرایط انسان مجبور وی په هغه ټاکلی لار لارشی کوم چه طبیعتاً مقرر او ټاکل شویدی .
دا ځانگړی شرایط په دی ډول تعین او ښوولای شو مثلاً :

کله چه انسان د کچنی والی په دوره کښی وی ، د دوی څخه د ډیرو لویو کارو لکه سیاسي، علمی او د لویو قوتوپه مقابل مدافعی او مجادلوی چنگونه، مبارزی او شخړی جسمی او طاقت فرسا کارونه او داسی نور څنگه چه شائی انتظار کیدای نشی بلکه د کچنیو کارونه او فعالیتونه پدلمړی قدم د پوهی او معرفت زده کول او د ژوند مستقبل دوری لپاره ځان آماده کول دی. په همدی ترتیب د زړو و وظایف او کړنلارهم ځانته علیحده شرایط او خصوصیات لری چه په تیره د دوی تجربیات او پخه نظریات او مفکورات د اجتماعي ژوند په هکله له هر څه نه زیات گټور تمامیری .

کله چه انسان د کچنی والی په دوره کښی وی ، د دوی څخه د ډیرو لویو کارو لکه سیاسي، علمی او د لویو قوتوپه مقابل مدافعی او مجادلوی چنگونه، مبارزی او شخړی جسمی او طاقت فرسا کارونه او داسی نور څنگه چه شائی انتظار کیدای نشی بلکه د کچنیو کارونه او فعالیتونه پدلمړی قدم د پوهی او معرفت زده کول او د ژوند مستقبل دوری لپاره ځان آماده کول دی. په همدی ترتیب د زړو و وظایف او کړنلارهم ځانته علیحده شرایط او خصوصیات لری چه په تیره د دوی تجربیات او پخه نظریات او مفکورات د اجتماعي ژوند په هکله له هر څه نه زیات گټور تمامیری .

کچنیانو د کورنیو او اجتماع امیندونه او آرزو گانی وی چه دانه دوره په خپله برخه کښی د انسانانو د اجتماعي ژوند د ترقی اوبقا یواځنی عامل شمیرلی شو .

کله چه ځوانی ، کچنیوالی او زړښت هر یو د علیحده شرایطو او خصوصیاتو څښتنان دی په همدی ترتیب د ځوانی مشخصه دوره د ژوند ماحصل او اساسی دوره گڼل کیږی .

ځوانی یوه داسی دوره ده چه دی

دوره کښی ځوانان تل د کورنی ، اجتماع ، مملکت، عنعنات او کلتور لویانو، ورو او زړوپه نزد ډیر لوی مسئولیت لری چه دا مسئولیت یا مسئولیتونه ایجابوی د مملکت ټول ځوانان د حق او حقیقت طرفداران وی د ثبات او ارادی د پوهی او معرفت د قوت او نیرو خاوندان وی ، له جعل ، بی دینی ، ظلم او قضاوت ، حق تلفی او ساخته کاری سره سره سره مجادله و کړی او کله چه دوی مهال د شخصیت او علویت وی د بیچاره و ځنکو ، مضمحلو او کنه وړندوپه خدمت ښه ښه نومونه او افتخارات و گټی او دخپل مملکت د ترقی په هڅه د ډیر فدا کاری او شجاعت څخه کار واخلی زموږ د مملکت اصیل ځوانان تر هغه اندازی چه د علم او معرفت څخه برخوردار شویدی د ښه شعور او احساسات خاوندان گرځیدلی دی د مملکت د ترقی عوامل او د پسمانی اسباب ښه تشخیصولای شی دوی باید په متحد ډول د پخه عزم خاوندان شی او د پخه عزم او ارادی له مخی هغه لیاری او چاری تعین کړی چه د مملکت د ترقی او د اجتماعي ژوند د ښه بودی عوامل او اسباب راغونډ کړشی څه چه او اما دیادولو ووردی د تحصیل دوره ده

کله چه د ډیرو کلو راهیسی زمونږ د مملکت د ډیر ځوانان د عالی تحصیلات او لوړو لوړو ښوونځیو څخه د ډیری لیک داخستلو نه پس به مختلفو کارو لاس پوری کړیدی او لکه هغه او به چه له سرچینی څخه په شتاب او تیزی خپل جریان تعقیبوی او پس له څو قدمو تیزی څخه په یوه ارته ساحه ټیټیری او خپل دنگ لار څخه اوږی او د کانو او بوتو به مینځ کښی ځای ونیسی او یا هم په ډیر سستی سره هیسته راهیسته لکه خفیه ډیوه ځلیری او د خپلو درسو ما، حاصل او نتایج څرنگه چه ښائی نشی څرگندولای .

داسی وی زمونږ د مملکت د ځوانانو حال ، البته اکثریت داسی نه وی اما محدود و طبقه لاسه څه کیږی ؟ تر څو ټول په متحد ډول دخپلو کمالاتوله لیاری د مملکت د ترقی کښی برخه واخلی- یواځی څه چه اوس مونږ ډیر محسو سو و یواځی تئوری او نظریات دی، دا تئوری گانی او نظریی تر کله به وی ؟ باید ندی تئوری او نظریاتو په ځای عملی کار ونوته لاس پوری کړشی او دخپلو درسو او تحصیلاتو نتایج څرگند کړای شی - د دوی چه د مملکت د ښوولو او کنه وړندوپه پیسور وزل شویدی پس د دوی مسئولیت څومره لوی او درنده ده ؟

رادیو کامره



ترا نزیستور مساتیمیک
 (Transistomatic-Radio -
 Kamera) - يك فابریکه انگلیسی بنام
 General Electric Co-ltd)
 آله دلچسپی رامر کسب از رادیو
 ترانزیستور و کامره عکاسی تولید
 نموده جنسیت کامره عکاسی آن از
 نوع کودک بوده و رادیو ترانزیستور
 آن دارای آخذه امواج طویل و
 متوسط می باشد. منبع انرژی دهنده
 آله چهار عدد بالتی های قلمی ۱.۵۷
 می باشند.

خاصیت هائی دیگر ترانزیستور
 آن آخذه مخصوص استیشن های

بین المللی رادیوئی میباشد که نسبت به اشتمیشن های فرعی امواج آن ها را خوب تر
 و صاف تر اخذ می نماید از قبیل رادیو ویانا، مونتیگرلو و لگسبورگ و غیره.
 ترانزیستور دارای آنتن فلزی مخصوص بوده که در موقع ضرورت
 با آنتن اتومبیل نیز بسته شده میتواند. و دارای ترتیبات گوشکی برای
 گوش نمودن آواز خفیه نیز می باشد.

آله عکاسی Kodak Instamatic به بسیار آسانی به جعبه
 ترانزیستور گذاشته شده و نصب می شود.

کامره در نوع خود بسیار ساده و نام اتوماتیک می باشد. فلم مورد استفاده
 آن ۲۶×۲۶ ملی متر در گونک دو طبقه می باشد.

در داخل کامره ترتیبات فلش از جمله ابتکارات عالی در ساختمان آن
 می باشد. و نسبت خصوصیت ساختمان ۳ عدد گروپ فلش فالتو نیز در جعبه گک
 آن گذاشته شده.

از جمله خصوصیات عالی دیگر این آله فعالیت های بدون وابستگی
 رادیو ترانزیستور و آله عکاسی آن میباشد یعنی منابع انرژی دهنده هر کدام

این آله ها بصورت جداگانه تعبیه
 شده است. در حال فعال بودن رادیو

عکاسی معه فلش نیز صورت گرفته
 می تواند. بحساب فوق فابریکه

فوق الذکردو رفیق صمیمی سیاحین
 توریست های امروزی را یکجا ترکیب

نموده ضمن خصوصیات و صفات
 عالی برایشان عرضه میکند.

رادیو ترانزیستور و کامره
 عکاسی دو آله مهمی هستند در تمام

سفرها سیاحین را استقبال می کنند.

زمونیر دسملکت دخلکوسترگی
 یوالخی دیسه و او رسیدلی خوانانو په
 لور اړول شویدی اود دوی توقع
 داوی چه دادقوت او نیرو و غیبتنان
 خه وخت زمونیر دآراسی او دسملکت
 دترقی اسباب راغند ولای شی؟

دایوه لویه سهوه گیل کبیری چه یوخوان
 داجتماعی خدساتو په غای به بالموسی،
 په شخصه آراسی او داسی نور لاس
 پوری کپری بلکه دا سهوونه غه چه
 لوی جرم اولوی خیانت دی او ترخه
 نتایج به ئی آخر ته خرگند شی!
 پوه، غیبتلی او مثبت یوخوان هغه

دی چه خپل اجتماعی مسؤلیتونه و پیژنی
 او خپل ذمه و اری دلوی خدای (ج)
 سملکت، گران تولواک، اجتماع او
 محترم لو یانو په نزد ادا کپری او
 هغه افتخارات و گټی کوم چه خلک
 ورته فداکار او دسملکت اصیل یوخوان
 خطاب کپری او دده ارادتی، قدرت،
 پوهوالی، عزم او ثبات ته پخه ایمان
 او عقیده وشئی.

داؤ دخوانی دوره او اساسی
 او اصلی دنده چه دخوانانو په برخه
 تعیین شویدی - او داجتماع امیدونه
 او انتظار ددوی خخه!

همه لرو دسملکت خوانان خپل
 افتخارات په ښو کارو اود عملی
 اقداماتوله لیاری و گټی اود اجتماع
 په نزد خپل مسؤلیتونه ادا کپری.

(بقیه صفحه ۷۱)

صحفک های دردناک

بودند و سرزمین تاریخی خود را
 موقتاً از دست داده بودند اما هرگز
 زنجیر غلامی عساکر خود خواه
 آلمانی را قبول نکردند جنگیدند
 کشتند و کشته شدند و در نتیجه
 در تاریخ بشریت چنان دلیری هائی
 از خود نشان دادند که شهامت
 و جانبازی های شان برای همیشه
 در صفحات تاریخ و در اذهان بشریت
 جاوید خواهد نامد. (پایان)

میاورند من بتمام مردم دنیا نشان
 خواهم داد گورینک کیست جنرال
 های نیروی هوائی آلمان با دهان
 باز و چشمان گرد و حیرت بی نهایت
 به هزیان گویی جنون آمیز قوماندان
 عمومی قوای هوائی آلمان گوش
 میدادند و نگاه های معنی داری ردوبدل
 می گردید. اما بالاخره این آرزوهای
 خود را گورینک بگور بزد عساکر
 فرانسوی با وضعی که شکست خورده

واحدیات معاصر

تصنیف ششم

و دستورات (ماکیاول) فیلسوف و سیاستمدار قرن ۱۵ ایتالیا است . ماکیاول در سال ۱۴۶۹ متولد و در سال ۱۵۲۷ میلادی وفات یافت . فشرده افکار ماکیاول که به ماکیا و لیسم معروف میباشد بقرار ذیل است :

برای استقرار حکومت موفق و مقتدر بائیسیت با طبقه اشراف مدارا کرد و طبقات پائین را بهر وسیله غیر معقول هم که شده است مطیع و منقاد نمود، در سیاست اعمال زور و تیرنگ و تزویر و دورویی و دروغ جایز است و خلاصه باهر وسیله ای باید حاکم قدرت خویش را حفظ نماید چون مردم ذاتاً فاسد و فطرتاً شرور هستند مبنای اخلاقی و سایر اصول موضوعه را بایست فدای بعثت افشای امرار سیاسی تحت تعقیب قرار دادند ولی پس از آن عقاید او در اروپا بوسیله حکومت ها پیروی شد و بسیار از زمامداران قرون بعد طرفدار عقاید او شدند . امروزه به سیاستمداران بی پرستی و ستون و زور گو که به هر نیرنگی موقعیت خود را حفظ می کنند ، ماکیاولیسم گفته میشود .

داشت و مار کس بیش از هر فیلسوف و صاحب نظریه سیاسی دیگر ، عقایدش مورد قبول واقع شده است .
مارکی *Marquis* : عنوانی اشرافی در بعضی کشورهای اروپائی
مارکیز *Marquise* : همسر مارکی .

مارگریت *Marguerite* : اسمی که بروی دختران می نهند ، گل مینا .

مارمالاد *Marmalade* : نوعی آب نبات که از عصاره میوه و شکر جوشانده بدست می آید .
مازوت *Mazout* : نفت سیاه یکی از موادیکه از نفت خام بدست می آید .

ماشین *Machine* : دستگاهی که دارای چرخ و پره باشد و بحرکت درآید .

ماشینیسم *Machinisme* : ماشینی، ماشین مانند، روش کار با ماشین .

ماکارونی *Macaroni* : آش فرنگی، رشته فرنگی، نوعی خوراک - ایتالیائی .

ماکیاولیسم *Machiavelisme* : ماکیاولیسم که آنرا (فلسفه استبداد جدید) می نامند مجموعی اصول و روش

ماتیک *Matique* : روزلب ، لپسین ، سرخی که ز نان جهت آرایش بر لب میمالند .
مادام *Madame* : خانم ، میرمن بانو .

مادموازل *Mademoiselle* : دوشیزه ، دختر ، بیغله .

مارس *Mars* : ماه سوم فرنگی
مارس ، آرس *Mars Ares* : در اساطیر یونان خدای جنگ .

مارک *Marque* : نشان علامت
مارک *Marc* : واحد پول در بعضی کشور های اروپائی در قدیم ، واحد پول امروزه در آلمان .

مارکسیسم *Marxisme* : عنوان فلسفه کارل مارکس فیلسوف آلمانی و واضع فرضیه کمونیسم جدید میباشد که در واقع تبیین سوسیالیسم است طبق نظر و تفسیر مارکس .

مارکس در سال ۱۸۱۸ میلادی در آلمان متولد شد . فلسفه مارکس به مارکسیسم معروف است و اساس آن ماتریالیسم میباشد .

در نظر مارکس تمام تحولات اقتصادی يك جامعه و حتی تاریخ يك جامعه نتیجه عوامل مادی است عقاید مارکس در اوایل قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ طرفداران زیادی

مالاریا Malaria: نوعی بیماری

تب و نوبه که عامل انتقال آن پشه ای موسوم به (آنوفل) میباشد، تب لرزه. ماموت Mammot از جمله حیواناتی که در زمان باستانی وجود داشته و شبیه فیل های امروزی بوده است لیکن در این زمان نسل این حیوان از بین رفته است.
مانی Manie: جنون، نوعی بیماری روحی.

مانیه تیسیم Magnetisme:

مقناطیس طبق نظریه (مسمر) سیاله یانیروئی در بدن انسان که حالت تشعشعی داشته و قادر است با اراده یکی از تنی به پیکری انتقال یافته و بدینوسیله سبب بهبود و شفای برخی از بیماریها، خصوصاً بیماریهای روحی گردد.

مانیه تیسیم اینمال

Magnetisme Animal:

مقناطیس حیوانی.

مانیه تیسیم مینرال

Magnetisme mineral:

مقناطیس معدنی

مبل Meubl: اثاثه چوبی خانه

از قبیل: میز، چوکی، کاوچ، چوکی های فلزی بارو کش های مخملی یا پارچه های مخصوص.

متاپسیکولوژی metaPsychologie

ماورای روان شناسی، در مکتب (فرویدیسم) با آن قسمت از عقاید فروید اطلاق میشود که به فلسفه گرآئیده است فلسفه خاص فروید از دیده گاه (پسیکانالیز).

متر Metre: مقیاس طول،

معادل باصدساتی متر.

مترایژ Mètrege: اندازه گیری

بامتر، اندازه و طول متری هر چیزی

مترالیوز Mitrailleuse:

ماشیندار شصت تیر، مسلسل.

مدال Medaille: نشان افتخار

نشان فلزی که به سبب شایستگی و لیاقت بکسی اعطا شود.

مدوز Meduse: نوعی جاندار

دریائی که دارای بازوان بلند و متعدد است.

مدماژور Modemajur: مقام

یادستگاهی در موسیقی غربی

مدمینور Modemineur: مقام

و دستگاهی در موسیقی غربی،

مدیست Moditse: مدساز،

طراح چیزهای نو و روز پسند.

مدیوم Medium: واسطه شخص

واسطه ای که در احضار ارواح نقش میانجی را مابین ارواح و احضار کننده روح یاروان خواه ایفاء میکند.

مورفین Morphine: ماده ای

که از تریاک گرفته میشود و نیروی مخدر زیادی دارد.

مرکور Mercure: سیماب، جیوه

مرکور Mercure: نام رومی

(هرمس = Hermes) خدای سفر و تجارت در افسانه ها و اساطیر یونان.

مرکور کرم Mercur chrome

داروئی است که در محل زخم یا بریدگی برای بهبود و بهم آمدن جراحت میمالند.

مسمریسم Mesmerisme:

عقاید (مسمر) طبیب مشهور اطریشی داکتر مسمر ضمن مطالعات خود در باره هیئت و وضع افلاک و ستارگان بدین پندار شد که ستارگان در چگونگی سرنوشت آدمی تأثیر داشته و در ضمن دارای نیروی مخصوصی میباشد که بشکل لطیف و رقیقی در هوا موج میباشد. مسمر معتقد بود که این امواج لطیف همه جا را فرا گرفته و همواره در حرکت هستند لطافت و نیرومندی آنها آنچنانست که قادر اند از روحی بروحی دیگر و از جسمی به جسم دیگر منتقل شوند. مسمر ادعا

میداشت که بوسیله انتقال این سیاله از جسم انسانی و اجده شرایط به بیمار میتوان سلامتی او را تضمین نمود. البته عقاید مسمر در طول زمان همراه با تخریب بیاتش راه تکامل پیچود و بالاخره منجر به پیدایش (مانیه تیسیم) گشت که راهی بسوی (پسیکانالیز) بود.

میکا نیزه Mecaniser:

ماشینی کردن، بصورت مکانیکی در آوردن.

مکانیک Mecanique:

مکانیک، ماشینی، فن ماشین سازی. خود کار، ماشینی، فن ماشین سازی. شیره Melasse: شیره چغندر یا بلبلو که بشکل قند و شکر درمی آورند.

ملا نکولی Melancolie:

مالیخولیائی، نوعی بیماری روحی.

ملودرام Melodrame:

درام تفریحی، درام آمیخته با رقص و آواز و موسیقی، که جنبه های تفریحی و شاد زندگی را با هم نمایش دهد، از انواع نمایش که هدفش، تمهیح تماشا گرانتست بوسیله بیان هیجان انگیز یا پر طعنه اراق، بی آنکه هیچگونه حقیقت روانشناسی باقید هنری را در نظر گیرد. در اصطلاح موسیقی، درام عامیانه ای که گاهی بار کستر شعرا است درامی که برای موسیقی یا اپرا ساخته شده باشد.

میلیارد Milliard: هزار

میلیون.

میلیاردر Miltiardaire:

کسیکه ثروت و دارائی اش بیش از یکمیلیون باشد.

منگنز Manganese: نوعی

فلز که بیشتر بحالت اکسید پیدا میشود.

مننژیت Meningite:

بیماری که موجب تورم و چرک

برده مغز میباشد و بیماری خطرناک
و فوق العاده درد انگیز است.

منو درام *Monodrame* :
درامیکه فقط بوسیله یک بازیگر
انجام گیرد.

منودی *Monodie* : نوعی
آواز یونانی که بایکصدا خوانده
میشد و سازی آنرا همراهی نمی کرد.
امروز آهنگ یک صدائی بدون
همراهی ساز.

سینزی *Magmesie* : نوعی
دارو که برای رفع سوءهضم و لینت
مزاج میخورند.

سینسز یوم *Magnesium* :
فلزی است نقره‌ای رنگ که در ۶۵۱
درجه حرارت ذوب میشود.

موبوکراسی *Mobocratie* :
حکومت رجاله‌ها و مردم عوام
که غالباً در خلال بحرانها و تحولات
و آشوبها بشکل موقتی تشکیل
میشود.

موتور *Moteur* : به جنبش
آورنده، محرک، دستگاهی که
بوسیله آن ماشین حرکت می‌آید

موتوسیکلت *Motocyclette* :
موتورسایکل، بایسکلی که بوسیله
نیروی موتور حرکت کند.

مورس *Muors* : مخابره پیام‌ها
و مطالب بحروف و اعداد رمز.

موز *Muse* : موزها در افسانه
ها واساطیر یونان عبارت از پریان
نه گانه‌ای بودند که هر کدام
سرپرستی یکی از هنرها را بعهده داشتند
و وجودشان مایه الهام به هنرمندان
میشد.

موزائیک *Mosaïque* :
نوعی آجر که باسمنت و سنگریزه‌های
رنگین ساخته میشود.

موزه *Mosee* : نمایشگاه آثار
باستانی، موزیم.

موزیسین *Mosicien* : موسیقی
دان، نوازنده.

موزیک *Mosique* : موسیقی
- **موزیکال** *Mosicel* : همراه

باموسیقی، یا موسیقی.
موسلین *Movsseline* :

پارچه‌ای ظریف و نازک از ابریشم.
موزیک *Mcvjik* : دهقانان
روسی راسی‌ناسیده اند.

موسیو *Monsieur* : آقا،
بشاغلی.

مولکول *Molecule* : کوچک
ترین جزء یک جسم مرکب.

مونتاز *Montage* : برای
تهیه فیلمی در اولین و جمله از صحنه‌های
مختلف پیام برداری میکنند آنگاه

از ترتیب و ترتیب قسمتهای مجزا
و مختلف صحنه‌های فیلم را بشکل
مرون و خود می‌آورند این عمل را
در اصطلاح سینمایی (مونتاز)
میگویند

موند *Monde* : در لغت بمعنای
دنیا، جهان و در اصطلاح بمعنای
جامعه بشریت، اجتماع، آداب.

مونوپول *MonoPole* :
انحصاری، محدود شده.

می *Mai* : ماه پنجم سال
عیسوی.

مهایانا *Mahayana* : بودائی
شمالی، شیوه‌ای از دین بودائی که
در کشورهای شمالی چون تبت،
چین و جاپان شیوع دارد.

میترائیسم *Mitraisme* :
خورشید پرستی، آیین بسیاری
از اقوام بدوی که در حالت پرستش
مظاهر طبیعی بودند، آیین اشکانیان

میسون *Mission* : گروه
و هیئت نمایندگی یا مبلغین مذهبی،
فرهنگی و سیاسی.

میسوار *Missionaire* :
عضو هیئت نمایندگی، مبلغ مذهبی

میتی سیسم *Mytieisme* :
مکتب تصرف و عرفان.

میکا *Mica* : نوعی سنگ
برننگ، سیاه.

میکادو *Micado* : لقب
امپراتوران جاپان.

میکروب *Microbe* : جانوری
ذره بینی که موجب بروز بیماری
یا سرایت آن میشود.

میکروفون *Microphone* :
بلندگو، میکروفون.

میکرون *Micron* : مقیاس
کوچکی برای اندازه گیری اشیاء
کوچک.

میل *Mille* : اندازه طول که
مقدار آن به تفاوت در نقاط مختلف
فرق میکند.

میلیتاریسم *Militarismie* :
جنگ طلبی اعتقاد باینکه جنگ و همیشه
آماده بودن برای جنگ مهم‌ترین
وظایف یک ملت و عالی ترین خدمات
عامه است. در این مسایک خدمات
نظامی و لشکری در درجه اول اهمیت
دارد.

میلتر *militaire* نظامی،
عسکری، سپاهی، لشکری.

میلی گرام *milligramme* :
یک هزارم متر.

میم *mime* : در میان یونانیان
و رومیان قدیم به نمایشاتی گفته
می‌شد که در آن مؤلف اخلاق
و عادات مصطلح را تقلید میکرد و در
نمایش او اشخاص و حوادث حقیقی
بطور مسخره عرضه میشدند. امروزه
هم به هنر پیشه‌ای اطلاق میشود که با
حرکات صورت و دست و بدن
احساسات و عواطف درونی و یا حوادث
بیرونی را بیان کند.

هنر (میم) با سینمای صامت روبه
توسعه بود که ناگهان اختراع
سینمای ناطق بر آن لطمه زد.

از میم‌های امروز باید (چارلی
چاپلین) و (ژان لوئی) و (مارسل
مارلو) را نام برد.

میمیک Mimic: اطوار و ژست در حالت چهره هنر پیشگان سینما یا تئاتر هنگام بازی .

مین Mine: نوعی خمپاره و بمب های مخصوص که در محلی برای محافظت و دست نیافتن دشمن زیر خاک در سطح کمی قرار دهند تا هنگام لزوم منفجر شود ، نقب و سوراخ زیر زمینی که در آن مواد منفجره گذارند .

مینرالوژی Mineralogie: کانی شناسی ، علمی است که خواص فیزیکی و کیمیاوی اجسام ساده یا مرکب بی شکل و یا متبلوری را که در طبیعت موجود بوده و بنام مواد کانی موسوم شده اند مطالعه میکند
مینرو Minerue: ربه النوع فکر و صنایع در افسانه های یونانی و دختر (ژوپیتر) خدای خدایان .

مینروهاux Mineraux: مواد کانی اجسام ساده یا مرکب بی شکل و یا متبلوری که در طبیعت موجود اند .

مینوت Minote: مسوده مینوت ، پیش نویس .

مینوس Minos: بنا بر افسانه های یونانی فرزند زئوس خدای خدایان و اروپا دختر پادشاه فینیقیه که پادشاه کرت شد و بر اثر دادگری و قانون گزاری پس از مرگ بصورت یکی از خدایان ، یعنی قاضی ارواح مردگان درآمد .

میناتوریت Miniaturist: نقاش و تصویر نگاری که به سبک میناتور نقاشی کند .

مالتوزیانیسم Malthusianisme:

رابرت مالتوز دانشمند و عالم اقتصاد معروف انگلیسی در ۱۷۶۶ متولد و در ۱۸۳۴ درگذشت مالتوز رساله ای در باب جمعیت منتشر کرد . در این کتاب نشان داد که

جمعیت کره زمین به تصاعد هندسی افزایش می یابد حال آنکه مواد غذایی مورد نیاز بشر ، نمیتواند آن درجه یعنی بیش از نسبت تصاعد عددی افزایش یابد . لذا هنگامی بین جمعیت و میزان مواد غذایی میتواند تعادل حکمفرما باشد که عده کثیری از آدمیان از بین بروند مالتوز جنگها و قحطی ها و امراض مسری را از عواملی میداند که جمعیت زمین را همیشه در حدود معین نگه میدارد .

مجموعه نظریات او را در مورد جلو گیری از افزایش جمعیت کره زمین از طریق منع تولید و تناسل برای جلو گیری از کمبود مواد غذایی (مالتوزیانیسم) میگویند .

موزیک Musique: موزیک لفظ یونانی است که از کلمه موز Muse مشتق شده است .

موزها در افسانه های یونانی به الهه های هنر که دستیار و معاون آپولون خدای هنر بودند اطلاق میشد و موسیقی تحت نظر یکی از از موزها بنام (اوترپ = Euterpe) اداره میگردد .

در فلسفه قدیم یونان موزیک به معنای تعلیمات روحی بود و این کلمه در برابر ژیمناستیک *Gymnastic* که عبارت از تعلیمات و کیفیات مربوط به جسم است وضع شده بود ابتدا موزیک ، معنای وسیعی داشت و به شعر ، رقص ، غنم بیان ، دستور زبان و کلیه هنرهای زیبا ، اطلاق میشد ، فلاسفه یونان مانند فیثاغورث ، سقراط و افلاطون موسیقی را از سایر هنرها تفکیک کردند و آنرا از موثرترین عوامل پرورش روحی شمردند بعدها رومیها بجای موزیک یونانی لفظ انسانیت *Humanit* را بکار بردند و موزیک مطلقاً به صنعت تنظیم و ترکیب اصوات منحصر شد .

انسان تناسب و توافق اصوات را از الحان طبیعت مانند صدای آبشار و قطرات باران و نسیم باد و چمچه بلبل و چهار نعل اسب آموخت ولی بتدریج از تجزیه آهنگهای طبیعی اصوات مخصوصی انتخاب کرد و بآن اساس دستگاههای موسیقی را بنا گذاشت آنگاه بار دیگر بکمک ذوق و سلیقه خود ، اصوات را ترکیب کرد و آنجا موسیقی انسانی ساخته شد .

تاریخ پیدا ییش موسیقی بسیار قدیم است و آثار و شواهد آن از هفت هزار سال پیش در دست است هر یک از ملل باستانی اصول موسیقی را با اصطلاحات خاصی تدوین کرده و موسیقی در دوره های مختلف تحول بسیار داشت .

اما اصول و اصطلاحاتی که امروز در موسیقی معمول است از قرن شانزدهم میلادی به بعد وضع شد و مکتب کلاسیک که از قرن ۱۶ تا پایان قرن ۱۸ باقی بود هم زرقی در تدوین اصول موسیقی داشت .

مرو Morue: ماهی مخصوصیست که از کبد آن روغن استخراج میشود **لودیک**: دارای جنبه لودی به کلمه ملودی مراجعه شود .

مویولا Mouola: دستگاهی برای مونتاژ فیلم با اندازه تقریبی یک میز تحریر که در روی آن شیشه مات بابعاد ۷×۵ اینچ قرار دارد مونتاژ کننده که به فرانسه (مونتور) به انگلیسی (ادیوتور) و به روسی (مونتاژیست) خوانده میشود ، نوار (فیته) تصویر یا *Roughcu* را از یکسر و فیته صدای *Soung-Tracbel* را از سوی دیگر بچرکت می درآورد و تصاویر روی شیشه مات ظاهر میشود در حالیکه صدای آن نیز در همان موقع بگوش میرسد .

دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز شہادتنامہ های

فارغ التحصیلان ہوائی پوهنځی و ہوائی ښوونځی را

در کلوب عسکری توزیع فرمودند

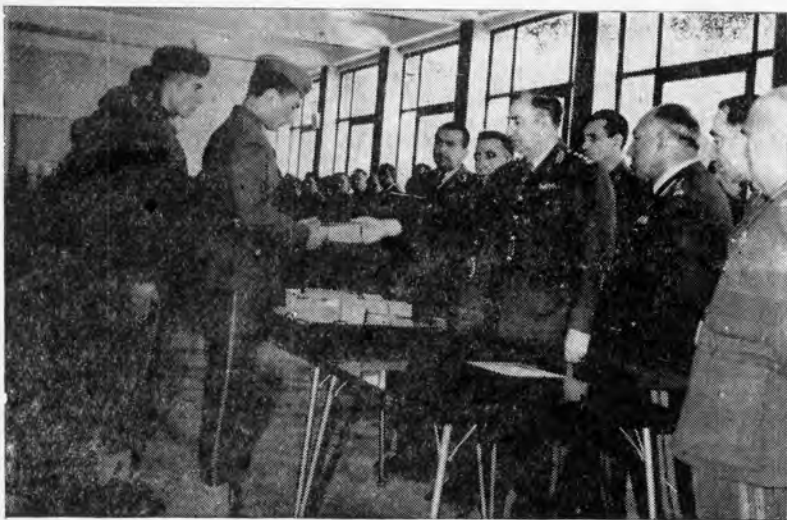
ساعت دو نیم بعد از ظهر دوشنبه ۱۶/۱۰/۴۷ محفلی جهت توزیع جوایز و شہادتنامہ های فارغ التحصیلان ہوائی پوهنځی و ہوائی ښوونځی در کلوب عسکری ترتیب گردیدہ بود کہ در آن ع.ع. ش. دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز کفیل وزارت دفاع ملی و ع.ع. ش.س.ع. دگر جنرال عبدالرزاق قوماندان عمومی قوای

ہوائی و مدافعہ ہوائی، جنرالان اردوی شاہانہ و یک تعداد از صاحب منصبان عالی رتبہ اردو. ہیئت تدریسی و اداری ہوائی پوهنځی و ہوائی ښوونځی حضور بہم رسانیدہ بودند پیش از آنکہ فارغ التحصیلان بہ ادای مراسم حلف مبادرت ورزید دگر جنرال عبدالرزاق قوماندان قوای ہوائی و مدافعہ ہوائی موفقیت فارغ التحصیلان و ہیئت اداری و تدریسی ح.پ.را تبریک گفتہ فارغ التحصیلان را بہ اہمیت و سنگینی وظایف آیندہ شان ملتفت ساختہ فرمودند برای اجرای وظایف محولہ و برای اینکہ حقیقتاً مصدر خدمات برجستہ شوید تنہا گرفتن شہادتنامہ و فارغ التحصیل شدن کافی نیست.

بلکہ پوهنځی دروازہ علم است کہ شما امروز از دروازہ علم داخل شدہ و لازم است با مطالعات آثاریکہ مربوط بہ مسلک تان است سویہ علمی خود را بجدی بلند بپزید کہ بالای وظایف محولہ حاکم و صاحب مسلک شوید.

حسن وطن پروری و شاہد دوستی مشعلی است کہ شما را براہ موفقیت رهنمونی خواهد کرد.

پس از ادای مراسم حلف برید جنرال عبدالمحمد قوماندان



دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز جنبکہ شہادتنامہ یکتن از فارغ التحصیلان را اعطا می فرمایند.

ہوائی پوهنځی و ہوائی ښوونځی ضمن بیانیہ خیر مقدم طرز جریان و سنہ تدریسی نتایج حاصلہ ہوائی پوهنځی و ہوائی ښوونځی را بیان از درجہ صداقت و لیاقت فطری و اکتسابی فارغ التحصیلان اطمینان دادہ حسن فداکاری و وطن پرستی و شاہ دوستی شان را تائید و تذکار فرمودند و از ښاغلی لوی درستیز خواہش نمودند تا شہادتنامہ و جوایز فارغ التحصیلان را باوشان توزیع فرمایند.

دگر جنرال غلام فاروق لوی درستیز کفیل وزارت دفاع ملی جوایز، مدال ها و شہادتنامہ ها را بہ مستحقین آن کہ توسط برید جنرال عبدالمحمد قوماندان ہوائی پوهنځی معرفی می شدند اہدا فرمودند. بعد از ختم شہادتنامہ ها و جوایز دگر جنرال لوی درستیز موفقیت استادان و محصلین ہوائی پوهنځی و ہوائی ښوونځی را تبریک گفتہ از اینکہ امسال یک تعداد فارغ التحصیلان جوان بہ اردو تقدیم شدہ است اظہار مسرت کردند.

ضمن بیانیہ قیمتدار شان فارغ التحصیلان را خطاب قرار دادہ فرمودند:

موفقیت امروز شما که نتیجه زحمات و تکالیف شبا روزی دوره تعلیمی تان بوده و به پایان رسانیدید به همه تان تبریک میگویم. بافارغ شدن شما قدم دیگری در راه انکشاف قوای هوایی و مدافعه هوایی اردوی شاهي افغانستان گذاشته میشود.

نخستین و بزرگترین مسئولیت شما را همین سوگند و عهد و پیمانی که چند لحظه قبل در محضر بزرگان، اردو بجا آوردید تعیین میکند. پیمانیکه بدرقه راه زندگی شما بوده و یقین کامل است که همیشه به آن وفا دار خواهید ماند. شما وقتی وظیفه خود را انجام داده و سوسن گفته میشود که به مسئولیت بزرگ و خطیر آینده خود مسبق باشید.

توصیه من برای شما همین است تازنده هستید در راه بدست آوردن علم از هیچ گونه مساعی و کوشش دریغ نکنید دائم راست کار باشید و راست بگوئید به انضباط و دسپلین اردو فوق العاده اطاعت داشته و

اهمیت قابل شوید بزرگان خود را احترام کنید و به مادیونان از راه مهربانی و شفقت پیش آمد نمائید. وظیفه خود را مقدس بشمارید و همواره افتخارات معنوی را نسبت به مادیات ترجیح بدهید.

به حقیقت و صداقت ایمان داشته باشید. پناغلی لوی در ستیز از زحمت کشی ها و مساعی قوماندانی قوای هوایی و مدافعه هوایی، استادان، معلمین و همچنان هیئات اداری قوماندانی هوایی پوهنخی تشکر فرمودند و در پایان بیانات خویش چنین افزودند:

خدای پاک بشما توفیق کامل عنایت فرماید تا در تحت قیادت اعلیحضرت معظم همایونی سر قوماندان اعلی اردوی افغانستان همیشه در راه حفاظت و طن و افتخارات تاریخی مصدر خدمات و فداکاری شوید محفل با ابراز شعار های زنده باد اعلیحضرت همایونی و پس از ادای لوی سلامی خاتمه پذیرفت.

سیرانگشاف اردو در مسیر تاریخ

(بقیه صفحه ۳۵)

ار و پائی بایک دسته از سیاهان افریقائی که با کارد و تفنگهای چقماقی مجهز میباشند مواجه گردیده اند.

عوامل اصلی جنگ در ۱۹۱۸ عبارتند از تکامل آتش انواع ماشیندارها توپ، بکار انداختن سلاح های

پس از زدو خورد های زیاد متخاصمین مجدداً مانند ۱۹۱۴ بجنگ های تعرضی اقدام میکردند، اما با این تفاوتی که اگر یک جنگ حقیقی

بین قوت های عسکری ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ بوجود می بیوست میتوانستند بگویند که: « یک عده از عساکر



رئیس جمهور فرانسه (مسیو پوانکاره) به جنرال ژفر مدال عسکری را اعطا می فرمایند.



عده ای از افراد پراشوتی حین تمرین دیده میشوند

کیمیای و طیارات میباشد. زیرا پس از ۱۹۱۴ بزرگترین مساعی اردوهای طرفین صرف «از دیاد قوت آتش» صنوف پیاده میگرددید و بالاخره بواسطه بمیدان کشیدن تفنگ، ماشیندار و بمب های دستی مقصود حاصل شد. در جنگ های تدافعی ماشیندار از نظر اسلحه دفاعی تأثیر عمده داشت. در جنگ های تعرضی تفنگچه ماشیندار و تفنگ ماشیندار از فرانسه خطرناکترین اسلحه های تعرضی گردید. وقتی پرسونل پیاده باین سلاح جدید مجهز گردید توانست که در موقع حمله جلو خود بساط حقیقی از آتش گسترده و سدی از گلوله در مقابل خویش بیا نماید. قدرت آتش توپخانه نیز با تناسبی بمراتب مخوفتر از افراد پیاده دایماً در افزایش و سابقاً اشاره شد

که از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ توپخانه چه ترقیاتی کرد و بحدی رسید که قوت های توپچی المان در ۱۹۱۸ فوق العاده تکامل نموده و حتی از مسافه ۱۲۰ کیلومتر مسافه پاریس را زیر بمباران قرار دادند و بعضی

از این مرمی ها توسط مواد سمی آلوده شده بود و در اثر استعمال آن گاز های خفه کننده و اشک تولید میشد و هم در ۱۹۱۷ گاز سمی ایپریت را استعمال نمودند و چون در اولین بار در ایپر استعمال کردند ایپریت تاسیده شد. این گاز بقدری مخوف بود که هیچ چیز نمیتوانست قبلاً وجود آنرا معلوم سازد و بتمام اشیا نفوذ کرده و سوختگی های دردناکی تولید مینمود.

فرانسویها نیز بنوبت خودشان موفق بساختن ایپریت شده و در ظرف ۷ ماه از آوریل تا نوامبر ۱۹۱۸ بیش از دو میلیون گلوله توپهای (۱/۵) را از این گاز پر کردند. گازهای مخوف بیولوژی یکی نیز اختراع شد. بگلوله های مسموم



حمله قزاقهای روس بالای عساکر المان که شجاعت آنها در تکتیک های جنگی مخصوصاً در صنف سواری تا حال نظیر آن دیده نشده است

آلت تخریب جنگ گردید .

گروپ های طیارات ماسور
مباردسان که روز بروز قوی تر و
بر عده شان میافزودند فقط خروارها
مواد آتش در بالای مراکز تجمع
اردوها و محل تحشد قوای توپچی
و دیو های دشمن میریختند، بلکه
طرفین دستجات طیارات قوت های پیاده
را تشکیل داده بودند که در نزدیکی
سطح زمین پرواز کرده و حملات
حقیقی هوائی بعمل آورده و بوسیله
ماشیندار بخطوط افراد پیاده، توپ
خانه و ذخایر یکدیگر فیر می نمودند
تا عملیات آنها را در موقع خود فلج
سازند .



عساکر فرانسوی حین تصرف خطوط مدافعه سر بازان المان

مسئولوی ژیله *M. Louis Gillet*
فرانسوی از نویسندگان است که
خود نیز در جنگ بزرگ شرکت
داشت گوشه از حرب اول جهانی
(اشغال سون کمل *Mont Kemmel*)
را چنین توضیح میدهد:

در ۲۵ آوریل ۱۹۱۸ در ساعت
دو-وسی دقیقه حملات آلمانی شروع
شد حملات قوت های مزبور از نوع
حملات اردن ولی بقدری قاعرو
قوی که بوحشتنا کترین حملات
نابود کننده در اردن فوق العاده
برتری داشت کلیه قوماندانان
بزرگی که در جریان حرب اول

های متحرکی با سم (میتورفر) (بمب)
انداز (سبک که بالای چرخ قرار
داده شده و توپهای سبک معروف
به توپهای پیاده اختراع نمودند
که مستقیماً به جز و تام های پیاده
مربوط میشد و تاروژی که عرابه
های (رنو) متفقین وارد میدان جنگ
شد بهترین طرز جنگ بود .
بعد از دخالت تانکها دخالت
طیاره صنعت اصلی جنگهای ۱۹۱۸
را تکمیل می سازد .
طیاراتی که تا آنوقت اسلحه ضمیمه
و معاون توپچی و وسیله تحقیق و
اکتشافی بود در ۱۹۱۸ مخوفترین

گلوله های مولد دو که یک مد
مصنوعی ایجاد میکرد اضافه گردید
و بنابراین جنگ در یک فضای تاریک
و هوای غیر قابل تنفس جریان
پیدا میکرد و عساکر مجبور بودند
که در تمام جنگ ماسکه های گاز
استعمال کنند .

برای اینکه افراد پیاده بتوانند
از منطقه خندقها (و صحرای پراز
گودالهای عمیقی که بر اثر فیر توپ
روزانه تشکیل شده بود) عبور نمایند
هر اردو جدید نموده بود که یک
توپخانه قوی داشته باشد که با همان
سرعت حرکت افراد پیاده جلو برود،
متفقین برای این منظور از سمپتامبر
۱۹۱۶ شروع با استفاده از عرابه های
هجوم یا تانکها نمودند .

اما تانکهای اولیه که سنگین و
آهسته حرکت میکرد چندان رضایت
بخش نبود. حل مسئله پس از ساختن
تانکهای سبک و سریع (رنو) میسر
گردید و عرابه های مزبور را از
۱۹۱۸ بکار انداختند . آلمانیها که
منکر خاصیت تانکها بودند فقط عده
معدودی ساختند و در عوض توپ



تانکها برای اولین بار در حرب دوم جهانی استعمال گردید
و درین فوتو گوشه از فعالیت قوای زره دار را نشان میدهد



قیصر المان، هیتلر و گولودندرف در قرارگاه پلن دیده میشوند

آلمان در مراحل اول جنگ باوصفی که پیروزی های شایانی بدست آورد اما با آنهم نتیجه موفقیت در جنگ بین المللی اول نصیب اردو های متفقین گردید بالاخره قوت های العالی شکست و در معاهده روسای المان همه آرزو های خود را از دست داد. (باقیدارد)

صبح روز بعد در دامنه های کوه «مون کمل» لغت و برهنه مثل منظره پس از حریق اما وحشت انگیز بنظر میرسید. بهمین اساس با از دیداد آتش مختلف سلاح و اختراعات نوین تکتیک و پرنسیپ های گوناگون نیز در ساحه حرب مورد استعمال قرار گرفت و درین جریان اردوی



قیصر المان در میدان جنگ کالیسی شرقی دیده میشوند

بالهای عظیم طیارات دیده می شد که بر فراز دود و ابر و گرد و خاک دور میزدند و مانند مرغهای دریایی بود که روز طوفانی در سطح اوج پرواز مینمایند، تنها در فضای يك فرقه بیش از هشتاد عدد ازین طیارات را توانستند بشمارند.

جهانی اشترک داشتند موافقتند که تا آنوقت یک چنین تراکم و تجمع مخرب از آتش ندیده بودند. یکی از خصوصیات آن استعمال عده بیشمار گلوله های مسموم است خاصیت این گازها شبیه ایپریت بود که زمین را آلوده ساخته و آنرا تا یک مدتی غیر قابل سکونت سازد. بلکه این گازها نتایج سریع و موقتی داشته و باعث زحمت زیاد برای تنفس و تولید خفقان قلب و سردردی عجیب میگردد. این بخار موزی و خطرناک مخصوصاً در موضع های آتش قوت های توپچی استعمال شده و پرسونل آنها را به مشکلات زیاد سر دچاره می ساخت و این افراد مجبور بودند

تا ساعت همامسکه گاز استعمال نمایند در ساعت سه آتش توپچی المان، بعد اعلامی شدت خود رسید و در هر دقیقه صدها مرتبه می فیر میشد در ساعت شدت این آتش وحشتناک بعدی رسید که بزودترین فرصت اعدام جزو تمام های خطوط اولیه را تکمیل ساخت. متعاقب آن یک طوفان شدید ماشیندار های خفیف و ثقیل کوه را از ابر های سرب مستور نمود آخرین و شاید موخش ترین مهلکه این بود که بتمام این آتشیهای زمینی آتشیهای هوایی ضمیمه گردیده یک حمله مخوف از طیارات مثل یک قطار صنف سواری از طوفان نفرها را از نزدیک بقیر ماشیندار بسته بین قوت های عقبی وحشت و گلوله میریخت و فکر و عقل را متزلزل می ساخت در تمام روز

م و خو اندگان

بناغلی امان الله «لعیمی» از میر ویس میدان
نامه شماره ۱۷۰ را خواندیم از ما پرسیده
بودید که آیا طریقه عامی برای کشف
(۱) مضاهای تقلبی) وجود دارد یا نه
و چگونه میتوان بین امضای اصلی
و امضائی که از طرف یک شخص جعلکار
ساخته میشود علماً فرق گذاشت؟؟
دوست عزیز! سوال مشکلی از ما
پرسیده بودید با وصف آن بخت باشما
و مایاری کرد که شماره های مجله
سخن علمی بدسترس ما رسید و در آنجا
مطلوبه شماره را یافتیم اینک با اجازه تان
مطالب لازمه را از شماره ۴ مجله
مذکور با کمی تصرف اقتباس و
بمعروض مطالعه خوانندگان ارجمند
مجله را ردو می گذاریم:

« یکنفر تحویلدار صفری به جمع
کل مبلغ صورت حساب می افزاید
و در زیر ورقه امضاء رئیس را جعل
می کند، با این عمل مبلغ زیادی
بجیب میزند و برای اینکه اسباب
سوءظن کسی نشود همچنان بخدمت
خود ادامه میدهد و دست بیول دزدی
نمی زند و وقتی برای دومین بار اینکار

تکرار می شود مأمورین که از کارش
خبر شده بودند او را تسلیم محکمه
می کنند، تحویلدار جعل امضاء را
انکار میکند و دستاویز علمی برای
محکمه کردنش در دست نبود؛ گر
چه کارشناسان مطابق نمونه امضاء
را با امضای رئیس تصدیق میکردند
ولی در عین حال معتقد به شباهت فوق
العاده آنها بودند.

دانشمندان طبیعی و روانشناس
نیز دعوت شدند از جمله دانشمند
فرانسوی «ادموند لو کارد» یکی از
بزرگترین امضاء شناسان جهان و
چندتن از معاونین موصوف درین راه
ببازی شتافتند و دستگاههای الکترونیکی
بکار برده شد تا جواب مطمئنی بدست
آید ولی هیچکدام مفید نیفتاد. در این
موقع افسر جوانی بنام «روپرت آلبو»
که فارغ التحصیل حقوق و ریاضیات
بود باین فکر افتاد که با کمک
ریاضیات و هندسه بجواب قاطع صدر
صدی برسد.

او از میان امضاء مجور مختصاتی
ترسیم کرد و آن را بدو قسمت مساوی

تقسیم نمود و اجزاء امضاء را در
طرفین خط تقاطع جزء بجزء مورد
مطالعه قرار داد پس از تجزیه اجزاء
امضاء معمول به مطالعه امضاء اصلی
پرداخت و دید که این دو با هم اختلاف
زیادی دارند و این دو امضاء از یک نفر
نیست. در اینجا نقطه دید متفاوت
است و بدین ترتیب زاویه دید اختلاف
دارد اگر در حالت قرار گرفتن شد
در هنگام امضاء خطی از چشم به صفحه
کاغذ و خط دیگری از بینی به زرخ رسم
کنیم زاویه حاصله از حالت یکنفر با
زاویه حاصله از دیگری کاملاً فرق
دارد و وقتی که از دو تصویر یکنفر
خطوط مستقیم رسم کنیم میتوان مسلم
دانست که این خطوط از آن یکنفر
است و با یکدیگر فرقی ندارد ولی
با خطوطی که از شخصی دیگر در همان
حالت رسم شود منطبق نیست. این
آزمایش در مورد صد هانفر که شباهت
ظاهری زیادی داشتند تأیید شده است
بدین ترتیب، محکمه جعلی بودن
امضاء را تأیید و حکم محکومیت
تحویلدار را صادر کرد.

دز انگو لوست

زویه! خدای دی لوی کړه چه پالنه دخپل قام و کړي
 لویه شهکاري په لار دننگ او داسلام و کړي
 زه بښه په لسو کښی در کوم د قر بانی سبق
 خوسره په جلی قلم دی ښکلی د غیرت ووق
 بخار دی شم، باید چه می ددی لوست احترام و کړي
 زویه! ته پښتون ئی، پښتانه تر زمر و کم نه وي
 تل خم د ناموس خودي، هیخ دبل یوشی به غم نه وي
 بیانی چه په مینه دا ملی خدمت مدام و کړی
 ستاله آیندی نه ز مونږ دیر، دیر امیدونه دي
 لکه در په غاړه د وطن لوی، لوی کارونه دي
 نن دی زنگوم سپاه کښه تری آرام و کړي
 غه شول چه نن زوی ئی در تلونکی وړخي پلار ئی ته
 دلته چه لوئیری د همدی خاوري په کار ئی ته
 پوه نه شی که بیاد تاریخ سرو پانوته پام و کړي
 بری نزدی همت، خیر دی که هر غو ناز ولی ئی
 لکه د غیرت په (سوزنی) می کښک تړلی ئی
 فخر به د قام شی که چرئت ته اهتمام و کړي
 نه به دا شودی، زما، هله پر لمان حلالي کړي
 دا د وطن شاری، چه دست په زور ودانی کړي
 حس د رقابت سره که شاق خواته پام و کړي
 ای بچه! گوره چه می هیر دا نصیحت نکړي
 لمان چه دی نیکونوته په گور گڼی خجالت نکړي
 تل فدا کار یوته په تینگ عزم ا فدام و کړي

نامه شمارا از پوسته گرفتیم
 و مضمون مختصر و جذاب! تان را
 که در باره زمستان قلم فرسائی شده بود
 خواندیم اینک چند سطرى از آن
 جذبات پر شور!! شمارا در اینجا بچاپ
 میرسانیم:

«برفها به تندى باریدن میکنند»
 واقعاً عجیب است که درین فصل
 زمستان برف نیارد و آنهم به تندى!!
 «من و تفنگم در زیر بمبارد مان
 این مرمی های آسمانى قرار گرفته ایم»
 لطفاً مراقب تفنگک تان باشید که آن
 را زنگک نزند!

«و هر لحظه شوق وطن دوستی
 برایم گرمی می بخشد» خوشا بحال
 تان که چنین بخاری مفت و ارزان را
 پیدا کرده اید!

«ودلم میخواهد دایم پهمره دار
 باشم و پهمره کنم» این آرزوی بزرگ
 را بشما تبریک می گوئیم و امیداست
 قومانندان تولى شما این مطلب را
 مطالعه کرده و شما را پهمره دار
 دوسانه معرفی فرماید.

«اما چند روز بعد بهار می آید
 و برف هادور میشود و طبیعت چهمره
 خود را تغییر می دهد» مثل اینکه از
 پهمره کردن دائمی پشیمان شدید
 زیرا وقتیکه بهار آمد و طبیعت چهمره
 خود را تغییر داد البته شما هم چهمره
 خود را تغییر می دهید و موضوع پهمره
 کردن نیز باید تغییر داده شود.

بهمه حال امیدواریم زمستان
 گرم شما بیش ازین ما را سرد نسازد.
 و اینک می پردازیم بجواب
 لمړی بریدمن جلندر آمر بطری چارچ
 از قوای مدافعه هوائی که یکنفل
 مفصل اثر طبع مبارک را بما فرستاده اند
 و تقاضای طبع آن را فرموده اند.

ما ضمن تشکر از همکار یهای ایشان که با شعر آبدار! و جدید خود
 فصل تازه ای در ادبیات دری ما کشف کرده اند!! چون نشر تمام غزل
 برای ما میسر و مقدور نبود تنها به چاپ چند بیت آن اکتفا می ورزیم:

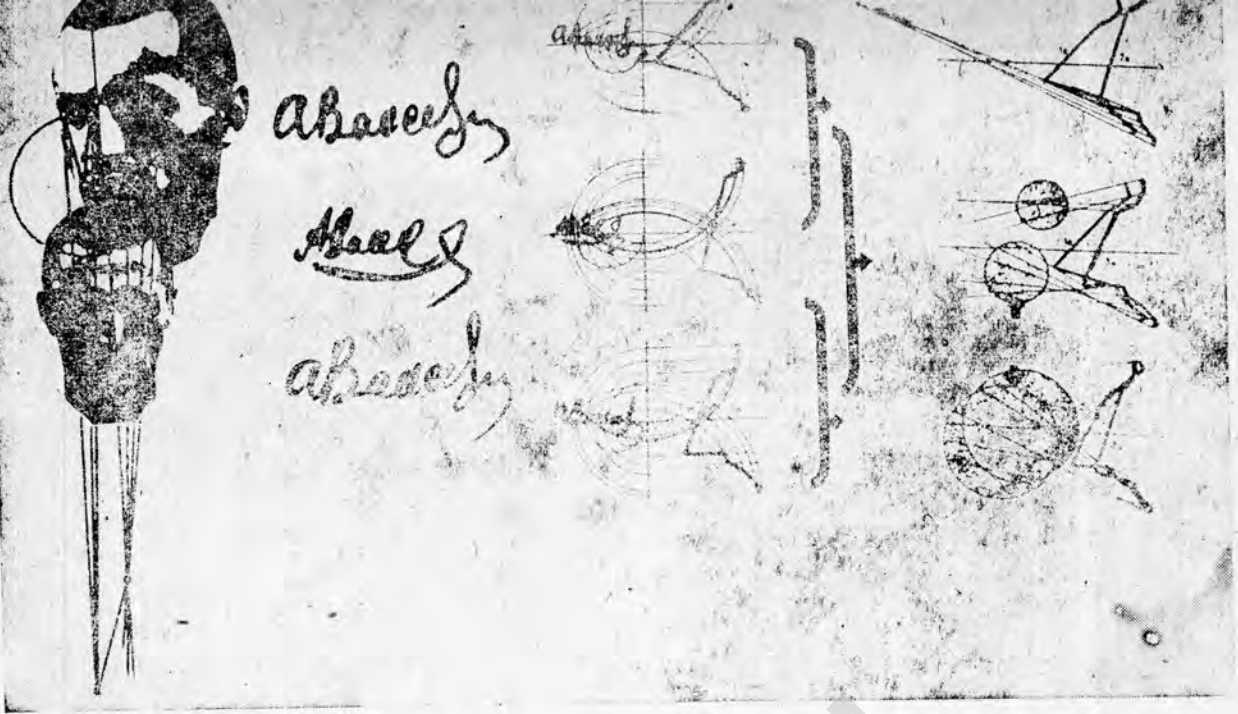
ای عسکر باشان چوشیر خواهم بلند نامت سپهر
 کامیاب باشی ای دلیل آواز نامت ما؟ ومهر

واقعاً احساس، شما و فشار یکه بالای سلسله اعصاب خویش وارد
 آورده و چنین وزن و قافیه و معنی و بیان را ابتکار فرموده اید از نگاه
 ما قابل تحسین است!!

ما سریدان شما همیم!؟ جان ما هم نیست گران
 صد گران باشد برای خدمت خاک است (نیر)!

و بیت معروف شعر تان را که در حقیقت معراج غزل شما است برای
 نمونه می نویسیم:

شاد باشید جان فدایان خوشمانی؟ قربان شدید
 بیشک از نسل شریف راه شرافت رفته زیر



۱- تفاوت زاویه دید دو نفر شبیه بهم. ۲- سه امضاء از دو نفر که امضاء اول و دوم با وجود عدم شباهت اول يك نفر و امضاء اول و سوم با داشتن شباهت بسیار از دو نفر مختلف است. ۳- تجزیه امضاء بطریق هندسی و از روی محور مختصات دکارتی. ۴- ترسیم دقیق علمی امضاءها بطریق هندسی: درس ۱- امضای يك و دو شکل ۳ با وجود شبیه نبودن امضاءها به يك نقطه منتج میشود. درس ۲ و ۳ بعلم تفاوت زاویه دید خطوط از هم دور می روند. حتی با وجود آن که امضاء او ۳ شبیه هستند.

دوهم بریدن محمد ا کلیل ابوی مسعود خیل از نهرین !

مضمون شما تحت عنوان (در حرب معاصر تجلیل و تدقیق سیاست ممالک معظم در جنگ ویتنام) بد فتر مجله اردو رسید بعقیده ما این مطلب بزرگی که بنا به نوشته شما از عوامل مختلف اید ثلوث یکی و سیاسی و اجتماعی و نظامی سرچشمه می گیرد و در عین حال ممالک معظم جهان در آن مهم دارند باین آسانی تحلیل پذیر نخواهد بود و اگر باد و صفحه مختصر نوشته شما هم تحلیل گردد باز هم قناعت بخش نیست و شکل فهرست را بخود می گیرد نه تحلیل را. بنابراین از نشر مضمون مذکور بدینوسیله معذرت خواسته کمک های دیگر شما را انتظار داریم.

بهاغلی علم حسن زاده پوپل .

نوشته شما را زیر عنوان (مادر یک خانن) که بنام (مدیر صاحب عمومی نشریات مطبوعه مقام محترم

ستر درستی (ارسال شده بود خواندیم ملاحظه فرمایید که شما مضمون خود را بهمه جافر ستاده اید نه به مجله اردو بر علاوه چون نوشته شما از کدام کتاب و یا مجله خارجی اقتباس شده بود و آن را (تتبع و نگارش) قلمداد فرموده بودید عجزاً نتوانستیم به نشر آن اقدام کنیم با عرض حرمت .

غ محمدجان تورن دقندهار دنمبر ۱۵ قوا و خغه !

ستامو نظم ! د (پیشون رخ) تر عنوان لاندی ، اردو مجلی ته را و رسید او دخیمنی ادبی معاذیر و له مخه دهغه په نشر سو اقدام نشو کولای په درناوی .

بهاغلی عبدالسلام مامور از غزنی !

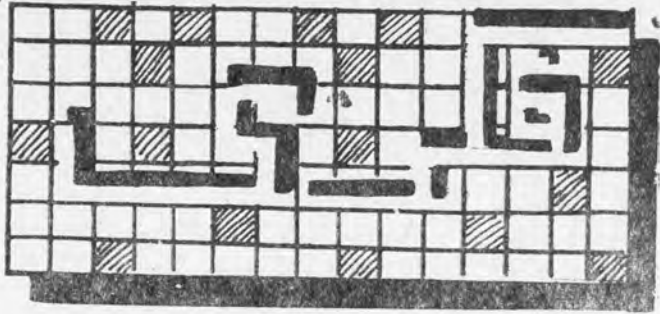
نوشته اید که درین اواخر شور شاعری دامنگیر دماغ ! تان شده يك رباعی تازه سروده اید و آن را لایق مجله اردو ! دانسته و بغرض نشر باین مدیر بت ارسال فرموده اید . دوست عزیز ! ما از خداوند بشما

همکاران برجسته و شاعرانی که شور شاعری بالخاصه دامنگیر دماغ مبارکشان میشود توفیق فراوان می طلبیم شعر جانب و یا بقول شما رباعی تازه تان را بدقت خواندیم و واقعاً ازین همه ذوق ! و هنر و احساسی که از دماغ شما تراوش کرده و صفحات مجله ما و دماغ خوانندگان را معطر میسازد لذت بردیم حالا می آئیم باصل مطلب یعنی نشر رباعی دماغی تان :

من وطن خود را دوست دارم
چون شیر آماده حمله ام
چشمان من خون می بیند
و دایم متوجه دشمنانم

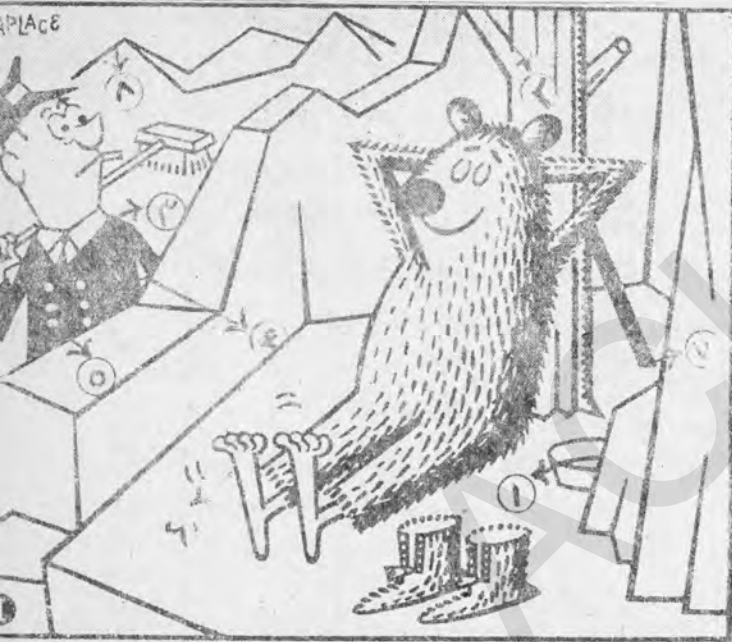
امیدواریم بهاغلی عبدالسلام مامور محترم که چشمانشان خون می بیند و دایم بدشمنان توجه دارند ما را خیال دشمن نکنند و لا اقل توجهی نه از آن توجهات دشمنانه بلکه توجه دوستانه بما و دیگر دوستداران آثار ادبی شان مبذول فرمایند .

مشغولیت‌های



ترتیب
و
ترتیب
تالقاتی

حل کنندگان مشغولیت‌های فکری شماره قبلی



محمد دین (عیان)



محمد طاهر



حسین (نویدی)



سیدخان شاه (افضلی)

متعلم صنف ۹ لیسه غازی

شیر حبیب (خادم)

جلال (فایض)

ریاست تکنیک



و همچنان فریده از صنف سوم مکتب ابتدائیه بریکوت
محمد ولی متعلم صنف چهارم مکتب بریکوت عبدالصبور صنف سوم
ب دهاتی نجر امان الله صنف هفتم، بن بیاضلی جمیل «محمود»
بدالغنی از مطبعه عسکری، جهانگیر از مطبعه عسکری
قله گلالی و پیغله شکوفه از لیسه ملالی، بیاضلی محمد امین
لیسه نادریه محمد حنیف از صنف هشتم متوسطه قرغه‌ئی میباشد.

حل هشت اختلاف شماره قبلی: که اینک درین دو فوتو
به ظاهر آهایم شباهت دارند توسط عدد نشان داده شده است

حل معمای شماره قبلی :

اگر در ساعت ۱۲ شب باران می بارد آیا ممکن است که ۷۲ ساعت بعد هوا آفتابی شود؟

جواب-خیر زیرا بعد از ساعت ۳ شبانه روز بازهم ساعت ۱۲ شب خواهد بود .

جواب چیستان شماره گذشته

شیرین کاخیست حجره رفته در او يك دانه مستطیل ناسفته در او یا دهلیزیست اندرون کرد سفید باسینه چاك خسته ای خفته در او جواب این چیستان خرسا میباشد

تفسیر بیت خاقانی

پوشیده فلک بدست لابلاس
جوزام بخوشه ای سیه داس

این بیت در اینجا اصلا غلط نوشته شده است، خاقانی در اینجا رشد خود و ریش در آوردن خود را بیان کرده است لابلاس ترکیب عربیست و اصل آن لابلأس است یعنی باکی نیست و ترس نیست بآس عربی را که بوزن رأس و بمعنی ترس و بیم و باک فارسیست گاهی و مخصوصاً در

شعر باس (ببوزن داس) تلفظ کرده اند چنانکه کأس عربی را هم در فارسی کاس و کاسه گفته اند جوزا در اینجا کنایه از دو گونه و دورخ است زیرا که صورت فلکی جوزا در فارسی دوپیکر گفته اند.

و آنرا بدو خوشه ترجمه کرده اند و این که خوشه آورده باین جهت است اما سیه داس قطعاً غلط است و این که بعضی تو جیه کرده اند که مراد از سیه داس ریش سیاه است که بشکل داس در چانه ای مرد ها دیده می شود درست نیست و اصل آن سیه آس بوده است آس درختیست از جنس شمشاد دکه بآن مورد هم می گویند و بر گهای کوچک باریک

دوفوتوی فوق در ظاهر باهم
بکلی شباهت دارند اما اگر بدقت
ملاحظه گردد چند اختلاف در آنها
موجود است در صورتیکه موفق شدید
لطفاً جواب این اختلاف را با معما ها
و سرگرمی هائیکه ترتیب میدهمید به
آمریت مجله اردو بفرستید .

برنگ سبز تند دارد که موهای ریش را خاقانی بآن تشبیه کرده است پس این شعر در اصل این طور بوده است .

پوشیده فلک بدست لابلاس
جوزام بخوشه ای سیه آس

یعنی روزگار بدستی که ترس و بیمی در آن نیست جوزای مرا که مقصود دو گونه باشد بخوشه ای سیاه درخت آس که مقصود مو های ریش باشد پوشانده است .

لطفاً این معما را حل کنید

در یک شهر سرخپوست نشین با جمعیت ۲۰۰۰۰ نفر ۵ درصد مردمش دارای یک پامیباشند نصف باقیمانده بدون کفش راه میروند آیا میتوانید بگوئید چند کفش در شهر پوشیده میشود؟

لطفاً جواب این چیستان را بگوئید

اژ دهائی که خارپشت بود
حرفهایش بسی درشت بود
میخورد روزی همه مردم
دهنش در میان پشت بود

لطفاً این بیت سعدی را تفسیر کنید

اینک عسلی دوخته دارد مگس نحل
شهد لب شیرین تو ز نور میان را



توضیح ضروری

خلاصه سیرا نوح

مرحوم

حاج عبدالموسوی

دگرمن احتیاط



مرحوم در سنه ۱۲۹۷ شمسی در چهاردهی کابل تولد یافته بعد از تحصیلات مقدماتی شامل قوماندانی حربی بنوونخی گردیده و پس از فراغ حربی بنوونخی بقوماندانی حربی پوهنتون داخل و در سال ۱۳۲۳ بحیث بلوکمشر نشئت و در بست فرقه اول مقرر شده در سال ۱۳۲۶ برتبه بلوکمشر اول ترفیع و در سنه مذکور غرض تحصیلات عالی به هند اعزام و حین عودت به بست ح بن مقرر در سال ۱۳۲۷ از بست ح بن بریاست ارکانحریه عمومی تبدیل گردیده در سال ۱۳۲۸ برتبه تورتی ترفیح نموده در سال ۱۳۳۱ به غنڈ دافع هوا قوایم مرکز تبدیل و در سال ۱۳۳۷ برتبه جگرنی نائل و در بست قوماندانی قوای پکتیاء تعیین شده و در سال ۱۳۴۳ برتبه دگرمنی ارتقاء جسته و در بست قوماندانی فرقه ۱۱ ننگرهار مقرر شده و در سال ۱۳۴۵ در بست احتیاط پذیرفته شده است. نشانهای که در ادوار ماهوریت خویش اخذ کرده است.

۱ - مدال ورتیاء برنز

۲ - « » نکلی

۳ - « » رشتین نکلی

به تاسف اطلاع گرفتیم که دگرمن مذکور به اثر جراحی که برداشته بود به عمر (۵۰) سالگی بتاريخ ۸-۱۱-۱۳۴۷ در شفاخانه ابن سیناء داعی اجل را لبیک گفته پدروود حیات نمود. (انالله وانا الیه راجعون)

وزارت دفاع ملی از فوت دگرمن موصوف که یکی از صاحبمنصبان تعلیم یافته اردو بوده متأثر و متالم گردیده از بارگاه خداوند یکتا برای خود مرحومی طلب مغفرت و برای بازماندگان صبر جمیل میخواهد. آمین

آمریت مجله اردو از عموم قطعات و موسسات اردو و مشترکین خویش صمیمانه خواهش مینماید تا مراتب آتی را لطفاً بدقت مطالعه فرمایند :

۱ - برای اینکه در فرستادن مجله اردو سر از سال نو ۱۳۴۸ کدام سکتگی و تاخیر رخ ندهد لطفاً لست مشترکین سال آینده را هر چه زودتر و اعظمی تا ۱۵ اوت ۱۳۴۷ بآدرس آمریت مجله اردو در مطبعه دفاع ملی ارسال فرمایند زیرا برای تنظیم پلان سال آینده و تعداد طبع مجله این کار بسیار ضروریست و هرگاه لست مشترکین بتاریخ فوق الذکر بمانرسد مجلات ماه حمل ۱۳۴۸ شمارا فرستاده نمیتوانیم و کنکسیون تان ناقص خواهد ماند و بر علاوه بمشکلات ارسال و مرسل مکاتیب و شکایات طرفین مواجه خواهیم شد.

۲ - حق الاشتراک مجله اردو

را بحساب (۷۰۹۰۱) در نمایندگی های داغناستان بانک مانند سابق تحویل و آویزهای بانکی را بعد از ارسال لست مشترکین بارسال خواهید فرمود.

۳ - مراتب و شرایط اشتراک

قبلاً ذریعه مکاتیب رسمی ارسال گردیده و مطابق آن اقدامات لازمه لطفاً مراعات خواهد شد.

AFGHAN ARMY REVIEW

Address: De Urdu Mudjella Kabul · Afghanistan

Subscription rate for foreign countries: 5 dollars

March 1969

Tel. 24574

یوه لسم گڼه د ۱۳۴۷ کال - د سلواغه میاشت

د تاسیس کال ۲۱ حمل ۱۲۹۹

۲۴۵۷۴

تېلفون

آدرس: افغانستان - کابل - وزارت د دفاع ملی - ستر درستیوز
مجله اردو مدیریت عمومی نشریات

د ملی دفاع مطبعه

